
ترجمه
الغدیر
عبدالحسین امینی
جلد ۱


بسم الله الرحمن الرحیم

ترجمه الغدیر

نویسنده:

علامه امینی (ره)

ناشر چاپی:

بنیاد بعثت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ترجمه الغدير – جلد ۱

مشخصات كتاب

سرشناسه : امینی عبدالحسین ۱۲۸۱ - ۱۳۴۹.

عنوان قراردادی : الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب .فارسی

عنوان و نام پدیدآور : الغدیر / عبدالحسین امینی ترجمه محمدتقی واحدی؛ زیر نظر علی‌رضا میرزامحمد.

وضعیت ویراست : [ویراست ۲].

مشخصات نشر : تهران : بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر ۱۳۸۷

مشخصات ظاهری : ۱۱ج

شابـک : دوره : ۹۶۴-۳۰۹-۳۶۶-۲ ؛ ج. ۱ : ۹۶۴-۳۰۹-۷۳۷-۴ ؛ ج. ۲ : ۹۶۴-۳۰۹-۷۶۸-۴ ؛ ج ۳ : ۹۶۴۳۰۹۳۶۴۶ ؛ ج ۴ : ۹۶۴۳۰۹۳۶۵۴ ؛ ج. ۵ : ۹۶۴۳۰۹۷۳۹۰ ؛ ج. ۷ ۹۶۴-۳۰۹-۷۵۴-۴ : ؛ ج. ۸ : ۹۶۴۳۰۹۷۵۶۰ ؛ ج. ۹ ۹۶۴-۳۰۹-۳۸۴-۰ : ؛ ج. ۱۰ : ۹۶۴-۳۰۹-۷۲۰-X ؛ ج. ۱۱ : ۹۶۴۳۰۹۷۶۹۲

وضعیت فهرست نویسی : فاپا(چاپ‌دوم/ برون‌سپاری)

یادداشت : هر جلـد کتاب مترجم خاص خود را دارد. مترجم جلـد دوم محمـدتقی واحـدی، علی شـیخ الاسـلامی، جلـد سوم جمال موسوی، جلـد چهارم محمـدباقر بهبودی، جلـد پنجم زین‌العابـدین قربانی، جلـد شـشم محمـد شـریف‌رازی،جلد هفتم و هشـتم اکبر ثبوت، جلد نهم و دهم جلال‌الدین فارسی، جلد یازدهم جلیل تجلیل است.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : ج. ۲ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۳و۴ (چاپ اول: ۱۳۸۵).

یادداشت : ج. ۲، ۳، ۶، ۷، ۸ و ۱۰ (چاپ دوم: ۱۳۸۷).

یادداشت : ج. ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۷ (چاپ اول: ۱۳۸۶).

یادداشت : ج. ۸، ۱۱(چاپ اول: ۱۳۸۶)(فیپا).

یادداشت : ج ۹ ۱۰ (چاپ اول ۱۳۸۵).

یادداشت : ج. ۹ (چاپ دوم: ۱۳۸۷).

یادداشت : عنوان روی جلد: ترجمه الغدیر.

عنوان روی جلد : ترجمه الغدیر.

موضوع : علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- اثبات خلافت

موضوع : غدیر خم

شناسه افزوده : واحدی محمد تقی مترجم

شناسه افزوده : میرزا محمد، علیرضا، ۱۳۲۵-

شناسه افزوده : بنیاد بعثت. مرکز چاپ و نشر

رده بندی کنگره : BP۲۲۳/۵۴/الف۸غ ۴۰۴۱ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۵۲
شماره کتابشناسی ملی : م۸۴-۱۹۶۷۲

یک نامه و یک مقاله

یکی از رادمردان مصر و شخصیت های بارز آندیار، استاد بزرگوار و شاعر زبردست و عالیمقدار ". الاهرام " آقای محمد عبد الغنی حسن مصری که در عداد شعرای " الغدیر " نیز نامبردار است کتاب " الغدیر " را با سخنان نغز خود آرایش داده.
مقاله مزبور نموداری از مراتب دانش و ادب این استاد گرانمایه است که مقام ارجمند علمی و شخصیت بزرگ او را نشان میدهد.
این مقاله مشعر باین نکته است که ادیب ارجمند مذکور دارای روحی حساس و نیروی دراکه بسیار و متصف بازادی فکر است، و هدف او پیوسته کوشش در راه سربلندی امت اسلای و توحید کلمه و نشر و اشاعه علوم حقیقی (که سرمایه ایست بی نیاز کننده) و فراهم ساختن موجبات گردن نهادن اقوام و ملل جهان در مقابل حقایق منزه اسلام است.
ما عین نامه و مقاله معظم له را توام با سپاسگزاری و تقدیر از قلم توانا و سخن متین او درج و زندگی سعادتمندانه و موفقیت ایشان را از خدای متعال مسئلت مینمائیم.

[صفحه ۲]

اینک ترجمه عین نامه

قاهره ۷ ربیع الاول ۱۳۷۲ و ۲۵ نوامبر ۱۹۵۲
دانشمند بزرگوار و استاد جلیل القدر آقای عبد الحسین احمد امینی
السلام علیکم و رحمه الله و برکاته - بعد از ادای سلام و احترام. لحظات کوتاهی دست داد که سلامتی موقتی و ناپایدار خود را در آن احساس و بررسی مختصری در قسمتی از کتاب شما " الغدیر " برایم میسر شد.
با مطالعه ناچیز خود اذعان میکنم که سخن هر قدر هم بزرگ شود در برابر این کتاب ناچیز است
چقدر دوست داشتم که عافیت و تندرستی که از من رو گردانده مرا یاری میکرد تا بررسی بیشتری در این کتاب مینمودم و بغدیر شما وقوف بیشتری می یافتم : تا بتوانم در قبال این عمل بزرگ شما در خور آن مطالعه و تحلیل نمایم. چکنم ؟ عذرم همان عدم استقامت مزاج است که همعنان من است، و بالاتر از معذرت من بخشش آنجناب است که با پذیرش سخنی چند تحت عنوان (در سایه های غدیر) هر نوع مقتضی میدانید امر بنشر آن فرمائید.
بهترین پاداش و توفیق شما را در انجام این خدمت مهم که موجب نیرومندی ملت مسلمان است از خدای متعال درخواست مینمایم.
محمد عبد الغنی حسن

[صفحه ۳]

در سایه های غدیر

سایه ها این تعبیر از قبیل پاره احساسات شاعرانه یا تمایل عواطف ناشیه از تخیلات نیست. این کلمه از میان پراکندگی های خیالی و یا از خاطرات یک روح ناتوان ناشی نشده این یک حقیقت بارزی است که در جبهه حقایق با چهره روشن و واقعیت نمایان است. آری، سایه های روح پرور غدیر برای خواننده این کتاب فرح بخش و دلنشین است. شما در نظر خود این معنی را مجسم و تصور کنید : یک مسافر که در دشتی پهناور و بی انتها سرگردان گشته باشد و اشعه سوزان آفتاب و گردبادهای شدید و سهمناك او را بتنك آورده باشد. در آنهنگامی که از رنج بسیار سستی و ناتوانی بر او مستولی شده بناگاه منظره مصفائی توجه او را جلب کند و پس از گامی چند خود را در یک باغ خرم و زیبا و در زیر سایه درختان سر سبز و طرب انگیز به بیند. چقدر لذت بخش است ؟ و از یک چنین آسایش و آرامش غیر منتظر تا چه حد شاداب و خوشحال میشود ؟ این داستان خواب و خیال نیست، این حقیقت دارد. براستی. هنگامی که بر این دریاچه با صفا و فروزان میگذرم، زمانیکه منظره روشن و حساس " الغدیر " که برانگیزنده افکار و متضمن مطالب دلپسند و سخنان شیوا است در برابرم نمایان میشود، و گوهرهای گرانبهائی را که در اعماق آن میدرخشد در دسترش خود می بینم. اذعان میکنم که ادامه تفکر در آنحقایق و دست یافتن بر آن ذخایر و دقایق چشم و دل را فروغ می بخشد و اعضاء و جوارح را نیرو می دهد و هر بیننده را بی اختیار دچار اعجاب و شگفتی میکند، مانند سیاح و جهان گردی که باثار و ابنیه هائی برخورد نماید که گذشت زمان و مرور قرن ها و روزگاران در آن تاثیر نکرده و قوائم و بنیان آن استوار و پابرجا مانده

[صفحه ۴]

با مطالعه نخستین قسمت از " الغدیر " باید اذعان کرد که جهد و کوشش فراوانی در گرد آوردن آن بکار رفته و ضمن بررسی صفحات حساس آن که معادل تعداد روزهای سال است مشاهده میشود که عالیترین مرتبه کمال و آراستگی را احراز نموده. آری دانشمند بزرگوار و استاد زبردست(عبد الحسین امینی) در آغاز امر ضمن تدوین اولین محصول افکار خود حق داستان غدیر را در حدود وسع و توانائی ادا نموده و نسبت براویان حدیث غدیر از صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله و تابعین و طبقات علماء تا این زمان بطور کافی و مستوفی سخن رانده و باین مقدار از استدلال بحدیث - غدیر خم و تحقیق در سند و روایت آن و دلالت آنها بر استوار بودن مقام شامخ ولایت برای پیشوای گرامی علی علیه السلام اعم از آنچه که از نص حدیث بدست آید و یا آیات قرآن کریم که ضمن حدیث از لسان رسول اکرم صلی الله علیه و آله در برابر اصحاب بیان و اعلان شده حق سخن را ادا نموده. ولی : استاد بزرگوار. پس از ورود در وادی استدلال و تحقیق روایات و سند آنها. توسن همت والای خود را در این میدان پیش رانده و نسبت به بررسی اقوال و مذاهب مختلف و کاوش در حقایق امر پای اندیشه را از سر حد معمول دیگر نویسندگان فراتر نهاده و با نیروی شگرف خود بر همگان سبقت گرفته. بلی : رادمرد ارجمند (امینی) در بررسی این امر خطیر در دشوارترین راهها قدم نهاده و تمام زوایای مسائل مربوط بانرا با نیروی آهنین و بینش نافذ و عجیب خود از زیر نظر گذرانده و هر چه در این راه پیشروی نموده وسعت دامنه مسیرش بیشتر نمایان گشته و چهره معانی و دقایق حقایق منظره های زیباتری را باو نشان داده، مانند چهره ماه که هر قدر بیشتر بدان بنگریم زیبائی بیشتری در نظر جلوه گر میشود.

[صفحه ۵]

اینست که می بینیم. اجزاء این کتاب " الغدیر " تاکنون به نه جزء رسیده و هزاران صفحه شامل حقایق روشن و مطالب جالب در برابر چشم جلوه گر گشته و پیوسته این رشته از بحث تحت ممارست مولف بزرگوار و نیروی شکیبائی و پشت کار و عزم خستگی

ناپذیرش ادامه خواهد داشت تا آنجا که هدف عالی نویسنده عالیمقام که جز خشنودی حق و حقیقت و دانش و وجدان چیز دیگری نیست بدست آید. و اندیشه سالم و علم و منطق صحیح از آن بهره مند و بدان کامیاب گردد. دانشمند بزرگوار ما (امینی) از جام محبت پیشوائی چون علی علیه السلام و پیروان او سیراب و سر خوش گشته و این عشق جاودانی او را بر آن داشته که برای بدست آوردن وسیله قرب به پیشگاه خاندان بزرگ علوی از بذل عزیزترین نیروهای روحی و جسمی خود دریغ ننموده و از فروغ دانش و بینش خود حداکثر استفاده را بنماید تا بتواند با این فداکاری بی نظیر بندای مذهب و کیش خود پاسخ داده و وظیفه نهائی خود را بانجام برساند. آری، آئین دوستی و شیفتگی چنین است. و این چنین دوستی و فداکاری در خور ملامت نیست. زیرا. باید با صراحت اذعان نموده که این دانشمند بزرگوار و متتبع در عین محبت سرشار و شیفتگی که سراسر وجود او را فرا گرفته. از عصبیت و هوای نفسانی بدور است. او دانشمندی است که نتیجه دانش اندوزی خود را در راه محبت بی منتهائی که بعلی علیه السلام و پیروان او دارد بکار بسته و در عین حال عواطف نفسانی خود را تحت نظام علم و درستی و آراستگی بحث های مستدل و حساس و متین خود از یاوه و سرکشی باز داشته و این چنین پایداری در وادی محبت است که در خور ملامت نیست. آنکس در خور ملامت است که علاقه و محبت بشخص یا چیزی او را از مسیر حق و راستی منحرف سازد و اسیر دلخواه و عصبیت باطل گردد، و استاد بزرگوار ما (امینی) از این صفت منزه و مبرا است زیرا : تمام کوشش او در راه کشف حقیقت و برافکندن نقاب از چهره مقصود است. ما. در نخستین جزء " الغدیر " مشاهده میکنیم که مولف بزرگوار. راویان این حدیث را از طبقه صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله بترتیب حروف تهجی نام برده که تعداد آنها به یکصد و ده تن بالغ گردیده و همه از بزرگان صحابه پیغمبرند. این گروه از راویان را از ابی هریره آغاز نموده و به ابی مرازم. یعلی بن مره ابن وهب ثقفی پایان داده است.

[صفحه ۶]

مولف بزرگوار در این رشته از مطلب تنها بذکر نام راویان اکتفا نکرده. بلکه کتب و مدارکی را نیز که راویان مذکور حدیث غدیر را ذکر نموده اند. آنهم با تعیین خصوصیات هر یک از کتب مذکوره و تصریح بذکر شماره صفحات آن بیان داشته و باین کیفیت "الغدیر " در نظر خواننده آن بمانند دریائی بی کران نمایان میشود که کتب معتبره در آن چون سیل خروشان جلوه گر است : مانند : اسد الغابه - الاصابه - تهذیب التهذیب - تاریخ خطیب بغدادی - تهذیب الکمال - تاریخ الخلفاء سیوطی - البدایه و النهایه ابن کثیر - نخب المناقب - مسند احمد بن حنبل - سنن ابن ماجه - و ده ها کتب حدیث و تفسیر و تاریخ که بموجب آنها صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله داستان غدیر را روایت نموده اند. مولف بزرگوار و ارجمند. بعد از ذکر صحابه ذکر تابعین پرداخته سپس دیگر دانشمندان و ائمه حدیث و تاریخ و تفسیر را با رعایت ترتیب عصر و زمان هر یک و حتی با ذکر تاریخ وفات آنان در هر قرنی پس از قرنی نام برده و این گروه را از ابن دینار جمحی آغاز و براویان عصر حاضر پایان داده است. نکته جالب تر آنکه : داستان غدیر خم از این جهت که از فرط شهرت از جمله حقایق مسلمه و غیر قابل تردید شناخته شده محلی برای جدل باقی نگذارده و بحد اجماع امت اسلامی از اهل سنت و شیعه رسیده است تا آنجا که مطرح انظار صحابه و تابعین و مورد احتجاج و مبادله سوگند (مناشده) قرار گرفته است. دانشمند ارجمند. این موضوع را نیز از نظر دور نداشته و فصلی مستقل مبنی بر احتجاجات فیما بین صحابه و تابعین و استدلال و مناشده آنان تشکیل داده. و از شخصیت های بنام نخست بذکر احتجاجات فاطمه (سلام الله علیها) دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و عبد الله بن جعفر پرداخته تا میرسد بعمر بن عبد العزیز و مامون خلیفه عباسی.

[صفحه ۷]

و نیز با وصف اینکه این داستان از نظر ثبوت و استواری سند و صحت و تواتخر آن طوری است که نیازی باثبات و تایید آن نیست و مولف ارجمند نیز با اینکه خود را بی نیاز یافته از اینکه فصلی هم بطور مستقل شامل بیان صحت اسناد این حدیث تشکیل دهد. چه این امر چون روشنی روز آشکار و مشهور است و اگر برای اثبات روشنی روز نیازی باقامه دلیل باشد، دیگر هیچ امری بر مدار ثبوت و وضح باقی نمی مانـد. مع الوصف بنا بروش علمی و بمنظور رعایت سنن و آداب تالیف و استقامت در مقصود از صفحه ۲۶۶ و ما بعد آن سخنان راویان و حافظان سند حدیث را برای مزید کمال ذکر نموده. از جمله گفتار ترمذی را از صحیح او نقل نموده که مینگارد : همانا این حدیث نیکو و صحیح است. و حافظ ابن عبد البر قرطبی بعد از ذکر حدیث مربوط به اجراء مراسم اخوت (بین افراد مسلمین) و دو حدیث دیگر مربوط باعطاء پرچم و مربوط بغدیرخم. تصریح نموده که : اینها همه آثار ثابت و مسلم است. و بهمین منوال در این فصل از کتاب خود سخنان حفاظ و راویان را دایر بصحت سند غدیر ذکر نموده است.

[صفحه ۸]

شگفت آنکه با این کیفیت که داستان غدیر بر حد تواتر و اجماع رسیده بر خلاف چنین اجماعی نسبت بان بعضی از اشخاص نظرات و سخنانی ایراد نموده اند : در این مورد صاحب کتاب " الغدیر " قیافه دوست خشمگین را در برابر مخالف بخود گرفته و این قبیل مخالفین را مورد محاکمه قرار داده و در یک فصل مستقل حساسی از کتاب خود ابن حزم اندلسی را که تردید و انکار نسبت باین امر محقق را فتح باب کرده محاکمه و دادرسی مینماید. اگر کتاب " الغدیر " بر مبنای استدلال برای صحت این داستان تدوین شده بود آنچه استاد دانشمند " امینی " در این باره از ذکر راویان در طول زمان تاریخ بیان داشته و آن بذل و جهد و سعی بلیغی را که در اثبات معنی حقیقی ولایت بکار برده کافی و رسا و جامع بود. ولی این مولف دانشمند با مهارت بی نظیر و تسلط کامل خود خواسته از این وادی غدیر، دریای بیکرانی تشکیل دهد که امواج خروشان و بر هم انباشته آن بهر جانب دست یافته و از آنمیان محوری بوجود آید که سخنان صریح و تصریحات ملیح پیغمبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله را که درباره پیشوای گرامی چون علی علیه السلام صادر شده از هر سو نمایان گردد : و برای تامین این منظور. نام ادبا و شعرا را بمیان آورده که در قصائد و منظومه های خود از داستان غدیر یاد کرده اند و با شمیم روح پرور و مشک فام نام علی علیه السلام و سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله آثار و اشعار خود را آرایش داده اند. اینست که می بینیم : مولف آزموده و زبر دست " الغدیر " با اولین کاروان از شعرا که از آغاز این داستان یعنی عهد پیغمبر گرامی صلی الله علیه و آله این فخر و شرف را احراز نموده اند همگام شده و بترتیب قرون متوالیه این رشته از تاریخ تابناک اسلامی را در قصاید و اشعار ادبای هر قرن جستجو و غدیریه های هر قرن را نقل و درج نموده

[صفحه ۹]

در این مبحث زیبا و شیوای ادبی نیز باین مقدار اکتفاء ننموده و بلکه ضمن درج و ثبت اشعار مزبور شرح احوال و هویت سرایندگان هر قرن را هم بمعرض استفاده علاقمندان بادب و تاریخ و جویندگان حقایق گذارده و نوابغ شعر و ادب را نیز بدین وسیله شناسانده است. مضافا بر آنچه ذکر شد. بذکر مصادر و معرفی دیوانهائی که قبلا شرح حال شعرا را ثبت و ضبط نموده اند پرداخته و این نحو از تذکره خاصه در عصر حاضر بی نظیر است من در اینجا نسبت بابتکار (الغدیر) در تدوین شرح حال شعرا

بترتیبی که ذکر شد گزاف گوئی و مبالغه ننموده ام، بلکه عین حقیقت را بیان کرده ام. ملاحظه نمائید : مثلا شرح حال و بیان هویت - کمیت - از شعرای غدیر در قرن دوم اسلامی در جلد دوم " الغدیر " بالغ بر سی صفحه از این کتاب را اشغال نموده که میتوان آنرا یک مجموعه ادبی مستقل بنام (کمیت) بحساب آورد. همچنین در مورد سید حمیری شاعر شهیر دیگر شصت صفحه از همان مجلد مشتمل شرح حال او است و ضمن آن خصوصیات این شاعر بطوری مورد بررسی قرار گرفته که او را در قرن مزبور در میان اقرانش ممتاز نشان میدهد، و نیز شرح حال ابن رومی در جلد سوم ضمن بیست و شش صفحه درج گردیده، بقیه شعرا و ادبا در هر قرن نیز بدین منوال قیاس شود.

[صفحه ۱۰]

این بسط کلام در شرح احوال شعرا شگفتی ندارد بلکه منتهای شگفتی در نیروی شگرفت و طاقت فرسای این مولف بزرگوار است که در مطالعه دوران زندگی و خصوصیات هر یک از این شعرا بکار برده چه آنکه تنها در مورد ابن رومی و تنظیم شرح حال و زندگی او، این دانشمند بی نظیر، بدهها کتب قدیم و جدید مراجعه و حتی نوادر مطالب و تطورات گوناگون هر یک را از مصادری استخراج نموده که بسیاری از ارباب دانش و اهل تتبع بر آن مصادر وقوف نداشته اند : بالاخره باید اذعان نمود که حتی یک کتاب از کتبی که شامل ذکر نام و نشان ابن رومی و متضمن بیان حالات او از زشت و زیبا و نیک و بد بوده از نظر نافذ و دست تتبع توانای او دور و مستور نمانده حتی مقاله استاد عباس محمود عقاد مندرج در مجله " الهدی " منطبعه در عراقی که متضمن قسمتی مربوط بشاعر نامبرده بوده مورد بررسی مولف بزرگوار (الغدیر) واقع شده و ما با توجه باین مقدار از تتبع و احاطه مولف " الغدیر " است که بطور محقق و با ایمان کامل باید اقرار و اذعان کنیم که این پایه و مرتبه از تسلط و احاطه برای کسی میسر نیست. جز آنکه نیروی خاصی با موهبت مخصوص از طرف خداوند باو اعطا شده باشد که تا این اندازه برموز و دقایق هر امر واقف و مطلع گردد. بسی عبرت انگیز است مثلا در مورد ابی تمام شاعر که در جلد دوم " الغدیر " شرح حال او درج گردیده. نام بیست و هفت تن از افراد مشهور که بر دیوان حماسه او شرح نوشته اند ذکر شده که از ابو عبد الله محمد بن قاسم شروع و بمرحوم شیخ سید بن علی مرصفی که از رجال علم و ادب زمان ما بوده منتهی میشود. و در مورد ذکر مولفین اخبار مربوط بابی تمام مذکور دهها از مولفین را نام می برد که از ابوالفضل احمد بن ابی طاهر (در قرن سوم هجری میزیسته) شروع و بدکتر عمر فروخ که از نویسندگان زمان ما است منتهی میگردد.

[صفحه ۱۱]

تا اینجا که درباره " الغدیر " بیان گردید نتیجه یک بررسی اجمالی است که با شتاب و در عین گرفتاری بمشاغل و حوادث زمان توانسته ام بدان دست یابم و امعان نظر بیشتر و دقت در تمام محتویات آن و اظهار نظر درباره آن برایم مقدور نبوده و استاد بزرگوار، عبد الحسین امینی سزاوار است که دوست سنی مصری خود را در قبال این قصور و عجز مورد عفو و اغماض قرار دهند و بر ناراسائی او خورده گیری ننمایند و از خدای متعال مسئلت مینمایم که از این چشمه زلال " الغدیر " یک صفای معنوی بین اهل سنت و شیعه در طریق برادری اسلامی پدید آورد تا با وحدت و یگانگی بتوانند یک امت متحد و یک بنای استوار و زوال ناپذیر برای زندگی توام با آزادی و شرف تشکیل دهند و روز افزون عزت اسلامیان و ارجمندی مقام آنان در جهان تامین گردد و خدای متعال آن دانشمند بزرگوار را در این راه مقدس توفیق عنایت فرماید

محمد عبد الغنی حسن

[صفحه ۱۲]

خلاصه ای از سخنان مولف الغدیر

بسم الله الرحمن الرحیم

بر سخندانان و ارباب دانش پوشیده نیست که گرد آوردن و فراهم ساختن این کتاب نتیجه سالهای متمادی صرف عمر و رنج بسیاری است که متحمل شده ام تا این مجموعه را بنام خدمت بدانش و ادب و بمنظور برافراشتن پرچم فرهنگ قرآن کریم. فرهنگ دین پاك و منزه خدائی در دسترس اهل بصیرت قرار دادم. آنان که در این بحث شگرف با دقت مطالعه نمایند خواهند دانست که چه سختی ها دیده ام تا بانجام این خدمت توفیق یافته ام ؟ اطمینان دارم که مطالعه این کتاب حس قدردانی هر دانشمند و ذیعلاقه را تحریك نموده و بپاس کوشش و مجاهدت فراوانی که در این راه بکار رفته مرا در انتشار آن یاری خواهند نمود و با همین اطمینان و امید، هم اکنون امتنان و سپاسگذاری لازم را به ارباب دانش و تمیز و هواداران حق و فضیلت که با دلیری و شهامت مرا در راه اجراء این برنامه مقدس پشتیبانی نموده و خواهند نمود تقدیم داشته توفیق و پایداری و ثبات قدم را برای آنها از خدای توانا مسئلت مینمایم.

امینی - نجفی

[صفحه ۱۳]

فرمان رسا و آشکار

بسم الله الرحمن الرحیم

از زبان پیامبر بزرگوار - صلی الله علیه و آله عنوان صحیفه المومن حب علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.

سر آغاز طومار و برنامه هر فرد با ایمان، دوستی علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. هر کس خوشنود و شادمان باشد باینکه زندگانی و مرگ او هم آهنگ و همانند زندگی و مرگ من باشد و جایگاه او در بهشت آراسته جاودانی باشد که نهال آن را پروردگار من بدست قدرت خود نشانده. باید پیروی کند و دوست بدارد علی علیه السلام را پس از من و پیروی کند و دوست بدارد پیرو و دوست او را، و به پیشوایان بعد از من اقتدا نماید چه آنان عترت منند و از سرشت من آفریده شده اند و از سرچشمه درك و دانش نصیب کافی گرفته اند، وای بر آن گروه که فضیلت و برتری آنها را دروغ پنداشته و رشته پیوسته مرا با آنها بگسلند خدای.. شفاعت مرا بانان نرساند.

[صفحه ۱۴]

ارمغان

برای اهداء این کتاب خود کسی را سزاوارتر از صاحب اصلی آن نیافتم. پرچمدار ولایت. عظمی امیرالمومنین صلوات الله علیه. ای صاحب ولایت. ای آقای امت. ای پدر امامان و پیشوایان (یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا ببضاعه مزجاه فاوف لنا الکیل و تصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین). این کتاب خود را بعنوان یک سرمایه ناچیز و نموداری از دوستی بی شائبه خود به پیشگاه مقدس تو اهداء میکنم با پذیرش آن بر من بزرگواری فرما و مشمول عنایت و احسان بی کران خود قرار ده و بپاس این خدمت بمن نیکی فرما همانا خدای نیکوکاران را دوست میدارد.

عبد الحسین احمد امینی

[صفحه ۱۵]

مقدمه

حمد و ستایش مخصوص خداوند است که مالک حقیقی و سزاوار آنست، و درود بر پیغمبر او و پیشوایان از اولاد او، و سرپرستان امت. هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق داستان بزرگ و مهم (واقعه غدیرخم) داستان دعوت خدائی است. داستان ولایت کبری است. داستان آراستن و کامل ساختن دین. و تمام نمودن نعمت. و خشنودی پروردگار است. بر طبق آیاتی که کتاب صریح خداوند بدان نازل گشته و اخبار متواتره رسیده از پیغمبر صلی الله علیه و آله تصریح بدان نموده و رشته مدارک و اسناد آن مانند حلقه های بهم پیوسته یک زنجیر، از دوران صحابه (یاران پیغمبر صلی الله علیه و آله) و تابعین تا این زمان امتداد یافته. این کتاب متضمن مطالبی است که در پیرامون حدیث غدیر رسیده، از حقایق روشن و آشکار مربوط به متن حدیث مزبور و سند آن. در این کتاب آنچه با درستی و صراحت و در آشکارترین مظاهر دایر باین امر مهم ثبت و ضبط گشته از میان انبوهی از مطالب درهم آمیخته و آهنگهای ناموزون و بهم ریخته استخراج شده تا حقیقت حال بر خواننده آن آشکار و جلوه گر شود. سپس. نام شعرائی را که داستان غدیرخم را بنظم درآورده اند با شرح حال آنها و قصاید و اشعارشانرا از قرن (صده) اول تا قرن حاضر بترتیب گذشت زمان در این کتاب آورده ایم. و مقصود مهم ما از این کار اینست که شهرت و تواتر این موضوع را بدینوسیله ثابت نمائیم تا دانسته شود که داستان غدیر خم بطوری شهرت داشته که در هر قرن و زمان زبان زد ادبا و شعرای بنام بوده و خصوصیات این امر را نظما و نظرا بیان داشته اند : این کتاب با خصوصیاتی که بیان شد مجموعا در شانزده مجلد تدوین گردیده و بنام خدمت بدین و اعلاء کلمه حق و تجدید بهترین و مهمترین خاطره تاریخ اسلام و بوجود آوردن یک زندگی نوین و با فروغ برای ملل مسلمان و همچنین بمنظور ابراز خلوص و ارادت بساحت مقدس صاحب ولایت مطلقه در اختیار ارباب دانش و بینش گذارده میشود و از خداوند سبحان استمداد و استعانت میجویم که مرا در انجام این وظیفه مهم و هدف مقدس یاری فرماید و این آرزوی مرا به تحقق رساند. و آغاز و سرانجام این خدمت حمد و ستایش حق راست.

(امینی)

[صفحه ۱۷]

تاریخ صحیح

تمام اقوام و ملل جهان از هر طبقه بتاریخ محتاجند. و این انگیزه در تمام طبقات و در هر قوم و ملت بدون کم و کاست وجود دارد، و هیچ فرقه ای از فرق مسلمین نیازش بتاریخ کمتر از دیگری نمیباشد، منتهی هر صنفی مقصود خود را از تاریخ میجوید و هر گروهی هدف مخصوص بخود را تعقیب مینماید. مورخ - بطور کلی، منظورش احاطه بر حوادث روزگار و آگاهی از احوال امم و اقوام پیشین و ثبت و ضبط آنهاست. جغرافیادان، منظورش در تاریخ تشخیص قسمتهای سیاسی است که پیروزی ها و مغلوبیت های ملل را در جهات گوناگون میجوید، که کدام ملت بر حدود چه ممالکی دست یافته و در آن استقرار گرفته و کدام ملت در اثر مغلوبیت از مرزهای خود رانده شده اند. خطیب و سخنور - تاریخ را بررسی میکند تا بر موارد عبرت و پند واقف شود و سرنوشت اقوام و ملل و ملوک - آنها که منقرض و نابود شدند و آنگروه دیگر که جایگزین آنها گشتند بر او روشن گردد و آن ملت هائی را که در کشاکش بدیها و ارتکاب ناروائیها دوچار نکبت و ادبار شدند و بالعکس اقوامی که در اثر نیکی و التزام بامور پسندیده برستگاری و نیک بختی رسیدند بشناسد. مرد دینی - میخواهد بوسیله بررسی تاریخ موارد پایه گذاری دین را پیدا کند و مراتب ارتقا و شئونی را که بر آن اساس و پایه نهاده شده احراز نماید و اصول و شئون مزبور را از آنچه در پیرامون آن بر مبنای هوی و هوس و از روی مطامع مادی بصورت دین جلوه گر شده جدا و متمایز نماید. اخلاقی - مقصودش از بررسی تاریخ اینست که ملکات پسندیده و عکس العمل آنها را در آنگروهی که خود را بدانها آراسته و در نتیجه بفوز و رستگاری رسیده اند

[صفحه ۱۸]

و همچنین اخلاق رذیله و ملکات پلید و آثار شوم آن را در آنگروهی که بدان آلوده گشته و دوچار بدبختی و محرومیت گردیده اند بدست آورد، تا بدینوسیله راه بکار بردن تجربیات حاصله را بمردم زمان خود نشان دهد و در نتیجه افراد جامعه را از سقوط در پرتگاه فساد اخلاق و پیکر اجتماع را از پراکندگی و پریشانی ایمن و مصون بدارد. سیاسی - (یعنی آنها که مسئول تامین مصالح ملتی هستند) میخواهد از کاوش تاریخ به راز تقدم و تعالی ملل گذشته مطلع گردد و نیز دریابد که چگونه تمایلات شهوی هواداران و شیفتگان خود را به پستی و هلاکت کشانیده تا بحدی که نامشان را از صفحه روزگار محو نموده تا با وقوف به سرانجام آنان و سختی ها و تنگی ها و مشکلات جبران ناپذیری که گریبانگیر آنان گردیده، با بصیرت کامل برنامه سودمندی برای ملت خود تنظیم و بدانوسیله تقدم و ترقی و سعادت آنان را پیش بینی و تامین نماید. ادیب - میخواهد از لابلای تاریخ احوال امم گذشته نکته های دقیق و رقیق ادبی و آنچه را که برای آرایش الفاظ و عظمت معانی بکار میرفته تشخیص و رموز زیبائی اسلوب کلام و تقریب مقصود در شعر و نثر از فنون اشارات و موارد استعارات را بدست آورده و در مورد خود بکار برد. و با تماس و شمولی که تاریخ در علم رجال و طبقات آنان دارد ناچار باید بگوئیم که : فقهای عظام نیز بتاریخ نیازمندند چه آنکه برای تصحیح اسناد و روایت و استوار نمودن مبانی فتوی ناگزیدند بانقسمت از تاریخ که مربوط بعلم رجال است مراجعه نمایند. محدثین - نیز از این نیازمندی بر کنار نبرده و بمنظور تحصیل وثوق و اعتماد بروایات (که ارتباط مستقیم با فن شریف آنان دارد) بایستی بقسمت مربوط باین امر توجه و امعان نظر نمایند، بعلاوه در فن حدیث اصولا موضوعاتی هست که با

[صفحه ۱۹]

تاریخ آمیخته است از قبیل داستان پیغمبران و تحلیل تعالیم آنان، که محدث ناگزیر است در این زمینه غور کامل نماید و آنچه را

که در این قسمت بدست آورده با آنچه که در صفحات تاریخ مورد دقت قرار گرفته مورد مقایسه و بررسی او واقع گردد و موارد تطبیق آنها را در احراز حقیقت بدست آورد. مفسرین - نیز از تاریخ بی نیاز نبوده و در مورد هر یک از آیات کریمه که مشعر بر وقایع گذشتگان و احوال پیشینیان است که باقتضای پاره ای از حکم و یا اشتمال آن به پند و موعظه بیان گشته و همچنین آیات دیگری که در شئون خاصه نازل گردیده باید بانچه در زمینه وقایع و قصص و شئون مذکوره در تاریخ بتفصیل بیان شد مراجعه و بررسی کامل نماید. بالاخره اهل بحث و تحقیق در هر رشته از علوم و فنون که وارد شوند ارتباط و تماس آنرا با تاریخ درک نموده و معترف خواهند بود که بدون غور در تاریخ بمقصود خود نخواهند رسید، و بنا بر آنچه ذکر شد، تاریخ گمشده هر دانشمند است. مطلوب هر هنرمند است. سرمایه اهل تتبع و تحقیق است. مورد علاقه هر متدین است. مقصد هر سیاستمدار است. هدف هر ادیب است. و بالجمله تاریخ مورد احتیاج تمام مجتمع بشری است. اکنون - باید دانست که تاریخ با این ارتباط و پیوستگی که با تمام مقاصد و اغراض کلیه طبقات خلق دارد، آن تاریخی است که صحیح و مبتنی بر حقایق و واقعیات باشد. آن تاریخی که جز ثبت حقایق و امور واقعی مقصد و غرض دیگر در تدوین آن دخالت نداشته باشد. بازیچه اغراض گوناگون قرار نگرفته و تمایلات دسته مخصوص و مقاصد مغرضانه و خودخواهانه گروه خاصلی در تدوین آن راه نیافته باشد. بر مبنای جلب نظر پیشوایان و فرمانروایان وقت و تامین رضایت خاطر امرا یا تقویت مرام و اندیشه خاص و یا بمنظور بالا بردن مقام اشخاص و بزرگ نمودن آنها و یا فرود آوردن اشخاص دیگر و پست و بی ارج ساختن آنان و برای رسیدن بمقاصدی که بر حسب اختلاف موارد اغراض و مقاصد مختلفی پیدا میشود فراهم نشده باشد. و یا برای

[صفحه ۲۰]

اینکه افراد مکار و فریب شعار بعناصر صالح و درستکار مشتبه شوند تدوین نشده باشد مانند بسیاری از مولفات بنام تاریخ که متاسفانه آلوده باین قبیل امور گشته و اغراض خاصی در تدوین آنها دخالت یافته و مولفین این گونه تاریخهای مشوب و آلوده پنداشته اند که گردآوری یکمشت مطالب واهی و بی اساس حکایت از توسعه دامنه علم و دانش آنان مینماید و این معنی بر شهرتشان خواهد افزود این کوته نظران فرومایه نفهمیده اند، که ارزش و منزلت مردان در فهم و درایت است نه در یاوه سرائی و بسیاری روایت اینگونه افراد در اثر همین غفلت و پندار نادرست لغزشهای بیشماری را از پیشینیان خود دریافت و داخل تاریخ نموده اند و متوجه نشده اند که راویان اینگونه اوهام و مطالب بی مایه و بی اساس خود مزدوران و مدافعین گروهی، و دشمنان و معاندین نسبت بگروه دیگر بوده اند و یا داستانسرایان بی معرفتی بوده اند که از پر گوئی و یاوه سرائی باکی نداشته و بمنظور کسب مزید شهرت و یا تسکین ولع و حرصی که بمقتضای امیال پست در آنها بوده دست بچنین جنایاتی زده اند آنها چنین کردن و ساده لوحانی چند در اعصار بعدی آن مطالب واهی را از آنان گرفته و بعنوان حقایق مسلمه در کتب و مولفات خود نقل نمودند ؟ آنگاه افرادی

[صفحه ۲۱]

کنجکاو و باریک بین بر چگونگی آن آثار و منقولات واقف و چون آنها را خرافی و موهوم یافتند بطرد و رد آن پرداخته و بی باکانه زبان و قلم بطعن بر تاریخ گشودند آن ساده لوحان ندانستند که این آثار بی اساس، و کورکورانه دست بدست گشته و آلت اجراء مطامع اشخاصی بوده، و این افراد دقیق و متتبع نیز توجه نکرده اند که آنچه در خور طعن و طرد است، همان پر گوئی ها و

بدکرداریهای نویسندگان بی شخصیت است و اصل فن تاریخ در خور طعن و سرزنش نبوده - و اگر بخواهیم شواهد این دسته از ترهات و یاوه سرائی ها را که تاریخ بان ممزوج گشته بیان کنیم سخن بطول میانجامد و با وضع این کتاب سازش ندارد. بلی : اینطور. حقایق و واقعیات در بین دو روش نامطلوب افراط و تفریط پنهان گشته و فدای امیال و شهوات گردید پس بر اهل بحث و تحقیق است، که دنر غور و بررسی در این وادی از آهنگهای ناموزون فرق مختلفه و هو و جنجال بر کنار مانده و بدون تمایل بگروه خاص و دور از عوامل حب و بغض، فقط اصول مسلمه را مقیاس تشخیص قرار دهند و آنچه با مقیاس مزبور تطبیق نکرد بی دریغ آنرا طرد و آنچه مورد اعتماد قرار گرفت بپذیرند بتفصیلی که در اینجا گنجایش شرح آن نیست.

اهمیت غدیر در تاریخ

در نظر هیچ خردمندی تردید پذیر نیست که شرف و برتری هر چیزی بسته بفایده و نتیجه آن چیز است. بنابراین قاعده : در میان موضوع های تاریخی نخستین امری که میتواند متضمن مهمترین فواید و نتایج باشد موضوعی است که دین الهی بر آن پایه گذاری شده و کیش و آئینی بر اساس آن استوار گشته و قوائم و استوانه های مذهبی بر آن نصب و اتی از آن بوجود آمده باشد و دولتهائی بر آن مبنی و اساس متشکل وصیت شهرت آن مداوم و ذکر آن جاودانی گردیده باشد.

[صفحه ۲۲]

بهمین جهت است که پیشوایان تاریخ در ثبت مبادی و تعالیم ادیان فداکاری نموده و وقایع تابعه و شئون مربوطه بان از قبیل - کیفیت پیدایش و نحوه دعوت و مبارزات و حکومات و سایر تشکیلات مترتبه به آنرا که روزگاران دراز و قرنهای متمادی بر آن گذشته همه را ثبت و قید نموده اند.

سنه الله فی الذین خلوا و لن تجد لسنه الله تبدیلا.

بدیهی است که، در چنین موارد چنانچه مورخ نسبت بامری از امور مربوطه باین موضوع مسامحه و یا در ثبت و ضبط آن اهمال نماید در رشته تاریخی و طومار تالیفش فاصله و شکافی تولید شود که هیچ امری آنرا پر نمیکند، و تاریخی که آغاز و مبدء آن در اثر چنین غفلت و اهمالی مبهم و نامعلوم گردد چه بسا موجب آن شود که خواننده چنین تاریخی نسبت بسرانجام و پایان آن نیز دوچار سرگردانی و جهل گردد واقعه تاریخی " غدیرخم " از جمله همین قضایای مهمه و خود خطیرترین موضوع تاریخی در جهان اسلام است. زیرا. این واقعه مهم با بسیاری از براهین قاطعه (مرتبط بان) مبنی و اساس مذهب آنهائی است که از آثار خاندان پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله پیروی مینمایند که شامل مليونها. از نفوس مسلمانان است، در این گروه عظیم مظاهر دانش و بزرگی نمایان و از میان آنها دانشمندان بنام حکما. فلاسفه. مردان بزرگ. نوابغ در علوم و فنون متنوعه. سلاطین. سیاستمداران. فرماندهان. ادبا. فضلا. برخاسته اند.. : و کتب و مولفات گرانبها در هر فن از آنان در جهان منتشر گشته بنابراین اگر مورخ. خود از این گروه باشد، بر او فرض و واجب است که اخبار و مطالب مهمه مربوط به بدو دعوت نبوی صلی الله علیه و آله را بوسیله ثبت و ضبط در تاریخ خود بطور تفصیل در دسترس استفاده هم کیشان خود قرار دهد. و اگر مورخ از غیر این گروه (یعنی غیر از گروه پیروان آثار خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد. باز همین ضمن بررسی در تاریخ جمعیت بزرگی مانند این گروه ناچار است که نسبت

[صفحه ۲۳]

بچنین واقعه مهمی (اگرچه با سادگی و بساطت هم شده) ذکری بنماید و یا چنانچه تحت تاثیر عواطف قومی و مسخر هیجانات فتنه جویانه طایفه خود شده ذکر این قضیه تاریخی را با اموری که در پیرامون این قضیه از لحاظ انتقاد در دلالت آن مورد نظر او است توام نماید.

(اینکه گفتیم : انتقاد در دلالت... این تنها جهتی است که ممکن است دستاویز ایجاد اختلاف قرار گیرد) زیرا برای مورخین از این قبیل مقدور و میسر نخواهد بود که بر سند و مدارک این قضیه طعنی وارد کنند و یا آنرا ضعیف بشمارند ؟ زیرا با آن جهد و مشقتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در کیفیت (زمانی و مکانی) ابلاغ این امر در روز غدیر خم بر خود هموار فرمود وقوع این قضیه طوری است که حتی دو نفر هم در آن اختلاف ندارند. هر چند بعلل اغراض و شائبه هائی که بر افراد آگاه و بینا پوشیده نیست در مدلول و مفاد آن تشکیل اختلاف داده اند... اینک، بذکر و خصوصیات مورخینی که واقعه غدیرخم را در آثار و کتب تاریخی خود ثبت نموده اند مبادرت میشود :

نام مورخ، تاریخ فوت او، نام کتاب او

۱ - بلاذری، ۲۷۹هجری، انساب الاشراف

۲ - ابن قتیبه، ۲۷۶ هجری "، المعارف " و الامامه و السیاسه"

۳ - طبری، ۳۱۰ هجری، کتابی در خصوص این موضوع نوشته

۴ - ابن زولاق لیثی مصری، ۲۷۸ هجری، در تالیف خود

۵ - خطیب بغدادی، ۴۶۳ هجری، در تاریخ خود

۶ - ابن عبد البر، ۴۶۴ هجری، الاستیعاب

۷ - شهرستانی، ۵۴۸ هجری، الملل و النحل

۸ - ابن عساکر، ۵۷۱ هجری، تاریخ شام

۹ - یاقوت حموی، ۶۲۶ هجری، جلد ۱۸ معجم الادباء صفحه ۸۴ چاپ اخیر

۱۰ - ابن اثیر، ۶۳۰ هجری، اسد الغابه

[صفحه ۲۴]

۱۱- ابن ابی الحدید، ۶۵۶ هجری، شرح نهج البلاغه

۱۲ - ابن خلکان، ۵۸۲ هجری، وفیات الاعیان

۱۳ - یافعی، ۷۶۸ هجری، مرآت الجنان

۱۴ - ابن الشیخ البلوی، حدود ۶۰۵، در " الف باء"

۱۵ - ابن کثیر شامی، ۷۷۴ هجری، البدایه و النهایه

۱۶ - ابن خلدون، ۸۰۸ هجری، در مقدمه تاریخ خود

۱۷ - شمس الدین ذهبی، ۷۴۸ هجری، تذکره الحفاظ

۱۸ - نویری، حدود ۸۳۳ هجری، نهایه الارب فی فنون الادب

۱۹ - ابن حجر عسقلانی، ۸۵۲ هجری "، الاصابه " و " تهذیب التهذیب"

۲۰ - ابن صباغ مالکی، ۸۵۵ هجری، الفصول المهمه

۲۱ - مقریزی، ۸۴۵ هجری، الخطط

۲۲ - جلال الدین سیوطی، ۹۱۱ هجری، در کتب متعدده

۲۳ - قرمانی دمشقی، ۱۰۱۹ هجری، اخبار الدول

۲۴ - نور الدین حلبی، ۱۰۴۴ هجری، السیره الحلبیه

و غیر اینها از مشاهیر فن تاریخ

این از نظر علم تاریخ و شان مورخ. و اما فن حدیث. در این فن نیز موضوع استدلال، بهمان وتیره که در علم تاریخ بیان شد بی کم و کاست وارد است. زیرا : محدث. نیز بهر جانب و هر دسته از حدیث با توسعه که در دامنه آن وجود دارد توجه نماید. روایات صحیحه و مسندی خواهد یافت که مشعر بر این مزیت و تقدم برای ولی دین (علی علیه السلام) میباشد بطوری که هر طبقه از طبقه قبل از خود این حدیث را دریافت نموده تا دور منتهی میشود بطبقه صحابه یعنی آنان که خود حضور داشته و و این خبر را از منبع وحی صلی الله علیه و آله شنیده اند : و در این اینکه طبقات متعدده روات فاصله طولانی تشکیل داده اند، همان نورانیت خیره کننده این واقعه باقی و احساس میشود :

[صفحه ۲۵]

با چنین کیفیت اگر محدث از ذکر چنین حدیثی (که تا این حد از اهمیت و عظمت را واجد است) اهمال یا غفلت نماید از ایفاء حق امت اسلامی کاسته و مسلمین را از یک قسمت زیاد حقایق پاکیزه که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله از گنجینه وسیع مواهب و احسان خود بملت اسلام روا داشته و عنایت فرموده محروم و بی نصیب نموده، و از راه یافتن بشاهراه روشنی که پیغمبرشان راهنمائی فرموده است امت اسلامی را باز داشته است.

(اکنون نام جمله از محدثین بزرگ. آنها که واقعه)

(غدیر خم را حدیث نموده اند :)

۱ - پیشوای مذهب شافعی - ابو عبد الله محمد بن ادریس شافعی (وفات ۲۰۴) - طبق مذکور در " النهایه " ابن اثیر

۲ - پیشوای مذهب حنبلی - احمد بن حنبل (متوفی ۲۴۱) در (مسند) و (مناقب)

۳ - ابن ماجه (متوفی ۲۷۳) در (سنن)

۴ - ترمذی (متوفی ۲۷۹) در (صحیح) خود

۵ - نسائی (متوفی ۳۰۳) در (خصایص)

۶ - ابویعلی موصلی (متوفی ۳۰۷) در (مسند) خود

۷ - بغوی (متوفی ۳۱۷) در (مصابیح السنه)

۸ - دولابی (متوفی ۳۲۰) در (الکنی و الاسماء)

۹ - طحاوی (متوفی ۳۲۱) در (مشکل الاثار)

۱۰ - حاکم (متوفی ۴۰۵) در (مستدرک)

۱۱ - ابن المغازلی شافعی (متوفی ۴۸۳) در (مناقب)

۱۲ - ابن منده اصفهانی (متوفی ۵۱۲) در تالیف خود بطرق متعدده

۱۳ - خطیب خوارزمی (متوفی ۵۶۸) در (مناقب) و در (مقتل ابی عبد الله الحسین علیه السلام)

۱۴ - گنجی (متوفی ۶۵۸) در (کفایت الطالب)

۱۵ - محب الدین طبری (متوفی ۶۹۴) در (الریاض النضره) و (ذخایر العقبی)

[صفحه ۲۶]

۱۶- حموینی (متوفی ۷۲۲) در (فراید السمطین)

۱۷ - ذهبی (متوفی ۷۴۸) در (تلخیص)

۱۸ - هیثمی (متوفی ۸۰۷) در (مجمع الزواید)

۱۹ - جزری (متوفی ۸۳۰) در (اسنی المطالب)

۲۰ - ابو العباس قسطلانی (متوفی ۹۲۳) در (المواهب اللدنیه)

۲۱ - متقی هندی (متوفی ۹۷۵) در (کنز العمال)

۲۲ - هروی قاری (متوفی ۱۰۱۴) در (المرقاه فی شرح المشکات)

۲۳ - تاج الدین مناوی متوفی ۱۰۳۱) در (کنوز الحقایق فی حدیث خیر الخلایق) و (فیض القدیر)

۲۴ - شیخانی قادری - در (الصراط السوی فی مناقب آل النبی صلی الله علیه و آله)

۲۵ - باکثیر مکی (متوفی ۱۰۴۷) در (وسیله المال فی مناقب الال)

۲۶ - ابو عبد الله زرقانی مالکی (متوفی ۱۱۲۲) در (شرح المواهب)

۲۷ - ابن حمزه دمشقی حنفی در (البیان و التعریف)

- و غیر اینها از محدثین -

اینهم از لحاظ فن حدیث. و همین طور است حال و شان علماء تفسیر. زیرا : آیاتی از قرآن کریم که در مورد این قضیه نازل شده در برابر دیدگان مفسر نمایان میشود و بر مفسر لازم و واجب است که آنچه از مصدر وحی درباره نزول آن آیات و تفسیر آن رسیده بیان کند، و روا نمیداند که کار او نارسا و کوشش او ناقص باشد. : اینک قسمتی از مفسرین بنام که در تفسیر خود بذکر این واقعه پرداخته اند :

۱ - طبری (متوفای سال ۳۱۰) در تفسیر خود

[صفحه ۲۷]

۲- ثعلبی (متوفای سال ۴۲۷ - یا - ۴۳۷) در تفسیر خود

۳ - واحدی (متوفای سال ۴۶۸) در " اسباب النزول "

۴ - ابو محمد بغوی (متوفای سال ۵۱۶)

۵ - قرطبی (متوفای سال ۵۶۷) در تفسیر خود

۶ - فخر رازی (متوفای سال ۶۰۶) در تفسیر کبیر

۷ - قاضی بیضاوی (متوفای سال ۶۸۵) در تفسیرش

۸ - ابن کثیر شامی (متوفای سال ۷۷۴) در تفسیرش

۹ - نیشابوری (متوفای در قرن هشتم) در تفسیرش

۱۰ - جلال الدین سیوطی متوفای سال ۹۱۱ در تفسیرش

۱۱ - ابو السعود العمادی (متوفای سال ۹۷۲)

۱۲ - خطیب شرمینی (متوفای سال ۹۷۷)

۱۳ - قاضی شوکانی (متوفای سال ۱۱۷۳)

۱۴ - آلوسی بغدادی (متوفای در سال ۱۲۷۰) در تفسیرش

- و غیر اینها از مفسرین :

و اما علماء علم کلام - در مورد اقامه دلیل و برهان در هر یک از مسائل کلام - وقتی که بموضوع امامت میرسند : برای غلبه بر مدعی و یا بمنظور نقل دلیل و برهان طرف خود ناگزیرند که متعرض واقعه غدیر خم شوند - هر چند که در عین این اقدام بزعم خود در چگونگی دلالت حدیث مزبور بمناقشه پردازند. اینک جمله از متکلمین بنام که در کتب خود بذکر واقعه غدیرخم پرداخته اند :

۱ - قاضی ابوبکر باقلانی بصری (متوفی ۴۰۳) در (التمهید)

۲ - قاضی عبد الرحمن ایجی شافعی (متوفی ۷۵۶) در (المواقف)

۳ - سید شریف جرجانی (متوفی ۸۱۶) در (شرح المواقف)

۴ - بیضاوی (متوفی ۶۸۵) در (طوالع الانوار)

[صفحه ۲۸]

۵ - شمس الدین اصفهانی در (مطالع الانظار)

۶ - تفتازانی (متوفی ۷۹۲) در (شرح المقاصد)

۷ - قوشچی - المولی علاء الدین (متوفی ۸۷۹) در (شرح تجرید)

و عین الفاظ نامبردگان بطوری است که ذیلا ترجمه و ذکر میشود :

بتحقیق پیوسته که پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله در روز غدیرخم که در محلی است بین مکه و مدینه بنام جحفه - هنگام بازگشت از حجه الوداع مردم را جمع فرمود و آن روز بسیار گرم و سوزان بود بحدی که مردم قسمتی از ردای خود را زیر پا میگذاردند از شدت گرمی زمین. پس از گرد آمدن خلق - آنحضرت در جایگاه بلندی خطبه ایراد فرمود و از جمله فرمود : ای گروه مسلمانان. آیا من اولی (سزاوارتر) بر شما و امور شما از خود شما نیستم ؟ گفتند : آری بخدا قسم. آنگاه فرمود : هر کس که من مولای اویم پس از من علی علیه السلام مولای او خواهد بود، خداوندا دوست بدار آنکه را که او را دوست بدارد، و دشمن بدار آنکه را که او را دشمن بدارد، و یاری کن یاران او را و خوار کن خوارکنندگان او را و از جمله متکلمین - قاضی النجم محمد شافعی (متوفی ۸۶۷) است که در (بدیع المعانی) این واقعه را ذکر کرده است، و جلال الدین سیوطی در اربعین خود و مفتی شام حامد بن علی عمادی در (الصلاه الفاخره بالاحادیث المتواتره) و آلوسی بغدادی (متوفی ۱۳۲۴) در (نثر اللئالی) و غیر اینها. علماء علم لغت نیز در آنجا که بلغاتی از قبیل. مولی. خم. غدیر. ولی بر خورد نمایند ناچار بحدیث غدیر خم اشاره مینمایند - مانند : ابن درید محمد بن حسن (متوفی ۳۲۱) در جلد ۱ " جمهره " ص ۷۱ - و ابن اثیر در " النهایه " و حموی در " معجم

[صفحه ۲۹]

البلدان " در بیان (خم) و زبیدی حنفی در " تاج العروس " و نبهانی در " المجموعه النبهانیه. "

واقعه غدیر خم

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دهمین سال هجرت، زیارت خانه خدا (کعبه) را با اجتماع مسلمین آهنگ فرمود. و در میان قبایل مختلفه و طوائف اطراف بر حسب امر آنحضرت اعلان شد، و در نتیجه گروه عظیمی بمدینه آمدند تا در انجام این تکلیف الهی (ادای مناسک حج بیت الله) از آنحضرت پیروی و تعلیمات آنحضرت را فرا گیرند. این تنها حجی بود که پیغمبر صلی الله علیه و آله بعد از مهاجرت بمدینه انجام داد، نه پیش از آن و نه بعد از آن دیگر این عمل از طرف آنحضرت وقوع نیافته و این حج را باسامی متعدد در تاریخ ثبت نموده اند، از قبیل : حجه الوداع - حجه الاسلام - حجه البلاغ - حجه الکمال - حجه التمام. در این موقع رسول خدا صلی الله علیه و آله غسل و تدهین فرمود و فقط با دو جامه ساده (احرام) که یکی را بکمر بست و آندیگر را بدوش افکند روز شنبه بیست چهارم یا بیست پنجم ذیقعده الحرام بقصد حج پیاده از مدینه خارج شد و تمامی زنان و اهل حرم خود را نیز در هودج ها قرار داد، و با همه اهل البیت خود و باتفاق تمام مهاجرین و انصار و قبایل عرب و گروه عظیمی از خلق حرکت فرمود. اتفاقا در این هنگام بیماری آبله - یا حصبه - در میان مردم شیوع یافته بود و همین عارضه موجب گردید که بسیاری از مردم از عزیمت و شرکت در این سفر باز

[صفحه ۳۰]

ماندند مع الوصف گروه بیشماری با آنحضرت حرکت نمودند که تعداد آنها به یکصد و چهارده هزار و یکصد و بیست تا یکصد و بیست و چهار هزار و بیشتر ثبت شده است. البته از اهالی مکه و آنها که باتفاق امیرالمومنین علی علیه السلام و ابو موسی از یمن آمدند بر این تعداد اضافه میشوند - بامداد یکشنبه موکب نبوی صلی الله علیه و آله در " یلملم " بود و شبانگاه به " شرف السیاله " رسیدند و در آنجا نماز مغرب و عشاء را خواندند و صبح آنشب را در (عرق الظبیه) ادای فریضه فرمودند سپس در (روحاء) فرود آمدند و پس از کوچ از آنجا نماز عصر را در (منصرف) ادا فرمودند و نماز مغرب و عشا را در (متعشی) خواندند و در همانجا صرف غذا کردند و نماز صبح روز بعد را در (اثابه) خواندند و بامداد سه شنبه را در (عرج) درک کردند و در نقطه ای که بنام (لحی جمل) معروف است که در شیب و فرازهای (جحفه) است آنحضرت حجامت کرد سپس در (سقیاء) فرود آمدند (روز چهارشنبه) و پس از حرکت از آنجا نماز صبح را در (ابواء) خواندند و از آنجا حرکت کردند و روز جمعه به (جحفه) رسیدند و از آنجا به (قدید) رفته و شنبه را در آنجا درک فرمودند و روز یکشنبه در (عسفان) و پس از طی راه از آنجا و رسیدن به (غمیم). پیادگان در مقابل پیغمبر صف بستند. و به رسول خدا صلی الله علیه و آله از خستگی شکوه نمودند. پیغمبر صلی الله علیه و آله بانها دستور قدم دو دادند و با اجراء این دستور احساس راحتی نمودند. روز دوشنبه در (مر الظهران) بسر بردند و هنگام غروب آفتاب به (سرف) و پیش از ادای نماز مغرب بحوالی مکه رسیدند و در ثنیتین (دو کوه مشرف بمکه) فرود آمدند و شب را در آنجا بسر برده و روز سه شنبه داخل مکه شدند. پس از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله مناسک حج را انجام دادند و با جمعیتی که بهمراه آنحضرت بودند آهنگ بازگشت بمدینه فرمودند چون بغدیرخم (که در نزدیک جحفه است) رسیدند. جبرئیل امین فرود آمد و از

خدای تعالی این آیه را آورد :

[صفحه ۳۱]

یـا ایهـا الرسول بلغ مـا انزل الیـک من ربـک... بایـد دانست که جحفه منزلگاهی است که راه های متعـدد (راه اهل مـدینه و مصـر و عراق) از آنجـا منشـعب و جـدا میشود.. و ورود پیغمبر صـلی الله علیه و آله و همراهان به آن نقطه در روز پنجشـنبه هجـدهم ذیحجه تحقق یـافت امیـن وحی الهی آیه فـوق الـذکر را آورد و از طرف خداونـد آنحضـرت را امر کرد که علی علیه السـلام را بولاـیت و امامت معرفی و منصوب فرماید و آنچه درباره پیروی از او و اطاعت اوامر او از جانب خدا بر خلق واجب آمده بهمگان ابلاغ فرماید. در این هنگام آنها که از آنمکان گذشته بودند بامر پیغمبر بازگشتند و آنها هم که در دنبال قافله بودند رسیدند و در همانجا متوقف شدند. در این سرزمین درختان کهن و انبوه و سایه گستر وجود داشت که پیغمبر صلی الله علیه و آله قدغن فرمود کسی زیر درختان پنجگانه که بهم پیوسـته بودند فرود نیاید و خار و خاشاک آنجا را برطرف سازند. وقت ظهر حرارت هوا شدت یافت بطوریکه مردم قسـمتی از ردای خود را بر سـر و قسـمتی را زیر پـا افکندنـد و برای آسـایش پیغمبر صـلی الله علیه و آله چادری تهیه و روی درخت افکندند تا سایه کاملی برای پیغمبر صـلی الله علیه و آله فراهم گشت. اذان ظهر گفته شد و آنحضـرت در زیر آندرختان نماز ظهر را بـا همه همراهـان ادا فرمود. پس از فراغ از نمـاز در میـان گروه حاضـرین بر محل مرتفعی که از جهاز شتران ترتیب داده بودنـد قرار گرفت و آغاز خطبه فرمود و با صدای بلند همگان را متوجه ساخت و چنین فرمود : حمد و ستایش مخصوص ذات خدا است. یاری از او میخواهیم و باو ایمان داریم

[صفحه ۳۲]

و توکـل مـا بـاو است و از بـدیهای خود و اعمال ناروا باو پناه میبریم. گمراهان را جز او راهنمائی نیست و آنکس را که او راهنمائی فرموده گمراه کننـده نخواهـد بود. و گواهی میدهم که معبودی (در خور پرسـتش) جز او نیست. و اینکه محمد صـلی الله علیه و آله بنده و فرسـتاده او است. پس از سـتایش خداوند و گواهی به یگانگی او. ای گروه مردم. همانا خداوند مهربان و دانا مرا آگهی داده که دوران عمرم سپری گشـته و قریبا دعوت خداونـد را اجابت و بسـرای باقی خواهـم شـتافت. من. و شـماها هر کدام بر حسب آنچه بعهـده داریم مسـئولیم. اینـک انـدیشه و گفتـار شـما چیست ؟. مردم گفتنـد : مـا گواهی میـدهیم که تو ابلاغ فرمودی و از پنـد ما و کوشـش در راه وظیفه دریغ نفرمودی. خـدای بتو پاداش نیکو عطا فرماید : فرمود : ایا نه اینست که شـماها بیگانگی خداوند و اینکه محمـد صـلی الله علیه و آله بنـده و فرسـتاده او است گواهی میدهید ؟ و باینکه بهشت و دوزخ و مرگ و قیامت تردید ناپذیر است و اینکه مردگان را خـدا بر می انگیزد و اینها همه راست و مورد اعتماد شـما است ؟. همگان گفتند آری، باین حقایق گواهی میدهیم. پیغمبر صـلی الله علیه و آله گفت : خداونـدا گواه بـاش، و بـا تاکیـد و مبـالغه در توجه و شـنوائی همگی و اقرار مجـدد آنـان بـاینکه سخنـان آنحضـرت را شـنیده و توجه دارنـد فرمود : همانـا من در انتقال بسـرای دیگر و رسـیدن بکنار حوض بر شـما سـبقت خواهم گرفت. و شـما در کنـار حـوض بر من وارد میشویـد. پهنـای حـوض من بماننـد مسـافت بین صـنعا و بصـری است و در آن بشـماره ستارگان - قدحها و جامهای سـیمین هست. بیندیشـید و مواظب باشـید که پس از درگذشـتن من با دو چیز گرانبها و ارجمند که در میان شما میگذارم چگونه رفتار نمائید ؟ در این موقع یکی در میان مردم بانگ برآورد که یا رسول الله آن دو

[صفحه ۳۳]

چیز گرانبها و ارجمند چیست ؟ فرمود آنکه بزرگتر است کتاب خدا است که یکطرف آن در دست خدا و طرف دیگر آن در دست شما است (کنایه از اینکه کتاب خدا وسیله ارتباط با خداوند است) بنابراین آنرا محکم بگیرید و از دست ندهید تا گمراه نشوید. و آن دیگر که کوچکتر است عترت من (اهل بیت من) میباشد و همانا خدای مهربان و دانا مرا آگاه فرمود که این دو هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد تا کنار حوض بر من وارد شوند. و من این امر را (عدم جدائی کتاب و عترت را) از پروردگار خود درخواست نموده ام. بنابراین. بر آندو پیشی نگیرید و از پیروی آن دو باز نایستید و کوتاهی نکنید که هلاك خواهید شد. سپس دست علی علیه السلام را گرفت و او را بلند نمود تا بحدی که سفیدی زیر بغل هر دو نمایان شد و مردم او را دیدند و شناختند. و فرمود : ای مردم کیست که بر اهل ایمان از خود آنها (سزاوارتر) میباشد ؟ گفتند : خدای و رسولش داناترند. فرمود همانا خدا مولای من است و من مولای مومنین هستم و اولی و سزاوارترم به آنها از خودشان. پس هر کس که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او خواهد بود و این سخن را سه بار و بنا بگفته احمد بن حنبل پیشوای حنبلی ها چهار بار تکرار فرمود. سپس دست بدعا گشود و گفت : بار خدایا. دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و یاری فرما یاران او را و خوار گردان خوار کنندگان او را، و او را معیار و میزان و محور حق و راستی قرار ده. آنگاه فرمود. باید آنان که حاضرند این امر را بغائبین برسانند و ابلاغ نمایند. هنوز جمعیت پراکنده نشده بود که امین وحی الهی رسید و این آیه را آورد : الیوم " اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا " در این موقع پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود الله اکبر، بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا برسالت من و ولایت علی علیه السلام بعد از من، سپس آن گروه شروع

[صفحه ۳۴]

کردند به تهنیت امیرالمومنین علیه اسلام و از جمله آنان (پیش از دیگران) شیخین - (ابوبکر و عمر) بودند که گفتند : به به برای تو ای پسر ابی طالب که صبح و شام را درك نمودی در حالیکه مولای من و مولای هر مرد و زن مومنی گشتی. و ابن عباس گفت : بخدا سوگند که این امر (ولایت علی علیه السلام) بر همه واجب گشت. سپس حسان ابن ثابت گفت : یا رسول الله اجازه فرما تا درباره علی علیه السلام اشعاری بسرایم. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بگو با میمنت و برکت الهی. در این هنگام حسان برخاست و چنین گفت : ای گروه بزرگان قریش. در محضر پیغمبر اسلام درباره ولایت که مسلم گشت، گفتار و اشعار خود را بیان میکنم و گفت : ینادیهم، یوم الغدیر نبیهم بخم فاسمع بالرسول منادیا این بود اجمالی از واقعه غدیرخم، و تفصیل این اجمال قریبا بنظر شما میرسد و امت اسلامی همگی بر وقوع این امر اتفاق نموده اند و در تمام جهان و قرارگاه این زمین واقعه و داستانی باین نام و نشان و خصوصیات رخ نداده جز آنچه که ذکر شد و هر وقت نامی از این روز برده شود جز باین واقعه بچیز دیگر منصرف نشود و چنانچه نامی از این محل (غدیرخم) برده شود منظور همین محل است که در نزدیکی جحفه است و هیچ سخندان و اهل تحقیقی. بنظر نرسیده که جز این اظهار نظر نماید. بلی. از میان نویسندگان و مورخین فقط یکتن : بنام دکتر ملحم - ابراهیم اسود - یافت شده که در حاشیه ای که بر دیوان ابی تمام نگاشته، از این اصل مسلم منحرف گشته و پس از ذکر جمله (غدیرخم) نوشته است : این واقعه جنگ معروفی است و ما در پیرامون این گفتار بحث کافی نموده ایم که در ترجمه احوال ابی تمام در جلد دوم (الغدیر) انشاء الله تعالی بنظر شما خواهد رسید.

عنایت و توجه مخصوص به حدیث غدیر

خدای متعال نسبت بنشر و اشتهار کامل این واقعه مهمه، عنایت بسیار فرموده

[صفحه ۳۵]

که این حدیث پیوسته زبان زد همگان باشد و راویان در هر عصر و زمان این داستان را دهان بدهان بگویند و بیان کنند و این موضوع برهان پابرجائی باشد برای طرفداران و حامیان این پیشوای عالمیقام صلوات الله علیه، و بهمین جهه امر بتبلیغ این سمت و مقام برای امیرالمومنین علی علیه السلام مقرون با تاکید و تسریع فرمود، تا در چنین موقع حساس که پیغمبر عالیقدر صلی الله علیه و آله از حج اکبر بازگشت فرموده و در هنگامی که گروه عظیمی از طبقات مختلفه و طوایف عدیده از مسلمین بمناسبت آموختن و انجام حج بیت الله مجتمع گشته اند، پیغمبر گرامیش صلی الله علیه و آله را مامور ابلاغ امر ولایت علی علیه السلام فرمود و آنحضرت نیز قیام فوری باجراء این امر نمود. در چنین موقع بی نظیر که جمعیت فشرده از اقوام و قبایل مختلفه از مسلمین گرد آمده اند در یک نقطه غیر عادی امر بتوقف فرماید و آنان که از آنمحل گذشته اند بامر پیغمبر صلی الله علیه و آله باز گردانده شوند و آنان که در دنبال این کاروان بزرگ میایند بان نقطه برسند و آنجناب با صدای رسا و بانک بلند آن خطبه حساس را ایراد و صدای خود را بهمه آنها برساند و پس از آن مقدمات بشناساندن علی علیه السلام بکیفیت مخصوص مبادرت فرماید و پس از ابلاغ ولایت و امامت او بحاضرین امر کند که بغائبین نیز ابلاغ نمایند تا همه آن افراد که بیش از یکصد هزار تن بوده اند تماما مامور ابلاغ و راویان این حدیث و قضیه مهمه باشند و خدای منان باین مقدار هم اکتفاء نفرمود و بلکه آیات کریمه در این خصوص فرو فرستاد که در هر صبح و شام تلاوت شود و مسلمانان عالم با تلاوت مداوم آن آیات در

[صفحه ۳۶]

همه وقت و همه جا متذکر و متوجه این امر باشند و تنها طریق رشد و سعادت خود را بشناسند و مرجع واقعی و پیشوای حقیقی خود را برای دریافت معالم دین و احکام آئین منزه اسلام بدون تردید تشخیص دهند. رسول خدا صلی الله علیه و آله کانه قبلا پیش بینی فرموده بود که در این مسافرت، نباء عظیم (خبر بزرگ و مهم) در پیش است که اعلام عمومی داد - تا همه افراد و طبقات مسلمین برای آموختن و عمل باداب و مناسک حج از منازل و اوطان خویش بیرون شوند و دسته دسته و گروه گروه بانجناب ملحق گردند تا با تحقق این امر خطیر پایه های دین حنیف و بنیان آئین مقدس اسلام استوار گردد و مظاهر و شرفه های دین بلند و نمایان شود و در زیر این پرچم افراشته الهی امت اسلامی بر سایر امم جهان سروری نمایند و برتری یابند و جنبش پیروزانه و سلطنت این دین شرق و غرب جهان را فرا گیرد. آری. با سازمان اساسی و متقن الهی زمینه این اعتلا و سیادت جهانی از هر حیث فراهم آمد و بر صلحا و عقلای قوم لازم و واجب بوده که برای وصول باین نتیجه آئین عقل و دین و فضیلت را پیش گیرند و با کلمه توحید و توحید کلمه مراحل سیادت و عظمت را طی کنند تا بسر منزل رشد و رستگاری نایل شوند... اما ؟

[صفحه ۳۷]

و برای تامین همین منظور پیشوایان دین سلام الله علیهم اجمعین پیوسته واقعه غدیر خم را در هر موقع و در هر مناسبت بازگو و بان

استدلال و احتجاج میفرمودند و با این مبنای راسخ و نص صریح امامت و وصایت پدران خود را آشکار و مدلل میداشتند. همانطور که شخص امیرالمومنین صلوات الله علیه نیز در طول دوران زندگی گرامی و شریف خود پیوسته باین امر احتجاج میفرمود و شنوندگان این حدیث را از افراد صحابه که در حجه الوداع حضور داشته اند در مجامع عمومی سوگند میداد و از آنها بر این امر گواهی میطلبید. این جدیت ها و اهتمام ها همه برای این بوده که این تاریخ روشن و خاطره مقدس پیوسته تازه و شاداب بماند و گذشت زمان بتدریج این واقعه را متروک و مخفی نسازد.

[صفحه ۳۸]

و باز بهمین منظور پیروان و علاقمندان خود را پیوسته وادار میفرمودند که روز غدیر خم را عید بگیرند و مجامع تهنیت و تبریک تشکیل دهند و با ادامه این روش و اعاده مستمر سالیانه آن این واقعه بزرگ را همیشه زنده و آشکار نگاه دارند که تفصیل کامل این مطالب قریبا در این کتاب بنظر خوانندگان ارجمند خواهد رسید انشاء الله تعالی - بامید آینده. علاوه بر مجامع و محافل باشکوهی که بمناسبت عید غدیرخم در میان مسلمین وجود دارد در آستان مقدس و مرقد مبارک علوی علیه السلام نیز همه ساله بهمین مناسبت اجتماعات با عظمتی تشکیل میشود که وجوه خلق از بلاد مختلفه دور و نزدیک بطرف آستان قدس علوی ارواحنا فداه رهسپار و در این مجتمع اصلی شرکت نموده این یادبود مقدس را دنبال و این علم نورانی را بلند میکنند و زیارات طولانی که برای این روز بخصوص از طرف پیشوایان دین سلام الله علیهم اجمعین تعلیم و تلقین شده میخوانند که در ضمن آن زیارات مخصوصه نشانه های امامت و براهین قاطعه خلافت الهیه از کتاب و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و خصوصیات داستان روز غدیر خم توضیح و تصریح گشته و مشاهده میشود که هر فردی از افراد این جمعیت که از هزارها نفر تشکیل گشته با صدای رسا آنزیارات را میخوانند و آن کلمات نورانی را بر زبان جاری میکنند و در عین حال آثار سرور و افتخار از وجنات زائرین هویداست که باین هدایت الهیه در صراط مستقیم ولایت راه یافته و مباهات میکنند که با خواندن آن زیارات هر یک خود فردی از راویان این حدیث پر فضیلت گردیده ولایت امیرالمومنین را مبنای واقعی دین خدائی دانسته و بمفاد آن در راه آئین مقدس گام بر میدارند و عمل میکنند آن افراد علاقمند هم که بعزیمت بطرف مرقد مقدس علوی علیه السلام توفیق نیافته اند، در دورترین مناطق از جایگاه خود مرقد منور علی علیه السلام را بنظر آورده و با اشاره بان آستان مقدس زیارت مخصوصه را میخوانند. و از همان جایگاه خود اشاره بساحت قدس ولایت مینمایند. و نیز وظائف و عباداتی از روزه و نماز و دعا که متضمن یادآوری این روز

[صفحه ۳۹]

تاریخی (غدیر) است وارد و مقرر گشته که پیروان آنجناب در شهرها و قراء و اماکن خود قیام بان مینمایند و بدین وسائل و عناوین مقدسه ملیونها نفوس (که یکسوم و حتی بطور تقریب نیمی از مسلمین جهان را تشکیل میدهند) خاطره غدیر خم را پیوسته تجدید و با حکایت نمودن این واقعه قلوب خود را متوجه مرکز ولایت نموده و او را اصل و اساس دین و آئین خود دانسته و وابسته آن میباشند. و اما کتب و آثار امامیه در حدیث و تفسیر و تاریخ و کلام - بهر یک از این آثار توجه و بررسی شود ملاحظه خواهد شد که مشحون و پر است از این واقعه و اثبات قضیه غدیر و استدلال و احتجاج بمدلول و محصل آن - از روایات مسند که نام سلسله روات متعاقب یکدیگر ثبت گشته تا منتهی میشود بمرکز انوار نبوت صلی الله علیه و آله و روایات بیشمار دیگر که من باب ارسال مسلم با حذف سلسله سند ضبط گردیده و حاکی از این است که این موضوع مورد اتفاق عموم فرق مسلمین است، و گمان نمیکنم

که دانشمندان اهل سنت نیز در ثبت و ضبط و روایت این حدیث از امامیه دست کمی داشته باشند : چه آنان نیز این واقعه را محقق دانسته و بصحت آن معترف و بتواتر آن اذعان دارند. مگر فرد یا افراد قلیل و ناچیزی که از راه و رسم درایت منحرف گشته، و از روی عصبیت باطله کورکورانه نسبت باین واقعه سخنی بیاوه گفته اند این اقلیت ناچیز جز خود کسی را ندیده و بعلت خودخواهی توجه ننموده اند که اکثریت کامل دانشمندان و مطلعین از اهل فن حدیث و تاریخ و غیرها این حدیث را مسلم و تردید ناپذیر دانسته اند ؟ خلاصه آنکه این موضوع (غدیرخم) در نظر علمای اهل سنت نیز ثابت و محقق است و از متواترات و مسلمیات است و ما اینک نام راویان حدیث غدیر

[صفحه ۴۰]

خم را از صحابه و تابعین تا آنجا که بطرق منتهیه بانها وقوف یافته ایم بترتیب حروف - الفبا - ذکر مینمائیم :

راویان حدیث غدیرخم از صحابه پیغمبر

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف الف) شروع می شود

۱ - ابو هریره دوسی (که در سن هفتاد و هشت سالگی در یکی از سالهای ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ درگذشته) - روایت او بطور مسند در جلد ۸ تاریخ خطیب بغدادی صفحه ۲۹۰ بدو طریق از مطر وراق از شهر بن جوشب از ابوهریره بلفظ او که بعدا ذکر میشود موجود است و در " تهذیب الکمال فی اسماء الرجال " تالیف ابی الحجاج مزی و در جلد ۷ از " تهذیب التهذیب " ص ۳۲۷، و در مناقب خوارزمی ص ۱۳۰ ذکر شده و خوارزمی در کتاب مقتل امام سبط شهید (حسین بن علی علیه السلام) او را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده است. و جزری - در ص ۳ از " اسنی المطالب " و سیوطی در " در المنثور " جلد ۲ ص ۲۵۹ از ابن مردویه و خطیب و ابن عساکر هر یک بسلسله سند خود از او (ابو هریره) روایت نموده اند، و در ص ۱۱۴ " تاریخ الخلفاء " نقل از ابی یعلی موصلی بسلسله سند خود از نامبرده روایت نموده و در " فرائد السمطین " تالیف حموینی باسنادش از شهر بن جوشب او نامبرده روایت شده و در جلد ۶ از " کنز العمال " تالیف متقی هندی ص ۱۵۴ بطریق ابن ابی شیبه از او و از دوازده تن دیگر از صحابه و در همان جلد ص ۴۰۳ از عمیره بن سعد از او، و در جلد ۲ " الاستیعاب " تالیف ابن عبد البر ص ۴۷۳ و در جلد ۵" البدایه و النهایه " تالیف ابن کثیر دمشقی ص ۲۱۴ نقل از حافظ ابی یعلی و حافظ ابن جریر باسناد آندو از ادریس و داود از پدر آنها (یزید) از او، و همچنین از شهر بن جوشب از او و همچنین از عمیره بن سعد از او، و در کتاب " حدیث الولایه " تالیف ابن عقده

[صفحه ۴۱]

و " نخب المناقب " تالیف ابوبکر جعابی و در " نزل الابرار " ص ۲۰ از طریق ابی یعلی موصلی و ابن ابی شیبه از او روایت شده، آنچه فوقا از سلسله های متعدد نقل شده همه منتهی به ابی هریره میشود.

۲ - ابوعلی انصاری (گفته شده که نامبرده در سال ۳۷ در صفین کشته شده) لفظ او بطور مسند در ص ۳۵ از کتاب " المناقب" خوارزمی باسناد از ثویر بن ابی فاخته از عبد الرحمن ابی لیلی از پدرش چنین مندرج است : پدرم گفت : پیغمبر صلی الله علیه و آله

در روز خیبر پرچم را بعلی بن ابی طالب علیه السلام داد و خدای تعالی خیبر را بدست علی علیه السلام گشود - و در روز غدیر خم او را بپا داشت و بمردم اعلام فرمود که او (یعنی علی علیه السلام) مولای هر مرد و زن از اهل ایمان خواهد بود، و ابن عقده حدیث غدیر را باسناد خود در " حدیث الولایه " و سیوطی در " تاریخ الخلفاء " ص ۱۱۴ و سمهودی در " جواهر العقدین " از ابو لیلی مذکور نقل نموده اند.

۳ - ابو زینب بن عوف الانصاری - لفظ روایت او در جلد ۳ " اسد الغابه " ص ۳۰۷ و در جلد ۵ ص ۲۰۵ و در جلد ۳ " الاصابه " ص ۴۰۸ از اصبغ بن نباته و در جلد ۴ ص ۸۰ از " حدیث الولایه " ابن عقده - از طریق علی بن حسین عبدی از سعد اسکاف از اصبغ نقل شده و حدیث مناشده (سوگند دادن) - امیرالمومنین علیه السلام را بحدیث غدیر خم در روز رحبه نیز ذکر فرموده که از جمله کسانیکه ضمن مناشده گواهی بان داده اند ابو زینب را نامبرده است و قریبا لفظ حدیث را ملاحظه خواهید فرمود انشاء الله تعالی.

۴ - ابو فضاله انصاری - نامبرده از اهل بدر است و در جنگ صفین با امیرالمومنین علی علیه السلام بوده و کشته شده است این شخص در روایت اصبغ بن نباته که در جلد ۳ " اسعد الغابه " ص ۳۰۷ و جلد ۵ " حدیث الولایه " ص ۲۰۵ ثبت شده از جمله کسانی است

[صفحه ۴۲]

که در روز رحبه برای علی علیه السلام بحدیث غدیر شهادت داده است و قاضی بهلول بهجت در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۷ او را در شمار روایان حدیث غدیر ذکر نموده است.

۵ - ابو قدامه انصاری یکی از کسانی است که روز رحبه طرف مناشده و سوگند امیر المومنین علی علیه السلام بوده، طبق مندرج در جلد ۵ " اسد الغابه " ص ۲۷۶ نقل از ابن عقده باسنادش از محمد بن کثیر از فطر و ابن جارود از ابی الطفیل از نامبرده که در روز رحبه شهادت داد برای علی علیه السلام و در (حدیث الولایه) ابن عقده و (جواهر العقدین) سمهودی و در جلد ۴ " الاصابه " ص ۱۵۹ (که او نیز از حدیث الولایه ابن عقده نقل نموده) از طریق محمد بن کثیر از فطر از ابو الطفیل روایت نموده که او گفت نزد علی علیه السلام بودیم که آنجناب فرمود قسم بخدا میدهم کسانی را که روز غدیر خم حضور داشته و شاهد بر این امر بوده اند (تمام حدیث بعدا ذکر میشود) در کتاب نامبرده مذکور است که ابو قدامه انصاری از کسانی است که بداستان غدیر خم در آنروز شهادت داد.

۶ - ابو عمره بن عمرو بن محصن انصاری - ابن اثیر در جلد ۳ " اسد الغابه " ص ۳۰۷ حدیث مناشده امیرالمومنین علی علیه السلام را در کوفه و شهادت ابو عمره نامبرده را بحدیث غدیر ذکر نموده و ابن عقده در کتاب خود " حدیث الولایه " حدیث مزبور را از او روایت نموده است.

۷ - ابو الهیثم بن التیهان (در سال ۳۷ در صفین شهادت یافته) حدیث او در کتاب " حدیث الولایه " تالیف ابن عقده و در " نخب المناقب " جعابی موجود است و در مقتل خوارزمی در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ذکر شده است و در " جواهر العقدین " سمهودی از فطر و ابی الجارود از ابی الطفیل شهادت او را از خود نامبرده در

[صفحه ۴۳]

روز مناشده بحدیث غدیر خم ذکر نموده اند و در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۷ نامبرده در شمار راویان حدیث غدیر ذکر شده است.

۸ - ابو رافع قبطی آزاد شده رسول خدا صلی الله علیه و آله - حدیث او را ابن عقده در " حدیث الولایه " و ابوبکر جعابی در " نخب " روایت نموده اند و خوارزمی در مقتل خود او را در شمار راویان حدیث غدیر از زمره صحابه ذکر نموده است.

۹ - ابو ذویب خویلد (یا خالد) پسر خالد بن محرث الهذلی (نامبرده از شعرای زمان جاهلیت و عصر اسلام است و در خلافت عثمان درگذشته) ابن عقده در " حدیث الولایه " و خطیب خوارزمی در فصل چهارم از مقتل امام سبط علیه السلام حدیث غدیر را از او روایت کرده اند.

۱۰ - ابوبکر بن ابی قحافه تیمی (وفات : سال ۱۳ هجری) ابن عقده باسناد خود در " حدیث الولایه " و ابوبکر جعابی در " نخب " و منصور رازی در کتاب خود (که در موضوع غدیر نوشته است) حدیث غدیر را از او روایت نموده اند و شمس الدین جزری در " اسنی المطالب " ص ۳ او را در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ذکر نموده است.

۱۱ - اسامه بن زید بن حارثه کلبی نامبرده در سال ۵۴ هجری در سن هفتاد و پنجسالگی در گذشته) - حدیث او در موضوع غدیر خم در " حدیث الولایه " و در " نخب المناقب " مذکور است.

۱۲ - ابی بن کعب انصاری خزرجی - (سید القراء - یعنی از بزرگان قاریان و حافظان قرآن بوده - (وفات او در یکی از سالهای ۳۰ تا ۳۲ هجری واقع شده و نسبت بسال وفات او جز این نیز ذکری شده است) ابوبکر جعابی در " نخب المناقب " باسناد خود حدیث غدیر خم را از او روایت کرده است.

۱۳ - اسعد بن زراره انصاری - ابن عقده در " حدیث الولایه " از محمد بن فضل بن

[صفحه ۴۴]

ابراهیم اشعری از پدرش از مثنی ابن قاسم حضرمی از هلال بن ایوب صیرفی از ابن کثیر انصاری از عبد الله بن اسعد بن زراره از پدرش اسعد بن زراره مذکور حدیث غدیر را از رسول خدا روایت نموده و ابوبکر جعابی در " نخب " و ابو سعید منصور سجستانی در " کتاب الولایه " از ابی الحسن احمد بن محمد بزاز صینی (چینی) باملاء او در ماه صفر سال ۳۹۴ ضبط نموده که گفت : ابوالعباس احمد بن سعید کوفی حافظ در سال ۳۳۰ حدیث نمود و ابوالحسین محمد بن محمد بن علی شروطی بما خبر داد و گفت که ابوالحسین محمد بن عمر بن بهته. و ابو عبد الله حسین بن هارون بن محمد قاضی صینی (چینی) و ابو محمد عبد الله بن محمد اکفانی قاضی بما خبر داده گفتند که : احمد بن محمد بن سعید بما خبر داده گفت که : محمد بن فضل بن ابراهیم اشعری برای ما حدیث نمود (تا آخر سند مذکور که ابن عقده آورده - و شمس الدین جزری در " اسنی المطالب " ص ۴ نامبرده را در شمار راویان حدیث غدیر از زمره صحابه ذکر نموده است.

۱۴ - اسماء بنت عمیس خثعمیه - ابن عقده در " حدیث الولایه " باسناد خود از او روایت نموده است.

۱۵ - ام سلمه - زوجه پیغمبر صلی الله علیه و آله - ابن عقده از طریق عمرو بن جعده بن هبیره از جدش از ام سلمه این روایت را آورده که ام سلمه گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیر خم دست علی علیه السلام را گرفت و او را بلند نمود تا بحدی که سفیدی زیر بغل او را دیدم. آنگاه فرمود : هر کس من مولای اویم : علی علیه السلام مولای او است. سپس فرمود : ای مردم. من دو چیز گران و نفیس در میان شما وامیگذارم. کتاب خدا و عترت من، و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمیشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. و این روایت را سمهودی شافعی در " جواهر العقدین " بنابر مندرج در ص ۴۰ " ینابیع المودة " آورده و شیخ

احمد بن فضل بن محمد باکثیر مکی شافعی در " وسیله المال " از طریق ابن عقده از ام سلمه بهمین الفاظ روایت نموده است.

[صفحه ۴۵]

۱۶- ام هانی بنت ابی طالب سلام الله علیهما - نامبرده گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله از حج خود بازگشت تا در غدیرخم فرود آمد، سپس در آن هوای گرم ایستاد و خطبه خواند و پس از بیان خطبه فرمود ای مردم... (تا آخر حدیث). این روایت را بزار با ذکر سند در مسند خود از ام هانی ثبت کرده و سمهودی شافعی (بنابر آنچه قندوزی حنفی در ص ۴۰ " ینابیع الموده " ذکر نموده) آنرا از نامبرده روایت نموده و ابن عقده نیز باسناد خود در " - حدیث الولایه " این حدیث را از ام هانی آورده است.

۱۷ - ابو حمزه انس بن مالک انصاری خزرجی - خدمتکار رسول خدا صلی الله علیه و آله (که در سال ۹۳ هجری در گذشته است) خطیب بغدادی در جلد ۷ تاریخش در ص ۲۷۷ و ابن قتیبه دینوری در " المعارف " ص ۲۹۱ و ابن عقده در " - حدیث الولایه" باسناد خود از مسلم ملائی از انس، و ابوبکر جعابی در " نخب - خود " و خطیب خوارزمی در مقتل، و سیوطی در (تاریخ الخلفاء) ص ۱۱۴ بطریق طبرانی، و متقی هندی در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۱۵۴ و ص ۴۰۳ از عمیره بن سعید از انس، و بدخشی در " نزل الابرار " ص ۲۰ از طریق طبرانی و خطیب، این حدیث را از نامبرده روایت نموده اند، و در " اسنی المطالب " جزری ص ۴ نامبرده در شمار راویان حدیث غدیر ذکر شده است.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ب) شروع می شود

۱۸ - براء بن عازب انصاری اوسی (در کوفه اقامت گزیده و در آنجا سال ۷۲ هجری درگذشته است) در جلد ۴ " - المسند " احمد بن حنبل ص ۲۸۱ حدیث غدیر بلفظ نامبرده موجود است که صاحب " مسند " باسناد خود از عفان از حماد بن سلمه از علی بن زید از عدی بن ثابت از او (براء) و بطریق دیگر از عدی از براء روایت کرده بشرح و بیانی که در حدیث تهنیه انشاء الله ذکر خواهد شد و در " سنن " ابن ماجه جلد ۲ ص ۲۸ و ۲۹ از ابن جدعان از عدی از او روایت شده که گفت : در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجی که نمود آمدیم. در بعضی منازل فرود آمد و از طرف آنجناب

[صفحه ۴۶]

اعلام شد که همگی برای نماز مجتمع گردند. سپس دست علی علیه السلام گرفت و فرمود : آیا من اولی (سزاوارتر) باهل ایمان از خود آنها نیستم ؟ همگی گفتند، آری هستی، فرمود : آیا من بهر فرد مومن اولی باو از خودش نیستم ؟ گفتند، آری هستی، فرمود : بنابراین، این شخص (یعنی علی علیه السلام) ولی و عهده دار امور کسی است که من مولای اویم. بار خدایا دوست بدار آنکه او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را او دشمن دارد. و در خصایص نسائی ص ۱۶ از ابی اسحق از او، و در تاریخ خطیب بغدادی جلد ۱۴ ص ۲۳۶ و در تفسیر طبری جلد ۳ ص ۴۲۷ و در " تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، " و در " الکشف و البیان " تالیف ثعلبی (لفظ و سند او خواهد آمد) و در " استیعاب " ابن عبد البر جلد ۲ ص ۴۷۳ و در " الریاض النضره " محب الدین طقری جلد ۲ ص ۱۶۹ از طریق حافظ ابن سمان و مناقب خطیب خوارزمی ص ۹۴ (باسناد از عدی) از براء نامبرده و در " الفصول المهمه " تالیف ابن صباغ مالکی ص ۲۵ (نقل از حافظ ابی بکر بن احمد بن حسن بیهقی و امام احمد بن حنبل) و در " ذخایر العقبی " تالیف محب الدین طبری ص ۶۷ و در " کفایه الطالب " تالیف حافظ گنجی شافعی ص ۱۴ از عدی بن ثابت از او - و در تفسیر فخر رازی جلد

۳ ص ۶۳۶ و تفسیر نیشابوری جلد ۶ ص ۱۹۴ و در " نظم درر السمطین " تالیف جمال الدین زرندی و در " جامع صغیر " جلد ۱ ص ۵۵۵ از طریق احمد و ابن ماجه و در " مشکات المصابیح " ص ۵۵۷ (آنچه که از طریق احمد از براء و زید بن ارقم روایت شده) و در شرح دیوان امیرالمومنین علیه السلام تالیف میبدی بطریق احمد و در " فراید السمطین " به پنج طریق از عدی بن ثابت از او و در " کنز العمال " جلد ۶ ص ۱۵۲ از طریق احمد از او و در ص ۳۹۷ نقل از سنن حافظ ابن ابی شیبه باسنادش از او و در " البدایه و النهایه " ابن کثیر جلد ۵ ص ۲۰۹ از عدی از او و بنقل از ابن ماجه و حافظ عبد الرزاق و حافظ ابویعلی موصلی و حافظ حسن بن سفیان و حافظ ابن جریر طبری و در جلد ۷ کتاب مذکور ص ۳۴۹ از طریق حافظ عبد الرزاق از معمر از ابن جدعان از عدی از براء بن عازب روایت نموده که گفت : با رسول

[صفحه ۴۷]

خدا صلی الله علیه و آله بیرون آمدیم (از مکه) تا در غدیرخم فرود آمدیم. منادی از طرف آنجناب اجتماع عمومی را اعلام کرد و پس از آنکه همگی گرد آمدیم فرمود : آیا من اولی بشما از خود شما نیستم ؟ گفتیم. آری هستی یا رسول الله، فرمود آیا من اولی (سزاوارتر) نیستم بشما از مادرانتان ؟ گفتیم. آری هستی یا رسول الله، فرمود : آیا من اولی نیستم بشما از پدرانتان ؟ گفتیم بلی یا رسول الله هستی، و از این قبیل پرسش ها دایر باولویت خود چند بار تکرار فرمود و همه را تصدیق و اقرار نمودیم. آنگاه فرمود : هر کس که من مولای او هستم پس علی علیه السلام مولای او خواهد بود بار خدایا دوست بدار کسی را که او را دوست دارد و دشمن دار کسی را که او را دشمن دارد پس عمر بن خطاب گفت : گوارا باد تو را ای پسر ابی طالب که امروز را درك نمودی در حالتیکه ولی و سرپرست هر مومن هستی، و بهمین کیفیت این حدیث را ابن ماجه از حدیث حماد بن سلمه از علی بن زید - و ابی هارون عبدی از عدی بن ثابت از براء آورده و موسی بن عثمان حضرمی نیز از ابن اسحق بهمین عنوان از براء روایت نموده است. و حدیث مزبور را حافظ ابو محمد عاصمی در " زین الفتی " از ابی بکر جلاب از ابی احمد همدانی از ابی جعفر محمد بن ابراهیم قهستانی از ابی قریش محمد بن جمعه از ابی یحی مقری از پدرش از حماد بن سلمه از علی بن زید بن جدعان از عدی بن ثابت از براء بن عازب بشرح و لفظی که در حدیث تهنیه خواهد آمد روایت نموده و در " نزل الابرار " نیز در صفحه ۱۹ از طریق احمد و در صفحه ۲۱ از طریق ابی نعیم در فضایل صحابه حدیث او از براء بن عازب موجود است و در جلد ۲ از " الخطط " مقریزی ص ۲۲۲ بطریق احمد از او (براء) و در " مناقب الثلاثه " از طریق احمد و حافظ ابوبکر بیهقی از او و در جلد ۲ از کتاب " روح المعانی "ص ۳۵۰ از او در تفسیر " المنار " جلد ۶ ص ۴۶۴ از طریق احمد و ابن ماجه از نامبرده این روایت ذکر شده است و جزری در" اسنی المطالب " ص ۳ براء بن عازب مذکور را در شمار راویان حدیث غدیر ذکر نموده.

[صفحه ۴۸]

۱۹ - بریده بن خصیب ابو سهل اسلمی (وفات در سال : ۶۳ هجری) حدیثش در جلد ۳ مستدرك حاکم ص ۱۱۰ از محمد بن صالح بن هانی ذکر شده که او نقل از احمد بن نصر و باز حاکم از محمد بن علی شیبانی در کوفه شنیده از احمد بن حازم غفاری و او از محمد بن عبد الله عمری و او از محمد بن اسحق و او از محمد بن یحیی و احمد بن یوسف نقل کرده از ابی نعیم و او از ابن ابی غنیه و او از حکم از سعید بن جبیر از ابن عباس - نقل نموده که او از بریده مذکور حدیث غدیر را روایت کرده و در جلد ۴" حلیه الاولیاء " ص ۲۳ باسنادش از طریق ابن عیینه مذکوره آورده و در جلد ۲ " الاستیعاب " ابن عبد البر ص ۴۷۳ در شرح حال

امیرالمومنین علیه السلام ذکر شده و در مقتل خوارزمی و اسنی المطالب جزری شافعی ص ۳ - نامبرده در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ذکر شده و در " تاریخ الخلفاء " ص ۱۱۴ حدیث غدیر از طریق بزار از او و در جلد ۲ " الجامع الصغیر " ص ۵۵۵ از طریق احمد و در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۳۹۷ نقل از حافظ ابن ابی شیبه و ابن جریر و ابی نعیم باسنادشان از او و در " مفتاح النجا " و " نزل الابرار " ص ۲۰ از طریق بزار - و در جل ۴ تفسیر " المنار " ص ۴۶۴ از طریق احمد از نامبرده روایت نموده اند.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ث) شروع می شود

۲۰ - ابو سعید ثابت بن ودیعه انصاری خزرجی مدنی - بطوریکه بعدا خواهد آمد در روایت ابن عقده در " حدیث الولایه " و ابن ایثر در جلد ۳ " اسد الغابه " ص ۳۰۷ و جلد ۵ ص ۲۰۵ - در حدیث مناشده از جمله کسانی است که درباره علی علیه السلام نسبت بواقعه غدیر شهادت داده است. و در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۷ نامبرده در شمار راویان حدیث غدیر ذکر شده است.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ج) شروع می شود

۲۱ - جابر بن سمره بن جناده ابو سلیمان سوائی (نامبرده بکوفه آمده و در

[صفحه ۴۹]

آنجا مسکن گزیده و در همان جا - بعد از سال ۷۰ هجری در گذشته و طبق مندرج در " الاصابه " در سال ۷۴ هجری وفات یافته) ابن عقده در (" حدیث الولایه) واقعه غدیر را بلفظ نامبرده (جابر بن سمره) روایت نموده و خوارزمی در فصل چهارم از مقتلش او را در شمار کسانی که حدیث غدیر را روایت نموده اند از صحابه ذکر نموده و متقی هندی در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۳۹۸ نقل از حافظ ابن ابی شیبه باسنادش از نامبرده روایت نموده که او گفت : ما، در جحفه " غدیرخم " بودیم ناگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما بیرون شد. پس دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود : هر کس که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او است.

۲۲ - جابر بن عبد الله انصاری (نامبرده در سن نود و چهار سالگی در یکی از سالهای ۷۸ - ۷۴ - ۷۳ در مدینه وفات یافته) حافظ بزرگ. ابن عقده در " حدیث الولایه " باسنادش از او روایت نموده که گفت : ما در سفر حجه الوداع با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم. پس از بازگشت در جحفه فرود آمد و برای مردم خطبه خواند و فرمود : ای مردم، من مسئول هستم و شما هم مسئول هستید. اکنون رای و نظر خود را باز گوئید، گفتند : گواهی میدهیم که تو اوامر خدا را بما رسانیدی و ما را پند دادی و آنچه متضمن صلاح و سعادت ما بود بیان نمودی. فرمود : همانا من بر شما در انتقال بسرای دیگر پیشی میگیرم و شما در کنار حوض بر من وارد میشوید و من در میان شما دو چیز گران و نفیس وا میگذارم که اگر پیوستگی خود را بان دو حفظ کنید هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خدا و عترت من. اهل بیت من. و این دو هرگز از یکدیگر جدا نمیشوند تا کنار حوض بر من وارد شوند. سپس فرمود : آیا نمیدانسته اید که من اولی (سزاوارتم) بشما از نفوس شما ؟ گفتند : آری چنین است، در این هنگام در حالیکه دست علی علیه السلام را در دست داشت فرمود : هر کس من مولای اویم. علی مولای او خواهد بود. سپس فرمود : بار خدایا دوست بدار دوستان او را. و دشمن دار دشمنان او را. و همین حدیث را ابوبکر جعابی در نخب خود و ابن عبد البر در جلد ۲ (استیعاب)

[صفحه ۵۰]

ص ۴۷۳ از او روایت کرده اند و حدیث نامبرده در " اسماء الرجال " تالیف ابی الحجاج و " تهذیب التهذیب " جلد ۷ ص ۳۳۷ و " کفایه الطالب " ص ۱۶ بطریق عالی از مشایخ او که همه حافظین حدیث بوده اند و شریف ابو تمام علی بن ابی الفخار الهاشمی، و ابو طالب عبد اللطیف بن محمد قبیطی، و ابراهیم بن عثمان کاشغری بطرقشان از عبد الله بن محمد بن عقیل آورده اند که گفت : باتفاق علی بن الحسین علیه السلام و محمد بن الحنفیه و ابوجعفر علیه السلام نزد جابر بن عبد الله در خانه او بودیم، پس مردی از اهل عراق داخل شد و جابر گفت : تو را بخدا قسم میدهم که آنچه از رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدی و شنیدی برای من بیان کن، (تا آخر این داستان که در حدیث مناشده مرد عراقی با جابر ابن عبد الله خواهد آمد. و حافظ حموینی در " فراید السمطین " در سمط اول در باب نهم از طریق حافظ ابن البطی، و ابن کثیر در " - البدایه و النهایه " جلد ۵ ص ۲۰۹ باسناد از عبد الله بن محمد بن عقیل از او (یعنی جابر) این حدیث را روایت نموده اند. و پس از نقل حدیث گفته است : استاد ما ذهبی گفت : این حدیث (از نقطه نظر راویانی که در سلسله روایت دارد) - حدیث نیکوئی است. و ابن لهیعه از بکر بن سواده و جز او ابی سلمه بن عبد الرحمن از جابر - بهمین نحو - و همچنین. متقی هندی در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۳۹۸ نقل از بزار باسنادش از او، و سمهودی در " جواهر العقدین (" چنانکه قندوزی حنفی در ینابیع خود در ص ۴۱ از او نقل کرده) - بهمان لفظ و بیان از ابن عقده و وصابی شافعی در " الاکتفاء " نقل از سنن حافظ ابن ابی شیبه باسنادش از او این حدیث را روایت نموده اند. و حافظ ابن المغازلی (بطوریکه در " العمده " تالیف ابن بطریق ۵۳ مذکور است) با ذکر سند و باسناد خود از بکر بن سواده از قبیصه بن ذویب و ابی سلمه بن عبد الرحمن از جابر بن عبد الله روایت نموده باینکه : رسول خدا صلی الله علیه و آله در خم فرود آمد و مردم از آنجناب دور و متفرق گشتند. پس آنجناب علی علیه السلام را امر فرمود که مردم را جمع نماید و پس از اجتماع آنها رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالیکه تکیه بدست

[صفحه ۵۱]

علی علیه السلام داشت در میان آنها ایستاد و پس از ادای حمد و ثنای خداوند. خطاب بانها فرمود : دوری و تفرقه شما بحدی بر من ناگوار آمد که پنداشتم حتی درختی که من تکیه بر آن دارم بیش از هر درخت دیگری مورد بی علاقگی و خشم شما است (کنایه از نهایت تاثر از تفرقه و دوری مسلمین از آنحضرت است) سپس فرمود : لیکن علی پیوسته بمن نزدیک است بطوری که هیچ امری را بر نزدیکی و دوستی من اختیار نمیکند. و بهمین سبب است که خداوند او را برای من بمنزله من برای او قرار داده و همانطور که من از او خشنود و راضی هستم خداوند نیز از او راضی و خوشنود گشته سپس دست علی را بلند کرد و فرمود. هر کس که من مولای اویم پس علی مولای او خواهد بود. بار خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد - جابر گوید - در این هنگام مردم با شتاب و نگرانی (از ابراز تاثر پیغمبر صلی الله علیه و آله) بسوی آنجناب شتافتند و با تضرع و گریه از تفرقه و دوری خود معذرت خواسته و عرضه داشتند : یا رسول الله تفرق و دور شدن ما از حضرتت برای این بود که مبادا اجتماع ما بر آنجناب گران و ناگوار باشد اکنون که این معنی موجب ناراحتی و خشم شما گشته، پناه بخدا میبریم از خشم پیغمبرش - در این موقع رسول خدا صلی الله علیه و آله ابراز رضایت فرمود و معذرت آنها را پذیرفت و این داستان را ثعلبی در تفسیر خود - بطوریکه در " ضیاء العالمین " مذکور است روایت نموده. و خوارزمی در مقتل خود و جزری در اسنی المطالب " ص ۳ و قاضی در " تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله " ص ۶۷ او را (جابر بن عبد الله را) در شمار راویان حدیث غدیر ذکر

نموده اند.

۲۳ - جبله بن عمرو الانصاری - ابن عقده حدیث غدیر را از او باسناد خود در " حدیث الولایه - " روایت نموده است.

۲۴ - جبیر بن مطعم بن عدی قرشی نوفلی (در یکی از سالهای ۵۹ - ۵۸ - ۵۷ - هجری درگذشته) - قاضی بهلول بهجت در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۸ نامبرده را از جمله راویان حدیث غدیر بشمار آورده و همدانی در " موده القربی " قسمتی از حدیث

[صفحه ۵۲]

غدیر را از او روایت کرده و در ص ۳۱ و ص ۳۳۶ ینابیع الموده حنفی از او نقل کرده

۲۵ - جریر بن عبد الله بن جابر بجلی (در گذشت او در یکی از سالهای ۵۱ الی ۵۴ ثبت شده) روایت نام برده - دایر بحدیث غدیر در جلد ۹ " مجمع الزواید " حافظ هیثمی ص ۱۰۶ نقل از " معجم " طبرانی باسنادش از او موجود است که گفت : ما، در حجه الوداع حضور یافتیم. پس از درك موسم (و بازگشت) بجائی رسیدیم که غدیر خم نامیده میشود. در آنجا اعلام اجتماع عمومی شد و پس از گردن آمدن مهاجرین و انصار رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان ما بپا خواست و خطاب بخلق فرمود : به چه شهادت میدهید ؟ گفتند : بیکتائی خداوند. فرمود : دیگر به چه ؟ گفتند باینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول (فرستاده) او است. فرمود : ولی شما (کسی که در خور سرپرستی و تصرف در جمیع شئون است) کیست ؟ گفتند : خدا و فرستاده او مولای ما است. در این هنگام دست خود را بر بازوی علی علیه السلام نواخت و او را بپا داشت، سپس بازوی او را - رها فرموده و مچ دستهای او را گرفت و فرموده : هر آنکس که خدا و رسول او مولای او است پس این (علی علیه السلام) مولای او خواهد بود. بار خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد. بار خدایا هر کس از مردم دوست میدارد او را پس تو دوست او باش. و هر که دشمن دارد او را پس تو دشمن او باش، بار خدایا. من نمی یابم کسی را که پس از دو بنده صالح پس از خود در زمین

[صفحه ۵۳]

بودیعت بگذارم. پس تو بنیکی برای او حکم و تقدیر فرما. در این هنگام بشر (از حاضرین بوده) از او (جریر) پرسید : این دو بنده صالح کیانند گفت : نمیدانم. و این روایت را سیوطی نیز در " تاریخ الخلفاء " ص ۱۴ بطریق طبرانی و ابن کثیر " البدایه و النهایه" جلد ۷ ص ۳۴۹ و متقی هندی در " کنز العمال " جلد ۶ ص ۱۵۴ و ۳۹۹ بطریق طبرانی و وصابی در کتاب " الاکتفاء " و بدخشی در " مفتاح النجا " از او روایت نموده اند و خوارزمی در مقتل خود او را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده است.

۲۶ - ابوذر جندب بن جناده الغفاری (در سال ۳۱ هجری وفات یافته) روایت او دایر بحدیث غدیر در " حدیث الولایه " تالیف ابن عقده و در " نخب المناقب " تالیف جعابی و در باب ۵۸ از " فرایـد السمطین " ثبت گردید و خطیب خوارزمی در مقتلش و همچنین شمس الدین جزری شافعی در " اسنی المطالب " ص ۴ نامبرده را در شمار راویان حدیث غدیر از جمله صحابه ذکر نموده اند.

۲۷ - ابو جنیده جندع بن عمرو بن مازن انصاری - ابن اثیر در جلد ۱ " اسد الغابه " ص ۳۰۸ باسناد از عبد الله بن علا از زهری از سعید بن جناب از ابی عنفوانه مازنی از جندع روایت نموده که گفت : از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم میفرمود. هر کس از

روی عمد دروغ بر من بندد جایگاه او در آتش خواهد بود - سپس نامبرده گفت. از رسول خدا شنیدم (اگر نه چنین باشد هر دو گوش من کر باد) هنگامی که از حجه الوداع بازگشته بود چون در غدیرخم فرود آمد بپا خواست در حال خطبه و دست علی علیه السلام را گرفت و گفت : هر کس که من مولای او هستم پس این (علی) مولای اوست. بار خدایا دوست دار کسی را که او رادوست دارد و دشمن دار کسی را که او را دشمن دارد. و عبد الله بن علاء گفت : بزهری گفتم : در شام که گوش های تو از دشنام بعلی علیه السلام پر است این حدیث را بازگو منما در جواب من گفت : بخدا قسم از فضایل علی علیه السلام بقدری در خاطرم هست که اگر آنها را بازگو نمایم کشته خواهم شد ؟

[صفحه ۵۴]

نامبردگان هر سه این روایت را با ذکر سند ثبت نموده اند و شیخ محمد صدر العالم در " معارج العلی " از طریق حافظ - ابی نعیم باسنادش از جندع این خبر را روایت نموده و در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۷ نامبرده در شمار راویان حدیث غدیر ثبت شده است.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ح) شروع می شود

۲۸ - حبه (بفتح حاء و تشدید با) ابن جوین ابو قدامه عرنی (بضم عین و فتح راء) بجلی (در یکی از سال های - ۷۶ تا ۷۹ در گذشته) حافظ هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزواید " ص ۱۰۳ او را مورد وثوق و اعتماد معرفی نموده است و خطیب خوارزمی در جلد ۸ تاریخش ص ۲۷۶ مورد وثوق بودن او را از صالح بن احمد از پدرش حکایت نموده و متذکر شده است که نامبرده از تابعین است - ابن عقده در " حدیث الولایه " باسناد خود از او روایت نموده دولابی در جلد ۲ " الکنی و الاسماء " ص ۸۸ از حسن ابن علی بن عفان نقل نموده که او از حسن بن عطیه و نامبرده از یحی بن کهیل و او از حبه العرنی نقل نموده و حبه از ابن قلابه روایت نموده که علی علیه السلام مردم را در (رحبه کوفه) دایر بموضوع غدیر خم سوگند داد و هفده تن از آنمردم بپا خواستند و در میان آنان مردی بوده که جبه ای بتن داشت و از اری حضرمیه بر آن پوشیده بوده. پس آنها گواهی دادند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس که من مولای او هستم پس علی علیه السلام مولای او است. حافظ ابن المغازلی در " المناقب " حدیثی در مناشده امیرالمومنین علیه السلام از حبه مذکور روایت نموده که در مبحث مذکور انشاء الله خواهد آمد و خطیب خوارزمی در مقتل خود نامبرده را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده و ابن اثیر در جلد ۱ " اسد الغابه " ص ۳۶۷ در ترجمه حبه چنین گوید : ابو العباس ابن عقده او را در شمار صحابه ذکر نموده و از یعقوب بن یوسف بن زیاد و احمد بن حسین بن عبد الملک روایت نموده که آنها از نضر بن مزاحم و او از عبد الملک بن مسلم ملائی از پدرش از حبه بن جوین العرنی البجلی خبر

[صفحه ۵۵]

داده که گفت : چون روز غدیر خم در رسید بر حسب امر پیغمبر صلی الله علیه و آله در وسط روز عموم مردم مجتمع گشتند و پیغمبر صلی الله علیه و آله حمد و ثنای خداوند را بجا آورد و پس از آن خطاب بمردم فرمود : آیا میدانید که من اولی (سزاوارتر) هستم بشما از خود شما ؟ گفتند. بلی، فرمود پس هر کس که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او است. بار خدایا دوست دار دوستان او را و دشمن دار دشمنان او را و دست علی را گرفت و او را بحدی بلند نمود که زیر بغل هر دو را دیدم و من در آن روز

مشـرک بودم. ابو موسی این روایت را با ذکر سند آورده و ابن حجر در جلد ۱ " الاصابه " ص ۳۷۲ و همچنین قندوزی در " ینابیع الموده " ص ۳۴ این حدیث را از کتاب " الموالات " تالیف ابن عقده روایت نموده اند.

۲۹ - حبشـی (بضم حاء) ابن جناده السلولی (در کوفه مسکن گرفته) نامبرده از جمله کسانی است که در روز مناشده برای علی علیه السلام نسبت بداستان غدیر خم شهادت داده (بطوریکه حدیث اصبغ ابن نباته آتی الذکر مشعر بر آن میباشد). ابن عقده در (حدیث الولایه) و ابن اثیر در جلد ۳ از " اسد الغابه " ص ۳۰۷ و نیز در جلد ۵ ص ۲۰۵ و محب الدین طبری در " الریاض النضره " جلد ۲ ص ۱۶۹ (نقل از ذهبی) آنرا روایت نموده اند و سیوطی در " جمع الجوامع " از طریق طبرانی در " معجم الکبیر " و متقی هندی در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۱۵۴ و ابن کثیر شامی - در جلد ۵ " البدایه و النهایه " ص ۲۱۱ از ابی اسحق از نامبرده روایت نموده اند : که او در روز غدیر خم از رسول خدا صـلی الله علیه و آله شـنید که فرمود : هر کس من مولای اویم علی مولای او است. خداوندا دوست دار دوستان او را و دشمن دار دشمنان او را و ابن کثیر در جلد ۷ ص ۳۴۹ نیز آنرا از او روایت کرده. و حافظ هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزوایـد " ص ۱۰۶ روایت کرده که حبشـی گفت : شـنیدم رسول خـدا صـلی الله علیه و آله روز غـدیر خم میفرمود : بار خدایا هر کس من مولای اویم پس علی مولای او است. خداوندا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشـمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و یاری کن کسی را که او را یاری کند و دستگیری و پشتیبانی فرما کسی را که او را

[صفحه ۵۶]

پشتی بانی نمایـد. طبرانی این حـدیث را روایت کرده و رجال سـند آن توفیق شـده اند و سـیوطی نیز در " تاریخ الخلفاء " ص ۱۱۴ بهمین طریق این حدیث را نقل از طبرانی ذکر کرده و در صدر حدیث کلمه (خداوندا) نیست. و بدخشی در " نزل الابرار " ص ۲۰ و " مفتـاح النجـا " و شـیخ ابراهیم وصـابی شـافعی در " الاکتفـاء فی فضـل الاـربعه الخلفاء ء "از طریق طبرانی به بیان سـیوطی از او روایت نموده اند و جزری در " اسنی المطالب " ص ۴ نامبرده را از راویان حدیث غدیر بشمار آورده است.

۳۰ - حبیب بن بـدیل بن ورقاء خزاعی - ابن عقـده در " حدیث الولایه " باسـنادش حدیث غدیر را از او روایت نموده و ابن اثیر در جلد ۱ " اسـد الغابه " ص ۳۶۸ از کتاب " الموالات " ابن عقـده باسـنادش از زر بن حبیش حـدیث رکبان را که با خطاب (السـلام علیک یا مولانا) بامیرالمومنین علی علیه السلام سلام نمودند روایت نموده و در آن شهادت حبیب دایر بحدیث غدیرخم ذکر شده و قریبا در حدیث رکبان این روایت خواهد آمد و ابن حجر در جلد ۱ " الاصابه " ص ۳۰۴ این روایت را بطور خلاصه ذکر نموده.

۳۱ - حذیفه بن اسـید ابو سریحه (بفتح سین) غفاری - (از اصحاب شجره است و در یکی از سالهای ۴۰ تا ۴۲ وفات یافته) ابن عقده در کتـاب " حـدیث الولایه " واقعه غـدیر را از او روایت کرده - بطوری که صاحب ینابیع الموده در ص ۳۸ از سمهودی از او (ابن عقـده) نقل نموده : و ابن عقـده در " الموالات " از عامر بن ضـمره و حـذیفه بن اسـید با ذکر سـند روایت نموده که آنـدو گفتنـد : پیغمبر صـلی الله علیه و آله خطاب بمردم فرمود : همانا خدای مولای من است و من اولی (سزاوارتر) هستم بشما از خود شما. آگاه باشید و کسی که من مولای اویم پس این (یعنی علی علیه السلام) مولای او است و دست علی را گرفت و او را بلند کرد تا همه آن گروه او را شـناختند. سپس فرمود. بـار خـدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشـمن دار آنکه را که او را دشـمن دارد. پس از آن فرمـود : و همانـا در آن هنگـام که در کنـار حـوض بر من وارد میشویـد دربـاره دو چیز گران و نفیس از شـما مواخـذه و سئوال خواهم نمود.

[صفحه ۵۷]

پس بیندیشید تا چگونه بعد از من درباره آندو رفتار خواهید نمود ؟ گفتند : آندو چیز گران و نفیس چیست ؟ فرمود : آن یک که بزرگتر است کتاب خدا است و آن سبب و رشته ارتباطی است که یکطرف آن در دست خدا و طرف دیگر آن در دست شما است. و آندیگر که کوچکتر است عترت من است... تا پایان حدیث مزبور. و این روایت را بطریق دیگر نیز با ذکر سند آورده سپس گوید : این روایت را طبرانی در " الکبیر " و ضیاء در " المختاره " با ذکر سند آورده اند. و ترمذی در صحیح خود در جلد ۲ ص ۲۹۸ از سلمه بن کهیل از ابی الطفیل از ابی سریحه حذیفه روایت نموده و گفته است که این حدیث درست و نیکو است. و ابن اثیر در " اسد الغابه " باسناد از سلمه بن کهیل از او (حذیفه) از طریق حافظ ابی عمرو و حافظ ابی نعیم و حافظ ابی موسی، و حموینی در " فراید السمطین " و ابن صباغ مالکی در " الفصول المهمه " ص ۲۵ نقل از ابی الفتوح اسعد بن ابی الفضایل عجلی در " الموجز فی فضایل الخلفاء الاربعه " بسند خود تا برسد بحذیفه بن اسید و عامر بن لیلی بن ضمره روایت کرده اند که آندو گفتند : چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجه الوداع بازگشت (و جز آن حج نفرمود) پس از رسیدن بجحفه قدغن فرمود که کسی در زیر درختان بزرگ و انبوه آنجا فرود نیاید و پس از آنکه - همراهان در جایگاههای خود قرار یافتند دستور فرمود خار و خاشاك زیر درختان مزبور را کنده و برطرف ساختند و پس از اعلام عمومی نماز ظهر آغاز شد و آنجناب بانجا (زیر درختان) تشریف آورده و نماز را با آن جمعیت در آن نقطه باتمام رسانید و این جریان در روز غدیر خم بود پس از فراغ او نماز خطاب بمردم فرمود : همانا خدای مهربان و دانا مرا آگاه فرموده که هیچ پیغمبری جز نیمی از عمر پیغمبر پیشین زیست نمیکند و من گمان دارم که قریبا بسرای دیگر خوانده شوم و اجابت نمایم و من (با سمت پیغمبری) و شما

[صفحه ۵۸]

بر حسب اطاعت و تبعیت که مکلف بان هستید) مسئول خواهیم بود. بنابر این گفتار شما در این مورد چیست ؟ آیا من (اوامر خدا را) بشما رسانیدم و تبلیغ نمودم ؟ گفتند. بتحقیق و درستی تبلیغ فرمودی و با کوشش بسیار آنچه لازمه نصیحت و راهنمائی بود بجا آوردی خدای پاداش نیکو بتو عطا فرماید. فرمود : آیا شما نیستید که شهادت بیکتائی خدا داده اید و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است و اینکه بهشت و دوزخ او بر انگیخته شدن بعد از مرگ حق است ؟ گفتند : آری. فرمود : بار خدایا گواه باش. سپس بار دیگر خطاب بان مردم با ابراز تاکید و مبالغه در گوش دادن و شنیدن و سخنانش. فرمود : آگاه باشید همانا خدا مولای من است و من اولی (سزاوارتر) هستم بشماها از خودتان. آگاه باشید. هر کس که من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است. و دست علی علیه السلام را گرفت و او را بلند کرد تا حدی که آنگروه او را دیدند. سپس گفت : بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را که دشمن دارد. و صاحب کتاب مناقب الثلاثه چاپ مصر در ص ۱۹ نیز این روایت را از کتاب " الموجز " تالیف حافظ ابو الفتوح نقل نموده و ابن عساکر در تاریخ خود این روایت را از ابی الطفیل از او (حذیفه) روایت نموده و ابن کثیر در جلد ۵ ص ۲۰۹ و در جلد ۷ ص ۳۴۸ " البدایه و النهایه " اشعار نموده باینکه این روایت را معروف بن خربوذ از ابی الطفیل از حذیفه بن اسید روایت کرده باین شرح : چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجه الوداع بازگشت قدغن فرمود که یاران و همراهان در اطراف درختان نزدیک بهم که در آن صحرا است فرود نیایند. سپس آنها را احضار فرمود و در زیر درختان مزبور نماز خواند سپس بپا خواست و خطاب بان گروه فرمود. خداوند مهربان و دانا مرا آگاه فرمود که هیچ پیغمبری جز نیمی از عمر پیغمبر پیشین خود زیست نمیکند و من گمان دارم که بهمین زودی بسرای دیگر خوانده شوم و اجابت نمایم و من و شما مورد مواخذه و مسئول خواهیم بود. آیا در قبال مسئولیت خود چه خواهید گفت ؟ گفتند. ما شهادت میدهیم

باینکه تو تبلیغ فرمودی و آنچه لازمه

[صفحه ۵۹]

نصیحت و کوشش در راه هدایت ما بوده بعمل آوردی خدای بتو پاداش نیکو عطا فرماید. فرمود آیا شماها نبوده اید که شهادت بیکتائی خدا دادید و اینکه محمد بنده و فرستاده او است و اینکه بهشت و دوزخ او حق است و اینکه مردن حق است و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست و اینکه خداوند همه مردگان را از قرارگاهشان بر می انگیزد ؟ گفتند. آری ما باین حقایق گواهی داده ایم. فرمود خدایا گواه باش. سپس خطاب بانمردم فرمود. همانا خداوند مولای من است و من مولای اهل ایمانم و من اولی (سزاوارتر) هستم باهل ایمان از خود آنها. هر کس که من مولای اویم پس این (یعنی علیه السلام) مولای او است. بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد. سپس فرمود. ای مردم من (در انتقال بسرای جاودانی) بر شما پیشی خواهم گرفت و شماها در کنار حوض بر من وارد میشوید حوضی که وسعت آن از مسافت بین بصری و صنعا بیشتر است و در آن بتعداد ستارگان ظروف و قدحهای سیمین هست، هنگامی که شما بر من وارد شوید از شما درباره دو چیز گران و نفیس پرسش خواهم نمود. پس بیندیشید تا بعد از من نسبت بان دو چیز چگونه رفتار خواهید کرد. آنکه بزرگتر است کتاب خدا است که سبب و رشته ارتباط است و یکطرف آن بدست خداوند و طرف دیگر آن بدست شما است. پس آنرا محکم بگیرید و آنرا تبدیل و تحریف نکنید تا گمراه نشوید و آن دیگر که کوچکتر است عترت من - اهل بیت منند. همانا بتحقیق خداوند مهربان و دانا مرا آگاه فرمود که آندو از یکدیگر هرگز جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند - ابن عساکر تمام این را از طریق معروفی روایت نموده است. و ابن حجر در (صواعق) ص ۲۵ این حدیث را بهمین لفظ و بیان از طبرانی و غیره از حذیفه بسندی که نزد او صحیح شناخته شده روایت نموده و همچنین حلبی در جلد ۳ " السیره الحلبیه " ص ۳۰۱ نقل از طبرانی آنرا ذکر نموده و حکیم ترمذی نیز بهمین لفظ در کتاب خود " نوادر الاصول " و طبرانی در " معجم کبیر " بسند صحیح

[صفحه ۶۰]

بطوریکه صاحب کتاب " مفتاح النجافی مناقب آل العباء) از آندو نقل کرده آن را روایت نموده اند و بهمین تفصیل حافظ هیثمی در جلد ۹ کتاب " مجمع الزوائد " ص ۱۶۵ از دو طریق طبرانی آن را روایت کرده و گفته است : رجال یکی از دو اسناد همه مورد اعتماد و وثوق هستند و در " نزل الابرار " ص ۱۸ از طریق ترمذی در نوادر الاصول و طبرانی در " معجم کبیر " باسنادشان از ابی الطفیل از او و قرمانی در " اخبار الدول " ص ۱۰۲ از او از پیغمبر صلی الله علیه و آله بطریق ترمذی و سیوطی در " تاریخ الخلفاء " ص ۱۱۴ نقل از ترمذی روایت مزبور را آورده اند و خطیب خوارزمی در مقتلش و قاضی در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۸ او را از جمله صحابه راویان حدیث غدیر بشمار آورده اند.

۳۲ - حذیفه بن الیمان الیمانی (در سال ۳۶ وفات یافته) ابن عقده در " حدیث الولایه " و ابوبکر جعابی در نخب خود " و حاکم حسکانی در کتابش " دعاه الهدات الی اداء حق الموالات " حدیث مزبور را بلفظ خودش از او روایت نموده اند. و حاکم بعد از ذکر حدیث او گفته : حدیث او را بر ابی بکر محمد بن محمد صیدلانی قرائت نمودم و بدان اقرار نمود جزری در " اسنی المطالب "ص ۴ او را از جمله صحابه راویان حدیث غدیر بشمار آورده است.

۳۳ - حسان بن ثابت - نامبرده یکی از شعرای غدیر است در قرن اول در محل خود بشعر و ترجمه حال او مراجعه فرمائید.

۳۴ - امام مجتبی حضرت حسن السبط صلوات الله علیه - ابن عقده باسناد خود در " حدیث الولایه " و جعابی در " نخب " حدیث غدیر را از آن جناب روایت نموده اند و خوارزمی آنحضرت را در شمار راویان حدیث غدیر ذکر کرده.

۳۵ - امام سبط پیغمبر صلی الله علیه و آله حسین شهید علیه السلام - ابن عقده باسناد خود در

[صفحه ۶۱]

"حدیث الولایه " و جعابی در " نخب " حدیث غدیر را از آنجناب روایت نموده اند و خطیب خوارزمی در مقتل خود آنحضرت را در شمار راویان حدیث غدیر ذکر کرده و حافظ عاصمی در " زین الفتی " از شیخ خود ابی بکر جلاب از ابی سعید رازی از ابی الحسن علی بن مهرویه قزوینی از داود بن سلیمان از علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام از پدرش جعفر بن محمد علیه السلام از پدرش علی بن الحسین علیه السلام از آنجناب (حسین سلام الله علیه) از امیرالمومنین علیه السلام روایت نموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود. هر کس من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و خوار گردان آنکه را که او را خوار گرداند و یاری کن آنکه را که او یاری کند و این حدیث را باز از شیخ خود محمد بن ابی زکریا از ابی الحسن محمد بن علی همدانی از احمد بن علی بن صدقه رقی از پدرش از علی بن موسی الرضا علیه السلام از پدرش موسی بن جعفر علیه السلام تا آخر سند و لفظی که فوقا ذکر شد، و حافظ ابن المغازلی در " المناقب " از ابی الفضل محمد بن حسین برحی اصفهانی روایت مزبور را ذکر نموده و سلسله راویان را ذکر کرده تا منتهی میشود بحضرت حسین سبط علیه السلام و حافظ ابو نعیم در جلد ۹ " حلیه الاولیاء "ص ۶۴ این حدیث را بلفظ و سندی که بعدا انشاء الله ذکر خواهد شد روایت نموده و احتجاج آنجناب بحدیث غدیر نیز در محل خود خواهد آمد.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف خ) شروع می شود

۳۶- ابو ایوب خالد بن زید انصاری - (در جنگ روم در یکی از سالهای ۵۲ - ۵۱ - ۵۰ شهادت یافته) حدیث او را در موضوع غدیر ابن عقده در " حدیث الولایه " و جعابی در " نخب المناقب " و محب الدین طبری در جلد ۲ " الریاض النضره " ص ۱۶۹ و ابن اثیر در جلد ۵ " اسد الغابه " ص ۶ باسناد از یعلی بن مره از او و در جلد ۳ ص ۳۰۷ و در جلد ۵ ص ۲۰۵ باسناد از اصبغ بن نباته از او روایت کرده اند. و ابن کثیر در جلد ۵ " البدایه و النهایه " ص ۲۰۹ از احمد بن حنبل از ابن آدم از اشجعی از ریاح بن حارث از او - و سیوطی در جمع الجوامع و در تاریخ الخلفاء ص ۱۱۴ از

[صفحه ۶۲]

طریق احمد از او و متقی هندی در جلد ۲ " کنز العمال " ص ۱۵۴ بطریق احمد - و طبرانی در " معجم کبیر " و " ضیاء مقدسی" از او و از جمعی از صحابه، و ابن حجر عسقلانی در جلد ۷ " الاصابه " ص ۷۸۰ و جلد ۶ ص ۲۲۳ و جلد ۲ از چاپ اول ص ۴۰۸ و سمهودی در " جواهر العقدین " از ابی الطفیل از او و بدخشی در " نزل الابرار " ص ۲۰ از دو طریق احمد و طبرانی واقعه غدیر را از او روایت نموده اند - در قسمت مربوط به حدیث رحبه و حدیث رکبان در همین کتاب مراجعه نمائید. و جزری در " اسنی المطالب " ص ۴ نامبرده را از جمله صحابه راویان حدیث غدیر بشمار آورده است.

۳۷ - ابو سلیمان - خالد بن ولید بن مغیره المخزومی (در سال ۲۱ یا ۲۲ هجری درگذشته) جعابی حدیث او را دایر بقضیه غدیرخم باسناد خود در " نخب با ذکر سند ثبت نموده است.

۳۸ - خزیمه بن ثابت انصاری ذو الشهادتین (در سال ۳۷ در صفین شهادت یافته) حدیث او را ابن عقده در " حدیث الولایه " و جعابی در " نخب المناقب " و سمهودی در " جواهر العقدین " باسناد از ابی الطفیل از او روایت نموده اند و ابن اثیر در جلد ۳" اسد الغابه " ص ۳۰۷ بطریق ابو موسی از علی بن حسن عبدی از اصبغ بن نباته حدیث مناشده روز رحبه را ذکر نموده اند و در داستان مزبور شهادت دادن خزیمه برای علی علیه السلام در موضوع غدیرخم تصریح شده و جزری در " اسنی المطالب " ص ۴ و قاضی در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۷ نامبرده را از جمله صحابه راویان حدیث غدیر بشمار آورده اند.

۳۹ - ابو شریح خویلد (بنابر مشهور) ابن عمرو الخزاعی (که بمدینه منزل گزیده و در سال ۶۸ وفات یافته) بطوریکه در موضوع مناشده امیرالمومنین علیه السلام خواهد آمد - نامبرده یکی از شهودی است که برای امیرالمومنین علیه السلام دایر بقضیه غدیر خم شهادت داده است.

[صفحه ۶۳]

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ر – ز) شروع می شود

۴۰ - رفاعه بن عبد المنذر انصاری - روایت او در " حدیث الولایه " باسناد ابن عقده و در کتاب " نخب المناقب " جعابی و در" کتاب الغدیر " منصور رازی موجود است.

۴۱ - زبیر بن عوام قرشی (در سال ۳۷ کشته شده) ابن عقده در کتاب الولایه و جعابی در نخب خود و منصور رازی در " کتاب الغدیر " حدیث غدیر را از او روایت نموده اند و نامبرده یکی از (عشره مبشره) است که حافظ ابن المغازلی آنان را در شمار راویان غدیر ذکر کرده و جزری شافعی در (اسنی المطالب) ص ۳ او را در شمار راویان حدیث غدیر ثبت نموده است.

۴۲ - زید بن ارقم انصاری خزرجی (در یکی از سالهای ۶۶ تا ۶۸ وفات یافته) احمد بن حنبل در جلد ۴ از " مسند " ص ۳۶۸ از ابن نمیر از عبد الملک بن سلیمان از عطیه عوفی با ذکر سند آورده که او گفت : از زید بن ارقم سئوال نموده گفتم : من دامادی دارم و او حدیثی از تو درباره علی علیه السلام در روز غدیر خم ذکر نموده من دوست دارم که آن حدیث را از خودت بشنوم ؟ زید گفت : شما گروه عراقیان، در شما هست آنچه هست : من باو گفتم : بر تو از من باکی نباشد از من اندیشه و ترس نداشته باش. گفت : بلی ما در جحفه بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما بیرون شد در وقت ظهر در حالیکه بازوی علی علیه السلام را گرفته بود و خطاب بما فرمود : آیا نمیدانید که من اولی بمومنین هستم از خودشان ؟ همگی گفتند آری چنین است. فرمود بنابراین. هر کس که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او خواهد بود. پس باو گفتم آیا آن حضرت این جمله را هم فرمود : بار خدایا دوست بدار دوستان او را دشمن بدار دشمنان او را ؟ گفت : من آنچه را که شنیدم بتو خبر دادم.

[صفحه ۶۴]

و در جلد ۴ " مسند " ص ۳۷۲ از سفیان از ابی عوانه از مغیره از ابی عبید از ابی عبد الله میمون ذکر نموده که از قول زید بن ارقم نقل نموده که در حالیکه من میشنیدم زید چنین گفت : یا رسول خدا صلی الله علیه و آله در وادی که خم نامیده میشود فرود

آمدیم. آنحضرت امر باقامه نماز فرمود و در گرمای نیمروز نماز را بجا آورد سپس برای ما خطبه ایراد فرمود در حالیکه با افکندن پارچه بر یکدرخت بزرگ برای آنجناب سایه تشکیل داده شده بود. آنگاه فرمود : آیا نمیدانید ؟ آیا شهادت نمیدهید باینکه من اولی (سزاوارتر) هستم بهر مومنی از خود او ؟ گفتند آری چنین است. فرمود : پس هر که من مولای اویم همانا علی علیه السلام مولای او است. بار خدایا دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و باز در همان مجلد از مسند و در همان صفحه این حدیث را از محمد بن جعفر از شعبه از میمون روایت نموده و نسائی در " خصایص " ص ۱۶ باسناد خود آنرا از زید روایت کرده و در صفحه ۱۵ " در خصایص " نسائی از احمد بن مثنی آورده که او از قول یحیی بن حماد و او از ابو عوانه از سلیمان از حبیب بن ابی ثابت از ابی الطفیل از زید بن ارقم آورده که گفت : چون پیغمبر صلی الله علیه و آله از حجه الوداع بازگشت فرمود و در غدیرخم فرود آمد، امر فرمود خار و خاشاك آنجا را برطرف ساختند. آنگاه فرمود چنین مینماید که مرا بسرای دیگر خوانده اند و بزودی اجابت خواهم نمود و همانا من وا میگذارم در میان شما دو چیز گران و نفیس را. یکی از آندو بزرگتر از آندیگر. کتاب خدا و عترت من. اهل بیت من. پس بیندیشید که بعد از من چگونه با آندو رفتار خواهید نمود ؟ همانا این دو از یکدیگر جدا نشوند تا در کنار حوض بمن وارد شوند. سپس فرمود : همانا خدای مولای من است و من ولی هر مومن هستم. پس از این سخن دست علی (رضی الله عنه) را گرفت و گفت : هر کس من ولی او (متصرف و مختار در امور او) هستم پس از من این (یعنی علی علیه السلام) ولی او خواهد بود. بار خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد. راوی گوید : بزید

[صفحه ۶۵]

گفتم : این سخن را تو از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدی ؟ گفت کسی در آنجا و در میان آن درختان نبود جز اینکه او را بچشم خود دید و این سخنان را بگوش خود شنید. و باز در " خصایص " در ص ۱۶ نیز از قتیبه بن سعید از ابن ابی عدی از عوف از ابی عبد الله میمون روایت کرده که زید بن ارقم گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله بپا خواست و حمد و ثنای خدا را بجا آورد سپس فرمود : آیا نمیدانید که من اولی (سزاوارتر) هستم بهر مومن از خود او ؟ گفتند آری باین امر معترف و گواهیم که تو بهر مومن اولی هستی از خودش. پس فرمود : هر کس من مولای اویم این (یعنی علی علیه السلام) مولای او است و دست علی را گرفت. و بهمین بیان و لفظ، دولابی در جلد ۲ " الکنی و الاسماء " ص ۶۱ از احمد بن شعیب از قتیبه بن سعید از ابن ابی عدی از عوف از میمون از زید آورده که گفت : با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم بین مکه و مدینه تا در منزلی که آنجا را در غدیر خم می نامند فرود آمدیم. در این هنگام اجتماع عمومی اعلام شد و رسول خدا صلی الله علیه و آله بپا خاست، پس حمد و ثنای خدا را بجا آورد... بشرح حدیث. و مسلم در جلد ۲ از " صحیح خود " ص ۳۲۵ چاپ سال ۱۳۲۷ باسنادش از ابی حیان از یزید بن حیان از زید، و بطریق دیگر قسمتی از حدیث غدیر را روایت نموده که زید گفت : پیغمبر صلی الله علیه و آله در آبی که خم نامیده شده خطبه خواند ولی آنچه را که راجع بولایت است (با اینکه مشایخ و بزرگان او آنرا روایت نموده اند) از او روایت نکرد و این خودداری بمنظور و هدفی است که خودش بان داناتر و شناساتر است : و حافظ بغوی در جلد ۲ " مصابیح السنه " ص ۱۹۹ حدیث ولایت را از زید روایت کرده و آنرا از احادیث نیکو بشما آورده و حفاظ ترمذی در صحیح خود در جلد ۲ ص ۲۹۸ حدیث مزبور را از ابی عبد الله میمون از زید روایت نموده و

[صفحه ۶۶]

گفته است که این حدیث نیکو و درست است. و حاکم در جلد ۳ " المستدرک " ص ۱۰۹ از ابی الحسین محمد بن احمد بن تمیم حنظلی در بغداد از ابی قلابه عبد الملک بن محمد رقاشی از یحیی بن حماد و باز از قول ابوبکر محمد بن بالویه و محمد بن جعفر بزار و آندو از قول عبد الله بن احمد بن حنبل از پدرش از یحیی بن حماد - و نیز از قول ابو نصر احمد بن سهل فقیه بخاری از صالح بن محمد حافظ بغدادی از خلف بن سالم مخرمی از یحیی بن حماد روایت کرده - که او و یحیی ابن حماد) از ابی عوانه نقل کرده و او از سلیمان اعمش و او از حبیب بن ابی ثابت از ابی الطفیل از زید و صحت و درستی این طریق و اسناد را اشعار داشته و بهمین سند حدیث مزبور را احمد بن حنبل در جلد ۱ (المسند) ص ۱۱۸ از شریک - از اعمش روایت نموده. و در ص ۱۰۹ جلد مذکور " مستدرک " از ابی بکر بن اسحق و دعلج بن احمد سنجری و آندو از محمد بن ایوب و او از ازرق بن علی و او از حسان بن ابراهیم کرمانی و او از محمد بن سلمه بن کهیل و او از پدرش و او از ابی الطفیل و او از زید روایت کرده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله بین مکه و مدینه در محلی که پنج اصله درختان تناور و خاردار بود فرود آمد. مردم زیر درختان مزبور را جاروب کردند و خار و خاشاک آنجا را برطرف ساختند و آنجناب شب را در آنجا گذرانید و پس از بجا آوردن نماز برای خطبه بپا خاست و حمد و ثنای خداوند نمود و موعظه فرمود و پس از سخنان خود خطاب بمردم فرمود : همانا من دو امر در میان شما وا میگذارم که اگر آندو را پیروی و تبعیت نمائید هرگز گمراه نشوید و آندو کتاب خداست و عترت (اهل بیت) من، سپس آنجناب سه بار فرمود : آیا میدانید که من اولی (سزاوارتر) هستم باهل ایمان از خود آنها. همگی گفتند : بلی. پس از آن فرمود : هر کس که من مولای اویم علی علیه السلام مولای اوست. و در صفحه ۵۳۳ (همان مجلد از مستدرک) از محمد بن علی شیبانی در کوفه

[صفحه ۶۷]

روایت نموده که او از قول احمد بن حازم غفاری و او از ابو نعیم از کامل ابو العلاء که او گفت شنیدم حبیب بن ابی ثابت خبر میداد از یحیی بن جعده از زید که گفت بیرون شدیم با رسول خدا صلی الله علیه و آله (از مکه) تا رسیدیم بغدیر خم در روزی که تاکنون گرم تر از آنروز بر ما نگذشته بود پس حسب امر آنجناب خار و خاشاک آنجا رفته شد. پس آنجناب حمد و ثنای خداوند را بجا آورد و سپس خطاب بمردم فرمود : هیچ پیغمبری مبعوث نشده مگر آنکه بیش از نیمی از عمر پیغمبر قبل از خود زیست نکرده و من نزدیک شده که بسرای دیگر خوانده شوم و اجابت نمایم. همانا من وامیگذارم در میان شما چیزی را که هرگز گمراه نشوید بعد از آن (یعنی بعد از تبعیت و ادای حق آن) - کتاب خدای عز و جل. سپس برخاست و دست علی رضی الله عنه را گرفت و خطاب بمردم فرمود : کیست که اولی (سزاوارتر) است بشما از خود شما ؟ گفتند خدا و رسول او داناترند. فرمود : هر کس که من مولای اویم. پس علی علیه السلام مولای او است. سپس حاکم گفته که این حدیث اسنادش درست است و در مقام ذکر سند آن بر نیامده. و حافظ عاصمی در " زین الفتی " روایت نموده و گفته : خبر داد مرا شیخ احمد ابن محمد بن اسحق بن جمع از قول علی بن حسین بن علی درسکی از محمد بن حسین بن قاسم از امام ابی عبد الله محمد بن کرام رضی الله عنه از علی بن اسحق از حسیب بن حسیب برادر حمزه زیات از ابی اسحق همدانی از عمرو از زید بن ارقم باینکه : پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله بغدیر خم آمد و برای مردم خطبه ایراد فرمود پس حمد و ثنای الهی را نمود. پس از آنکه از خطبه خود فارغ شد دست و بازوی علی علیه السلام را گرفت بطوریکه سفیدی زیر بغلش دیده شده. پس خطاب بمردم فرمود : هر کس که من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است. بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و یاری و دستگیری فرما آنکه را که او را

[صفحه ۶۸]

یاری و دستگیری نماید و محبوب بدار کسی را که او را محبوب بدارد سپس بعلی علیه السلام فرمود : یا علی آیا بتو نیاموزم کلماتی را که بانها خدا را بخوانی ؟ هر گاه گناهان تو بعدد ذره ها باشد آمرزیده شود با اینکه تو آمرزیده هستی (از گناه منزه و مبرائی). بگو اللهم لا اله الا انت تبارک سبحانک رب العرش العظیم، و صاحب " فراید السمطین " در باب ۵۸ باسناد خود و محب الدین طبری در جلد ۲ " الریاض النضره " ص ۱۶۹ و میبدی در شرح دیوان امیرالمومنین علیه السلام از طریق احمد و ذهبی در جلد ۳ تلخیص خود ص ۴۳۳ (و صحت آنرا تایید کرده) این حدیث را از زید بن ارقم روایت نموده اند و ذهبی بطریق دیگر هم این حدیث را از زید روایت نموده و در جلد ۳ " میزان الاعتدال " ص ۲۲۴ آنرا روایت نموده از غندر از شعبه از میمون ابی عبد الله از زید و ابن صباغ مالکی در " الفصول المهمه " ص ۲۴ از ترمذی و زهری از زید آن را روایت کرده و چنین گفته : ترمذی از زید بن ارقم روایت نموده که او گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است. ترمذی تنها همین لفظ و جمله را روایت کرده و بر او چیزی زیاد نکرده ولی جز او یعنی زهری روز و زمان و مکان را نیز تصریح نموده و گوید : چون رسول خدا صلی الله علیه و آله حجه الوداع را انجام داد و بقصد مدینه بازگشت فرمود، در غدیر خم بپا خاست، و آن آبی است بین مکه و مدینه و این امر در روز هیجدهم از ذالحجه الحرام در گرمای شدید نیمروز انجام یافت. پس خطاب بمردم فرمود : من مسئولم، شما نیز مسئول هستید. آیا من تبلیغ نمودم ؟ گفتند : شهادت میدهیم که تو تبلیغ فرمودی و پند دادی. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود. و منهم خود شهادت میدهم که تبلیغ نمودم و پند دادم. سپس فرمود : ای مردم آیا نه اینست که شما به یکتائی خداوند و رسالت من گواهی میدهید ؟ گفتند ما گواهی بیکتائی خدا میدهیم و گواهی میدهیم که تو فرستاده خدائی. فرمود : من خود نیز مانند شما شهادت میدهم. سپس خطاب بمردم کرده فرمود، من در میان شما واگذارده ام چیزیرا که اگر بان تمسک جوئید بعد از من هرگز گمراه نشوید، کتاب خدا و

[صفحه ۶۹]

اهل بیتم. آگاه باشید که خدای مهربان و دانا بمن خبر داد که این دو از یکدیگر جدا نشده تا کنار حوض بمن وارد شوند. حوض من از حیث وسعت و پهنا مانند فاصله بصری و صنعا است، ظرفهای آن بتعداد ستارگان است. بدرستیکه خدا از شما پرسش خواهد فرمود که بعد از من با کتاب او و اهل بیت من چگونه رفتار کرده اید ؟ سپس خطاب بمردم فرمود و گفت : کیست که سزاوارترین مردم است باهل ایمان ؟ گفتند خدا و رسول او داناترند، فرمود : سزاوارترین مردم باهل ایمان اهل بیت من میباشند، و این سخن را سه بار تکرار فرمود و در مرتبه چهارم دست علی را گرفت و فرمود بار خدایا هر کس من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است. خداوندا دوست دار کسی را که او را دوست دارد و دشمن دار کسی را که او را دشمن دارد این سخن را نیز سه بار تکرار فرمود : آگاه باشید آنان که اکنون حاضر هستند این واقعه را بغائبین ابلاغ نمایند. و ابن طلحه شافعی در " مطالب السئول " ص ۱۶ حدیث مزبور را نقل از ترمذی از زید روایت نموده و حافظ ابوبکر هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزواید " ص ۱۰۴ از طریق احمد و طبرانی و بزار باسنادشان از زید و در ص ۱۶۳ حدیث مزبور را آورده و لفظ او در روایت دوم باین شرح است که زید گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله در جحفه فرود آمد، سپس رو بمردم آورد و پس از حمد و ثنای الهی فرمود : من نمی یابم - برای هیچ پیغمبری جز نصف عمر پیغمبر قبل از او، و نزدیک شده است که من بسرای دیگر خوانده شوم و اجابت نمایم. اینک بگوئید

(درباره وظایفی که بانجام رسانیده ام) چه اقرار دارید ؟ گفتند : بوظیفه نصیحت و ارشاد ما عمل فرمودی. فرمود : آیا نه اینست که به یکتائی خداوند و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده او است و اینکه بهشت و دوزخ او حق است شهادت میدهید ؟ گفتند : شهادت میدهیم. آنحضرت در این موقع دست خود را بلند کرد و بر سینه نهاد و فرمود من نیز با شما شهادت میدهم. پس از آن توجه بیشتر مردم را به شنیدن جلب کرد و فرمود : من بر شما پیشی میگیرم و شما در کنار حوض بر من وارد میشوید و همانا پهنای آنحوض مانند

[صفحه ۷۰]

مسافت بین صنعاء و بصری است و در آن بتعداد ستارگان قدحهای سیمین هست. پس بیندیشد که پس از من با دو چیز گران و نفیس (که در میان شما وامیگذارم) چگونه رفتار خواهید نمود ؟ از میان آن گروه یکتن صدا برآورده و گفت : یا رسول الله آندو چیز کدامند ؟ فرمود کتاب خدا. یکطرف آن در دست خداوند و طرف دیگر آن دست شما است، پس آنرا محکم نگاه دارید تا گمراه نشوید و دیگر عشیره و همانا خدای مهربان و دانا مرا آگاه فرمود. که این دو از یکدیگر جدا نمیشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند و من این عدم جدائی را برای آندو از خداوند مسئلت نمودم. پس بر آندو پیشی نگیرید که هلاک میشوید و از پیروی آندو تخلف و و کوتاهی نکنید که هلاک میشوید و آندو را چیزی نیاموزید. چه آنان از شما داناترند. سپس دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود : هر کس من اولی (سزاوارتر) به او از خودش هستم پس علی علیه السلام ولی او است، بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد. و در روایت دیگر که مختصرتر ا این است چنین مسطور است : در آن (حوض) بتعداد ستارگان قدحهای طلا ـ و نقره هست و در انروایت دیگر این جمله نیز هست : بزرگتر کتاب خدا و کوچکتر عترت من. و در روایت دیگر چنین رسیده که : چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجه الوداع مراجعت فرمود و در غدیرخم فرمود آمد. حسب امر آنجناب خار و خاشاک آن زمین زدوده و برطرف شد. سپس بپا خاست و فرمود : چنین مینماید که من بسرای دیگر خوانده شده و اجابت خواهم نمود... و در پایان آن مذکور است که راوی گوید : بزید گفتم : تو این سخنان را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدی ؟ گفت در میان آن درختان انبوه کسی نبود جز آنکه او را بچشم خود دید و این سخنان را بگوش خود شنید. و نیز در جلد ۹ - (مجمع الزاوید) ص ۱۰۵ نقل از ترمذی و طبرانی و بزار

[صفحه ۷۱]

باسنادشان از زید چنین مذکور است : گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله امر فرمود، نهال های خار از آن زمین کنده شد و آنجا را آب پاشی کردند سپس خطبه خواند. پس قسم بخدا هیچ چیزی که تا قیام قیامت واقع میشود نماند جز اینکه انروز ما را بان خبر داد. سپس خطاب بمردم فرمود : کیست که اولی است (سزاوارتر است) بشما از خود شما ؟ گفتیم خدا و رسولش اولی (سزاوارتر) هستند بما از خود ما. فرمود پس هر که من مولای اویم پس از من این یعنی علی علیه السلام مولای او است پس دست او را گرفت و گشود سپس گفت : بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد (و رجال این سند را مورد وثوق و اطمینان دانسته) لفظ حافظ هیثمی تمام شد. و آنچه را که ترمذی و نسائی بطریق خودشان روایت کرده با ذکر سند از زید بن ارقم ثبت نموده است. و حافظ زرقانی مالکی در جلد ۷ " - شرح المواهب " ص ۱۳ این حدیث را از زید بن ارقم روایت نموده و ضیاء مقدسی صحت طریق آنرا اعلام داشته و از طریق طبرانی در قسمتی از حدیث، این جمله از فرمایش رسول خدا

صلی الله علیه و آله را ذکر نموده که فرمود. ای مردم : همانا خدا مولای من است و من مولای اهل ایمان هستم. و من اولی (سزاوارتر) باهل ایمان هستم از خود آنها پس هر کسی که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او است بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد (بار دیگر این دعا را تاکید فرموده بجمله : احب من احبه و ابغض من ابغضه). و یاری کن کسی را که او یاری کند و خوار گردان کسی را که او را خوار گرداند و او را مدار و محور حق قرار ده. و این حدیث را خطیب خوارزمی در مناقب ص ۹۳ باسنادش از حافظ ابی بکر احمد بن حسین بیهقی از ابی عبد الله حافظ محمد بن یعقوب از فقیه ابی نصر احمد بن سهیل از حافظ صالح بن محمد بغدادی از خلف بن سالم از یحیی بن حماد از ابی عوانه از سلیمان اعمش از حبیب بن ابی ثابت از ابی الطفیل از زید بن ارقم بلفظ حافظ

[صفحه ۷۲]

نسائی روایت نموده که در صفحه ۲۹ لفظ او از خصایصش نقل شده است. و ابن عبد البر در جلد ۲ " الاستیعاب " ص ۴۷۳ و ابو الحجاج در " تهذیب الکمال فی اسماء الرجال " و ابن کثیر شامی در جلد ۵ " البدایه و النهایه " ص ۲۰۸ از حبیب بن ابی ثابت از ابی الطفیل از زید بطریق نسائی این حدیث را روایت نموده اند و ابن کثیر گفته که این حدیث صحیح است (نقل از ذهبی) و در ص ۱۰۹ همان جزء " البدایه و النهایه " از ابی الطفیل و یحیی بن جعده و ابی عبد الله میمون از زید روایت کرده و گفته این اسناد نیکو و رجال آن مورد وثوق و اعتمادند و در جلد ۷ صفحه ۳۴۸ از طریق غندر از شعبه از سلمه بن کهیل از ابی الطفیل از ابی مریم یا یزید بن ارقم و از طریق احمد بسند و لفظ مذکور در ص ۲۹ آنرا ذکر نموده سپس گفته که : جماعتی که از جمله آنها ابو اسحق سبیعی و جبیب اساف و عطیه عوفی و ابو عبد الله شامی و ابوالطفیل عامر بن واثله اند این حدیث را از زید بن ارقم روایت نموده اند. و حافظ گنجی شافعی در " کفایه الطالب " ص ۱۴ بطریق سه گانه احمد بن حنبل آنرا روایت نموده و پس از ذکر الفاظ او بطرق او در ص ۱۵ گفته : احمد بن حنبل این چنین در مسند خود روایت مذکور را با ذکر سند ثبت نموده و چنین راوی اگر آنرا بیک سندهم ذکر مینمود کافی بود تا چه رسد باینکه چنین پیشوائی طرق متعدده خود را در ذکر این روایت جمع نموده : سپس از مشایخ خود حفاظ اربعه که عبارتند از : شیخ الاسلام ابو محمد عبد الله ابن ابی الوفاء محمد الباذرائی و قاضی ابو الفضایل عبد الکریم بن عبد الصمد انصاری، و ابو الغیث فرج بن عبد الله قرطبی، و ابو الفتح نصر اله بن ابی بکر بن ابی الیاس، باسنادهایشان از جامع ترمذی باسنادش از سلمه بن کهیل از ابی الطفیل آنرا از زید روایت نموده. حدیث زید بن ارقم در " جمع الجوامع " و " تاریخ الخلفاء" سیوطی ص ۱۱۴ و " الجامع الصغیر " جلد ۲ ص ۵۵۵ نقل از ترمذی و نسائی و ضیاء مقدسی و جلد ۷ " تهذیب التهذیب " ابن حجر ص ۳۳۷ و ریاض الصالحین ص ۱۵۲ و جلد ۲ " البیان و التعریف " ص ۱۳۶ از طبرانی و حاکم باسنادشان از ابی الطفیل از زید موجود است. و همچنین

[صفحه ۷۳]

در ص ۲۳۰ از ترمذی و نسائی و ضیاء مقدسی باسنادشان از او صاحب کتاب (اخیر الذکر) از قول سیوطی گوید که این حدیث متواتر است و در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۱۵۲ از ترمذی و ضیاء مقدسی و در ص ۱۵۴ از احمد و همچنین طبرانی در " المعجم الکبیر " و ضیاء مقدسی از زید و از سی نفر از صحابه و در همان صفحه از " کنز العمال " نقل از " المعجم الکبیر " طبرانی و در ص ۳۹۰ از ابی الطفیل عامر بن واثله و ابی عبد الله میمون و عطیه عوفی و ابی الضحی همگی از زید و نقل از محمد بن جریر طبری

در " حدیث " الولایه " و در ص ۱۰۲ از زید بن ابی حیان از زید و در مشکاه المصابیح " ص ۵۵۷ از طریق احمد از براء بن عازب و زید، و در " تذکره خواص الامه " ص ۱۸ گوید : که احمد در " الفضایل " از قول ابن نمیر و او از عبد الملک و او از عطیه عوفی نقل کرده که عطیه عوفی گفت : نزد زید بن ارقم آمدم و باو گفتم : من دامادی دارم که او از تو حدیثی را در شان علی صلی الله علیه و آله در روز غدیر نقل نموده و دوست دارم آن حدیث را از تو بشنوم. گفت : شما گروه اهل عراق، در شما هست آنچه هست : (منظور اظهار عدم اعتماد است) پس باو گفتم : از طرف من بر خود نترس. پس گفت : بلی. در جحفه بودیم. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالیکه بازوی علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفته بود بر ما بیرون شد و خطاب بمردم فرمود آیا نمیدانید که من اولی (سزاوارتر) هستم بر مومنین از خودشان ؟ همگی گفتند : بلی چنین است پس فرمود : هر کس که من مولای اویم، پس از من علی علیه السلام مولای او است و این سخن را چهار مرتبه تکرار فرمود. محمد بن اسمعیل یمنی در " الروضه الندیه - شرح التحفه العلویه " بعد از ذکر حدیث غدیر بطرق مختلفه خود گوید : فقیه علامه حمید محلی در " محاسن الازهار " تمام خطبه پیغمبر را (که در روز غدیر با آن طول و تفصیل ایراد فرموده) ذکر نموده و بسند خود تا منتهی میشود بزید بن ارقم گوید : زید گفت رسول خدا صلی الله علیه و آله در حجه الوداع (در مراجعت) آمد تا در جحفه نزول فرمود - بین مکه و مدینه

[صفحه ۷۴]

پس امر فرمود زیر درختان عظیم و انبوه آنجا را از خار و خاشاک پاک کردند، سپس مردم را باجتماع عمومی برای نماز دعوت کردند. آنروز بسیار گرم و سوزان بود و همگی حسب الامر پیغمبر بسوی آنحضرت گرد آمدیم در حالیکه بعضی از ما قسمتی از ردای خود را بر سر کشیده و قسمتی را از شدت سوزندگی زمین زیر پا نهاده بود. پس رسول خدا نماز ظهر را با ما بجا آورد و سپس رو بطرف ما بگردانید و فرمود : حمد و ستایش مخصوص خداوند است. ستایش میکنیم او را و از او یاری میخواهیم و باو ایمان داریم و بر او توکل میکنیم. پناه بخدا میبریم از بدیهای نفوسمان و از ناروائی کردارمان. آن خداوندی که هر که (در اثر سلب عنایت) او را گمراه کرد برای او راهنمائی نیست و آنکه را که او راهنمائی فرماید گمراه کننده ای نخواهد بود. و گواهی میدهیم که معبود لایق پرستش جز ذات مقدس و منزه او نیست، و محمد بنده و فرستاده او است. اما بعد. ای مردم. همانا بتحقیق پیوسته که برای هیچ پیغمبری جز نیمی از عمر پیغمبر قبل از او نیست، و همانا عیسی بن مریم در میان قوم خود چهل سال زیست کرد و من بیست سال شریعت خود را اجرا نمودم. آگاه باشید که جدائی من از شما نزدیک شده و آگاه باشید که من مسئول شما هستم و شما نیز مسئول هستید. اکنون بگوئید آیا من تبلیغ نمودم ؟ در این هنگام از هر طرفی در میان آن گروه پاسخ دهنده برخواسته و گفتند شهادت میدهیم که تو بنده خدائی و فرستاده او هستی و بتحقیق رسالت خداوندی را تبلیغ فرمودی و در راه خدا کوشش کردی و بامر خدا مبادرت نمودی و تا آخرین دم بندگی او نمودی، خدای بهترین پاداش را که به پیغمبری عطا میکند بتو عطا فرماید - در این هنگام فرمود : آیا نه اینست که به یکتائی خدا گواهی میدهید و باینکه محمد بنده و فرستاده او است، و باینکه بهشت و دوزخ او حق است، و بتمامی کتاب خدا ایمان دارید ؟ گفتند. آری. فرمود : من نیز شهادت میدهم که براستی شما را خواندم و شما نیز تصدیق نمودید دعوت مرا. آگاه باشید که من بدیگر سرای بر شما پیشی میگریم و شما پس از من بزودی در کنار حوض بر من وارد میشوید. و هنگامی

[صفحه ۷۵]

که مرا ملاقات میکنید. من از شما مواخذه خواهم نمود که بعد از من با دو چیز گران و نفیس (که در میان شما واگذاردم) چگونه رفتار نمودید ؟ در این موقع امر بر ما مشکل شد : ندانستیم آندو شیء گران و نفیس چیستند ؟ تا اینکه مردی از مهاجرین برخاست و گفت : پدر و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا. آن دو چیست ؟ فرمود : آن یک که بزرگتر است از آندیگری کتاب خدا است. سبب و رشته ارتباطی است که یکطرف آن در دست خداوند و طرف دیگر آن در دست شما است آنرا محکم نگاه دارید و از آن رو بر مگردانید که گمراه نشوید و آن دیگر که کوچکتر است عترت من است. (آنهائی که رو به قبله من نمودند و دعوت مرا اجابت کردند نکشید آنها را بر و آنها غلبه ننمائید و از آنها واپس نمانید : همانا من درباره آنان از خدای مهربان و دانا درخواست نمودم و خدا بمن (آنچه درباره آنها مسئلت کردم) عطا فرمود یاری کننده کتاب خدا و عترت من یاری کننده من است و خوار کننده آندو خوار کننده من و پیرو و دوست آندو پیرو و دوست من است و متخلف و دشمن آندو دشمن من. آگاه باشید و بتحقیق بدانید که هیچیک از اقوام و امت های قبل از شما هلاک نشدند مگر در اثر اینکه بدلخواه و هوای نفسانی خود رفتار کردند و بر ساحت نبوت خود بمخالفت و دشمنی برخاستند و آنان را که بعدل و داد برخواستند کشتند : سپس دست علی ابن ابی طالب علیه السلام را گرفت و بلند کرد و فرمود : هر کس من ولی اویم پس این (علی علیه السلام) ولی او است. بار خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله این سخن را سه بار تکرار فرمود : و حافظ ابوالحسن علی بن مغازلی واسطی شافعی در " المناقب " این حدیث را عینا با همین الفاظ و حروف و بهمین تفصیل روایت نموده گوید : از ابویعلی علی بن ابی عبد الله علاف بزار شنیدیم که از قول عبد السلام بن عبد الملك بن حبیب بزار و او

[صفحه ۷۶]

از قول عبد الله محمد بن عثمان بما خبر داد و او روایت کرد از محمد بن بکر بن عبد الرزاق و او از ابو حاتم مغیره بن محمد مهلبی و او از مسلم بن ابراهیم و او از نوح بن قیس حدانی و او از ولید بن صالح و او از پسر زن زید بن ارقم... تا پایان حدیث مزبور. و بدخشانی در " نزل الابرار " ص ۱۹ حدیث غدیر را بلفظ زید بن ارقم از طریق احمد و طبرانی ذکر کرده. و در ص ۲۱ نیز از ابی نعیم و طبرانی از ابی الطفیل از زید روایت کرده و آلوسی در جلد ۲ " روح المعانی " ص ۳۵۰ آنرا روایت نموده و در قمست مربوطه به تابعین نیز بلفظ ابی لیلی کندی حدیثی از زید خواهد آمد.

۴۳ - ابو سعید زید بن ثابت (وفات او در یکی از سالهای ۴۵ تا ۴۸ ذکر شده بعد از سال پنجاهم هجری نیز نوشته شده) ابن عقده در "حدیث الولایه " و ابوبکر جعابی در " نخب المناقب " حدیث غدیر را از او روایت نموده اند. و جزری شافعی در " اسنی المطالب " ص ۴ نامبرده را در شمار راویان حدیث غدیر ذکر نموده است.

۴۴ - زید - یزید بن شراحیل انصاری - نامبرده یکی از گواهانی است که در روز مناشده برای امیرالمومنین علیه السلام در موضوع حدیث غدیر شهادت داد که حدیث او بعدا خواهد آمد - حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " داستان شهادت او را روایت کرده و ابن اثیر در جلد ۲ " اسد الغابه " ص ۲۳۳ و ابن حجر در جلد ۱ " الاصابه " ص ۵۶۷ آنرا از ابن عقده نقل نموده اند و در مقتل خوارزمی و تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۷ در شمار روایان حدیث غدیر از صحابه ثبت شده است.

۴۵ - زید بن عبد اله انصاری - ابن عقده در " حدیث الولایه " حدیث او را با ذکر سند روایت نموده است.

[صفحه ۷۷]

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف س) شروع می شود

۴۶ - ابو اسحق سعد بن ابی وقاص (درگذشت او در یکی از سالهای ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۸ ذکر شده) و حافظ نسائی در خصایص خود ص ۳ باسنادش از مهاجرین مسمار ابن سلمه از عایشه بنت سعد با ذکر سند روایت نموده گفت : از پدرم شنیدم گفت : شنیدم رسول خدا در روز جحفه که دست علی علیه السلام را گرفت و خطبه مشتمل بر حمد و ثنای خداوند ایراد و سپس فرمود : ای مردم : من ولی شما هستم ؟ همگی گفتند : راست فرمودی یا رسول الله، سپس دست علی را که گرفته بود بلند کرده و فرمود : این ولی من است. این ولی من است و از طرف من ادا میکند و من دوستم با کسی که او را دوست باشد و دشمن هستم با کسی که او را دشمن باشد. و در خصایص ص ۴ باسنادش از عبد الرحمن ابن سابط از سعد آورده که گفت : در میان جمعی نشسته بودم که علی علیه السلام را نکوهش کردند. بانها گفتم بتحقیق از رسول خدا صلی الله علیه و آله سه خصلت و امتیاز برای علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدم که اگر یکی از آن خصلت ها برای من می بود نزد من محبوب تر بود از شتران سرخ مو شنیدم که میفرمود : همانا علی برای من بمنزله هرون است برای موسی جز اینکه پس از من پیغمبری نخواهد بود. و شنیدم که فرمود : البته فردا رایت لشکر اسلام را بکسی میدهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول او را دوست دارند. و شنیدم که میفرمود : هر کس که من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است. و در خصایص ص ۱۸ و در چاپ دیگر آن ص ۲۵ باسناد مهاجربن سمار آورده که گفت : عایشه بنت سعد از سعد نقل کرد که گفت : با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم در راه مکه در حالیکه متوجه آنجا بود پس چون به غدیر خم رسید در آنجا برای مردم توقف نمود تا آنها که عقب مانده بودند رسیدند و آنان که گذشته بودند بازگشت داده شدند. همینکه همه آن گروه گرد آمدند خطاب بانان فرمود : ای مردم ولی شما (آنکه از روی صلاحیت عهده دار جمیع امور شما است) کیست ؟ گفتند.

[صفحه ۷۸]

خدا و رسولش - این سئوال و جواب سه بار تکرار شد. سپس دست علی علیه السلام را گرفت و او را بپا داشت و فرمود : هر کس که خدا و رسولش ولی او است. پس او (علی علیه السلام) ولی او است. بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد : و در ص ۱۸ این حدیث را از عامر بن سعد از او روایت نموده و (در طریق دیگر) از ابن عیینه از عایشه بنت سعد از او. و این حدیث را عبد الله بن احمد بن حنبل (بطوریکه در " العمده " ص ۴۸ مذکور است) باسناد از عبد الله بن صفر در سال ۲۹۹ روایت نموده و گفته که یعقوب ابن حمدان بن کاسب برای ما بیان نمود از ابن ابی نجیح از پدرش، و ربیعه جرشی از سعد و حافظ بزرگ محمد بن ماجه در جلد ۱ " سنن " ص ۳۰ باسنادش از عبد الرحمن بن سابط با ذکر سند روایت نموده از سعد که گفت : هنگامی که معاویه از یکی از سفرهای حج خود آمده بود سعد بر او داخل شد. در آن مجلس نسبت بعلی علیه السلام زبان بطعن و بدی گشودند و معاویه نیز کلماتی گفت، سعد در خشم آمد و گفت : این سخنان ناروا را درباره مردی میگوئی که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره او شنیدم که میفرمود : هر کس که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او است. و شنیدم که باو (علی علیه السلام) میفرمود. تو برای من بمنزله هارون هستی برای موسی جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست. و شنیدم که فرمود : امروز رایت جنگ را بمردی میسپارم که خدا و رسول او را دوست دارند ؟ و حافظ حاکم در جلد ۳ " مستدرک " ص ۱۱۶ از ابی زکریا یحی بن محمد عنبری از ابراهیم بن ابی طالب از علی بن منذر - از ابی فضیل از مسلم ملائی از خیثمه بن عبد الرحمن از سعد روایت نموده که مردی باو گفت : همانا علی بن ابی طالب تو را نکوهش نمود برای اینکه

از او تخلف نمودی. پس سعد گفت : بخدا قسم این (تخلف از علی) رای من بود که بخطا پیش گرفتم. همانا به علی بن ابی طالب علیه السلام سه امتیاز داده شده است که اگر یکی از آنها بمن عطا شده بود برای من از دنیا و

[صفحه ۷۹]

آنچه که در دنیا است محبوب تر بود بطور تحقیق رسول خدا صلی الله علیه و آله روز غدیرخم پس از حمد و ثنای خداوند فرمود : آیا میدانید که من باهل ایمان اولی و سزاوارترم ؟ گفتیم. آری. فرمود : بار خدایا هر کس من مولای اویم علی علیه السلام مولای او است، دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد. و علی علیه السلام در روز خیبر نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آورده شد در حالیکه چشمان او بعلت بیماری نمیدید و درد چشم خود را برسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آب دهان خود را در چشم های او ریخت و درباره او دعا فرمود. از برکت دعای آنحضرت تا هنگام شهادتش دیگر مبتلا بعارضه چشم نگشت و خیبر با نیروی او گشوده و فتح گردید و رسول خدا صلی الله علیه و آله عموی خود عباس و جز او را از مسجد خارج فرمود. پس عباس باو گفت ما را اخراج میفرمائی در صورتیکه وابسته و قبیله تو هستیم و علی را در مسجد باقی میگذاری ؟ فرمود اخراج شماها و باقی گذاردن او در مسجد بمیل و اراده شخص من نبوده و بلکه بر حسب امر الهی این کار انجام یافت. و حافظ ابو نعیم در جلد ۴ " حلیه الاولیاء " ص ۳۵۶ باسنادش از شعبه از حکم از ابن ابی لیلی از سعد ابن ابی وقاص روایت نموده که گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی ابن ابی طالب علیه السلام سه موهبت و امتیاز اعطا فرمود (اول) البته رایت لشکر را فردا بمردی میدهم که خدا و رسول را دوست دارد (دوم) داستان مرغ بریان (سوم) حدیث غدیرخم. و حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " باسنادش از سعید بن مسیب از سعد و حافظ ابو محمد عاصمی در "زین الفتی " از طریق ابن عقده حدیث غدیر را از نامبرده (سعد) روایت نموده اند که عین لفظ آن در حدیث تهنیه خواهد آمد. و حافظ طحاوی حنفی در جلد ۲ " مشکل الاثار " ص ۳۰۹ باسنادش از مصعب

[صفحه ۸۰]

ابن سعد از سعد از طریق - شعبه بن حجاج این حدیث را روایت کرده و درباره شعبه ابن حجاج گفته که : این شخص در روایتش از هر حیث ایمن هست و او روایت را ضبط میکند و گفتار او در روایت حجت است، و حموینی در " فراید السمطین " باسنادش از عایشه دختر سعد از پدرش حدیث غدیر را روایت نموده و خطیب خوارزمی در مقتل خود و جزری در " اسنی المطالب " ص ۳ نامبرده را در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ذکر نموده اند. و حافظ گنجی شافعی در " کفایه الطالب " ص ۱۶ بطریق حافظ یوسف بن خلیل دمشقی و حافظ ابو الغنایم محمد بن علی نرسی باسنادشان از ابن جدعان از سعید ابن مسیب از سعد روایت نموده اند که سعید بن مسیب گوید. بسعد گفتم... تا آخر حدیث که در حدیث تهنیه خواهد آمد و صاحب کفایت الطالب در ص ۱۵۱ گفته که شیخ الشیوخ عبد الله ابن عمر بن حمویه در دمشق بما خبر داد از قول حافظ ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه الله شافعی و او از ابوالفضل فضیلی و او از ابوالقاسم خزاعی و او از هیثم بن کلیب شاشی و او از احمد بن شداد ترمذی از علی بن قادم از اسرائیل از عبد الله بن شریک از حرث بن مالک که او گفته بمکه آمدم و سعد بن ابی وقاص را ملاقات نمودم و باو گفتم آیا منقبتی از علی علیه السلام شنیده ای ؟ گفت : چهار منقبت درباره علی مشاهده نموده ام که اگر یکی از آنها برای من میبود در نزد من محبوب تر بود از اینکه بمانند نوح در دنیا زندگی کنم. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله ابابکر را بعنوان ابلاغ سوره (برائت) بمشرکین

قریش فرستاد و او یکشبانه روز از مسافت را طی کرد، در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود : در پی ابی بکر برو و سوره برائت را از او بگیر و تو آنرا ابلاغ نما. پس علی علیه السلام ماموریت را انجام داد و ابوبکر در حالیکه گریه میکرد برگشت و عرض کرد : یا رسول الله آیا درباره من آیه نازل شده ؟ آنجناب فرمود جز خیر چیزی نیست. همانا از طرف من تبلیغ نمیکند کسی امری را جز من و آنکس که از من باشد. (یا فرمود : و آنکس که از اهل بیت من باشد). و نیز ما با رسول خدا صلی الله علیه و آله

[صفحه ۸۱]

در مسجد بودیم، هنگام شب ندائی در میان ما شد که : باید هر که در مسجد است بیرون رود، مگر آل رسول و آل علی علیهم السلام. گفت : ما خارج شدیم در حالیکه پاپوش های خود را میکشیدیم (کنایه از شتاب در بیرون رفتن) همینکه صبح نمودیم، عباس بن عبد المطلب نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت : یا رسول الله عموهای خود را بیرون کردی و این پسر را " علی علیه السلام " برقرار نمودی ؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : من از پیش خود و بمیل خود امر به بیرون شدن شما و برقراری این پسر ننمودم همانا خداوند بان امر نمود. گفت : سومین منقبت علی علیه السلام : پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله عمر و سعد را بسوی خیبر فرستاد پس سعد مجروح شد و عمر برگشت. در این حال رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود البته رایت لشکر را بمردی خواهم داد که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول او را دوست دارند (و این سخن پیغمبر صلی الله علیه و آله متضمن مدح بسیاری نسبت بن علی علیه السلام بود که من از احصای آن ترس دارم). سپس علی علیه السلام را طلبید. عرض کردند : بدرد چشم مبتلا است، ناچار حسب الامر آنجناب علی علیه السلام را در حالیکه دست او را گرفته و او را میکشیدند نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آوردند. فرمود چشم خود را بگشا عرض کرد نمیتوانم - راوی گوید : رسول خدا صلی الله علیه و آله آب دهان خود را در چشم علی افکند و با انگشت ابهامش آنرا مالید و رایت را باو اعطاء فرمود - و منقبت چهارم - روز غدیرخم رسول خدا صلی الله علیه و آله سخنانی با مبالغه و تاکید بیان داشت. سپس فرمود : ای مردم آیا من اولی (سزاواتر) نیستم باهل ایمان از خودشان ؟ (و این سخن را سه بار فرمود) : همه گفتند. آری هستی. فرمود یا علی نزدیک بیا. پس علی علیه السلام دست خود را بلند کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله دست او را تا بحدی بالا برد که سفیدی زیر بغلش نمودار شد. پس گفت : هر کس که من مولای اویم. علی علیه السلام مولای اوست، و این سخن را نیز سه بار فرمود. حافظ گنجی پس از ذکر این حدیث گفته که : این حدیث نیکو است و جهات آن نیز (از حیث اسناد) درست است. (تا آنجا که گفت) : و چهام - (حدیث غدیرخم). ابن ماجه و ترمذی از محمد

[صفحه ۸۲]

ابن بشار از محمد بن جعفر آن را روایت نموده اند. و حافظ هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزوايد " ص ۱۰۷ از طریق بزار از سعد روایت نموده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی را گرفت و فرمود : آیا من اولی (سزاوارتر) نیستم بمومنین از خودشان ؟ هر کس که من ولی اویم پس علی علیه السلام ولی او است. سپس هیثمی گفت : این حدیث را بزار روایت نموده و رجال آن مورد اعتماد و وثوق هستند. و ابن کثیر شامی در جلد ۵ " البدایه و النهایه " ص ۲۱۲ از کتاب " الغدیر " ابن جریری طبری از ابی الجوزاء احمد بن عثمان از محمد بن خالد از عثمه از موسی بن یعقوب زمعی (و او مردی است متصف بصداقت و راستی) از

مهاجربن مسمار از عایشه دختر سعد از سعد روایت نموده که گفت : شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جحفه در حالیکه دست علی را گرفته بود، و پس از ادای خطبه خطاب بمردم فرمود : من ولی شما هستم. گفتند. راستی گفتی. پس دست علی علیه السلام را بلند کرد و فرمود : این ولی من است و کسی است که از طرف من اوامر را ابلاغ میکند و خداوند تعالی دوست کسی است که او را دوست بدارد. استاد ما ذهبی گفته : و این حدیث نیکو و دارای غربت است، سپس ابن جریر از حدیث یعقوب بن جعفر بن ابی کثیر از مهاجرین مسمار آنرا روایت نموده و حدیث را ذکر کرده و نیز ذکر نموده که آنجناب ایستاد تا آنها که باز مانده بودند ملحق شدند و حسب امر او آنها را که رفته بودند باز گردانیدند، سپس برای آنها خطبه ایراد فرمود (تا پایان حدیث. (و در جلد ۷ (البدایه و النهایه) ص ۳۴۰ مذکوب است که حسن بن عرقه العبدی از قول محمد بن خازم پدر معاویه نابینا از موسی بن مسلم شیبانی از عبد الرحمن بن سابط از سعد بن ابی وقاص روایت نموده گفت : معاویه از یکی از سفرهای حج خود بازگشت پس سعد بن ابی وقاص نزد او آمد، در آن هنگام نام علی علیه السلام را بردند. سعد گفت : سه خصلت و مزیت برای او است که اگر یکی از آنها برای من می بود محبوب تر بود نزد من از دنیا و آنچه در دنیا است. شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس که

[صفحه ۸۳]

من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است تا آخر حدیث... بلفظ ابن ماجه که در ص ۳۸ مذکور افتاد. سپس ابن کثیر گفت : سند آنرا ذکر نکرده اند و اسناد آن نیکو است. و بطریق سعد جمال الدین سیوطی در " جمع الجوامع " و " تاریخ الخلفاء " ص ۱۱۴ از طبرانی آنرا روایت کرده و متقی هندی در جلد ۶ " کنز العمال ص ۱۵۴ از ابی نعیم در فضایل صحابه و در ص ۴۰۵ از ابن جریر طبری و همچنین وصابی در الاکتفاء فی فضایل الاربعه الخلفاء ". نقل از ابن ابی عاصم و سعید بن منصور در سنن آندو باسنادشان. و بدخشانی در " نزل الابرار " ص ۲۰ از طبرانی. و ابی نعیم در فضایل صحابه " آنرا از او روایت نموده اند، و نامبرده (سعد بن ابی وقاص) یکتن از عشره مبشره است که حافظ ابن المغازلی در مناقب خود آنها را از جمله راویان حدیث غدیر بشمار آورده و همچنین خطیب خوارزمی در مقتلش

۴۷ - سعد بن جناده عوفی (پدر عطیه عوفی) ابن عقده در " حدیث الولایه " و قاضی ابوبکر جعابی در " نخب المناقب) حدیث غدیر را از او روایت نموده اند و خوارزمی در مقتل خود او را در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ثبت نموده است.

۴۸ - سعد بن عباده انصاری خزرجی (در سال ۱۴ یا ۱۵ هجری وفات یافته) نامبرده یکی از نقباء دوازده گانه است، ابوبکر جعابی در نخب المناقب " حدیث او را درباره غدیرخم روایت نموده است.

۴۹ - ابو سعید - سعد بن مالك انصاری خدری (در یکی از سالهای ۶۳ و ۶۴و ۶۵ و ۷۴ درگذشته و در بقیع مدفون است) حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " باسناد از سهم بن حصین اسدی روایت نموده که گفت : من و عبد الله بن علقمه متفقا به مکه آمدیم و عبد الله نامبرده مدتها بود که بسیار نسبت به علی علیه السلام ناسزا و دشنام میگفت پس باو گفتم : آیا مایل هستی با این شخص (یعنی ابو سعید خدری)

[صفحه ۸۴]

تجدید عهدی کنی ؟ گفت : آری، پس نزد ابوسعید آمدیم و عبد الله مزبور باو گفت : آیا درباره علی منقبت و فضیلتی شنیده ای ؟

گفت : آری. و پس از آنکه برای تو بیان نمودم، از مهاجر و انصار و قریش نیز آنرا سئوال کن (تا صدق و حقیقت آن بر تو مدلل شود) و آن اینست که : رسول خدا صلی الله علیه و آله روز غدیرخم با تاکید و مبالغه کامل فرمود : آیا من اولی بمومنین نیستم از خودشان ؟ گفتند بلی. و این پرسش را سه بار تکرار فرمود. سپس فرمود : یا علی نزدیک بیا. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله دستهای علی را بلند کرد تا بحدی که سفیدی زیر بغلشان نمودار شد و گفت : هر کس که من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است، راوی (سهم بن حصین اسدی) گوید : عبد الله بن علقمه بن ابوسعید گفت : تو این سخنان را از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدی ؟ ابوسعید گفت بلی، و اشاره بدو گوش و سینه خود نمود - کنایه از اینکه با دو گوش شنیدم و در سینه آنرا حفظ نمودم) عبد الله بن شریک گفت : پس از این جریان عبد الله ابن علقمه و ابن حصین نزد ما آمدند و پس از آنکه فریضه ظهر را در گرمی هوا انجام دادیم. عبد الله بن علقمه گفت : من. بازگشت بسوی خدا میکنم و از او نسبت بناسزاهائی که بعلی علیه السلام گفته ام طلب آمرزش مینمایم - سه بار این کلمات را گفت - و حافظ ابوبکر بن مردویه باسنادش از ابی سعید با ذکر سند روایت کرده : روزیکه در غدیر خم رسول خدا صلی الله علیه و آله - مردم را نزد خود خواند، امر کرد آنچه در زیر درختان خار و خاشاک بود برطرف ساختند و آن روز پنجشنبه بود. و رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را دعوت بسوی علی علیه السلام فرمود... تمام حدیث در ضمن شرح آیه اکمال ذکر خواهد شد، و حافظ ابو نعیم در کتاب خود " ما نزل من القرآن فی علی " باسنادش از ابی سعید با ذکر سند روایت کرده که : پیغمبر صلی الله علیه و آله مردم را دعوت بسوی علی علیه السلام کرد در غدیرخم و امر کرد، آنچه خار و خاشاک در

[صفحه ۸۵]

زیر درخت بود کنده و برطرف ساختند... تمام لفظ او انشاء الله بعدا خواهد آمد. و حافظ ابو سعید مسعود بن ناصر سجستانی در" کتاب الولایه " در آنچه که با ذکر سند از ابی سعید روایت نموده همین روایت را که از حیث متن و روایت و سند آن موافق با روایت ابو نعیم است بیان نموده که در آینده ذکر خواهد شد، و آنچه را که حافظ ابوالقاسم عبد الله حسکانی با ذکر سند بیان نموده نیز از حیث متن و سند با نامبردگان - موافق و مطابق است، و آن نیز انشاء الله خواهد آمد. و حافظ ابو الفتح محمد بن علی نطنزی در " الخصایص العلویه " از حسن بن احمد مهری از احمد بن عبد الله بن احمد روایت نموده که او از قول محمد بن احمد بن علی و او از محمد بن عثمان بن ابی شیبه و او از قول یحیی حمانی و از قیس بن ربیع از ابی هارون عبدی از ابی سعید خدری روایت نموده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت فرمود مردم را در غدیر خم بسوی علی علیه السلام و امر فرمود خار و خاشاک زیر درخت را روفتند و آنروز پنجشنبه بود. پس علی را طلبید و بازوی او را گرفت و او را بلند کرد تا حدی که مردم زیر بغل رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدند سپس - هنوز پراکنده نشده بودند که این آیه نازل شد " : الیوم اکملت لکم دینکم" تا آخر آیه.، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله (از فرط سرور و اعجاب) بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی پروردگار برسالت خود و ولایت علی علیه السلام پس از خود تکبیر فرمود سپس گفت : هر کس که من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او خواهد بود. بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و یاری فرما آنکه را که او را یاری نماید و خوار گردان آنکه را که او را خوار گرداند. در این هنگام حسان بن ثابت عرض کرد یا رسول الله بمن اذن بده تا درباره علی علیه السلام ابیاتی بگویم تا شما آنها را بشنوید. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : بگو بمیمنت و مبارکی که از طرف خداوند شامل حال شده. پس حسان بپا خواست و گفت : ای گروه قریش گفتار مرا با حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد ولایت ثابته بشنوید :

[صفحه ۸۶]

"ینادیهم یوم الغدیر نبیهم.. " تا آخر ابیات او که ضمن شعرای قرن اول ذکر خواهد شد. و نیشابوری در جلد ۶ تفسیر خود ص ۱۹۴ حدیث غدیر را از او (ابو سعید خدری) روایت نموده و حموینی - در " فراید السمطین " بدو طریق از عبد از او روایت نموده و خوارزمی در مناقب ص ۸۰ از ابی هارون عبدی از او و ابن صباغ مالکی در " الفصول المهمه " ص ۲۷، و حافظ هیثمی در جلد ۹ "مجمع الزواید " صفحه ۱۰۸ از طریق طبرانی در " الاوسط " و ابن کثیر در جلد ۲ تفسیرش ص ۱۴ نقل از ابن مردویه و از طریق ابی هارون عبدی از ابی سعید، و در جلد ۷ " البدایه و النهایه " ص ۳۴۹ و ۳۵۰ از ابن مردویه و ابن عساکر از ابی سعید و سیوطی در " جمع الجوامع " و تاریخ الخلفاء ص ۱۱۴ و " الدر المنثور " جلد ۲ ص ۲۵۹ از طریق ابن مردویه و ابن عساکر و در ص ۲۹۸ از ابن ابی حاتم سجستانی و ابن مردویه و ابن عساکر از او، و متقی هندی در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۳۹۰ از عطیه عوفی - از او. از طریق ابن جریر طبری بلفظ زید بن ارقم (که در حدیث زید از طریق نسائی مذکور شد) و در ص ۴۰۳ از عمیره بن سعد، شهادت ابی سعید را در روز مناشده رحبه درباره امیرالمومنین علیه السلام بحدیث غدیر ذکر نموده و بدخشانی در " نزل الابرار " ص ۲۰ از طریق طبرانی از او، و آلوسی در " روح المعانی " جلد ۲ ص ۳۴۹ از سیوطی از ابن ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر، و صاحب تفسیر " المنار " در جلد ۶ ص ۴۶۳ از ابی ابی حاتم و ابن مردویه و ابن عساکر و بدر الدین محمود شهر به ابن العینی حنفی در" عمده القاری " از طریق حافظ واحدی از عطیه عوفی از ابی سعید، و قریبا الفاظ روایات این گروه در موضع های خود انشاء الله ذکر خواهد شد. و جزری در " اسنی المطالب " ص ۳ او را در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ثبت نموده است.

۵۰ - سعید بن زید قرشی عدوی (در سال ۵۱ و ۵۲ در گذشته)، نامبرده یکی از عشره مبشره است که حافظ ابن المغازلی در" مناقب " خود آنها را از جمله

[صفحه ۸۷]

یکصد تن راویان حدیث غدیر بطرق خود بشمار آورده است.

۵۱ - سعید بن سعد بن عباده انصاری - حافظ ابن عقده در کتاب " حدیث الولایه " واقعه غدیر را از او روایت نموده.

۵۲ - ابو عبد الله سلمان فارسی (در سال ۳۶ ر ۳۷ هجری در حالیکه سن شریفش در حدود سیصد سال بود وفات یافته) حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " و جعابی در " نخب " خود و حموینی شافعی در باب ۵۸ از " - فراید السمطین " واقعه غدیر را بطرق خود با ذکر سند از او روایت نموده اند و شمس الدین جزری شافعی در ص ۴ از " اسنی المطالب " نامبرده را در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ذکر نموده است.

۵۳ - ابو مسلم مسلمه بن عمرو بن اکوع اسلمی (در سال ۷۴ درگذشته) ابن عقده در " حدیث الولایه " حدیث غدیر را از او روایت نموده است.

۵۴ - ابو سلیمان سمره بن جندب فزاری، هم پیمان انصار (در سال های ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ هجری در بصره درگذشته) بطوریکه در" حدیث الولایه " ابن عقده و " نخب المناقب " مذکور است، نامبرده یکی از راویان حدیث غدیر است. و شمس الدین جزری شافعی در " اسنی المطالب " ص ۴ نامبرده را در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ذکر نموده است.

۵۵ - سهل بن حنیف انصاری اوسی (در سال ۳۸ درگذشته) و حافظ ابن عقده بطریق خود و با ذکر سند، و جعابی، حدیث غدیر را

از او روایت نموده انـد، و ابن اثیر در جلـد ۳ " اسـعد الغابه ص ۳۰۷ نـامبرده را در شـمار آنهـائی که روز رحبه دربـاره - علی علیه السلام شهادت داده اند (بطوریکه در حدیث اصبغ ابن نباته آتی الذکر مذکور است) درآورده و گفته که ابو موسی آنرا با ذکر سند روایت نموده. و جزری شافعی در " اسنی المطالب " ص ۴ او را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده است.

۵۶ - ابو العباس - سهل بن سعد انصاری خزرجی ساعدی (در سال ۹۱ هجری

[صفحه ۸۸]

در سن صد سالگی وفات یافته - نامبرده از کسانی است که در حدیث مناشده درباره علی علیه السلام شهادت بحدیث غدیر داده - حدیث مزبور بطریق ابی الطفیل خواهد آمد و سـمهودی آنرا در " جواهر العقدین " از طریق ابن عقده و قندوزی در " ینابیع الموده "ص ۳۸ از او روایت نموده اند و در " تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله) ص ۶۷ در شمار راویان حدیث غدیر ثبت شده است.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ص– ض) شروع می شود

۵۷ - ابو امامه صـدی ابن عجلان باهلی (در شام مسـکن گزیـده و در همانجا بسال ۸۶ هجری درگذشـته) در شمار کسانی است که ابن عقده در " حدیث الولایه " حدیث غدیر را با ذکر سند از او روایت نموده است.

۵۸ - ضـمیره الاسـدی - روایت او در " حـدیث الولایه " و همچنین در " کتاب الغـدیر " تالیف منصور رازی ذکر شـده و نام او در کتاب الغدیر - ضمره بن الحدید - ذکر شده و گمان دارم - ضمیره بن جندب - یا - ضمیره بن حبیب - باشد - مراجعه نمائید.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ط) شروع می شود

۵۹ - طلحه بـن عبیـد الله تمیمی (در سـال ۳۶ هجری روز جمـل در سـن ۶۳ سـالگی کشـته شـده) - نـامبرده در روز جمـل برای امیرالمومنین علیه السلام بحدیث غدیر شهادت داده و مسعود در جلد ۲ " مروج الذهب " ص ۱۱ و حاکم در جلد ۳ " المستدرک "ص ۱۷۱ و خوارزمی در مناقب ص ۱۱۲ و حافظ هیثمی در جلـد ۹ " مجمع الزواید " ص ۱۰۷ و سیوطی در ر جمع الجوامع " و ابن حجر در جلـد ۱ " تهـذیب التهذیب " ص ۳۹۱ (نقل از حافظ نسائی) و متقی هنـدی در جلـد ۶ " کنز العمـال " ص ۸۳ (نقل از حافظ ابن عساکر و در ص ۱۵۴ نقل از مستدرک حاکم غیر از حـدیث مناشده روز جمل) آنرا از او روایت نموده اند - و در مورد حـدیث مزبور طرق بسیار دیگری نیز در دست است که عین الفاق آنها در حـدیث مناشده روز جمل خواهد آمد. و حافظ عاصـمی در " زین الفتی فی شرح سوره هل اتی " از محمد بن ابی زکریا.

[صفحه ۸۹]

از ابی الحسن محمد بن ابی اسماعیل علوی از محمد بن عمر بزاز از عبد الله بن زیاد مقبری از پدرش از حفص بن عمر - عمری - از غیـاث بن ابراهیم از طلحه بن یحیی از عموی او عیسـی از طلحه بن عبیـد الله روایت نموده که پیغمبر صـلی الله علیه و آله فرمود : هر کس که من مولای او هستم علی علیه السـلام مولای او است. و ابن کثیر در جلد ۷ " البدایه و النهایه " ص ۳۴۹ حدیث غدیر را با ذکر سند بلفظ براء بن عازب روایت نموده، و سپس گفته : این حدیث از سعد و طلحه بن عبید الله و جابر بن عبد الله نیز روایت شده و برای آن طرق متعددی است، و از ابی سـعید خدری و حبشی بن جناده و جریر بن عبد الله و عمر بن خطاب و ابی هریره نیز روایت

شده و حافظ ابن المغازلی در " مناقب " خود عشره مبشره را از جمله یکصد تن راویان حدیث غدیر شمرده و طلحه نامبرده از آنها است، و جزری شافعی در " اسنی المطالب " ص ۳ نامبرده را در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ذکر نموده است.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ع) شروع می شود

۶۰ - عامر بن عمیر نمیری - ابن عقده در " حدیث الولایه " حدیث غدیر را با ذکر سند از او روایت کرده، و ابن حجر در جلد ۲" الاصابه " ص ۲۵۵ حدیث مزبور را از موسی ابن اکتل بن عمیر نمیری از عمویش عامیر (نامبرده) روایت نموده.

۶۱ - عامر بن لیلی بن ضمره. حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " با ذکر سند حدیث مزبور را باسنادش از او روایت کرده و ابن اثیر در جلد ۳ " اسد الغابه " ص ۹۲ بطریق ابو موسی از ابی الطفیل از او روایت نموده که گفت : چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجه الوداع برگشت (جز آن حج نفرموده) آمد تا بجحفه رسید (در روز غدیر خم) - خم در نزدیک جحفه است، و رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا مسجدی دارد که معروف است. پس خطاب بمردم فرمود... تا پایان حدیث. و ابن صباغ مالکی نقل از کتاب " الموجز " تالیف حافظ اسعد بن ابی الفضایل بسند خود تا منتهی شود به عامر - و ابن حجر در جلد ۲ " - الاصابه" ص ۲۵۷ از کتاب

[صفحه ۹۰]

"الموالات " تالیف ابن عقده از طریق عبد الله بن سنان از ابی الطفیل از حذیفه بن اسید و عامر بن لیلی روایت نموده اند که : چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجه الوداع بازگشت فرمود آمد تا بجحفه رسید... تا پایان حدیث. و ابو موسی با ذکر سند آن را روایت نموده، و سمهودی نقل از حافظ ابن عقده و ابی موسی و ابی الفتوح عجلی بطرقشان از عامر و حذیفه بن اسید روایت نموده که گفتند : چون رسول خدا صلی الله علیه و آله از حجه الوداع بازگشت فرمود (و جز آن حج نکرده بود) آمد تا به جحفه رسید. قدغن فرمود که در زیر درختان نزدیک بهم (که در آن صحرا است) فرود نیایند. پس از آنکه آنگروه در جایگاههای خود فرود آمدند و مستقر شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد، زیر درختان و شاخه های مشرف بر سر مردم را پاک و خار خاشاک را برطرف و متفرق نمودند تا هنگامی که بانک نماز بلند شد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله در زیر درختان مزبور نماز خواند و سپس رو بطرف مردم گردانید و این واقعه در روز غدیر خم بود، و خم از جحفه است، رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا مسجد معروفی دارد. پس خطاب بمردم فرمود : همانا خداوند مهربان و دانا مرا آگاه فرمود که هیچ پیغمبری جز نیمی از عمر پیغمبر پیش از خود زیست نمیکند و من گمان دارم که قریبا بسرای دیگر دعوت شوم و اجابت نمایم و همانا من مسئول هستم (در امر تبلیغ) و شما مسئول هستید (در پیروی و تبعیت). آیا من تبلیغ نمودم ؟ نظر و گفتار شما چیست ؟ گفتند ما میگوئیم که بتحقیق تبلیغ فرموده و کوشش و نصیحت نمودی. پس خدای جزای نیک بشما عطا فرماید. فرمود : آیا نه چنین است که شما شهادت به یکتائی خدا میدهید و اینکه محمد بنده و فرستاده او است، و اینکه بهشت و دوزخ او حق است، و محشور شدن بعد از مردن حق است ؟ گفتند بلی. فرمود بار خدایا گواه باش. سپس با مبالغه و تاکید در جلب توجه و شنوائی آنان فرمود : آگاه باشید همانا خداوند مولای من است و من اولی (سزاوارتر) بشما هستم از خود شما. آگاه باشید و هر کس که من مولای او هستم پس این علی علیه السلام مولای او است. و دست علی علیه السلام را گرفت و او را بلند فرمود تا بحدی که تمام آنگروه - او را شناختند.

[صفحه ۹۱]

سپس گفت : بـار خـدایا دوست بـدار آنکه را که او را دوست دارد و دشـمن دار آنکه را که او را دشـمن دارد - سـپس فرمود : ای مردم من (در انتقال بسرای دیگر) بر شـما پیشی میگیرم و شـما بر من وارد میشویـد در کنـار حوضـی که پهنـای آن از مسافت بین بصری و صنعاء بیشتر است. در آن بشماره ستارگان آسمان قدحهای سیمین هست (آگاه باشید) و - هنگامی که بر من وارد میشوید از شـما درباره دو چیز گران و نفیس مواخذه و سئوال خواهم نمود. پس بیندیشید تا چگونه بعد از من با آن دو رفتار خواهید نمود، که هنگـام ملاقات من اظهار نمائیـد. گفتنـد : یا رسول الله آنـدو چیز گران و نفیس چیست ؟ فرمود : آنکه بزرگتر است کتاب خـدا است، سبب (رشته ارتباطی) است که یکطرف آن در دست خـدا و طرف دیگر آن در دست شـما است. پس آنرا محکم بگیرید تا بعـد از من گمراه نشویـد و آنرا تبـدیل و دگرگون نسازیـد - و آن دیگر عترت مننـد. همانـا خداونـد دانا بمن خبر داد که آنـدو از یکـدیگر جـدا نشونـد تا مرا ملاقات نمایند. تا پایان حدیث. و بهمین لفظ و بیان. شیخ احمد ابوالفضل بن محمد باکثیر مکی شافعی در " وسیله المال فی مناقب الال " حدیث مزبور را از حذیفه و عامر روایت نموده و خطیب خوارزمی در مقتلش نامبرده را در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ذکر نموده و ابن اثیر در جلد ۳ " اسد الغابه " ص ۹۳ از عمر بن عبد الله ابن یعلی از پدرش از جدش شهادت او را بر علی علیه السلام بحدیث غدیر در روز رحبه (که حدیث آن خواهد آمد) روایت نموده.

۶۲ - عامر بن لیلی غفاری - ابن حجر نامبرده را در جلد ۲ " الاصابه " ص ۲۵۷ بعد از عامر سابق الذکر جداگانه نامبرده و گفته که : ابن منـده نیز او را ذکر نموده و از طریق عمر بن عبد الله بن یعلی بن مره از پدرش از جدش آورده که گفت : شـنیدم پیغمبر صـلی الله علیه و آله میگفت : هر کس که من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است. و پس از آنکه علی علیه السلام بکوفه آمد مردم را سوگند داد (درباره حدیث غدیر) و هفده تن (از جمله آنان عامر بن لیلی غفاری) گواهی دادند و

[صفحه ۹۲]

ابو موسی تجویز نموده که ممکن است این عامر همان عامر بن لیلی بن ضمره سابق الذکر باشد و ابن اثیر از او پیروی کرده و توجیه نموده باینکه او همان عامر بن لیلی بن ضـمره است. و کلمه (من) بغلط (ابن) نگاشـته شـده - یعنی عامر بن لیلی (ردیف ۶۱) از قبیله ضمره بوده، نه پسر ضـمره - و در اینصورت شـکی نیست هر کس که غفاری باشد از قبیله ضمره است زیرا غفار پسر ملیل و او پسر ضمره بوده - مولف گوید : مگر اینکه، اختلاف طریق و سند مرجح باشد متعدد بودن آنها را (یعنی عامر بن لیلی غفاری و عامر بن لیلی بن ضمره دو نفر باشند)

۶۳ - ابوالطفیـل عامر بن واثله لیثی (در یکی از سالهای ۱۰۰ و ۱۰۲ و ۱۰۸ و ۱۱۰ درگذشته) پیشوای حنبلیان احمد بن حنبل در جلد ۱ مسند خود ص ۱۱۸ بـا ذکر سـند از علی بن حکیم از شریک از اعمش از حبیب بن ابی ثابت از ابی الطفیل از زیـد بن ارقم بلفظ مذکور در حدیث زید (صفحه ۶۴) و در جلد ۴ ص ۳۷۰ از ابی الطفیل حدیث مناشده در رحبه را (که بلفظ و سـند او خواهد آمد) از او روایت نموده و نسائی در " الخصایص " ص ۱۵ باسنادش از او از زید و در ص ۱۷ از ابن مقدام و محمد ابن سلیمان از فطر از او با ذکر سند روایت نموده و ترمذی در جلد ۲ صحیح خود ص ۲۹۸ از سلمه بن کهیل از او (ابوالطفیل مذکور) از حذیفه بن اسید (همانطور که در صـفحه ۵۷ گـذشت) روایت نموده و خبری که حـاکم در جلـد ۳ " مسـتدرک " ص ۱۰۹ بطرقی که صـحت آنرا احراز نمـوده از ابوالطفیـل از زیـد روایت نموده، در صـفحه ۶۶ ذکر شـد، و ابو محمـد عاصـمی در " زین الفـتی " باسـنادش از فطر حـدیث مناشده را که بعدا خواهد آمد از او روایت کرده - و ابن اثیر در جلد ۳ " اسد الغابه " ص ۹۲ و در جلد ۵ ص ۳۷۶ نیز از او روایت کرده - و خوارزمی در " منـاقب " ص ۹۳ باسـنادش از او حدیث زید بن ارقم را روایت نموده و در ص ۲۱۷ حدیث شود را

که خواهد آمد و متضمن احتجاج و استدلال بحدیث غدیر است، روایت نموده و گنجی شافعی در " کفایه الطالب " ص ۱۵ حدیث زید را، و طبری در " - الریاض النضره " جلد ۲ ص ۱۷۹ و ابن حمزه حنفی دمشقی در " البیان و التعریف " نقل از طبرانی و حاکم. و ابن کثیر

[صفحه ۹۳]

در جلد ۵ " البدایه و النهایه " ص ۲۱۱ از طریق احمد و نسائی و ترمذی و در جلد ۷ ص ۲۴۶ از احمد و نسائی و در همین جلد ص ۳۴۸ از طریق غندر از شعبه از سلمه بن کهیل از او از زید، و ابن حجر در جلد ۴ " الاصابه " ص ۱۵۹ و در جلد ۲ ص ۲۵۲ از او از حذیفه و عامر بلفظی که خواهد آمد و متقی در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۳۹۰ نقل از ابن جریر و سمهودی در " جواهر العقدین " نقل از قندوزی حنفی در ص ۳۸ از ینابیع حدیث او را آورده اند.

۶۴ - عایشه دختر ابی بکر بن ابی قحافه (زوجه پیغمبر صلی الله علیه و آله)، ابن عقده در " حدیث الولایه " واقعه غدیر را با ذکر سند از او روایت نموده.

۶۵ - عباس بن عبد المطلب بن هاشم عموی پیغمبر صلی الله علیه و آله) (در سال ۳۲ وفات یافته) ابن عقده بطریق خود با ذکر سند حدیث غدیر را از او روایت نموده و جزری در " اسنی المطالب " ص ۳ او را از جمله راویان حدیث غدیر ذکر نموده.

۶۶ - عبد الرحمن بن عبد رب انصاری، نامبرده یکی از شهود علی علیه السلام است بحدیث غدیر در روز رحبه بطوریکه در حدیث اصبغ بن نباته خواهد آمد که حافظ ابن عقده از او روایت نموده و ابن اثیر در جلد ۳ " اسد الغابه " ص ۳۰۷ و در جلد ۵ ص ۲۰۵ و ابن حجر در جلد ۲ " الاصابه " ص ۴۰۸ از او ذکر نموده اند. و قاضی در " تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله " ص ۶۷ او را از جمله راویان حدیث غدیر ثبت نموده است.

۶۷ - ابو محمد عبد الرحمن بن عوف قرشی زهری (در سال ۳۱ و ۳۲ هجری درگذشته) حدیث غدیر را ابن عقده باسنادش در " حدیث الولایه " و منصور رازی در " کتاب الغدیر ر از او روایت نموده اند و او از عشره مبشره است که حافظ ابن المغازلی آنها را از جمله یکصد تن راویان حدیث غدیر بطرق خود حساب آورده و جزری در " اسنی المطالب " ص ۳ او را از جمله راویان حدیث غدیر ذکر نموده است.

۶۸ - عبد الرحمن بن یعمر دیلی (در کوفه مسکن گزیده)، ابن عقده حدیث

[صفحه ۹۴]

غدیر را در " حدیث الولایه " از او روایت کرده و در مقتل خوارزمی از راویان حدیث مزبور بشمار آمده.

۶۹ - عبد الله ابن ابی عبد الاسد مخزومی. ابن عقده حدیث غدیر را از او روایت کرده.

۷۰ - عبد الله بن بدیل بن ورقاء سید خزاعه (در صفین کشته شده) نامبرده یکی از شهود امیرالمومنین علیه السلام است که در روز رکبان بطوریکه حدیث او خواهد آمد بحدیث غدیر گواهی داده.

۷۱ - عبد الله بن بشیر مازنی. ابن عقده او را از راویان حدیث غدیر بشمار آورده است.

۷۲ - عبد الله بن ثابت انصاری. نامبرده بطوریکه در بیان اصبغ بن نباته است (ذکر خواهد شد) در روز رحبه برای علی علیه السلام بحدیث غدیر شهادت داده و در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۷ از جمله راویان حدیث غدیر بشمار آمده است.

۷۳ - عبـد الله بن جعفر بن ابی طـالب هاشـمی (در سال ۸۰ وفات یافته) ابن عقـده حـدیث غدیر را با ذکر سـند از او روایت نموده و داستان احتجاج او بر معاویه بحدیث غدیر خواهد آمد.

۷۴ - عبـد الله بن حنطب قرشـی مخزومی. سـیوطی در " احیـاء المیت " از حافظ طبرانی حکایت نموده که او باسـنادش از مطلب بن عبد الله بن حنطب از پدرش خطبه پیغمبر صلی الله علیه و آله را در جحفه با ذکر سند روایت نموده.

۷۵ - عبد الله بن ربیعه. خوارزمی در مقتلش او را از راویان حدیث غدیر بشمار آورده است.

۷۶ - عبد الله بن عباس (در سال ۶۸ وفات یافته) حافظ نسائی در " الخصایص " ص.۷

[صفحه ۹۵]

از میمون بن مثنی با ذکر سـند روایت نموده که او از قول ابو الوضاح که همان ابو عوانه است نقل کرده و او از ابو بلج بن ابی سـلیم از عمرو بن میمون از ابن عبـاس در حـدیثی طولا‌نی آورده که گفت : من نزد ابن عبـاس نشسـته بودم در این هنگام نه گروه نزد او آمدند و باو گفتند ای پسـر عباس یا با ما برخیز، و یا مجلس را برای ما از اغیار خالی کن. ابن عباس گفت : با شـما بر میخیزم. عمرو بن میمون گوید که : ابن عباس در این موقع چشم او نابینا نشده بود و صـحیح بود. پس در کناری نشستند و با یکدیگر سخن گفتند و ما نـدانستیم که چه گفتنـد. راوی گویـد : پس از آن جلسه و مـذاکره ابن عباس آمد در حالیکه لباس خود را تکان میداد و اظهار تاسف و انزجار میکرد و میگفت : اینان سـخنانی ناروا و نکوهش درباره مردی گفتند که بیش از دو فضـیلت برای او است بطوریکه برای غیر او این فضایل وجود ندارد اینان بدگوئی از مردی نمودند که پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمود : البته اعزام میدارم مردی را (برای نـبرد بـا دشـمن) که او راخداونـد هیچوقت خوار نمیکنـد و او خـدا و رسول او را دوست دارد و خـدا و رسول او را دوست دارنـد. در این موقع شخصـی خود را به رایت جنگ نزدیک نمود، رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود : علی کجا است ؟ گفتند در آسـیا مشـغول تهیه آرد است. فرمود دیگری نبود که آرد تهیه نماید ؟ ابن عباس گوید. در این موقع علی علیه السـلام آمد در حالیکه چشم های او دوچار درد بود بطوریکه قادر به دیدن نبود. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله در چشمان او دمید و رایت را سه بـار حرکت داد سـپس آنرا باو اعطاء فرمود پس (در نتیجه عزیمت آنجناب به نبرد با یهودان و احراز پیروی) علی علیه السـلام آمد در حالیکه صـفه دختر حی را با خود آورد، ابن عباس بسـخن ادامه داده گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله فلان را با سوره توبه فرسـتاد و علی علیه السـلام را در پی او فرسـتاد و سوره را از او گرفت و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود این سوره را برای مشرکین نمی برد مگر مردی که از من است و من از او هستم. ابن عباس گوید : پیغمبر صلی الله علیه و آله به پسر عموهای

[صفحه ۹۶]

خود فرمود : کدامیک از شما حاضر است که با من در دنیا و آخرت دوستی نماید ؟ همگی ابا کردند. ابن عباس گفت : علی نیز در میان آنها نشسـته بود و گفت من. من برای این افتخار حاضرم. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را واگذاشت و رو بفرد فرد از آنان کرد و این سـئوال را تکرار نمود. باز آنها امتناع نمودند. و علی سـخن خود را تکرار کرد. در اینموقع رسول خدا صلی الله علیه و آله بعلی علیه السـلام فرمود : تو ولی من هستی در دنیا و آخرت. ابن عباس ادامه داده گفت : علی علیه السـلام اول کسـی است که پس از خدیجه ایمان آورد. باز، ابن عباس ادامه داده و گفت : رسول خدا صـلی الله علیه و آله پوشش خود را گرفت و بر علی و فاطمه و حسن و حسـین نهاد و گفت : اینست و جز این نیست، اراده فرموده است خداوند که پلیدیرا از شـماها ببرد ای اهل بیت من و پاکیزه

گرداند شما را پاکیزه گرداندنی. ابن عباس گوید : علی علیه السلام جان خود را فروخت و نثار کرد. لباس پیغمبر صلی الله علیه و آله را پوشیده و در جایگاه او خوابید. مشرکین بطرف رسول خدا صلی الله علیه و آله تیراندازی میکردند. پس ابوبکر آمد در حالیکه علی علیه السلام خوابیده بود و او گمان کرد که رسول خدا است و او را بخطاب یا بنی الله صدا زد. علی علیه السلام فرمود : همانا پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله بطرف بئر میمون رفت، او را دریاب. گفت : پس ابوبکر رفت و با رسول خدا صلی الله علیه و آله داخل غار شد. در این موقع علی علیه السلام از طرف مشرکین سنگ باران میشد همانطور که رسول خدا صلی الله علیه و آله میشد و آنحضرت بخود می پیچید و سر خود را در لباس پیچیده و پنهان ساخته بود و تا بامداد سر خود را بیرون نیاورد. همینکه صبح شد سر خود را بیرون کرد. آنان (مشرکین) - در مقام نکوهش او برآمدند و گفتند صاحب تو (یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله) وقتی که ما او را سنگ میزدیم بر خود نمی پیچید و تو چنین میکنی ؟ و از این قبیل سخنان : ابن عباس بسخنان خود ادامه داده گفت : رسول خدا در غزوه تبوک خارج شد و مردم با آن حضرت خارج شدند. علی علیه السلام عرض کرد ؟ من با شما خارج شوم ؟ پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود. نه در این موقع علی

[صفحه ۹۷]

علیه السلام گریان شد. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود : آیا راضی نیستی که نسبت بمن بمنزله هارون برای موسی باشی جز آنکه پس از من پیغمبری نخواهد بود. همانا روا نیست که من بروم جز آنکه تو بجای من باشی - ابن عباس گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود : تو بعد از من ولی هر مرد و زن مومن خواهی بود. ابن عباس گفت : و رسول خدا صلی الله علیه و آله درهای حجرات ما را که بمسجد باز میشد همه را بست و درب حجره علی را بحال خود گذاشت و در نتیجه، این امتیاز فقط برای علی علیه السلام بود که در هر موقع از خانه خود بیرون میامد در هر حالی که بود داخل مسجد میشد زیرا راه دیگری نداشت. ابن عباس گفت : و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس من مولای او هستم پس علی علیه السلام مولای او است... تا پایان حدیث. این حدیث را با طول و تفصیلش گروه زیادی از حفاظ با سندهای تفصیلی در تالیفات خود ذکر نموده اند از جمله آنها است : پیشوای حنبلیان - (احمد) در جلد ۱ مسند خود ص ۳۳۱ از یحیی بن حماد از ابی عوانه از ابن بلج از عمرو بن میمون از ابن عباس و حافظ حاکم در جلد ۳ " المستدرک " ص ۱۳۲، و نامبرده گفته : که اسناد این حدیث صحیح است و بهمین جهت در مقام ذکر سند آن بر نیامده. و خطیب خوارزمی در " مناقب " ص ۷۵ بطریق حافظ بیهقی آنرا روایت نموده و محب الدین طبری در جلد ۲ " ریاض " ص ۲۰۳ و در " ذخایر العقبی " ص ۸۷ و حافظ حموینی در فراءیدش باسنادش از ضحاک از او بطریق طبرانی ابی القاسم بن احمد، و ابن کثیر شامی در جلد ۷ " البدایه و النهایه " ص ۳۳۷ از طریق احمد بسند نامبرده و از ابی یعلی از یحیی بن عبد الحمید از ابی عوانه تا آخر سند، و حافظ هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزواید " ص ۱۰۸ از احمد و طبرانی، و گفته که رجال طریق احمد درست است جز ابی بلج فزاری و نامبرده دارای یکنوع نرمی و لینت است ولی مورد اعتماد و وثوق است و حافظ هیثمی حدیث غدیر را نیز از ابن عباس در ص ۱۰۸ روایت کرده سپس گفته که : بزار آنرا در اثناء حدیثی روایت کرده و رجال او مورد

[صفحه ۹۸]

وثوق و اعتمادند و حافظ گنجی در " الکفایه " ص ۱۱۵ حدیث مزبور را با طول و تفصیل آن نقل از احمد، و ابن عساکر در کتاب

خود " الاربعین الطوال " ذکر نموده و ابن حجر در جلد " الاصابه " صفحه ۵۰۹ آنرا ذکر نموده، حافظ محاملی در امالی خود (بطوریکه شیخ ابراهیم وصابی شافعی در کتاب " الاکتفاء " از او نقل کرده) باسنادش با ذکر سند از ابن عباس روایت نموده که گفت : چون پیغمبر صلی الله علیه و آله مامور شد که علی بن ابی طالب علیه السلام را در مقام خود برقرار فرماید. پیغمبر صلی الله علیه و آله روانه مکه شد و فرمود : دیدم که مردم بعهد جاهلیت و کفر نزدیکند. چنانچه این امر را در این موقعیت انجام دهم، خواهند گفت که چون علی علیه السلام پسر عم او بود (از روی علاقه شخصی) این مقام را باو داد پس آن حضرت به مکه رفت و حجه الوداع را بجا آورد و مراجعت فرمود تا به غدیرخم رسید، در این موقع خدای متعال این آیه را باو فرستاد : یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیك من ربك... تا آخر آیه مبارکه، در این هنگام منادی از طرف آنحضرت اجتماع عمومی را اعلام نمود. سپس آنجناب بپا خاست و دست علی را گرفت و فرمود : هر کس من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است. بار خدایا، دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد. متقی هندی در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۱۵۳ این حدیث را از محاملی که در امالی خود ذکر کرده نقل نموده و بهمین الفاظ بدون اختلاف حرفی جمال الدین عطاء الله بن فضل الله در اربعین خود آنرا بطریق ابن عباس روایت نموده و جلال الدین سیوطی در " تاریخ الخلفاء " بطریق بزار در ص ۱۱۴ از ابن عباس آن را روایت نموده و قرشی در " شمس الاخبار " ص ۳۸ از " امالی المرشد بالله " و بدخشانی در " نزل الابرار " ص ۲۰ بطریق بزار و ابن مردویه، و در ص ۲۱ از طریق احمد و ابن حیان و حاکم و سمویه آنرا روایت نموده اند. و حافظ سجستانی در کتاب " الولایه " که آنرا بحدیث غدیر تنها اختصاص داده باسنادش از ابن عباس با ذکر سند روایت نموده که گفت : چونکه پیغمبر صلی الله علیه و آله

[صفحه ۹۹]

برای حجه الوداع خارج شد و در جحفه فرود آمد. جبرئیل نزد او آمد و (از طرف خداوند) او را امر کرد که علی علیه السلام را بپا دارد، پس آنجناب خطاب بمردم فرمود : آیا نه اینست که معتقدید بر اینکه من بمومنین اولی (سزاوارتر) هستم از خودشان ؟ گفتند بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله. فرمود : هر کس که من مولای اویم، پس علی علیه السلام مولای او است. بار خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد (و این جمله با تعبیر به کلمه حب و بغض تکرار شده) و یاری کن کسی را که او یاری کند و عزیز دار کسی را که او را عزیز دارد و دستگیری کن کسی را که او را دست گیری نماید، ابن عباس گفت : قسم بخدا (ولایت علی) بر این گروه واجب آمد. و ابن کثیر در جلد ۷ تاریخش ص ۳۴۸ حدیث غدیر را از سعید بن جبیر از ابن عباس روایت کرده و در ذکر تابعین در ضمن نام ضحاک، حدیثی از او خواهد آمد، و حافظ ابن مردویه با ذکر سند و ابوبکر شیرازی در (فی ما نزل من القرآن)، و ابو اسحق ثعلبی در " الکشف و البیان " و حاکم حسکانی، و فخر الدین رازی در جلد ۳ تفسیرش ص ۶۳۶ و عز الدین موصلی حنبلی و نظام الدین نیسابوری در جلد ۶ تفسیرش ص ۱۹۴ و آلوسی در جلد ۲ " روح المعانی " ص ۳۴۸ و بدخشانی در " مفتاح النجا " و غیر آنها بطرقشان حدیث غدیر را از ابن عباس روایت کرده اند که لفظ آنها در مبحث دو آیه تبلیغ و اکمال دین انشاء الله خواهد آمد.

۷۷ - عبد الله بن ابی اوفی علقمه اسلمی (در سال ۸۶ و ۸۷ درگذشته) حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " حدیث غدیر را از او با ذکر سند روایت نموده.

۷۸ - ابو عبد الرحمن عبد الله بن عمر بن خطاب عدوی (در سال ۷۲ و ۷۳ در گذشته) حافظ هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزواید " ص ۱۰۶ از طریق طبرانی با ذکر سند از عبد الله بن عمر روایت نموده که گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس من

مولای او هستم علی علیه السلام مولای او است. بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و شمن دار آنکه را که او را دشمن دارد، و حافظ ابن ابی شیبه در سنن

[صفحه ۱۰۰]

خود روایت او را با ذکر سند آورده و وصابی شافعی در " الاکتفاء " از او روایت مزبور را نقل نموده و سیوطی ر در جمع الجوامع "و در " تاریخ الخلفاء " ص ۱۱۴ نقل از طبرانی آنرا روایت نموده و متقی هندی در جلد ۶ کتاب " کنز العمال " ص ۱۵۴ بطریق طبرانی در " المعجم الکبیر " آنرا ذکر نموده و بدخشانی نیز بهمین طریق در " نزل الابرار " ص ۲۰ و در " مفتاح النجا " روایت نموده و خطیب خوارزمی در فصل چهارم از مقتلش و همچنین جزری در " اسنی المطالب " ص ۴ نامبرده را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده اند.

۷۹ - ابو عبد الرحمن عبد الله بن مسعود هذلی (در سال ۳۲ و ۳۳ در گذشته و در بقیع مدفون است) حافظ ابن مردویه باسنادش نزول آیه تبلیغ را درباره علی علیه السلام در روز غدیر با ذکر سند از او روایت نموده و سیوطی در جلد " الدر المنثور " ص ۲۹۸ و قاضی شوکانی در جلد ۲ تفسیرش ص ۵۷ و آلوسی بغدادی از سیوطی از ابن مردویه در جلد ۲ " روح المعانی " ص ۳۴۸ آنرا از او روایت نموده اند و خوارزمی و شمس الدین جزری " اسنی المطالب " ص ۴ او را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده اند.

۸۰ - عبد الله بن یامیل حافظ ابن عقده در کتاب " المفرد فی الحدیث " بسندی که منتهی بابراهیم بن محمد نموده از جعفر بن محمد از پدرش و ایمن بن نابل بن عبد الله بن یامیل با ذکر سند از او روایت نموده که گفت : شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود : هر کس من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است.. تا آخر حدیث مزبور، ابن اثیر در جلد ۳ " اسد الغابه" ص ۲۷۴ بطریق حافظ ابو موسی مدینی و ابن حجر در جلد ۲ " الاصابه " صفحه ۳۸۲ از طریق حافظ ابن عقده و حافظ ابو موسی - و قندوزی حنفی در ینابیع ص ۳۴ آنرا از او روایت نموده اند.

۸۱ - عثمان بن عفان (در سال ۳۵ درگذشته) حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " باسناد خود و منصور رازی در " کتاب الغدیر " با ذکر سند از او روایت نموده اند

[صفحه ۱۰۱]

و او یکی از عشیره مبشره است که ابن المغازلی بطرق خود آنها را از جمله یکصد تن راویان حدیث غدیر بشمار آورده است.

۸۲ - عبید بن عازب انصاری (برادر براء بن عازب)، نامبرده از کسانی است که در روز مناشده در رحبه برای علی علیه السلام بحدیث غدیر گواهی دادند (در داستان رحبه خواهد آمد)

۸۳ - ابو طریف عدی بن حاتم (در سال ۶۸ در سن یکصد سالگی وفات یافته) حافظ ابن عقده در کتاب " حدیث الولایه " از طریق محمد بن کثیر از فطر و ابن جارود از ابی الطفیل با ذکر سند آورده که نامبرده از آنهائی است که در روز مناشده در رحبه برای علی علیه السلام بحدیث غدیر شهادت دادند، و سید نور الدین سمهودی در " جواهر العقدین " آنرا ذکر نموده و قندوزی در" ینابیع الموده " ص ۳۸ از سمهودی نقل کرده و شیخ احمد مکی شافعی در " وسیله المال فی مناقب الال " از او روایت نموده و در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۷ در شمار راویان حدیث غدیر ثبت گردیده است

۸۴ - عطیه بن بسر - ابن عقده در " حدیث الولایه " واقعه غدیر را با ذکر سند از او روایت نموده.

۸۵ - عقبه بن عامر جهنی (از طرف معاویه بولایت مصر منصوب شد و سه سال در این سمت باقی بوده و نزدیک سال ۶۰ وفات یافته) حافظ ابن عقده ضمن حدیثی که در مورد شهادت عدی بن حاتم باو نسبت دادیم شهادت نامبرده را برای علی علیه السلام بحدیث غدیر در روز رحبه روایت نموده، و قاضی در تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله ص ۶۷ او را در شمار راویان حدیث غدیر ثبت نموده.

۸۶ - امیرالمومنین علی بن ابی طالب صلوات الله علیه - شعر آنجناب در غدیر مشهور است و راویان مورد وثوق و اعتماد، آنرا ذکر نموده اند، در شعرای الغدیر در قرن اول با ذکر راویان آن خواهد آمد، و داستان احتجاج آنجناب در روزهای

[صفحه ۱۰۲]

شوری و و جمیل بحدیث غدیر و استنشاد آنحضرت (سوگند دادنش) به حدیث غدیر در روز رحبه - خواهد آمد. و پیشوای حنبلیان (احمد بن حنبل) در جلد ۱ مسند خود صفحه ۱۵۲ از حجاج شاعر از شبابه از نعیم بن حکیم با ذکر سند روایت نموده که ابو مریم و مردی از همنشینان علی علیه السلام شنیدم، از آنجناب نقل نمودند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله روز غدیرخم فرمود : هر کس که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او است، و ابن کثیر در جلد ۲ " البدایه و النهایه " ص ۳۴۸ آنرا از او روایت نموده و سپس گفته که : این حدیث از طرق متعدد. از علی علیه السلام روایت شده و هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزاید " ص ۱۰۷ از طریق احمد آنرا روایت نموده و گفته : رجال آن مورد اعتماد و وثوق هستند و سیوطی در " جمع الجوامع " و در " تاریخ الخلفاء " ص ۱۱۴ بطریق احمد و ابن حجر در جلد ۷ " تهذیب التهذیب " ص ۳۳۷ و بدخشانی در کتاب " نزل الابرار " ص ۲۰ از طریق احمد و حاکم، و در " مفتاح النجا " نیز بطریق آندو، حدیث مزبور را ذکر نموده اند. و حافظ طحاوی در جلد ۲ " مشکل الاثار " ص ۳۰۷ از یزید بن کثیر از محمد بن عمر علی (امیرالمومنین علیه السلام) از پدرش از علی علیه السلام با ذکر سند روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله در خم زیر درخت (پس از آنکه در آنجا ورود فرمود) از قرارگاه خود در حالیکه دست علی علیه السلام را گرفته بود بیرون آمد و خطاب بمردم فرمود : آیا شما نیستید که شهادت میدهید باینکه خداوند پروردگار شما است ؟ گفتند. بلی. فرمود : آیا شما نیستید که شهادت میدهید باینکه خدا و رسولش اولی هستند بشما از خود شما ؟ و اینکه خدا و رسولش مولای شما هستند ؟ گفتند. بلی فرمود : هر کس که من مولای او هستم پس علی علیه السلام مولای او است - همانا من واگذاردم در میان شما چیزی را که اگر آنرا بگیرید و از دست ندهید هرگز بعد از من گمراه نشوید، کتاب خدا که در دست شما است و اهل بیت من.

[صفحه ۱۰۳]

و ابن کثیر این روایت را در جلد ۵ " البدایه و النهایه " ص ۲۱۱ بطریق ابن جریر و ابن ابی عاصم باسناد آندو از کثیر بن زید از محمد بن عمر بن علی از پدرش از علی علیه السلام روایت نموده و متقی هندی در جلد ۶ " کنز العمال " ص ۱۵۴ از مستدرک حاکم و احمد، و از طبرانی (در المعجم الکبیر) و ضیاء مقدسی و در همان جلد ص ۳۹۷ نقل از ابن ابی عاصم و در ص ۴۰۶ از ابن راهویه و ابن جریر و در ص ۳۹۹ از ابن جریر و ابن ابی عاصم و از محاملی (در امالی او) روایت نموده و صحت آنرا احراز کرده است. و در لفظ آنها این جمله مذکور است : پس هر کس خدا و رسولش مولای او هستند این، علی علیه السلام مولای او است. و

این روایت را وصابی در " الاکتفا " نقل از سنن ابن ابی عاصم و سنن سعید بن منصور (ابن شعبه نسائی) ثبت نموده است. و ذهبی در جلد ۲ " میزان الاعتدال " ص ۳۰۳ از مخول بن ابراهیم از جابر ابن حر از ابی اسحاف - عمرو ذی مر از امیرالمومنین علیه السلام با ذکر سند روایت نموده و سپس گفته : و این روایت باسنادی بهتر از این نیز رسیده و حموینی در " فراید السمطین " از عمرو ذی مر از امیرالمومنین علیه السلام و همچنین از ابی راشد حرانی از آنجناب روایت مزبور را آورده است. و در " حلیه الاولیاء " تالیف ابی نعیم اصفهانی در جلد ۹ ص ۶۴ از عبد الله بن جعفر از احمد بن یونس ضبی از عمار بن نصر از ابراهیم بن یسع مکی از جعفر بن محمد از پدرش از جدش از علی (امیرالمومنین علیه السلام) مذکور است که : رسول خدا صلی الله علیه و آله در جحفه خطبه خواند تا آخر حدیث و حدیث دیگر خواهد آمد که آنرا حافظ عاصمی در مفاد حدیث غدیر از آنجناب با ذکر سند روایت نموده.

[صفحه ۱۰۴]

۸۷ - ابو الیقظان عمار بن یاسر عنسی (در سال ۳۷ در صفین شهادت یافته) احتجاج نامبرده بر عمرو بن عاص بحدیث غدیر قریبا از کتاب صفین تالیف نصر بن مزاحم ص ۱۸۶ ذکر خواهد شد و در شرح نهج البلاغه جلد ۲ ص ۲۷۳ نیز مندرج است، و حموینی باسنادش در " فرایدالسمطین " در باب چهلم و باب پنجاه و هشتم حدیث غدیر را بطریق خود از او روایت نموده و خوارزمی و شمس الدین جزری در " اسنی المطالب " ص ۴ او را در شمار راویان حدیث غدیر از صحابه ذکر نموده اند و او (عمار) از رکبان است که برای علی علیه السلام بحدیث غدیر شهادت دادند، در حدیثی که خواهد آمد.

۸۸ - عماره خزرجی انصاری (در روز واقعه یمامه کشته شده) حافظ هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزواید " ص ۱۰۷ از طریق بزار از حمید بن عماره روایت نموده که گفت : از پدرم شنیدم که میگفت : از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم در حالیکه دست علی علیه السلام را گرفته بود فرمود : هر کس من مولای اویم پس این مولای او است. بار خدایا دوست بدار آنکه را که علی را دوست دارد و دشمن بدار آنکه را که علی را دشمن دارد، سپس گوید که این حدیث را بزار روایت کرده و حمید را نشناختم و بقیه رجال این روایت مورد اعتماد و وثوق شناخته شده اند و سیوطی حدیث مزبور را در " تاریخ الخلفاء " ص ۶۵ و بدخشانی در " مفتاح النجا " و " نزل الابرار " بطریق بزار از او روایت نموده اند.

۸۹ - عمر بن ابی سلمه بن عبد الاسد مخزومی ربیب پیغمبر صلی الله علیه و آله) مادر او ام سلمه زوجه پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و نامبرده در سال ۸۳ درگذشته) حافظ ابن عقده باسناد خود حدیث غدیر را با ذکر سند از او روایت نموده است.

۹۰ - عمر بن خطاب (در سال ۲۳ کشته شد) حافظ ابن المغازلی در " المناقب " بدو طریق از عمران بن مسلم از سوید بن ابی صالح از پدرش از ابی هریره از عمر بن

[صفحه ۱۰۵]

خطاب (رض) با ذکر سند روایت نموده که گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او است. و این روایت را سمعانی در " فضایل الصحابه " باسناد خود از ابی هریره از او ذکر نموده و محب الدین طبری در جلد ۲ " الریاض النضره " ص ۱۶۱ نقل از مناقب احمد و ابن سمان بطریق آندو و از او آورد (زیادتی چاپ دوم) و در ص ۲۴۴ بان اشاره نموده و در " ذخایر العقبی " ص ۶۷ نقل از مناقب احمد و از شعبه باسناد آندو از او روایت شده و حافظ محمد خوارجه پارسا در کتاب " فصل الخطاب " آنرا ذکر نموده و خطیب خوارزمی در مقتلش و ابن کثیر شامی در جلد ۷ " البدایه و النهایه "

ص ۳۴۹ و شمس الدین جزری در " اسنی المطالب " او را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده اند. و در " موده القربی " تالیف شهاب الدین همدانی. از عمر بن خطاب مذکور است که گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله – علی علیه السلام بطور نمایان منصوب داشت و فرمود : هر کس که من مولای اویم علی علیه السلام مولای او است. بار خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و خوار گردان آنکه را که او را خوار گرداند و یاری فرما آنکه را که او را یاری نماید. بار خدایا تو گواه منی بر ایشان. عمر بن خطاب برسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد : یا رسول الله در حالیکه شما این سخن می فرمودی جوان زیبا و خشبوئی پهلوی من بود و بمن گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله بطور تحقیق رشته ای را بست و استوار ساخت که جز منافق (دو رو) آنرا نمیگشاید، پس رسولخدا صلی الله علیه و آله دست مرا گرفت و فرمود : ای عمر، این جوان که پهلوی خود یافتی و این سخن را از او شنیدی از جنس آدمیان نبود. بلکه او جبرئیل بود که خواست گفتار مرا – درباره علی علیه السلام – بر شما استوار و موکد نماید و این داستان را قندوزی حنفی در " ینابیع " ص ۲۴۹ از عمر روایت نموده و ابن کثیر در جلد ۵ ص ۲۱۳ از جزء اول از " کتاب غدیر " تالیف ابن جریر روایت نموده که در آنجا از قول محمود ابن عوف طائی و او از عبد الله بن موسی و او بطور

[صفحه ۱۰۶]

اخبار از اسماعیل بن کشیط از جمیل بن عماره از سالم بن عبد الله بن عمر (ابن جریر گوید : گمان دارم که گفت : از عمر، و این جمله در کتاب من نیست). روایت نموده که گفت : شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالیکه دست علی علیه السلام را گرفته بود فرمود : هر کس من مولای اویم پس این علی علیه السلام مولای او است. بار خدایا دوست دار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد.

۹۱ – ابو نجید عمران بن حصین خزاعی " در سال ۵۲ در بصره درگذشته) ابن عقده در " حدیث الولایه " حدیث غدیر را با ذکر سند از او روایت نموده و مولوی محمد سالم بخاری نقل از حافظ ترمذی نموده و خطیب خوارزمی و – شمس الدین جزری در" اسنی المطالب " ص ۴ او را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده اند.

۹۲ – عمرو بن حمق خزاعی کوفی (در سال ۵۰ درگذشته) ابن عقده حدیث غدیر را از او روایت نموده و خوارزمی در مقتلش او را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده.

[صفحه ۱۰۷]

۹۳ – عمرو بن شراحیل – خوارزمی در مقتلش نامبرده را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده است.

۹۴ – عمرو بن عاص – یکی از شعرای غدیر است و شعر او ضمن ذکر شعرای قرن اول اسلامی ذکر شده است و قریبا خواهید یافت استدلال و احتجاج (برد) را بر او بحدیث غدیر و اعتراف او بان، این داستان را ابن قتیبه در " الامامه و السیاسه " ص ۹۳ با ذکر سند ثبت نموده، و خواهد آمد نامه که او در مورد حدیث غدیر بمعاویه نوشت و خوارزمی آن را باسناد خود در " المناقب " ص ۱۲۶ با ذکر سند ثبت نموده است.

۹۵– عمرو بن مره الجهنی ابو طلحه (یا – ابو مریم) احمد بن حنبل و طبرانی (در المعجم الکبیر) باسنادشان از نامبرده روایت نموده اند باینکه : رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیرخم فرمود : هر کس من مولای اویم. پس علی علیه السلام مولای او است. بار

خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و یاری و دستگیری کن آنکه را که او را یاری و دستگیری نماید. - و صاحب " کنز العمال " در جلد ۶ ص ۱۵۴ این حدیث را از طبرانی نقل کرده. و همچنین شیخ ابراهیم وصابی شافعی در " الاکتفاء " و محمد صدر العالم در " معارج العلی " و نیز بدخشانی در " مفتاح النجا " و " نزل الابرار " آنرا از احمد و از " المعجم " طبرانی نقل نموده است.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ف) شروع می شود

۹۶ - فاطمه صدیقه (سلام الله علیها) دختر پیغمبر بزرگ صلی الله علیه و آله - ابن عقده در " حدیث الولایه " و منصور رازی - در "کتاب الغدیر " واقعه غدیر خم را از آن مخدره معصومه روایت نموده اند و احتجاج آن مخدره بحدیث غدیرم بطریق جزری شافعی از استادش " حافظ مقدسی " خواهد آمد، و شهاب الدین همدانی در " موده القربی " از آن مخدره روایت نموده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هر کس من

[صفحه ۱۰۸]

مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است و هر کس من پیشوای او هستم پس علی علیه السلام پیشوای او است.
۹۷ - فاطمه بنت حمزه ابن عبد المطلب، ابن عقده و منصور رازی " در کتاب الغدیر " حدیث غدیر را از او روایت نموده اند.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ق- ک) شروع می شود

۹۸- قیس بن ثابت بن شماس انصاری - نامبرده یکی از (رکبان) شهود امیرالمومنین عیه السلام است بحدیث غدیر که داستان آن (رکبان) خواهد آمد. حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " باسنادش از ابی مریم زر بن حبیش حدیث غدیر را با ذکر سند از او روایت نموده و ابن اثیر در جلد ۱ " اسد الغابه " ص ۳۶۸ و ابن حجر در جلد ۱ " الاصابه " ص ۳۰۵ و شیخ محمد صدر العالم در" معارج العلی " آنرا از نامبرده (ابن عقده) و از ابو موسی نقل نموده اند.
۹۹ - قیس بن سعد بن عباده انصاری خزرجی - نامبرده یکی از شعرای غدیر است در قرن اول اسلامی - کما اینکه یکی از شهود علی علیه السلام است بحدیث غدیر در داستان رکبان که خواهد آمد، و احتجاج او بر معاویه بن ابی سفیان بحدیث غدیر نیز خواهد آمد.
۱۰۰ - ابو محمد کعب بن عجره انصاری مدنی (در سال ۵۱ در گذشته) - ابن عقده حدیث غدیر را از او روایت نموده.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف م) شروع می شود

۱۰۱ - ابو سلیمان مالک بن حویرث لیثی (در سال ۷۴ در گذشته) پیشوای حنبلیان احمد بن حنبل در " المناقب " و حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " باسنادشان از مالک بن حسین بن مالک بن حویرث از پدرش از جدش با ذکر سند روایت نموده اند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله روز غدیرخم فرمود : هر کس من مولای

[صفحه ۱۰۹]

اویم علی مولای او است. و این حدیث را حافظ هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزواید " ص ۱۰۸ از طریق طبرانی باسنادش از مالک روایت نموده و سپس گفته که رجال این روایت مورد اعتماد و وثوق هستند و در آنها خلافی است، و جلال الدین سیوطی در" تاریخ الخلفاء " صفحه ۱۱۴ نقل از طبرانی - و بدخشانی در " مفتاح النجا " و در " نزل الابرار " ص ۲۰ بطریق طبرانی و شیخ محمد صدر العالم نیز در " معارج العلی " از طبرانی - و وصابی شافعی در " الاکتفاء " نقل از ابی نعیم در " فضایل الصحابه " آنرا روایت نموده اند و خوارزمی در مقتلش نامبرده را از جمله راویان حدیث غدیر بشمار آورده است.

۱۰۲ - مقداد ابن عمرو کندی زهری (در سال ۳۳ در سن هفتاد سالگی درگذشته) ابن عقده در " حدیث الولایه " و - حافظ حموینی در " فراید السمطین " حدیث غدیر را از او با ذکر سند روایت نموده اند.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ن) شروع می شود

۱۰۳- ناجیه بن عمرو خزاعی - نامبرده از جمله کسانی است که در روز مناشده در کوفه برای علی علیه السلام بحدیث غدیر گواهی داد. و حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " بطریق عمرو بن عبد الله بن یعلی بن مره از - پدرش از جدش داستان مزبور را با ذکر سند از او روایت نموده و ابن اثیر در جلد ۵ " اسد الغابه " ص ۶ نقل از ابی نعیم و ابی موسی، و ابن حجر در جلد ۳" الاصابه " ص ۵۴۲ از طریق ابن عقده داستان مزبور را با ذکر سند از او روایت نموده اند و خطیب خوارزمی او را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده.

۱۰۴ - ابو برزه فضله بن عتبه اسلمی (در سال ۶۵ در خراسان در گذشته) ابن عقد در کتاب " حدیث الولایه " واقعه غدیر را بطریق خود با ذکر سند از او روایت نموده است.

[صفحه ۱۱۰]

۱۰۵- نعمان بن عجلان انصاری، گواهی نامبرده درباره علی علیه السلام بحدیث غدیر در روز مناشده بطریق اصبغ ابن نباته خواهد آمد و قاضی در " تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله " ص ۶۷ نامبرده را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده است.

صحابه پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ه - تا آخر حروف) شروع می شود

۱۰۶ - هاشم مرقال ابن عتبه ابن ابی وقاص زهری مدنی (در سال ۳۷ در صفین کشته شده است) حافظ ابن عقده باسنادش در" حدیث الولایه " از ابی مریم زر بن حبیش گواهی نامبرده را درباره علی علیه السلام بحدیث غدیر در کوفه در روز (رکبان) با ذکر سند روایت نموده و ابن اثیر آنرا در جلد ۱ " اسد الغابه " ص ۳۶۸ بطوریکه آنرا یافته از ابن عقده نقل نموده و ابن حجر در جلد ۱ "الاصابه " ص ۳۰۵ آنرا روایت کرده و قسمتی از اول آنرا انداخته : و نام هاشم بن عتبه مر قال را ذکر ننموده و چه بسیار از این قبیل (سقط و تحریف) در کتب و تالیف ابن حجر مشاهده میشود.

۱۰۷ - ابو وسمه وحشی بن حرب حبشی حمصی - ابن عقده در " حدیث الولایه " حدیث غدیر را بلفظ او با ذکر سند روایت نموده و خطیب خوارزمی در مقتلش او را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده.

۱۰۸ - وهب بن حمزه خطیب خوارزمی در فصل چهارم از مقتل خود نامبرده را از جمله راویان حدیث غدیر از صحابه بشمار آورده است.

۱۰۹ - ابو حجیفه وهب بن عبد الله شوائی (بنامبرده وهب الخیر

[صفحه ۱۱۱]

نیز گفته میشود، در سال ۷۴ در گذشته) حافظ ابن عقده در " حدیث الولایه " بطریق خود حدیث غدیر را از او با ذکر سند روایت نموده.

۱۱۰ - ابو مرازم (بضم میم) یعلی بن مره بن وهب ثقفی. حافظ ابن عقده و حافظ ابو موسی و حافظ ابو نعیم بطرق خودشان حدیث غدیر را از نامبرده با ذکر سند از او روایت نموده اند و ابن اثیر در جلد ۲ " - اسد الغابه " ص ۲۳۳ و در جلد ۴ ص ۹۳ و در جلد ۵ ص ۶ - و ابن حجر در جلد ۳ " الاصابه " ص ۴۵۲ از آنها نقل کرده اند - عین لفظ او و طریقی که منتهی باو میشود در داستان مناشده روز رحبه خواهد آمد. اینها یکصد و ده تن از بزرگان یاران (صحابه) پیغمبر صلی الله علیه و آله اند که روایت آنها را درباره داستان غدیرخم یافته ایم - و شاید آنچه بدست نیاورده ایم خیلی بیشتر از اینها باشد و طبیعت حال (نظر بخصوصیاتی که در اجتماع غدیر خم وجود داشته) ایجاب میکند که راویان حدیث مزبور چندین برابر نامبردگان باشند. زیرا آنان که در آن روز باین داستان گوش فرا داده و آنرا درک نموده اند زیاده بر یکصد هزار تن بوده اند و بالطبع این گروه عظیم پس از بازگشت باوطان خود - همه از این واقعه سخن رانده اند، همانطور که هر مسافری پس از عود بوطن آنچه از حوادث مهم و غیر عادی در طی مسافرت دیده بکسان و دوستان خود بیان میکند، آری این گروه عظیم هم چنین بوده اند. و این داستان تاریخی و مهم را همگی بازگو کرده اند. منتهی آنانیکه کینه هائی در دل داشته اند - حقد درونی آنها مانع بوده از اینکه این داستان مهم را از آنگروه بسیار نقل و اشاعه دهند بنابراین، این تعداد که نام آنها برده شد، از جمله اشخاصی هستند که این واقعه را از آنجماعت نقل نموده اند، و چه بسیار کسانی هم که پس از درک این مجمع بزرگ و شنیدن این امر مهم قبل از آنکه بوطن و مسکن خود برسند و یا پیش از آنکه موفق ببیان مشهودات و مسموعات خود شوند دست حوادث آنها را نابود ساخته یا در - بیابان ها و پهنه صحرای حجاز مرگ گریبانشان را گرفته و یا سوانح و حوادث گوناگون

[صفحه ۱۱۲]

آنها را از یادآوری و بیان این خاطره بزرگ باز داشته. و در روایت زید بن ارقم تلویحا باین معنی اشاره شده که قسمتی از حاضرین در آنروز و در آنمکان از جمله صحرانشینان بوده که سخنی از آنان در دسترس دیگران قرار نگرفته و منشا نشر و اسناد این خبر واقع نشده اند و با همه این امور و عوائق و موانع در اثبات و تواتر این حدیث آنچه که بان دست یافته و ذکر نمودیم کافی است. فالحمد لله اولا و آخرا

[صفحه ۱۱۳]

راویان حدیث غدیر خم از تابعین

تابعین پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف الف) شروع می شود

۱ - ابو راشـد حبرانی (نام او - خضـر - یا نعمان است). عجلی (که از علماء حـدیث است) او را از جمله تابعین مورد وثوق و اعتماد دانسته و درباره او گفته : در دمشق احدی افضل از او نبوده، و ابن حجر در " التقریب " صـفحه ۴۱۹ موثق بودن او را اعلام داشته، حدیث نامبرده در صفحه ۱۰۳ ذکر شده است

۲ - ابو سلمه (نام او عبد الله - اسمعیل نیز گفته شده) ابن عبد الرحمن بن عوف زهری مدنی در " خلاصه خزرجی " صفحه ۳۸۰ از ابن سـعد نقل شـده که نامبرده مردی فقیه و مورد وثوق و اعتماد است و حدیث بسـیار از او نقل شده و در (تقریب) ص ۴۲۲ مراتب مذکوره نسبت باو تایید و وفات او بسال ۹۴ ثبت شده، - طرق حدیث منسوب باو بجابر انصاری منتهی میشود و طریق مزبور صحیح است و رجال آن همه مورد اعتماد و وثوقند. بصفحه ۵۰ مراجعه شود.

۳ - ابو سـلیمان موذن - (در " التقریب " ابو سـلمان ضـبط شـده و نـامبرده از بزرگـان تابعین است و حـدیث او در نظر علماء مقبول است. روایت او در قسمت مناشده در رحبه - مشتمل بر رجال ثقه و مورد اعتماد خواهد آمد.

۴ - ابو صالـح سـمان - ذکوان مـدنی - آزاد کرده جویریه (بـانوی غطفانی). ذهبی در جلـد ۱ تذکره خود صـفحه ۷۸ از احمد نقل نموده که، نامبرده

[صفحه ۱۱۴]

موثق است، از جمله بزرگـترین و موثق ترین مردم است، و در سـال ۱۰۱ درگذشـته. بطرق مذکوره در ص ۱۰۴ مراجعه نمائید و در موضوع نزول آیه تبلیغ درباره علی علیه السلام حدیث او خواهد آمد.

۵ - ابو عنفوانه مازنی. طریق روایت او از جندع در صفحه ۵۳ گذشت.

۶ - ابو عبد الرحیم کندی، طریق منسوب باو در داستان (مناشده) رحبه بلفظ " زاذان " خواهد آمد.

۷ - ابـو القـاسم اصبغ بن نبـاته - تمیمی. کوفی. نـامبرده از زمره تـابعین مورد وثوق و اعتمـاد است. عجلی و ابن معین بـاین موضوع اشعار نموده اند. طریق منسوب باو در داستان (مناشده) رحبه خواهد آمد و در صفحه ۶۱ ذکر شده است.

۸ - ابو لیلی کندی طبق اشـعار " التقریب " صفحه ۴۳۵ نـامبرده از رجال تابعین و موثق است. احمـد بن حنبل در " مناقب " از علی بن حسـین روایت نموده که او از ابراهیم بن اسـمعیل از پـدرش از سـلمه بن کهیل. از نامبرده (ابو لیلی کنـدی) از زید بن ارقم چنین نقل کرده گوید : هنگامی که در انتظار مشایعت از جنازه ای بودیم در جواب پرسشی که یکی از حاضرین در آنجا از او نمود و باو گفت : ای ابو عامر (کنیه زیـد بن ارقم است) آیا در روز غدیر خم از پیغمبر صـلی الله علیه و آله شـنیدی که فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاـه - ؟ گفـت آری. ابـو لیلی گویـد : من سـئوال او را تکرار کردم و بزیـد گفتم : این سـخن پیغمـبر صـلی الله علیه و آله را شنیدی ؟ گفت : بلی این سخن را چهار مرتبه فرمود :

۹ - ایـاس بن نـذیر - ابن جبـان او را از افراد مورد وثوق و اعتمـاد ذکر نموده، بروایت نـامبرده در داسـتان احتجاج علی علیه السـلام بحدیث غدیر در روز (جمل) قریبا آگاه خواهید شد.

تابعین پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ج - ح - خ) شروع می شود

۱۰ - جمیل بن عماره. حدیث او از طریق ابن جریر طبری از ابن کثیر از

[صفحه ۱۱۵]

او در صفحه ۱۰۶ گذشت.

۱۱ - حارثه بن نصر - روایت نامبرده در داستان (مناشده) رحبه خواهد آمد.

۱۲ - حبیب بن ابی ثابت اسدی کوفی - ذهبی گوید : نامبرده فقیه کوفی است و از جمله افراد مورد وثوق از تابعین است - در یکی از سالهای ۱۱۷ تا ۱۱۹ وفات یافته. و شرح حال او را در جلد ۱ تذکره خود در صفحه ۱۰۳ نگاشته و ابن حجر در جلد ۱ " تهذیب التهذیب " صفحه ۱۷۸ موثق بودن او را از جمعی حکایت نموده، طرق منسوب باو در صفحه... ۶۷ گذشت.

۱۳ - حرث بن مالک. طریق منسوب باو در صفحه ۸۰ گذشت.

۱۴ - حسین بن مالک بن حویرث. طریق منسوب باو در صفحه ۱۰۸ گذشت.

۱۵ - حکم بن عینیه کوفی کندی. مردی است موثق و کسی است که روایت او مورد اعتماد است. نامبرده فقیه است و دارای طریقه و پیروانیست. ذهبی در جلد ۱ تذکره خود صفحه ۱۰۴ شرح حال او را نوشته، در سال ۱۱۴ - یا ۱۱۵ در گذشته است. طریق منوسب باو در صفحه ۷۸ و ۷۹ گذشت و طرق بسیاری در حدیث منسوب باو خواهد آمد.

۱۶ - حمید بن عماره خزرجی. انصاری. حدیث او در صفحه ۱۰۴ گذشت.

۱۷ - حمیـد طویل ابو عبیده ابن ابی حمید بصـری متوفای سال ۱۴۳ - ذهبی در جلد ۱ تذکره اش در صفحه ۱۳۶ درباره او گوید : حمید مردی است حافظ محدث، مورد وثوق، از استادان صاحب اجازه، حدیث نامبرده در داستان (تهنیت) خواهد آمد.

۱۸ - خیثمه بن عبـد الرحمن جعفی کوفی، ابن حجر در جلـد ۳ " التهذیب " صفحه ۱۷۹ از ابن معین و نسائی و عجلی. موثق بودن نامبرده را حکایت نموده -

[صفحه ۱۱۶]

وفات او بعد از ۸۰ هجری است و ابن قانع تاریخ وفات او را ۸۰ ذکر نموده، اسناد او در صفحه ۷۸ گذشت.

تابعین پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ر - ز) شروع می شود

۱۹ - ربیعه جرشی در یکی از سالهای ۷۴ - ۶۱ - ۶۰ کشته شده و صحت این امر مورد اختلاف است. در " التقریب " صفحه ۱۲۳ مـذکور است که : نـامبرده فقیهی است که دار قطنی و غیره وثوق و اعتماد باو را اشـعار نموده انـد، طریق منسوب باو در صـفحه ۷۸ گذشت.

۲۰ - ابو المثنی ریـاح بن حـارث نخعی کوفی - ابن حجر در " التقریب " اشـعار نموده که نـامبرده مورد وثوق و از بزرگـان تـابعین است و در جلد ۳ " التهذیب " صفحه ۲۹۹ موثق بودن او را از عجلی و ابن حبان حکایت نموده، طریق منسوب باو در داستان رکبان خواهد آمد.

۲۱- ابو عمرو - زاذان بن عمر کنـدی - بزار - یـا بزاز - کوفی - در " میزان الاعتـدال " نـامبرده از بزرگـان تـابعین ثبت شـده و ابن حجر در جلـد ۳ " التهذیب " صـفحه ۳۰۳ موثـق بودن او را از جمعی ذکر نموده - وفـات او بسال ۸۲ ثبت شده - بداسـتان مناشده مراجعه نمائید.

۲۲ - ابو مریم - زر بن حبیش اسـدی از بزرگان تابعین است و در یکی از سالهای ۸۳ - ۸۲ - ۸۱ درگذشته. ذهبی در جلد ۱ تذکره اش در صفحه ۴۰ گوید : نامبرده پیشوا و رهبر بوده و در " التقریب " اشعار شده که نامبرده ثقه و بزرگوار است و در زمان جاهلیت

و اسلام زیست نموده و بطوریکه در جلد ۳ " التهذیب "

[صفحه ۱۱۷]

صفحه ۳۳۲ مذکور است. جمعی او را موثق شمرده اند و ابو نعیم در جلد ۴ " حلیه " صفحات ۱۸۱ - تا - ۱۹۱ شرح حال مستقل و مفصلی از او نوشته، طریق منسوب باو در داستان های (مناشده) رحبه و رکبان خواهد آمد.

۲۳ - زیاد بن ابی زیاد - حافظ هیثمی در " مجمع الزواید " و ابن حجر در " التقریب " او را توثیق نموده اند، طرق منسوب باو در داستان (مناشده) رحبه خواهد آمد.

۲۴ - زید بن یثیع - همدانی کوفی. بر حسب مندرج در صفحه ۱۳۶ " التقریب " نامبرده مورد وثوق و اعتماد و از بزرگان تابعین بوده و در زمان جاهلیت و اسلام زیست کرده - طرق بسیاری منسوب باو در (مناشده) رحبه خواهد آمد.

تابعین پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف س - ش) شروع می شود

۲۵ - سالم بن عبد الله بن عمر بن خطاب قرشی عدوی مدنی - ذهبی در جلد ۱ تذکره اش در صفحه ۷۷ شرح حال او را نوشته و اشعار داشته که : نامبرده فقیهی است با برهان و یکی از کسانی است که علم و عمل و زهد و شرف در او جمع شده و طبق مندرج در " التقریب " نامبرده یکی از فقهاء هفت گانه است، روایت او مورد وثوق و از اهل عبادت بوده، و در متانت و شخصیت همانند پدرش بوده و در عداد بزرگان طبقه سوم است، نامبرده در پایان سال ۱۰۶ (بنابر تاریخ صحیح) وفات یافته - طریق منسوب او در داستان رکبان خواهد آمد و در صفحه ۱۰۶ نیز ذکر شده است. و بخاری در جلد ۱ از تاریخش - در قسم یک صفحه ۳۷۵ از طریق عبید از یونس بن بکیر از اسماعیل بن نشیط عامری از جمیل بن عامر روایت نموده که : سالم (نامبرده) برای او حدیث کرد که با یکواسطه گفتار پیغمبر صلی الله علیه و آله را شنیده که در روز غدیرخم فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه

[صفحه ۱۱۸]

۲۶- سعید بن جبیر اسدی کوفی - ذهبی در جلد ۱ تذکره اش در صفحه ۶۵ شرح حال او را نگاشته و او را بطور کامل و رسا، ستایش نموده و بر طبق مندرج در صفحه ۱۱۶ خلاصه خزرجی نقل از لالکائی - نامبرده مورد وثوق و اعتماد است و پیشوائی است با برهان - و از ابن مهران نقل شده که : سعید (مذکور) چشم از جهان بست در حالی که همه اهل این زمین بعلم او محتاج بودند و در صفحه ۱۳۳ " التقریب " مندرج است که : نامبرده موثق و روایت او مورد اعتماد و از فقهاء طبقه سوم است. نامبرده در سال ۹۵ هجری قبل از رسیدن بسن پنجاه سالگی در برابر حجاج (و بامر او) بنقل رسیده، و در جلد ۴ " تهذیب التهذیب " صفحه ۱۳ از طبری نقل کرده که نامبرده مرد موثقی بوده و حجت بر مسلمین است. طریق منسوب باو در صفحه ۴۸ و ۹۹ گذشت.

۲۷ - سعید بن ابی حدان (ذی حدان نیز باو گفته شده) کوفی - در " تهذیب التهذیب " نگاشته که ابن حبان او را از اشخاص مورد وثوق شمرده - حدیث او در (مناشده) رحبه خواهد آمد.

۲۸ - سعید بن مسیب قرشی مخزومی - داماد ابی هریره - در سال ۹۴ وفات یافته، ذهبی در جلد ۱ " تذکره الحفاظ " صفحه ۴۷ مینگارد : بقول احمد بن حنبل و غیره - روایات مرسل سعید - صحیح هستند. و ابن مدنی گفته : در تابعین کسی را بوسعت دامنه علم او نمیدانم، بنظر و عقیده من نامبرده از اجله تابعین است، و ابو نعیم او را در شمار اولیاء آورده و در جلد ۲ " حلیه الاولیاء "

صفحه ۱۶۱ شرح حال او را ثبت نموده است. از طریق جمعی از حفاظ روایت او در موضوع (تهنیت) خواهد آمد و حدیث دیگر او در صفحه ۷۹ و ۸۰ گذشت.

۲۹ - سعد بن وهب همدانی کوفی - ابن معین در صفحه ۱۲۲ خلاصه تهذیب الکمال او را - توثیق نموده - نامبرده سال ۷۶ در گذشته، گروه بسیاری از پیشوایان حدیث بطریق او داستان (مناشده) رحبه را چنانکه خواهد آمد روایت نموده اند.

[صفحه ۱۱۹]

۳۰ - ابویحیی - سلمه بن کهیل حضرمی کوفی متوفای در سال ۱۲۱ - احمد و عجلی بشرح مندرج در صفحه ۱۳۶ " خلاصه التهذیب " و صفحه ۱۵۴ " التقریب " نامبرده را توثیق نموده اند. طریق منسوب باو در صفحات ۵۴ و ۵۷ و ۶۶ و.. ۷۲، گذشت.

۳۱ - ابو صادق سلیم بن قیس هلالی متوفای سال ۹۰ هجری - نامبرده از جمله کسانی است که باو و بنگارشاتش. در نزد فریقین (سنی و شیعی) استدلال میشود. چنانکه خواهد آمد، نامبرده در مواضع متعدد از کتابش حدیث غدیر را روایت نموده. کتاب او هم اکنون موجود و در دسترس است.

۳۲ - ابو محمد سلیمان بن مهران اعمش، ذهبی و غیره او را توثیق نموده اند و از فرط راستی و درستی او را مصحف مینامیدند. ذهبی در جلد ۱ " تذکره " صفحه ۱۳۸ شرح حال او را ثبت کرده وفات او بسال - ۱۴۷ و ۱۴۸ واقع شده و ولادت او در سال ۶۱ بوده - طریق منسوب باو در صفحات ۶۴ و ۷۱ و ۹۲ گذشت و در حدیث (مناشده) و در آیه تبلیغ نیز خواهد آمد.

۳۳ - سهم بن حصین اسدی روایت او در صفحه ۸۳ ذکر شد.

۳۴ - شهر بن جوشب. شرح حال و طرق منسوب باو در آیه اکمال دین و در حدیث تهنیت و در حدیث موضوع روزه غدیر خواهد آمد.

تابعین پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ض) شروع می شود

۳۵ - ضحاک بن مزاحم هلالی - ابو القاسم : متوفای ۱۰۵ هجری - احمد و ابن معین و ابو زرعه او را توثیق نموده اند : طریق او که از ابن عباس روایت کرده در صفحه ۹۷ گذشت و حافظ حموینی در " فرايد السمطين " در باب دهم نقل از ابوالقاسم احمد طبرانی از حسین نیری از یوسف بن محمد بن سابق از ابی ملك حسن از جوهر از ضحاك (مذکور) از عبد الله بن عباس روایت کرده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیرخم (ضمن دعای درباره علی علیه السلام) گفت : بار خدایا. او را یاری فرما و بسبب او (مسلمین را) یاری کن - و او را مورد رحم و عطوفت خود

[صفحه ۱۲۰]

قرار ده و بسبب او (مسلمین را) رحم کن - و نصرت خود را شامل حال او فرما و بسبب او (مسلمین را) نصرت فرما - بار خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد و این الفاظ از رسول خدا صلی الله علیه و آله باسناد دیگر از عمرو ذی مره از امیرالمومنین علیه السلام روایت شده است.

تابعین پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ط) شروع می شود

۳۶ - طاوس بن کیسان یمانی جندی - متوفای ۱۰۶ هجری، ابو نعیم او را در جلد ۴ " حلیه " صفحه ۲۳ - ۲۰ ذکر نموده و در صفحه ۲۳ گوید : حدیث نمود ما را احمد بن جعفر ابن مسلم از - عباس بن علی نسائی از محمد بن علی بن خلف از حسین اشقر از ابن عیینه از عمرو بن دینار از طاوس (مذکور) از بریده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه
۳۷ - طلحه بن مصرف ایامی " یمامی " کوفی - ابن حجر گوید : نامبرده مورد اعتماد و وثوق او مردی است اهل قرائت و موصوف بفضل - در سال ۱۱۲ یا بعد از آن درگذشته است. طرق منسوب باو در داستان (مناشده) رحبه خواهد آمد.

تابعین پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ع) شروع می شود

۳۸ - عامر بن سعد بن ابی وقاص مدنی. طبق مندرج در صفحه ۱۸۵ " التقریب " نامبرده مورد اعتماد و وثوق بوده و از طبقه سوم تابعین است. در سال ۱۰۴ درگذشته. بصفحه ۷۸ مراجعه شود
۳۹ - عایشه بنت سعد - در سال ۱۱۷ درگذشته. ابن حجر در " التقریب " صفحه ۴۷۳ او را توثیق نموده، حدیث مشار الیها در صفحات ۷۷ و ۸۰ و ۸۲ مذکور شد.
۴۰ - عبد الحمید بن منذر بن جارود عبدی. نسائی و همچنین ابن حجر در صفحه ۲۲۴ " التقریب " او را توثیق نموده اند. روایت او از ابی الطفیل در داستان (مناشده) رحبه بطریقی که رجال سند همگی مورد وثوقند خواهد آمد.

[صفحه ۱۲۱]

۴۱ - ابو عماره - عبد خیر بن یزید همدانی کوفی مخضرمی، ابن معین و عجلی بطوریکه در " خلاصه " صفحه ۲۶۹ مندرج است. او را توثیق نموده اند و ابن حجر در " التقریب " صفحه ۲۲۵ او را توثیق نموده و نامبرده را از بزرگان تابعین بشمار آورده و طریق منسوب باو بلفظ سعید در داستان (مناشده) رحبه خواهد آمد
۴۲ - عبد الرحمن بن ابی لیلی متوفای ۴ / ۳ / ۸۲ - طبق مندرج در جلد ۲ " المیزان " صفحه ۱۱۵ نامبرده از پیشوایان و موثقین تابعین است و در " تذکره " فقه ناو مورد ستایش قرار گرفته و در " التقریب " توثیق شده، حدیث مناشده در رحبه بطرق بسیار از او خواهد آمد و حدیث از او در صفحه ۴۱ و ۷۹ گذشت.
۴۳ - عبد الرحمن بن سابط. (عبد الرحمن بن عبد الله بن سابط نیز گفته شده) جمحی، مکی - ابن حجر در " التقریب " او را توثیق نموده و نامبرده را از طبقه متوسط تابعین بشمار آورده - وفات او در سال ۱۱۸ ثبت شد. طرق منسوب باو در صفحات ۷۷ و ۷۸ گذشت
۴۴ - عبد الله بن اسعد بن زراره - بصفحه ۴۴ مراجعه شود.
۴۵ - ابو مریم عبد الله بن زیاد اسدی کوفی - ابن حبان (بطوریکه در صفحه ۱۶۸ خلاصه خزرجی مذکور است) او را توثیق کرده و ابن حجر در صفحه ۱۳۰ " التقریب " وثوق و اعتماد باو را اشعار نموده بصفحه ۱۰۲ مراجعه شود.
۴۶ - عبد الله بن شریک عامری کوفی. بشرح مندرج در صفحه ۲۰۲ " التقریب " مردی است موصوف بصداقت، ولی شیعه بودن او جوزجانی را بافراط نسبت باو افکنده و او را تکذیب نموده احمد و ابن معین و غیرهما بطوریکه در جلد ۲ " میزان ذهبی " صفحه ۴۶ مذکور است او را موثق دانسته اند، طریق منسوب باو در صفحه ۸۰ گذشت.
۴۷ - ابو محمد عبد الله بن محمد بن عقیل هاشمی مدنی، تاریخ وفات او بعد از یکصد و چهل هجری ثبت شده، در خلاصه خزرجی و در تقریب. از ترمذی نقل شده که نامبرده در حدیث، موصوف براستی بوده و احمد و اسحق و حمیدی بحدیث منسوب

باو

[صفحه ۱۲۲]

استدلال مینمودند، بطریق جابر در صفحه ۵۰ مراجعه شود. در جلد ۵ " البدایه و النهایه " صفحه ۲۱۳ از ابن جریری طبری مذکور است که او از قول مطلب بن زیاد از عبد الله بن محمد بن عقیل (مذکور) روایت نموده و او از جابر بن عبد الله شنیده که او گفت، در جحفه، در غدیرخم بودیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله از چار یا خیمه ای بیرون شد، پس دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه، استاد ما. ذهبی گفت این حدیث (از نظر راویانش) حسن است و بتحقیق آنرا ابن لهیعه روایت نموده بطوریکه در صفحه ۵۰ گذشت و در داستان مناشده مردی عراقی با جابر انصاری خواهد آمد.

۴۸ - عبد الله بن یعلی بن مره، طرق منسوب باو در حدیث مناشده خواهد آمد و بعضی از طرق نامبرده در صفحه ۹۱ گذشت.

۴۹ - عدی بن ثابت انصاری کوفی خطمی، متوفای ۱۱۶، ذهبی در جلد ۲ " المیزان " صفحه ۱۹۳ درباره او مینگارد : دانشمند، راستگو، و محقق شیعه و امام شیعه آنها است و اگر شیعه مانند او بودند، هر آینه بد آنها کم بود، احمد و عجلی و نسائی او را موثق دانسته اند. طرق روایات منسوب باو در صفحه ۴۵ و ۴۶ گذشت و در - حدیث (تهنیت) خواهد آمد.

۵۰ - ابوالحسن عطیه بن جناده عوفی. کوفی - تابعی مشهور. متوفای ۱۱۱، سبط ابن جوزی در صفحه ۲۵ تذکره خود و همچنین حافظ هیثمی در جلد ۹ " محمع الزواید " صفحه ۱۰۹ بنقل از ابن معین، و یافعی در جلد ۱ " مرآت الجنان " صفحه. ۲۴۲ نامبرده را توثیق نموده اند، حجاج بن یوسف (لعنه الله) او را چهار صد تازیانه زد که به علی علیه السلام دشنام گوید و او این کار را نکرد، طرق روایات منسوب باو در صفحه ۶۳ و ۷۲ گذشت و در آیه تبلیغ خواهد آمد.

۵۱ - علی بن زید بن جدعان بصری متوفای ۱۳۱ / ۱۲۹ ابن ابی شیبه او را موثق دانسته و از ترمذی نقل شده که نامبرده موصوف بصداقت است، و ذهبی او را به پیشوائی ستوده، بانچه از او در صفحه ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ گذشت مراجعه نمائید.

[صفحه ۱۲۳]

و طرق بسیاری از او در داستان " تهنیت " خواهد آمد و خطیب در جلد ۷ تاریخ خود صفحه ۳۷۷ با دقت در سند روایت نموده و گفته : عبد الرحمن معدل در اصفهان بما خبر داد، از محمد بن عمر تمیمی حافظ : از حسن بن علی بن سهل عاقولی، از حمدان ابن مختار. از حفص بن عبد الله بن عمر از سفیان ثوری از علی بن زید. از انس که او گفت : از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که میفرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

۵۲ - ابو هارون، عماره بن جوین عبدی متوفای. ۱۳۴ طرق روایات منسوب باو در صفحه ۴۷ گذشت و بعض آن در آیه اکمال دین و در داستان " تهنیت " خواهد آمد.

۵۳ - عمر بن عبد العزیز، خلیفه اموی. متوفای ۱۰۱، استدلال و احتجاج او بحدیث غدیر خواهد آمد.

۵۴ - عمر بن عبد الغفار. در داستان سوگند دادن جوانی بر ابی هریره، از او روایتی خواهد آمد.

۵۵ - عمر بن علی (امیرالمومنین علیه السلام) طبق مندرج در صفحه ۲۸۱ " التقریب " نامبرده مورد وثوق و اعتماد است و از طبقه سوم از تابعین است، در زمان ولید و بقولی پیش از آن وفات یافته بصفحه ۱۰۲ مراجعه نمائید.

۵۶ - عمرو بن جعده بن هبیره. حدیث او در صفحه ۴۴ گذشت.

۵۷ - عمرو بن مره. ابو عبد الله کوفی همدانی متوفای. ۱۱۶ باو : ذو مره گفته میشود، در جلد ۸ " تهذیب التهذیب " از عجلی نقل نموده که نامبرده تابعی مورد اعتماد و وثوقی است. و ذهبی در جلد ۱ تذکره اش صفحه ۱۰۸ شرح حال او را ثبت و او را بموثق بودن و نهایت دقت و پیشوائی ستایش نموده، حدیث منسوب باو در صفحه ۱۰۳ گذشت و در داستان (مناشده) رحبه طرق بسیاری که باو

[صفحه ۱۲۴]

منتهی میشود خواهد آمد که تعدادی از آنها صحیح است و رجال سند آن مورد وثوق و اعتماد میباشند.
۵۸ - ابو اسحقاق عمرو بن عبد الله سبیعی همدانی، بقول ذهبی در میزانش : نامبرده در زمره تابعین کوفه از پیشوایان و اهل دقت نظر است و در جلد ۱ تذکره خود در صفحه ۱۰۱ شرح حال او را نگاشته و او را ستایش نموده و در " التقریب " نامبرده مردی مورد وثوق و اهل عبادت و پر فیض ذکر شده، در سال ۱۲۷ و بقولی بیشتر وفات یافته، حدیث او در صفحه ۶۷ و ۷۲ گذشت و در داستان (مناشده) و (تهنیت) طرق بسیاری که باو منتهی میشود خواهد آمد.
۵۹ - ابو عبد الله عمرو بن میمون اودی. ذهبی در جلد ۱ تذکره صفحه ۵۶ او را به پیشوائی و مورد اعتماد و وثوق ذکر کرده و در صفحه ۲۸۸ " التقریب " بعنوان ثقه و عابد ثبت شده. نامبرده در کوفه مسکن گرفته و بسال ۷۴ و بقولی بعد از آن در گذشته، طرق منسوب باو در صفحه ۹۷ گذشت و احتجاج او بحدیث غدیر خواهد آمد.
۶۰ - عمیره بن سعد همدانی کوفی. ابن حبان او را توثیق نموده و در " التقریب " صفحه ۲۹۱ محدث مقبولی یاد شده. طرق حفاظ که باو منتهی میشود و بسیار است در داستان (مناشده) رحبه خواهد آمد و بعضی از آنها در صفحات و گذشت.
۶۱ - عمیره بنت سعد بن مالک مدنی. خواهر سهل و مادر رفاعه بن مبشر، طرق منسوب باو در داستان (مناشده) امیرالمومنین علیه السلام در رحبه خواهد آمد و ما در این سند نظری داریم که در محل خود بدان اشعار خواهیم نمود.
۶۲ - عیسی بن طلحه بن عبید الله تمیمی. ابو محمد مدنی. یکی از دانشمندانیست

[صفحه ۱۲۵]

که ابن معین او را توثیق نموده، و بموجب شرح حالی که خزرجی در صفحه ۲۵۷ خلاصه اش نگاشته، نامبرده در خلافت عمر بن عبد العزیز وفات یافته. طریق منسوب باو در صفحه ۸۸ گذشت.

تابعین پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف ف– ق) شروع می شود

۶۳ - ابوبکر فطر بن خلیفه مخزومی (آزاد شده بنی مخزوم) حناط - مرد مورد وثوق و متصف براستی است، احمد و ابن معین و عجلی و ابن سعد او را توثیق نموده اند، طبق مندرج در " تهذیب التهذیب " در سال ۱۵۳ / ۱۵۰ یا بیشتر وفات یافته، حدیثی از او در مورد (مناشده) در رحبه بطرق بسیار و صحیح که رجال سند آنها مورد وثوق هستند خواهد آمد و طریق منسوب باو در صفحه ۹۲ و ۱۰۱ گذشت.
۶۴ - قبیصه بن ذویب، ذهبی در جلد ۱ تذکره خود صفحه ۵۲ شرح حال او را نوشته و او را ستایش نموده و ابن حبان بطوریکه در صفحه ۲۶۸ خلاصه مذکور است، او را توثیق نموده، طریق منسوب باو در صفحه ۵۰ گذشت.

۶۵ - ابو مریم. قیس ثقفی مـدائنی. بطوریکه در صـفحه ۳۹۵ خلاـصه خزرجی مـذکور است. نسائی او را توثیق نموده طریق منسوب باو در صفحه ۱۰۲ گذشت و رجال سند آن مورد وثوق هستند.

تابعین پیغمبر که ابتدای نام آنها با (حرف م – تا آخرین حروف) شروع می شود

۶۶ - محمد بن عمر بن علی امیرالمومنین علیه السلام. در خلافت عمر بن عبد العزیز و بقولی سال ۱۰۰ هجرت وفات یافته. ابن حبان او را توثیق نموده و ابن حجر گفته که نامبرده از طبقه ششم و متصف براستگوئی است. بعد از (سی) وفات یافته. بطرق منسوب باو در صفحات ۱۰۳ - ۱۰۲ مراجعه نمائید.

۶۷ - ابو الضحی. مسلم بن صبیح همدانی کوفی عطار. بطوریکه در صـفحه ۳۲۱ " خلاصه التهذیب " و صـفحه ۴۲۲ " التقریب" مذکور است ابن معین و ابو زرعه او را توثیق نموده اند. طرق منسوب باو در صفحه ۷۳ گذشت.

[صفحه ۱۲۶]

۶۸ - مسلم ملائی. طرق منسوب باو در صفحات ۵۴ و ۷۸ گذشت.

۶۹ - ابو زراره مصعب بن سعد بن ابی وقاص زهری مدنی. طبق مندرج در صفحه ۳۳۴ " التقریب " موثق است در سال ۱۰۳ وفات یافته. بصفحه ۷۹ مراجعه نمائید.

۷۰ - مطلب بن عبد الله قرشی مخزومی مدنی. ابو زرعه و دار قطنی او را توثیق نموده اند. حدیث او در صفحه ۹۴ گذشت.

۷۱ - مطر وراق - شرح حال و حدیث او درباره روز غدیر و در مورد آیه اکمال دین و حدیث تهنیت خواهد آمد.

۷۲ - معروف بن خربوذ. ابن حبان او را توثیق نموده، بصفحه ۵۸ مراجعه نمائید. حدیث او بعدا نیز خواهد آمد انشاء الله تعالی.

۷۳ - منصور بن ربعی. حدیث او در موضوع آیه (سئل سائل) و شرح حال او خواهد آمد.

۷۴ - مهاجر بن مسمار زهری مدنی. ابن حبان او را توثیق نموده. طرق منسوب باو در صفحات ۷۷ و ۸۲ گذشت.

۷۵ - موسی بن اکیل بن عمیر نمیری - طریق منسوب باو در صفحه ۸۹ گذشت.

۷۶ - ابو عبـد الله میمـون بصـری آزاد کرده عبـد الرحمن بن سـمره، ابن حبـان بطوریکه در جلـد ۹ " مجمع الزوایـد " صـفحه ۱۱۱ مذکور است او را توثیق نموده و ابن حجر در صفحه ۱۷ " القول المسدد " گوید : میمون مورد توثیق عده واقع شده و نسبت بحفظ او بعضی از علماء رجال سخن گفته اند و ترمذی حدیثی از او را تصحیح نموده - طرق حفاظ منسوب باو بسیار است و در صفحات ۶۴ و ۶۵ و ۶۸ و ۷۳ گذشت و ابن کثیر طرق او را تصحیح نموده.

۷۷ - نذیر الضبی کوفی. از بزرگان تابعین است. حدیثی منسوب باو در

[صفحه ۱۲۷]

داستان (مناشده) امیرالمومنین علیه السلام در روز جمل - در مورد خود ذکر خواهد شد.

۷۸ - هـانی بن هـانی همـدانی کوفی. بطوریکه در تقریب مـذکور است، نسائی گفته است باکی بر او نیست، حـدیث او در موضوع (مناشده) رحبه خواهد آمد.

۷۹ - ابو بلج یحیی بن سـلیم فزاری واسـطی. ابن معین و نسائی و دار قطنی بطوریکه در صفحه ۳۸۳ خلاصه خزرجی - مذکور است

او را توثیق نموده انـد و حافظ هیثمی در جلد ۹ " مجمع الزواید " صفحه ۱۰۹ او را توثیق نموده طرق منسوب باو در صفحات ۹۵ و ۹۷ گذشت و حدیثی که بطریق او از ابن عباس روایت شده صحیح است و تمام رجال سند آن ثقه و مورد اعتمادند.

۸۰ - یحی بن جعـده بن هـبیره مخزومی، بر حسب منـدرج در صـفحه ۳۸۹ " التقریب " مـورد اعتمـاد و وثـوق است و از طبقه سوم است. بصفحه ۷۲ مراجعه نمائید.

۸۱ - یزیـد بن ابی زیاد کوفی - یکی از پیشوایان کوفه است، در سال ۱۳۶ در سن نود سالگی یا نزدیک بان وفات یافته، حـدیث او در (مناشده) رحبه خواهد آمد.

۸۲ - یزیـد بن حیان تیمی کوفی. عاصـمی در " زین الفتی " و نسائی طبق مندرج در صـفحه ۳۷۰ " خلاـصه خزرجی " او را توثیق نموده انـد و ابن حجر در تقریب خود او را موثق دانسته و در شـمار طبقه وسـطی از تابعین معرفی نموده است. طریق منسوب باو در صفحات ۶۵ و ۷۳ گذشت و حافظ عاصـمی در " زین الفتی " باسنادش از اسحق بن ابراهیم مروزی " ثقه " از یزید بن حیان کوفی (ثقه در حرم) روایت نموده که : رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در غـدیرخم بپا خاست. پس موعظه و تذکر فرمود، سپس فرمود : ای مردم : اینست و جز این نیست که من بشـری هسـتم همانند شـما، نزدیک است که فرسـتاده حق مرا برسد و اجابت کنم... تا آخر حدیث.

[صفحه ۱۲۸]

۸۳ - ابـو داود یزیـد بن عبـد الرحمن بن اودی کوفی، بر حسب منـدرج در صـفحه ۳۷۲ " خلاـصه خزرجی " ابن حبـان او را توثیق نموده، طرق منسوب باو در صفحه ۴۰ گذشت و در داستان " مناشده " جوانی با ابی هریره حدیث او خواهد آمد.

۸۴ - ابو نجیـح یسار ثقفی متوفای ۱۰۹ هجری - بر حسب مندرج در صـفحه ۳۸۴ " خلاـصه خزرجی " ابن معین او را توثیق نموده. طرق منسوب باو در ص ۷۸ گذشت. آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

[صفحه ۱۲۹]

طبقات راویان حدیث غدیر از علماء

اشاره

بترتیب تاریخ وفاتشان

توجه و عنایت بموضوع مهم غدیرخم در انحصار صـحابه و تابعین نبوده و بلکه علماء قرن های بعدی نیز در حفظ و اجراء این سـیره مهم و اثر زوال ناپذیر نهایت مراقبت را داشته اند و با بررسی تاریخ مربوط، ملاحظه میشود که در هر قرنی گروه بسیاری از حفاظ با دقـت نظر ایـن نشـانه نمایـان دیـن را از گروه پیشـین دریـافت و بر طبـق تحقیقـاتی کـه در این امر خطیر نمـوده انـد بطبقه بعـدی که جایگزین آنها شـده انـد با خضوع و تسـلیم بصـحت آن، سپرده اند. اینک تعدادی از آنان را برای اثبات این مدعی نام می بریم، که در هر قرنی گواه بر تحقق این داستان میباشند، و احاطه بهمه راویان این حدیث از طبقه علماء موکول بدامنه قدرت خواننده بزرگوار است که در حدود کوششی که دایر بشناسائی اساتید فن حدیث بکار خواهند برد، به منظور خود نائل گردند.

علماء قرن ۰۲

۱ - ابو محمد عمرو بن دینار جمحی مکی متوفای ۱۱۵ ر ۱۱۶، بطوریکه در ص ۲۴۴ خلاصه خزرجی مندرج است : مسعر، سه بار (که حاکی از تاکید است) موثق بودن نامبرده را تصدیق و اعلام داشته. بحدیثی که نامبرده از طاوس تابعی در ص ۱۲۰ روایت نموده مراجعه شود.

۲ - ابوبکر محمد بن مسلم بن عبید الله قرشی زهری متوفای. ۱۲۴ نامبرده یکی از پیشوایان بنام و مشهور است و او عالم حجاز و شام است، بسیاری از صاحبان تذکره شرح حال او را ثبت و نسبت باو ستایش نموده اند، ذهبی در جلد ۱ تذکره

[صفحه ۱۳۰]

خود ص ۹۶ مینگارد : مناقب این دانشمند بزرگ (زهری) در خور آنست که (لااقل) در چهل ورق درج و شرح داده شود، حدیث او در ص ۵۳ و ۶۸ گذشت.

۳ - عبد الرحمن بن قاسم بن محمد بن ابی بکر تیمی - ابو محمد مدنی متوفای ۱۲۶، احمد و ابن سعد و ابو حاتم او را توثیق نموده اند و خزرجی در صفحه ۱۹۷ خلاصه اش او را به پیشوائی و موثق بودن ستوده است، نامبرده مناشده جوانی را با ابی هریره بحدیث غدیر روایت نموده است، که خواهد آمد.

۴ - بکر بن سواده بن ثمامه بصری متوفای ۱۲۸، طبق مندرج در صفحه ۴۴ خلاصه خزرجی، یکی از فقهاء و پیشوایان است، ابن معین و ابن سعد و نسائی او را توثیق نموده اند، طریق روایت او که منتهی بجابر میشود صحیح و همه رجال سندش ثقه و مورد اعتمادند - در ص ۵۰ گذشت.

۵ - عبد الله بن ابی نجیح یسار ثقفی - ابو یسار مکی - متوفای ۱۳۱، بطوریکه در ص ۱۸۳ " خلاصه " و ص ۱۴۵ " التقریب" مندرج است، احمد او را توثیق نموده. حدیث او که طریق آن صحیح و رجال سند آن مورد اعتماد و وثوقند در صفحه ۷۸ گذشت.

۶ - حافظ. مغیره بن مقسم ابو هشام ضبی کوفی (از مادر نابینا متولد شده) متوفای ۱۳۳، طبق مندرج در جلد ۱ تذکره ذهبی ص ۱۲۸ و خلاصه خزرجی ص ۳۲۰ عرزمی و عجلی او را توثیق نموده اند، حدیث او در ص ۶۴ گذشت.

۷ - ابو عبد الرحیم خالد بن زید جمحی مصری متوفای ۱۳۹، فقیهی است اهل فتوی، ابو زرعه و عجلی و یعقوب بن سفیان و نسائی او را توثیق نموده اند و ابن حبان او را در شمار افراد مورد وثوق و اعتماد یاد کرده، شرح حال او در جلد ۳ " تهذیب التهذیب" ص ۱۲۹ مندرج است، روایت او در داستان (مناشده) بلفظ زاذان و باسناد صحیح که رجال سند آن همگی ثقه هستند، خواهد آمد.

۸ - حسن بن حکم نخعی - کوفی (بعد از سال ۱۴۰ وفات یافته)، طبق مندرج در خلاصه خزرجی ص ۶۷ - ابن معین او را موثق دانسته، حدیث رکبان بطریق

[صفحه ۱۳۱]

او خواهد آمد و طریق مزبور صحیح و رجال آن همگی ثقه میباشند.

۹ - ادریس بن یزید ابو عبد الله اودی کوفی، نسائی او را موثق دانسته، روایت او در ص ۴۰ گذشت و حدیث مناشده جوانی با ابی هریره بطریق او خواهد آمد و طریق حدیث مذکور و مناشده هر دو صحیح و رجال آنها همگی ثقه میباشند.

۱۰ - یحیی بن سعید بن حیان تیمی کوفی مدنی، طبق خلاصه خزرجی ص ۳۶۳ عجلی او را ثقه و صالح دانسته و ابن حبان وفات او

را بسال ۱۴۵ ثبت نموده - طریق حدیث او از عمویش (یزید بن حیان - تابعی -) که سند آن از اسناد مسلم است (در " صحیح " او) و رجال آن ثقه هستند، در ص ۱۲۷ گذشت.

۱۱ - حافظ عبد الملک بن ابی سلیمان عرزمی کوفی، متوفای ۱۴۵ - احمد بن حنبل و نسائی او را توثیق نموده اند و ذهبی در جلد ۱ تذکره اش ص ۱۳۹ گفته که : نامبرده از حفاظ - صاحب دقت نظر است، حدیث از او باسناد صحیح و با رجال موثق در ص ۶۳ و ۷۳ گذشت، و روایت او در داستان (مناشده) رحبه بلفظ زاذان خواهد آمد.

۱۲ - عوف بن ابی جمیله عبدی هجری بصری متوفای ۱۴۶ - نسائی و جماعتی او را توثیق نموده اند، خزرجی در ص ۲۵۳ " تذکره "و ابن حجر در ص ۱۹۹ " تقریب - " از او نام برده اند، بحدیث مذکور در ص ۶۵ مراجعه نمائید، رجال اسناد حدیث مزبور ثقه هستند.

۱۳ - عبد الله بن عمر بن حفص بن عاصم بن عمر بن خطاب عدوی عمری مدنی، یکی از فقهاء هفتگانه است - ابن معین و نسائی و ابو زرعه و ابو حاتم او را توثیق نموده اند، وفات او بسال ۱۴۷ و بقولی در غیر این سال واقع شده، ابن حجر شرح حال او را در جلد ۸ " تهذیب " ص ۴۰ ذکر نموده و حافظ عاصمی روایتی را بطریق او در " زین الفتی " آورده است.

۱۴ - نعیم بن حکیم مدائنی متوفای ۱۴۸ حافظ ابو عوانه و حافظ قطان از او روایت کرده اند، ابن معین و عجلی او را توثیق نموده اند و شرح حال او را خطیب

[صفحه ۱۳۲]

در جلد ۱۳ تاریخش ص ۳۰۲ ذکر نموده - طریق منتهی باو در ص ۱۰۲ گذشت و طریق او صحیح و رجال آن همگی ثقه میباشند.

۱۵ - طلحه بن یحیی بن طلحه بن عبید الله تیمی کوفی متوفای ۱۴۸ - عجلی و ابن معین او را توثیق نموده اند و صلاحیت او را ابو زرعه و نسائی تایید کرده اند. شرح حال او را خزرجی در " خلاصه " ص ۱۵۳ و ابن حجر در " تهذیب التهذیب " ثبت نموده اند. حدیث او در ص ۸۹ گذشت.

۱۶ - ابو محمد کثیر بن زید اسلمی - بعد از سال ۱۵۰ درگذشته و به (ابن ماقبه) معروف است. ابو زرعه گفته : نامبرده متصف بصدق است و در (روش) او نرمی و ملایمت است (کنایه از اینکه سخت گیری در خصوصیات رجال ندارد) شرح حال او را خزرجی در " خلاصه " ص ۲۸۳ ذکر نموده، حدیث از او بطریقی که بقیه رجال آن همگی ثقه هستند در ص ۱۰۳ گذشت.

۱۷ - حافظ محمد بن اسحاق مدنی صاحب سیره متوفای ۱۵۱ ر ۱۵۲ - علماء بنام و معروف او را بموثق بودن و پیشوائی و علم و حفظ و دقت نظر تعریف نموده اند. شرح حال او را ذهبی در جلد ۱ تذکره اش ص ۱۵۵ و خزرجی در ص ۲۷۹ " خلاصه " ثبت کرده اند : حاکم بطریق او در (مستدرک) جلد ۳ ص ۱۱۰ روایت نموده بطوریکه در ص ۴۸ و غیره گذشت.

۱۸ - حافظ معمر بن راشد، ابو عروه ازدی بصری متوفای ۱۵۳ ر ۴، عجلی و نسائی و سمعانی او را توثیق نموده اند و ذهبی در جلد ۱ " تذکره " ص ۱۷۱ با تعبیر به، امام و حجت او را یاد کرده، و حدیث او بطریق صحیح که رجال آن ثقه هستند در ص ۴۶ گذشت.

۱۹ - حافظ مسعر بن کدام ابن ظهیر هلالی رواسی کوفی متوفای ۱۳۲ ر ۱۵۵، قطان گفته : همانند او را نیافتم، او دقیق النظرترین علماء بود و شعبه گفته : از فرط استواری و متانت، مصحف نامیده میشده، احمد و ابو زرعه و عجلی او را توثیق

[صفحه ۱۳۳]

نموده انـد، بتذکره ذهبی در جلد ۱ ص ۱۶۹ و خلاصه خزرجی ص ۳۲۰ مراجعه نمائید. روایت او در داسـتان (مناشده) بلفظ عمیره همدانی خواهد آمد

۲۰ - ابو عیسی حکم بن ابان عدنی، متوفای ۱۵۴ ر ۵، عجلی گوید : نامبرده ثقه ایست دارای سیره و روش، نامبرده در آن هنگام که چشـمها آرام میگرفت (بخواب میرفت) تا زانوی خود در دریا میایسـتاد و بـذکر خدا اشـتغال میورزید خزرجی شـرح حال او را در " خلاصه " ص ۷۵ چنین نگاشته، حدیث او در صفحه ۴۸ گذشت.

۲۱ - عبـد الله بن شوذب بلخی - ببصـره آمده و در آنجا مسـکن گرفته، متوفای ۱۵۷ - قریبا در با روزه غـدیر بشـرح حال او آگاهی خواهیـد یـافت، و گفتار ابن ولیـد درباره او خواهـد آمـد، نامبرده دارای چهره روحانی و منظر ملکوتی بوده، حـدیث روزه غـدیر را بطریق صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند، او روایت نموده است.

۲۲ - حافظ شـعبه بن حجاج ابو بسـطام واسـطی - به بصره آمده و در آنجا مسکن گزیده و در سال ۱۶۰ وفات یافته، بقول ابن معین نـامبرده پیشوای اهـل تقوی است و بقول حکم پیشوای پیشوایـان است و بقول ثوری : شـعبه در حـدیث فرمـانروای اهل ایمان است، ذهبی در جلد ۱ تذکره ص ۱۷۴ و خزرجی در " خلاـصه " ص ۱۴۰ شـرح حال او را ثبت نموده انـد - حدیث او در ص ۶۴ بطریق صحیـح و رجال موثق و همچنین در ص ۶۸ و ۷۲ و ۷۹ و ۹۳ گـذشت و حدیثی از او در داسـتان (مناشده) بلفظ زید بن یثیع خواهد آمد.

۲۳ - حافظ ابو العلاء کامل بن علاء تمیمی کوفی متوفای در حـدود ۱۶۰، ابن معین او را توثیق نموده و ابن عدی و نسائی بر حسـب مندرج در خلاصه خزرجی ص ۲۷۲ گفته اند که (باکی بر او نیست) و حاکم در " مستدرک " صحیح بودن

[صفحه ۱۳۴]

حدیث او را تایید نموده. حدیث نامبرده بطریق صحیح و رجالی که همگی موثق هستند در ص ۶۷ گذشت.

۲۴ - حافظ سـفیان بن سـعید ثوری ابو عبـد الله کوفی - در سال ۱۶۱ در بصـره درگذشـته است و ولادت او در سال ۷۷ تعیین شده، خطیب در جلـد ۹ تـاریخش ص ۲۵۲ او را پیشـوائی از پیشوایـان مسـلمین و نشـانه از نشـانه هـای دین دانسـته و تصـریح نموده که : پیشوائی او مورد اجماع است، بطوریکه را مراتب اتقان و ضـبط و حفظ و معرفت و زهـد و ورع که در او است از هر گونه تعریف و تزکیه بی نیاز است، در جلـد ۷ تاریـخ خطیب ص ۳۷۷ منـدرج است که : خبر داد ما را ابو الفتـح محمد بن حسـین عطار (قطیط) از محمـد بن احمـد بن عبـد الرحمن معـدل - در اصـفهان - از ابوبکر محمد بن عمر تمیمی حافظ (جعابی) از حسن بن علی بن سـهل عاقولی از حمـدان بن مختار از حفص بن عبیـد الله بن عمر از سـفیان ثوری از علی بن زیـد از انس که گفت : شـنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

۲۵ - حافظ اسرائیل بن یونس بن ابی اسحق سبیعی ابو یوسف کوفی متوفای ۱۶۲، ابن معین و غیره او را توثیق نموده اند و ذهبی در جلد ۱ تذکره اش - ص ۱۹۳ مبالغه در سـتایش نسبت باو نموده، حدیث از او در ص ۸۰ گذشت، و در داستان (مناشده) حدیث او بطریق صحیح و رجال موثق خواهد آمد.

۲۶ - جعفر بن زیـاد کـوفی احمر متوفـای ۱۶۵ ر ۷، ابـو داود گفته مـورد وثوق و اعتمـاد است، و شـیعی است، و بشـرح منـدرج در خلاـصه خزرجی در ص ۵۳ ابـو زرعـه او را متصـف بصـدق معرفی کرده و نسـائی گفته : بـاکی بر او نیست، حـدیث او در داسـتان (مناشده) رحبه بلفظ عبد الرحمن بطریق صحیح و رجال موثق خواهد آمد.

۲۷ - مسلم بن سالم هندی ابو فروه کوفی (در اواسط قرن دوم درگذشته) ابن معین او را توثیق نموده و ابو حاتم صلاحیت او را در حدیث تایید و گفته که : باکی

[صفحه ۱۳۵]

بر او نیست، حدیث او از عبد الرحمن بن ابی لیلی در داستان (مناشده) رحبه بطریق صحیح و رجال موثق خواهد آمد.
۲۸ - حافظ قیس بن ربیع ابو محمد اسدی کوفی متوفای ۱۶۵، عفان گوید که او مورد وثوق و اعتماد بوده است، و یعقوب ابن شیبه گوید : نامبرده در نزد جمیع اصحاب ما. متصف بصدق است و آنچه را از (احادیث) نوشته دارای صلاحیت است، ولی نیروی حفظ او خوب نیست، ذهبی در جلد ۱ " تذکره " ص ۲۰۵ و خزرجی در " خلاصه " ص ۲۷۰ شرح حال او را ثبت نموده اند، حدیث او در ص ۸۵ گذشت، و در نزول آیه اکمال دین در مورد علی علیه السلام در روز غدیر نیز حدیث او ذکر خواهد شد.
۲۹ - حافظ حماد بن سلمه ابو سلمه بصری متوفای ۱۶۷، ابن معین او را توثیق کرده و ابن معمر او را از ابدال بشمار آورده و قطان گوید، هر که را دیدید که نسبت باو نکوهش میکند. او را در اسلام متهم بدانید. وهب گوید : حماد اعلم ما است، و بر ما سروری دارد، ذهبی او را کامل در عربیت و مردی فقیه و فصیح و سخن ور و دارای سیره و روش دانسته، شرح حال او را در جلد ۱ تذکره ذهبی ص ۱۸۲ و در ص ۷۸ خلاصه خزرجی ثبت است، بصفحه ۴۵ مراجعه نمائید. بنابراین - حدیث بطریق او که منتهی به براء بن عازب میشود صحیح و رجال آن موثق است و حدیث او در موضوع تهنیت باسناد صحیح و رجال موثق خواهد آمد.
۳۰ - حافظ عبد الله بن لهیعه ابو عبد الرحمن مصری متوفای ۱۷۴، ذهبی در جلد ۱ " تذکره " ص ۲۱۵ شرح حال او را ثبت نموده و درباره او گفته : پیشوای بزرگ، قاضی دیار مصر و دانشمند و محدث آن منطقه. و گوید : احمد بن حنبل درباره نامبرده گفته : در آنچه نوشته دارای صلاحیت و در طلب علم کوشا بوده است، بصفحه ۵۰ مراجعه نمائید، بنا بر مراتب مذکوره طریق رسیده از او که منتهی بجابر انصاری میشود صحیح و رجال آن موثق میباشند.
۳۱ - حافظ ابو عوانه وضاح ابن عبد الله یشکری واسطی بزاز متوفای

[صفحه ۱۳۶]

۱۷۵ ر ۶، نامبرده متصف براستی و مورد وثوق و اعتماد بوده و بطوریکه در " تهذیب التهذیب " و جلد ۱ تذکره ذهبی ص ۲۴۱ مذکور است، همگان بحجیت او در آنچه حدیث نموده اجماع دارند، طرق منسوب باو در ص ۶۴ باسانید صحیح و در ص ۳۱ و ۶۶ و ۹۷ گذشت، و بسیاری از طرق روایت او صحیح است.
۳۲ - قاضی شریک بن عبد الله، ابو عبد الله نخعی کوفی متوفای ۱۷۷، ذهبی در جلد ۱ " تذکره " ص ۲۱۰ نامبرده را یکی از پیشوایان مشهور اعلام نموده گوید : حدیث او حسن است و نامبرده پیشوائی است فقیه و محدث و دارای احادیث بسیار و در اتقان و استواری مانند حماد بن زید نیست، بخاری استشهاد باو نموده و مسلم بپیروی و متابعت او نقل روایت نموده، یحی بن معین او را توثیق کرده و محی الدین بن ابی الوفاء در جلد ۱ " الجواهر المضیه " ص ۲۵۶، او را از حنفیه معرفی نموده، حدیث او بطریق صحیح و رجال موثق در ص ۶۶ و همچنین در ص ۹۲ گذشت و حدیث او بطریق صحیح در داستان (مناشده) رحبه و در داستان مناشده جوانی با ابی هریره خواهد آمد.
۳۳ - حافظ عبد الله " عبید الله " بن عبید الرحمن " عبد الرحمن " کوفی. پدر عبد الرحمن اشجعی متوفای ۱۸۲ بطوریکه در جلد ۱

"تذکره الحفاظ " ص ۲۸۴ و " التقریب " ص ۱۷۰ مذکور است ابن معین و ذهبی و ابن حجر او را توثیق نموده اند حدیث او بطریق صحیح و رجال موثق در ص ۶۱ گذشت.

۳۴ - نوح بن قیس ابو روح حدانی بصری متوفای ۱۸۳، مره و ابن معین بطوریکه در ص ۳۴۷ " الخلاصه " و حاشیه آن مذکور است، نامبرده را توثیق نموده اند، حدیث او در ص ۷۶ گذشت.

۳۵ - مطلب بن زیاد بن ابی زهیر کوفی ابوطالب متوفای ۱۸۵، گروه زیادی از حفاظ و پیشوایان حدیث بروایت او اعتماد نموده اند و ابن معین او را توثیق نموده، در نزد ابی داود و ابن حجر متصف بصدق است و در نزد دیگران محدثی است بزرگوار، شرح حال او در " التقریب " ص ۲۴۷ و " الخلاصه " ۳۲۴ مذکور است،

[صفحه ۱۳۷]

حدیث رسیده از او در داستان (مناشده) مردی عراقی با جابر انصاری بطریق صحیح و رجال موثق خواهد آمد.

۳۶ - قاضی حسان بن ابراهیم عنزی ابوهاشم متوفای ۱۸۶، احمد و ابو زرعه و ابن معین و ابن عدی چنانکه در " الخلاصه " و حاشیه آن ص ۶۴ مذکور است، نامبرده را توثیق نموده اند، حدیث او بطریقی که تمام رجال آن ثقه هستند در ص ۶۶ گذشت.

۳۷ - حافظ جریر بن عبد الحمید ابو عبد الله ضبی کوفی (بعدا - رازی) متوفای ۱۸۸ " در سن ۷۸ سالگی در گذشته، " ذهبی در جلد ۱ تذکره خود ص ۲۴۷ ضمن ذکر نامبرده گوید : علماء علم حدیث بسبب اعتماد و وثوق باو و مراتب حفظ و وسعت دامنه دانش او (از مواطن خود) بسوی او میشتافتند. حدیث از او بطریق حافظ عاصمی باسناد صحیح و رجالی که همگی ثقه هستند، در ص ۱۲۷ گذشت و همین طریق روایت او، سند مسلم است که درباره خطبه روز غدیر در صحیح خود روایت نموده.

۳۸ - فضل بن موسی ابو عبد الله مروزی سینانی متوفای ۱۹۲، بشرح مندرج در " الخلاصه " ص ۲۶۳ ابن معین و ابو حاتم او را توثیق نموده اند و در " التقریب " ص ۲۰۵ بعنوان ثقه و صاحب دقت نظر ثبت گردیده. حدیثی از او بلفظ سعید و زید بطرق صحیح و رجال موثق در داستان (مناشده) رحبه خواهد آمد.

۳۹ - حافظ محمد بن جعفر مدنی بصری ابو عبد الله غندر متوفای ۱۹۳، نامبرده از حفاظ با اتقان است، ابن معین گوید : آثار کتبی او صحیح ترین آثار است، بعضی خواستند او را بخطاء نسبت دهند و نتوانستند، ذهبی شرح حال او را در جلد ۱ تذکره اش ص ۲۷۴ درج نموده، حدیث او با اسناد صحیح و رجال ثقه در ص ۳۱ و همچنین در صفحات ۳۲ و ۳۵ و ۴۸ گذشت، و روایت از او در داستان (مناشده) در رحبه بلفظ سعید و باسناد صحیح و رجال ثقه خواهد آمد.

۴۰ - حافظ اسمعیل بن علیه ابو بشر ابن ابراهیم اسدی متوفای ۱۹۳،

[صفحه ۱۳۸]

ذهبی در جلد ۱ تذکره خود در ص ۲۹۵ از ابی داود حکایت نموده که گفت : احدی نبود مگر آنکه بخطا افتاد، جز - ابن علیه و بشر - و ابن معین گفته : نامبرده مردی است موثق و موصوف بورع و تقوی، و از شعبه نقل شد : که او بر محدثین سروری دارد. حدیث او در داستان (تهنیت ") بعنوان پسر خواهر حمید طویل " خواهد آمد.

۴۱ - حافظ محمد بن ابراهیم ابو عمرو ابن ابی عدی سلمی بصری، در سال ۱۹۴ در بصره وفات یافته، بطوریکه در جلد ۱ " تذکره الحفاظ " ص ۲۹۶ و در " خلاصه خزرجی " ص ۲۷۶ مذکور است نسائی و ابو حاتم و ذهبی او را توثیق نموده اند، حدیث بطریق

او با اسناد صحیح و رجال موثق در ص ۶۵ گذشت.

۴۲ - حافظ محمد بن خازم ابو معاویه تمیمی ضریر متوفای ۱۹۵، بشرح مندرج در " خلاصه " و حاشیه آن ص ۲۸۵، عجلی و نسائی و ابن خراش او را توثیق نموده اند و خطیب شرح حال او را در جلد ۵ تاریخ خود ص ۲۴۹ - ۲۴۲ درج نموده، حدیث از او با اسناد صحیح در ص ۸۲ گذشت.

۴۳ - حافظ محمد بن فضیل ابو عبد الرحمن کوفی (متوفای ۱۹۵) ، ابن معین او را توثیق نموده و ابو زرعه او را متصف بصدق دانسته و نسائی گفته، باکی بر او نیست (یعنی بر او و روایتش اشکال و ایرادی نیست) و ابن حجر در " تقریب " گفته که : نامبرده راستگو و (بموازین حدیث) شناسا و دانا است، و ذهبی در جلد ۱ " تذکره " از او بوثوق و اعتماد - یاد کرده، حدیث رکبان از او بطریق صحیح و با رجال موثق خواهد آمد.

۴۴ - حافظ. وکیع به جراح رواسی. ابوسفیان کوفی متوفای ۱۹۶ ر ۱۹۷، ابن معین و عجلی و ابن سعد او را ثقه دانسته اند و احمد گفته : همانند او در دانش و نیروی حفظ و اتقان توام با خشوع و ورع ندیدم، شرح حال او را خطیب در جلد ۱۳ تاریخش ص ۴۶۶ و ذهبی در جلد ۱ تذکره اش ص ۲۸۰ و خزرجی در " الخلاصه " صفحه ۳۵۶ ثبت نموده اند، امام احمد بن حنبل در مناقبش (بنا بر آنچه نقل

[صفحه ۱۳۹]

شده) حدیثی را با دقت در اسناد آن از نامبرده (حافظ - وکیع) روایت نموده که او از اعمش - از سعد بن عبیده - از ابن بریده از پدرش حدیث کرده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه در " الجامع الصغیر " روایت منسوب باو ذکر شده، و اسناد آن صحیح و رجال آن ثقه هستند.

۴۵ - سفیان بن عیینه - ابو محمد هلالی کوفی (در سال ۱۹۸ در مکه وفات یافته) ذهبی در جلد ۱ تذکره اش ص ۲۳۹ تصریح نموده که : نامبرده پیشوائی بوده دارای حجت و برهان و موصوف بقوه حفظ و وسعت دامنه دانش و بزرگی قدر و مقام، و ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش صفحه ۲۲۶ اعلام نموده که : نامبرده پیشوائی بوده است دانشمند و با دقت نظر و زاهد و ورع و اهل حدیث بر صحت حدیث و روایت او اجماع و اتفاق دارند، و بسیاری از صاحبان تذکره شرح حال او را توام با ستایش ثبت نموده اند، حدیث او در نزول آیه سال سائل پیرامون داستان غدیر خواهد آمد و حدیث او بطریق صحیح و با رجال موثق در ص ۴۸ و ۱۲۰ گذشت.

۴۶ - حافظ عبد الله بن نمیر، ابو هشام همدانی خارفی، ذهبی در جلد ۱ تذکره اش ص ۲۹۹ شرح حال او را ثبت و توثیق یحیی بن معین و غیره را نسبت باو نقل کرده، نامبرده از بزرگان اصحاب حدیث بوده و در سال ۱۹۹ در سن ۸۴ سالگی درگذشته، به صفحات ۶۳ و ۷۳ مراجعه نمائید، و این طریق که در حدیث او است بر طبق اختیار ابن سعد (و همچنین ابن معین و هیثمی) از عطیه عوفی (ثقه) طریق صحیحی است و رجال آن ثقه میباشند. و حدیث مناشده در روز رحبه بروایت او بلفظ زاذان خواهد آمد.

۴۷ - حافظ حنش بن حرث بن لقیط نخعی کوفی، ابو نعیم و هیثمی او را موثق دانسته اند، و ابو حاتم گفته : باکی بر او نیست، حدیث رکبان از او بطریق صحیح و با رجال ثقه خواهد آمد.

۴۸ - ابو محمد موسی بن یعقوب زمعی مدنی، ابن معین او را موثق دانسته و

[صفحه ۱۴۰]

ابو داود او را صالح اعلام نموده، وفات او در پایان خلافت منصور اتفاق افتاده، حدیث او در صفحه ۸۲ بطریق صحیح و بارجال ثقه گذشت.

۴۹ - علاء بن سالم عطار کوفی (شیخ الاشج) ابی سعید. پیشوای موثق، خطیب و غیره داستان مناشده را بطریق او روایت نموده اند که خواهد آمد.

۵۰ - ارزق بن علی بن مسلم حنفی - ابو الجهم کوفی، ابن حبان (بطوریکه در ص ۲۱ خلاصه مذکور است) او را موثق دانسته، حدیث او در ص ۶۶ بسند صحیح و با رجال موثق گذشت.

۵۱ - هانی بن ایوب حنفی کوفی، ابن کثیر در جلد ۵ تاریخش ص ۲۱۱ او را توثیق نموده، نسائی حدیث او را در داستان مناشده بلفظ عمیره با دقت در سند روایت نموده، بنابراین طریق او صحیح و رجال آن ثقه هستند.

۵۲ - فضیل بن مرزوق اغر رقاشی رواسی کوفی - ابو عبد الرحمن، متوفای حدود ۱۶۰، ثوری و ابن عیینه و ابن معین او را توثیق نموده اند و هیثم ابن جمیل گوید : نامبرده از جهه زهد و فضل پیشوای هدایت بوده و مسلم حدیث او را در صحیح خود با دقت در سند روایت کرده، و ابن حجر در جلد ۲ " تهذیب التهذیب " ص ۲۹۹ شرح حال او را ثبت نموده، حدیث او در (مناشده) بلفظ سعید و عمرو با اسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند خواهد آمد.

۵۳ - ابو حمزه سعد بن عبیده سلمی کوفی (در زمان ولایت عمرو بن هبیره وفات یافته) نسائی و ابن حجر بطوریکه در (خلاصه) ص ۱۱۵ و (تقریب) ص ۸۹ مندرج است نامبرده را توثیق نموده اند، حدیث او باسناد صحیح و رجال ثقه که از عبد الله ابن بریده (ثقه) از پدرش روایت کرده، در ص ۸۰ گذشت.

۵۴ - موسی بن مسلم حزامی شیبانی - ابو عیسی کوفی طحان - معروف به - موسی صغیر، ابن معین او را توثیق نموده و ابن حبان در شمار افراد مورد ثقه و اعتماد از او یاد کرده، ابن حجر در جلد ۱۰ " تهذیب التهذیب " ص ۳۷۲ شرح حال او را ثبت نموده، حدیث او باسناد صحیح و رجال ثقه در ص ۸۲ گذشت.

[صفحه ۱۴۱]

۵۵ - یعقوب بن جعفر بن ابی کثیر انصاری مدنی، نامبرده از موسی بن یعقوب زمعی (ثقه مذکور در ردیف ۴۸) روایت میکند، و محمد بن یحیی بن ابی عمر (ثقه) متوفای ۲۴۳ از او روایت مینماید، حدیث او در ص ۸۲ گذشت و هم خواهد آمد.

۵۶- عثمان بن سعد بن مره قرشی ابو عبد الله (ابو علی) کوفی (مکفوف). ابن حبان او را در شمار افراد مورد ثقه و اعتماد یاد کرده و حافظ ابو کریب و نظراء او از پیشوایان علم حدیث، از او روایت کرده اند، حدیث او در موضوع مناشده نقل از شریک خواهد آمد.

علماء قرن ۰۳

۵۷ - حافظ ضمره بن ربیعه قرشی مدنی متوفای ۲۰۲، شرح حال و حدیث او که بطرق بسیار درباره روزه غدیر روایت نموده خواهد آمد، و در آنجا که حدیث او ذکر میشود گفتار احمد بن حنبل را خواهید یافت، که : نامبرده را یکی از علماء متصف بامانت دانسته و تصریح نموده است که در شام همانند او نبوده، طرق حدیث او بیشتر آن صحیح است اگر تمام آن نباشد.

۵۸ - حافظ محمد بن عبد الله زبیری ابو احمد کوفی، متوفای ۲۰۳، عجلی و غیره او را توثیق نموده اند و بعضی از بزرگان در

ستایش او گفته که : او مورد وثوق و دارای نیروی حفظ، و مردی است عابد و مجتهد، ذهبی در جلد ۱ تذکره اش در ص ۳۲۷ شرح حال او را ثبت نموده، حدیث او در داستان (مناشده) رحبه بلفظ (زیاد) باسنادی که هیثمی آنرا تصحیح نموده و رجال آنرا ثقه دانسته خواهد آمد.

۵۹ - مصعب بن مقدم خثعمی ابو عبد الله کوفی متوفای ۲۰۳، ابن معین و دار قطنی او را توثیق نموده اند و ابو داود گفته که بر او باکی نیست (یعنی اشکالی و ایرادی باو و حدیثش نمیتوان نمود) و ابو حاتم او را صالح دانسته، شرح حال او را خزرجی در (خلاصه) ص ۳۲۳ ثبت نموده، حدیث مناشده از او باسناد صحیح که

[صفحه ۱۴۲]

رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد، و در ص ۹۲ نیز حدیث او گذشت.

۶۰ - حافظ یحیی بن آدم بن سلیمان قرشی اموی - ابو زکریا کوفی متوفای ۲۰۳، ابن معین و نسائی و یعقوب بن شیبه او را توثیق نموده اند، ذهبی در جلد ۱ تذکره اش ص ۳۳۰ شرح حال او را ثبت نموده به حدیث او که سندش صحیح و رجالش ثقه هستند در صفحه ۶۱ مراجعه نمائید و روایت بطریق او در حدیث رکبان با اسناد صحیح و رجال ثقه خواهد آمد.

۶۱ - زید بن حباب ابو حسین خراسانی کوفی متوفای ۲۰۳، ابن مدنی و سبتی و ابن معین و احمد بن صالح و دار قطنی و ابن ماکولا و ابن ابی شیبه او را توثیق نموده اند و ابن حجر شرح حال او را در جلد ۱ تهذیبش ص ۴۰۴ ثبت نموده، روایت او بطرق مختلفه در حدیث مناشده امیرالمومنین علیه السلام در رحبه خواهد آمد که بعضی از آنها صحیح است.

۶۲ - امام شافعیه ابو عبد الله محمد بن ادریس شافعی متوفای ۲۰۴، بطوریکه در جلد ۴ نهایه ابن اثیر ص ۲۴۶ مذکور است، نامبرده حدیث غدیر را روایت نموده است.

۶۳ - حافظ ابو عمر و شبابه بن سوار فزاری مدائنی متوفای ۲۰۶، ابن معین و غیره بشرح مندرج در (خلاصه) ص ۱۴۲ او را توثیق نموده اند، حدیث بطریق او از امیرالمومنین علیه السلام با سند صحیح و رجال ثقه در ص ۱۰۲ ذکر شده.

۶۴ - محمد بن خالد حنفی بصری، ابن حبان او را از ثقات ذکر نموده و ابو حاتم صلاحیت او را در حدیث تایید کرده و ابو زرعه گفته : باکی بر او نیست، نامبرده از مادر خود (عثمه) روایت میکند. حدیث او در ص ۴۱ گذشت.

۶۵ - حافظ - خلق بن تمیم کوفی - ابو عبد الرحمن - ساکن مصیصه - متوفای ۲۰۶ ر ۲۱۳، یعقوب بن شیبه و ابو حاتم بطوریکه در جلد ۱ تذکره ذهبی صفحه ۳۴۷ مذکور است، او را توثیق نموده اند و ابن حجر در " تقریب " گوید : نامبرده مرد راستگو و عابدی است، نسائی بطریق او حدیث مناشده را بلفظ عمر و ذی مره باسناد صحیح و رجالی که همگی آنها ثقه هستند. روایت نموده.

[صفحه ۱۴۳]

۶۶ - حافظ. اسود بن عامر. ابو عبد الرحمن معروف به (شاذان شامی) - ساکن داد متوفای ۲۰۸ - ابن المدینی - او را توثیق نموده و ذهبی در جلد ۱ تذکره خود ص ۳۳۸ او را یکی از صاحبان دقت نظر اشعار نوده و خطیب در جلد ۸ تاریخش ص ۳۴ شرح حال او را ثبت نموده است، حدیث مناشده بطریق و بلفظ زید بن ارقم و همچنین داستان مناشده جوانی با ابی هریره باسناد صحیح و رجالی که همگی آنها ثقه هستند خواهد آمد.

۶۷ - ابو عبد الله حسین بن حسن اشقر فزاری کوفی متوفای ۲۰۸، ابن حبان او را در شمار علمای مورد وثوق یاد کرده و ذهبی در

جلد ۳ " تلخیص المستدرک " ص ۱۳۰ او را توثیق نموده و حکم بصحت حدیث او داده، همانطور که حاکم در " مستدرک" اشعار داشته، و نامبرده در نظر سایر علماء حدیث نیز متصف بصدق است و بنابراین گفتار کسی که درباره او گفته که : نامبرده فاقد نیرو (ی حفظ است : ارزشی نخواهد داشت، حدیث او در ص ۶۶ گذشت و در نزول آیه تبلیغ درباره علی علیه السلام خواهد آمد.

۶۸ - حافظ حفص بن عبد الله بن راشد ابو عمرو سلمی قاضی نیشابوری - متوفای ۲۰۹، ابن حبان او را در شمار علمای مورد وثوق یاد کرده و نسائی بطوریکه در خلاصه و حاشیه آن ص ۷۴ مذکور است. گفته : باکی بر او نیست. و بخاری در صحیح خود او نامبرده روایت میکند. حدیث او با اسناد صحیح در ص ۶۸ گذشت.

۶۹ - حافظ عبد الرزاق بن همام. ابوبکر صنعانی - متوفای ۲۱۱ - ولادت او در سال ۱۲۶ بوده - ذهبی در جلد ۱ تذکره خود صفحه ۳۳۴ شرح حال او را نگاشته و درباره او گوید که : جمعی از ارباب درایت و رجال - او را توثیق نموده اند و حدیث او در ردیف احادیث صحیح درآمده، روایاتی هم که او بتنهائی آنها را ذکر نموده هست، و بر او بسبب تشیع ابراز بدبینی و کینه نموده اند در حالیکه نامبرده غلوی درباره علی علیه السلام ننموده. بلکه : علی علیه السلام را دوست میداشته و از قاتل او

[صفحه ۱۴۴]

چشم پوشیده.. تا آخر گفتار ذهبی... حدیث بطریق او و باسناد صحیح و رجالی که همگی آنها ثقه هستند در ص ۱۸ گذشت و حدیث او در موضوع مناشده بلفظ سعید و عبد خیر بطریق صحیح و رجال ثقه خواهد آمد.

۷۰ - حسن بن عطیه بن نجیح قرشی کوفی ابو علی بزار متوفای ۲۱۱، حفاظ از او روایت میکنند و ابو حاتم گفته : نامبرده متصف براستگوئی است و بخاری در تاریخش از او روایت میکند، حدیث او که بقیه رجال سندش ثقه هستند در صفحه ۲۴ گذشت.

۷۱ - عبدالله بن یزید عدوی آزاد شده آل عمر - ابو عبد الرحمن مقری (معروف به - قصیر) ساکن مکه متوفای ۲۱۲ و ۲۱۳ (در حالیکه حدود یکصد سال عمر کرده)، نسائی و ابن سعد و ابن قانع او را توثیق نموده اند و خلیلی گوید : نامبرده ثقه است و حدیث او در شمار احادیث مورد وثوق است و بانها استدلال میشود، و در روایت چند حدیث منفرد است (یعنی جز او کسی آنها را روایت نکرده)، ابن حبان نامبرده را از علمای مورد وثوق شمرده و ابن حجر در جلد ۶ تهذیب خود ص ۸۴ بهمین عنوان شرح حال او را ثبت کرده، حدیث او در موضوع تهنیت بروایت حافظ عاصمی باسناد صحیح و رجالی که همگی ثقه هستند. خواهد آمد.

۷۲ - حافظ حسین بن محمد بن بهرام، ابو محمد تمیمی مروزی ساکن بغداد متوفای ۲۱۳ ر ۲۱۴، ابن سعد و - ابن قانع و - ابن مسعود و - عجلی و دیگران (بطوریکه ابن حجر در جلد ۲ تهذیب ص ۳۶۷ گفته) او را توثیق نموده اند و خطیب شرح حال او را در جلد ۸ ص ۸۸ تاریخش ثبت نموده، حدیث مناشده از او بلفظ ابی الطفیل بسند صحیح و رجالی که ثقه هستند خواهد آمد.

۷۳ - حافظ ابو محمد عبید الله بن موسی عبسی کوفی متوفای ۲۱۲ (صاحب مسند). ابو حاتم و ابن معین و عجلی و ابن عدی و ابن سعد و عثمان بن ابی شیبه او را توثیق نموده اند و ذهبی در جلد ۱ " تذکره " صفحه ۳۲۴ و ابن حجر در جلد ۷ " تهذیب " ص ۵۳

[صفحه ۱۴۵]

شرح حال او را ثبت نموده اند، حدیث او در داستان (مناشده) رحبه بلفظ زید بن یثیع و عمیره بن سعد باسناد صحیح و رجالی که همه آنها ثقه هستند خواهد آمد.

۷۴ - ابو الحسن علی بن قادم خزاعی کوفی متوفای ۲۱۳، ابن حبان او را از ثقات ذکر نموده و ابن خلفون او را توثیق کرده و ابن

قانع گفته : نامبرده کوفی صالحی است و ابو حاتم گفته : نامبرده متصف به صداقت است، ابن حجر در جلد ۷ تهذیبش صفحه ۳۷۴ شرح حال او را چنین نگاشته، حدیث او در صفحه ۳۹ گذشت.

۷۵ - محمد بن سلیمان بن ابی داود حرانی ابو عبد الله معروف بن (بومه) متوفای ۲۱۳، ابو عوانه اسفرائینی او را توثیق نموده و ابن حبان او را در ردیف ثقات ذکر کرده، دیگران نیز او را توثیق نموده اند، ابن حجر شرح حال او را در جلد ۹ " تهذیب " صفحه ۱۹۹ نگاشته، حدیث او در صفحه ۴۸ گذشت.

۷۶ - عبد الله بن داود بن عامر همدانی - ابو عبد الرحمن کوفی معروف به (خریبی - محله ایست در بصره) ابن سعد و ابن معین و ابو زرعه و نسائی و دار قطنی و ابن قانع او را توثیق نموده اند (در سال ۲۱۳ وفات یافته)، ابن حجر در جلد ۵ " تهذیب " صفحه ۲۰. شرح حال او را نگاشته، نسائی در خصایص صفحه ۲۲ گوید : خبر داد ما را زکریا بن یحیی از نصر بن علی و او از عبد الله بن داود از عبد الواحد ابن ایمن از پدرش از سعد که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه سند حدیث مزبور صحیح و رجال آن همگی ثقه هستند.

۷۷ - حافظ ابو عبد الرحمن علی بن حسن بن دینار عبدی مروزی متوفای ۲۱۵، نامبرده یکی از استادان است، بخاری و احمد و ابن معین و ابن ابی شیبه از

[صفحه ۱۴۶]

او روایت میکنند، و احمد گفته : در میان آنهائی که از خراسان آمدند افضل از نامبرده ندیدم، ابن حبان او را از ثقات شمرده و ابن حجر در جلد ۷ تهذیبش صفحه ۲۹۸ شرح حال او را چنین نگاشته، حدیث او در صفحه ۱۵ و ۲۹ گذشت و دحیث او در داستان (مناشده) رحبه بلفظ اصبغ خواهد آمد.

۷۸ - حافظ یحیی بن حماد شیبانی بصری متوفای ۲۱۵ داماد ابی عوانه مذکور و روایت کننده از او، عجلی و ابو حاتم و ابن سعد او را توثیق نموده اند و ابن حبان بطوریکه در خلاصه خزرجی ص ۳۶۱ و جلد ۱۱ " تهذیب التهذیب " صفحه ۱۹۹ مذکور است، نامبرده را در شمار ثقات یاد کرده، حدیث او در صفحه ۳۰ بطریق صحیح و با رجال ثقه و همچنین در صفحات ۳۱ و ۳۴ و ۵۱ بطریق صحیح گذشت.

۷۹- حافظ حجاج بن منهال سلمی ابو محمد انماطی بصری - متوفای ۲۱۷، عجلی و ابن قانع و ابو حاتم و نسائی و ابن سعد او را توثیق نموده اند و فلاس گفته : همانند او را در فضل و دین ندیدم، ذهبی شرح حال او را در جلد ۱ تذکره خود صفحه ۳۷۰ و خزرجی در " خلاصه " صفحه ۶۳ و ابن حجر در جلد ۲ " تهذیب " صفحه ۲۰۶ ثبت نموده اند، حدیث او در باب تهنیت باسناد صحیح و رجال ثقه خواهد آمد.

۸۰ - حافظ فضل بن دکین - ابو نعیم کوفی متوفای ۲۱۸ و ۲۱۹، یعقوب بن شیبه گفته که : نامبرده مورد وثوق و اعتماد و دارای دقت نظر و متصف بصدق است، و احمد و ابو حاتم و ابن المدنی و عجلی و ابن سعد و ابن شاهین و خطیب در تاریخش او را توثیق نموده اند و یعقوب بن سفیان گفته : یاران ما اجماع نموده اند بر اینکه ابو نعیم در نهایت اتقان بوده، شرح حال او را ذهبی در جلد ۱ " تذکره " صفحه ۳۴۱ و ابن حجر در جلد ۸ " تهذیب " صفحه ۲۷۶ - ۲۷۰ ثبت نموده اند، حدیث بطریق او در صفحه ۲۰ و همچنین در صفحه ۳۲ که هر دو سندشان صحیح و رجال آن مورد وثوق هستند گذشت و حدیث او در داستان (مناشده) رحبه (بطرق متعدد) و در باب

[صفحه ۱۴۷]

نزول آیه " سال سائل - " در پیرامون نص غدیر خواهد آمد.

۸۱ - حافظ عفان بن مسلم ابو عثمان صفار انصاری - بصری - بغدادی - متوفای ۲۱۹، ذهبی او را در جلد ۱ تذکره اش در صفحه ۳۴۷ ذکر نموده و از قول عجلی نقل کرده که : عفان مورد وثوق و اعتماد و دارای دقت نظر و دارای سیره است و ابو حاتم گفته که : نامبرده ثقه و متصف باتقان و متانت است، و ابن حجر در جلد ۷ " تهذیب " صفحه ۲۳۰ از ابن عدی حکایت نموده که : او در صداقت و ثقه مشهورتر از آنست که درباره او چیزی گفته شود، و ثقه بودن و دقت نظر او را از ابن معین و ابن سعد و ابن خراش و ابن قانع حکایت نموده، حدیث از او و بطریق او باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند در صفحه ۱۸ گذشت.

۸۲ - حافظ علی بن عیاش بن مسلم الهانی - ابوالحسن - حمصی - متوفای ۲۱۹ یکی از آنهائی است که نسائی و دار قطنی و عجلی بطوریکه در جلد ۱ تذکره ذهبی صفحه ۳۵۲ و در جلد ۷ تهذیب ابن حجر صفحه ۳۶۸ مذکور است او را ثقه و صاحب دقت نظر دانسته اند، بطوریکه خواهد آمد : واحدی نزول آیه تبلیغ را در ولایت علی علیه السلام بطریق او روایت نموده است.

۸۳ - حافظ مالك بن اسماعیل بن درهم ابو غسان نهدی کوفی متوفای ۲۱۹، ابن معین گوید : در کوفه عالم و محدثی که در اتقان حدیث بر او برتری داشته باشد نیست، و ابن شیبه گوید : نامبرده ثقه است و حدیث او صحیح است و از اهل عبادت است. و نسائی و مره و ابو حاتم او را توثیق نموده اند و ابن حبان و همچنین ابن شاهین او را در شمار ثقات آورده اند، شرح حال او را ابن حجر در جلد ۱ " تهذیب " صفحه ۳ ثبت نموده، حدیث از او داستان (مناشده) رحبه بلفظ عبد الرحمن و سعید و عمرو باسناد صحیح و رجالی که همگی ثقه هستند خواهد آم.

۸۴ - حافظ قاسم بن سلام - ابو عبیده هروی متوفای ۲۲۳ ر ۲۲۴ در مکه، عالمی است ربانی و در اصناف علوم اسلامی و متقن، روایت او حسن و نقل او صحیح، بنظر نرسیده که کسی در امر دینش بر او طعن و نکوهشی نموده باشد. ابن خلکان در جلد ۱

[صفحه ۱۴۸]

تاریخش صفحه ۴۵۷ شرح حال او را چنین نگاشته، در تفسیر (غریب القرآن) حدیث نزول آیه : سال سائل در پیرامون غدیر از او خواهد آمد.

۸۵ - محمد بن کثیر ابو عبد الله عبد بصری - برادر سلیمان بن کثیر (پنجاه سال از برادرش بزرگتر بوده) ابن حبان گفته : که : نامبرده ثقه و فاضل است، در سال ۲۲۳ در سن صد سالگی وفات یافته، در خلاصه خزرجی صفحه ۲۹۵ چنین نگاشته : ابن حجر در "التقریب " صفحه ۲۳۲ گوید : نامبرده ثقه است و کسی را نیافته که او را تضعیف نماید، و " در تهذیب " از احمد نقل نموده که : ثقه بوده و بر سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله در گذشته، حدیث او در داستان (مناشده) رحبه بلفظ ابوالطفیل خواهد آمد و حدیثی منسوب باو در صفحه ۱۶ گذشت، بنابراین طریق او صحیح و رجال او ثقه میباشند، در صفحه ۴۵ نیز از او روایتی ذکر شد.

۸۶ - موسی بن اسماعیل منقری بصری متوفای ۲۲۳، از ابن معین نقل شده که نامبرده مورد وثوق و امانت است و از ابن ابی حاتم از طیالسی نقل شده که او مورد وثوق و متصف بصدق است، ابن سعد نیز او را توثیق کرده و شرح حال او را ابن - حجر در جلد ۱" تهذیب " صفحه ۳۳۴ بهمین اوصاف ثبت نموده، حدیث او در باب تهنیت بروایت ابن کثیر بطریق صحیح و رجالی که همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۸۷ - قیس بن حفص بن قعقاع - ابو محمد بصری - متوفای ۲۲۷، ابن معین و دار قطنی او را توثیق نموده اند و ابن حبان او را از

ثقات شمرده، بخاری دوازده حدیث از او روایت نموده و شرح حال او را ابن حجر در جلد ۸ تهذیبش صفحه ۳۹۰ ثبت نموده، حدیث او درباره آیه اکمال دین بروایت خطیب خوارزمی خواهد آمد.

۸۸ - حافظ سعید بن منصور بن شعبه نسائی - ابو عثمان خراسانی - مقیم مکه متوفای ۲۲۷، خرزجی در " خلاصه " ص ۱۲۱ گوید : نامبرده دارای نیروی حفظ بوده و در حدیث جولان و احاطه بسیار داشته سنن را تصنیف نموده و در آن آنچه را جز او (دیگران) جمع نکرده اند گرد آورده، ابو حاتم او را متقن و دارای دقت نظر و اهل تصنیف دانسته و ابن حجر در تقریبش ص ۹۴ او را ثقه و اهل تصنیف

[صفحه ۱۴۹]

دانسته و ثقه بودن او را در جلد ۴ تهذیبش صفحه ۴ از ابن نمیر و ابن خراش و ابی حاتم و ابن قانع و خلیلی و مسلمه بن قاسم حکایت نموده، حدیث بطریق او در ص ۴۲ و در ص ۵۵ گذشت.

۸۹ - حافظ یحیی بن عبد الحمید حمانی - ابو زکریا کوفی - متوفای ۲۲۸، مره و ابن معین او را متصف بصدق دانسته اند و احمد و ابن نمیر و بوشنجی او را توثیق نموده اند، ابن معین گوید : ثقه است و در کوفه مردی است که با او در حفظ حدیث شرکت میکند و اینان بر او رشک میبرند، و از ابن کثیر نقل شده که مردم بسیار درباره او سخن گفته اند، و این امر را نمیدانم مگر از سلامت نفس و متانت او، ابن عدی گوید : نامبرده مسندی دارد که دارای صلاحیت است و در مسند او چیز ناپسندی نیافتم و امیدوارم که باکی بر او نباشد. مولف " الغدیر - " امینی - گوید : این شهادتهای بسیار که از پیشوایان نامبرده ملاحظه میشود. این بدگوئی را از بین میبرد. شرح حال او را ابن حجر در جلد ۱۱ تهذیبش ص ۲۴۹ - ۲۴۳ ثبت نموده، حدیث از او در ص ۴۳ و ۵۱ باسنادیکه رجال آن ثقه است ذکر شده و درباره نزول آیه اکمال دین در شان علی علیه السلام خواهد آمد.

۹۰ - حافظ ابراهیم بن حجاج بن زید - ابو اسحق سامی - بصری - متوفای ۲۳۳ - ۲۳۱ بطوریکه در " خلاصه " صفحه ۱۴ ذکر شده، ابن حبان او را از ثقات ذکر کرده و ابن حجر در " التقریب " صفحه ۱۲ او را توثیق نموده، و در جلد ۱ تهذیبش ص ۱۱۳ ثقه بودن او را از دار قطنی و صلاحیت او را از ابن قانع حکایت نموده است، حدیث او در باب تهنیت در روایت حموئی باسناد صحیح و رجالی که همه آنها ثقه هستند خواهد آمد.

۹۱ - حافظ علی بن حکیم بن ذبیان کوفی - اودی - متوفای ۲۳۱، ابن معین و نسائی و محمد بن عبد الله حضرمی و ابن قانع بطوریکه در خلاصه خزرجی و تهذیب ابن حجر جلد ۷ صفحه ۳۱۱ مذکور است او را توثیق نموده اند، حدیث او بطریق

[صفحه ۱۵۰]

صحیح و رجال ثقه در صفحه ۴۸ گذشت و در داستان (مناشده) بطریق صحیح بلفظ سعید و زید ابن یثیع خواهد آمد.

۹۲ - حافظ خلف بن سالم مهلبی مخرمی بغدادی متوفای ۲۳۱، بطوریکه در خلاصه خزرجی ص ۹۰ - و جلد ۳ " تهذیب التهذیب "صفحه ۱۵۲ مذکور است، نسائی و ابن شیبه و حمزه کنانی او را توثیق نموده اند، و خطیب در جلد ۸ تاریخش صفحه ۳۲۸ موثق بودن و صدق و دقت نظر او را از جمعی حکایت نموده، حدیث از او در ص ۳۱ بطریق صحیح و رجال ثقه گذشت، و همچنین در ص ۳۴۰

۹۳ - حافظ علی بن محمد - ابوالحسن طنافسی کوفی - مقیم ری - متوفای ۲۳۳ ر ۵، ابو حاتم او را ثقه و راستگو معرفی نموده و

خلیلی گوید : پیشوائی است، او و برادرش حسن در قزوین موقعیت مهمی را دارا بوده اند و بزرگان برای ملاقات آندو می شتافتند، ابن حبان او را از ثقات ذکر نموده، و ابن حجر در جلد ۷ تهذیبش ص ۳۷۹ شرح حال او را چنین ذکر کرده و در تقریبش ص ۱۸۶ او را ثقه و عابد ثبت نموده است و خزرجی در " خلاصه " ص ۱۳۵ موثق بودن او را ذکر نموده، حافظ ابن ماجه در جلد ۱ سنن خود ص ۳ از علی بن محمد طنافسی (مذکور) این روایت را آورده که او از ابو معاویه (محمد بن خازم) و او از موسی بن مسلم شیبانی و او از عبد الرحمن بن سابط، از سعد بن ابی وقاص روایت نموده : هنگامی که معاویه از یکی سفرهای حج خود بازگشت... تا آخر حدیث که در ص ۷۸ ذکر شده است و اسناد آن صحیح و رجال آن همگی موثق هستند. ابن ماجه نیز در جلد ۱ سنن خود ص ۲۹ گوید : حدیث نمود ما را علی بن محمد از ابوالحسن (زید بن حباب) که او گفت : مرا خبر داد حماد بن سلمه از علی بن زید بن جدعان از عدی بن ثابت از براء بن عازب رضی الله عنه که گفت : با رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدیم... تا آخر حدیث که در صفحه ۴۵ ذکر شده است، و این اسناد صحیح و رجال آن همگی موثق هستند.

۹۴ - حافظ هدبه بن خالد - ابو خالد قیسی - بصری - متوفای ۲۳۵، ابن معین و

[صفحه ۱۵۱]

ابن حبان و مسلمه بن قاسم و ابو یعلی او را توثیق نموده اند، و ابن عدی گفته : نامبرده موصوف بصدق است و باکی بر او نیست در حالیکه مردم او را توثیق نموده اند، شرح حال او را ذهبی در جلد ۲ " تذکره " صفحه ۵۰ و خرزجی در " خلاصه " ص ۳۵۵ و ابن حجر در جلد ۱۱ " تهذیب " صفحه ۲۵ ثبت نموده اند، روایت او در حدیث تهنیت بطریق صحیح و رجال ثقه خواهد آمد.

۹۵ - حافظ عبد الله بن محمد بن ابی شیبه - ابوبکر عیسی - کوفی - متوفای ۲۳۵، عجلی و ابو حاتم و ابن خراش او را توثیق نموده اند، و ابن حبان تدین و حفظ و اتقان او را تایید نموده. شرح حال او را ذهبی در جلد ۲ " تذکره " صفحه ۲۰ و خطیب در جلد ۱۰ "تاریخ " صفحه ۷۱ - ۶۶ و ابن حجر در جلد ۶ " تهذیب " صفحه ۴ ثبت نموده اند، روایت نامبرده در داستان مناشده جوانی با ابی هریره بسند صحیح و همچنین در حدیث رکبان باسنادیکه رجال آن همگی ثقه هستند، و در حدیث تهنیت خواهد آمد.

۹۶ - حافظ ابو سعید عبید الله بن عمر جشمی - قواریری - بصری - متوفای ۲۳۵، ابن معین و عجلی و نسائی و حافظ صالح جزره چنانکه در جلد ۱۰ تاریخ خطیب صفحه ۲۲۳ - ۲۲۰ مذکور است، او را توثیق نموده اند، روایت او در حدیث مناشده رحبه بلفظ عبد الرحمن بن ابی لیلی خواهد آمد.

۹۷ - حافظ احمد بن عمر بن حفص جلاب ابوجعفر وکیعی - کوفی - ساکن بغداد، متوفای ۲۳۵، ابن معین و عبد الله بن احمد و محمد بن عبدوس بطوریکه در جلد ۴ تاریخ خطیب صفحه ۲۸۴ مذکور است، او را توثیق نموده اند، روایت بطریق او در حدیث مناشده رحبه بلفظ عبد الرحمن خواهد آمد.

۹۸ - حافظ ابراهیم بن منذر بن عبد الله حزامی - ابو اسحاق مدنی - متوفای ۲۳۶، دار قطنی و ابن وضاح او را توثیق کرده اند و ابن حبان او را در شمار ثقات آورده، و خطیب در رد گفتار کسیکه گفته : نامبرده روایات منکر (غیر معروف)

[صفحه ۱۵۲]

دارد چنین گوید : و اما روایات غیر معروف، در احادیث او بسیار کم یافت میشود مگر روایاتی که از راویان ناشناس باشد، و مع الوصف یحیی بن معین و غیره از علماء حفاظ بروایات او رضایت داده اند و او را توثیق مینمایند، ابن حجر شرح حال او را در جلد

۱ " تهذیب " صفحه ۱۶۷ ثبت نموده، حافظ نسائی در " خصایص " صفحه ۲۵ آورده که : خبر داد مرا ابو عبد الرحمن زکریا بن یحیی سجستانی از محمد بن عبد الرحیم از ابراهیم (مذکور) از معن و او از موسی بن یعقوب از مهاجرین مسمار از عایشه بنت سعد و از عامر بن سعد از سعد که : رسول خدا صلی الله علیه و آله خطبه خواند و فرمود ای گروه مردم، بدرستی که من ولی شما هستم، آنگروه این فرمایش او را تصدیق نمودند، سپس دست علی را گرفت و بلند کرد و فرمود : این ولی من است، و از طرف من - ادا میکند (وظایف او) دوست و پیرو او خدا را دوست دارد و پیروی میکند و کسی که با او عداوت بورزد دشمن خدا است، و اسناد این حدیث صحیح و رجال آن همگی ثقه هستند.

۹۹ - ابو سعید یحیی بن سلیمان کوفی جعفی مقری متوفای ۲۳۷، دار قطنی و عقیلی او را توثیق نموده اند، و ابن حبان بطوریکه در جلد ۱۱ " تهذیب التهذیب " ص ۲۲۷ و در " خلاصه " صفحه ۳۶۴ مذکور است، او را در شمار ثقات آورده، بروایت او در حدیث رکبان باسناد صحیح و رجالی که همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۰۰ - حافظ ابن راهویه اسحق بن ابراهیم حنظلی مروزی متوفای ۲۳۷، احمد گفته : نظیر و همانندی برای او در نزد ما پیشوایان مسلمین بنظر نمیرسد، و چنانکه در " خلاصه " خزرجی ص ۲۳ مذکور است، گروهی او را توثیق نموده اند و ابن خلکان در جلد ۱ تاریخ خود ص ۶۸ مینگارد : فن حدیث و فقه و صفت ورع در او جمع است، و نامبرده یکی از پیشوایان اسلام است و دارای مسند مشهوریست،

[صفحه ۱۵۳]

حدیث او در ص ۱۰۳ و ۱۱۷ باسناد صحیح گذشت.

۱۰۱ - حافظ عثمان بن محمد بن ابی شیبه - ابوالحسن عیسی، کوفی -، صاحب مسند و تفسیر، متوفای ۲۳۹، بطوریکه در جلد ۱۱ تاریخ خطیب ص ۲۸۸ - ۲۸۳ و در جلد ۲ تذکره ذهبی ص ۳۰ مذکور است، ابن معین و عجلی او را توثیق نموده اند، نامبرده در " سنن " حدیث " غدیر " را بطریق صحیح که رجال آن، همگی ثقه هستند آورده، بصفحات ۴۰ و ۴۶ و ۴۸ و ۵۰ و ۹۹ مراجعه نمائید، و روایت او در حدیث تهنیت باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۰۲ - حافظ قتیبه بن سعید بن جمیل بغلانی (بغلان قریه ایست در بلخ) ابو رجاء ثقفی (نامبرده در سال ۴۲۰ در سن ۹۲ سالگی در گذشته)، سمعانی در " انساب " نگاشته که نامبرده در شرق و غرب محدث بوده و پیشوایان جهان از هر شهر و دیار بسوی او میشتافتند، و پیشوایان پنجگانه (بخاری - مسلم - ابو داود - ابو عیسی ابو عبد الرحمن) و گروه بیشمار دیگر از او روایت کرده اند، ابن معین و نسائی و ذهبی (در جلد ۲ " تذکره " ص ۳۳) او را توثیق نموده اند، حدیث او باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند در ص ۶۵ گذشت.

۱۰۳ - پیشوای حنبلیان - ابو عبد الله احمد بن حنبل شیبانی متوفای ۲۴۱، حدیث غدیر را در " مسند " و " مناقب " بطرق بسیار و صحیح آورده که جمله از آن قبلا ذکر شده و بقیه آن نیز بطور وافی خواهد آمد انشاء الله تعالی.

۱۰۴ - حافظ یعقوب بن حمید بن کاسب - ابو یوسف مدنی - متوفای ۲۴۱، ابن معین و مصعب بن زبیر و مسلمه بن قاسم او را توثیق نموده اند و ابن حبان نامبرده را در شمار ثقات آورده و ابن عدی گفته : باکی بر او نیست، و بخاری گوید : ما جز خوبی در او ندیدیم، او اصلا متصف بصدق است، و بنابر این تضعیف او از کسی مسموع نخواهد بود، شرح حال او در جلد ۲ " تذکره " ص ۵۱ و " خلاصه " ص ۳۷۵

[صفحه ۱۵۴]

و " تهذیب التهذیب " جلد ۱۱ ص ۳۸۴ مذکور است، حدیث او در ص ۷۸ گذشت.

۱۰۵ - حافظ حسن بن حماد بن کسیب - ابو علی سجاده بغدادی متوفای ۲۴۱ احمد او را صاحب سنت دانسته و بطوریکه در " خلاصه خزرجی " ص ۶۶ و حاشیه آن مذکور است ابن حبان او را در شمار ثقات ذکر کرده، شرح حال او را خطیب در جلد ۷" تاریخ " ص ۲۹۵ ثبت و او را توثیق نموده است، روایت او بطریق حافظ واحدی در مورد نزول آیه تبلیغ در ولایت علی علیه السلام خواهد آمد.

۱۰۶ - حافظ هارون بن عبد الله بن مروان - ابو موسی بزار معروف به حمال متوفای ۲۴۳ دار قطنی و نسائی و ذهبی در جلد ۲" تذکره " ص ۶۲ و خطیب در جلد ۱۴ " تاریخ " ص ۲۲ او را توثیق نموده اند، روایت او در حدیث مناشده رحبه بلفظ ابی الطفیل بطریق صحیح که رجال آن ثقه هستند خواهد آمد.

۱۰۷- ابو عمار حسین بن حریث مروزی، متوفای ۲۴۴ (در قصر اللصوص) بطوریکه در جلد ۸ تاریخ خطیب ص ۳۶ مذکور است، نسائی او را توثیق نموده و ابن حجر در " تقریب " ص ۵۷ او را ثقه ذکر کرده، روایت او در حدیث مناشده بلفظ سعید و اسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۰۸ - هلال بن بشر بن محبوب - ابوالحسن بصری - احدب - متوفای ۲۴۶، نسائی او را توثیق کرده و ابن حبان او را در شمار ثقات آورده، نسائی در " خصائص " ص ۳ این حدیث را آورده که : خبر داد ما را هلال بن بشر بصری از محمد بن خالد (ابن عثمه) از موسی بن یعقوب زمعی از مهاجر بن مسمار از عایشه دختر سعد که گفت : از پدرم سعد شنیدم که میگفت... تا آخر حدیث مذکور در ص ۷۷ و اسناد آن صحیح و رجال آن ثقه هستند.

۱۰۹ - ابو الجوزاء احمد بن عثمان بصری متوفای ۲۴۶، ابو حاتم او را توثیق نموده و ابن ابی عاصم گفته : که نامبرده از نساك اهل بصره است و بزار او را ثقه و موصوف بامانت دانسته و ابن حبان او را در شمار ثقات ذکر نموده. شرح حال او را ابن حجر در جلد ۱ "تهذیب " ص ۶۱ ثبت نموده، حدیث از او در صفحه ۸۲

[صفحه ۱۵۵]

باسنادیکه رجال آن جز (عثمه) مادر محمد بن خالد همگی ثقه هستند، گذشت و عثمه را نشناختم و نکوهشی هم درباره او ندیدم، نسائی در " خصایص " ص ۲۵ این روایت را آورده گوید : خبر داد ما را احمد بن عثمان بصری - ابو الجوزاء - از ابن عیینه دختر سعد از سعد که گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله دست علی علیه السلام را گرفت، سپس خطبه خواند و حمد و ثنای خداوند را ادآء نمود، سپس فرمود : آیا شما نمیدانید که من اولی (سزاوارتر) هستم بشما از خودتان ؟ گفتند : بلی راست فرمودی ای رسول خدا سپس دست علی علیه السلام را گرفت و بلند کرد، و فرمود : من کنت ولیه فهذا ولیه یعنی هر کس که من ولی اویم، این (علی) ولی او است، و همانا خداوند دوست میدارد کسی را که او را دوست بدارد، و دشمن دارد کسی را گه او را دشمن دارد، اسناد صحیح است و رجال آن همگی ثقه هستند.

۱۱۰ - حافظ محمد بن علاء همدانی کوفی - ابو کریب متوفای ۲۴۸، ذهبی در جلد ۲ " تذکره " ص ۸۰ او را توثیق نموده روایت بطریق او در داستان مناشده جوانی بر ابی هریره باسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند، خواهد آمد.

۱۱۱ - یوسف بن عیسی بن دینار زهری ابو یعقوب مروزی متوفای ۲۴۹، بحکایت " تقریب " نامبرده ثقه و موصوف بفضل است، و

بطوریکه در خلاصه خزرجی ص ۳۷۸ مذکور است، جمعی از حفاظ او را توثیق نموده اند، نسائی حدیث مناشده را بطریق او و بلفظ حارثه روایت نموده که خواهد آمد و اسناد آن صحیح و رجال آن همگی ثقه هستند.

[صفحه ۱۵۶]

۱۱۲ - نصر بن علی بن نصر - ابو عمر و جهضمی بصری - متوفای ۲۵۱، ابو حاتم و نسائی و ابن خراش او را توثیق نموده اند و مسلمه گوید که : نامبرده در نزد همه آنان ثقه بوده، شرح حال او را ابن حجر در جلد ۱۰ " تهذیب " ص ۴۳۰ ثبت نموده حدیث او باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند در صفحه ۱۴۵ گذشت.

۱۱۳ - حافظ محمد بن بشار شهیر به (بندار) ابوبکر عبدی - بصری - متوفای ۲۵۲، ائمه حدیث صاحبان صحاح سته از او روایت میکنند، عجلی و ابن سیار و مسلمه ابن قاسم و غیرهم او را توثیق نموده اند، ذهبی در جلد ۲ " تذکره " ص ۵۳ گوید : اعتباری بگفتار کسی که که او را ضعیف شمرده نیست، حدیث از او بطریق ابن ماجه و ترمذی باسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند در صفحه ۸۲ - ۸۱ گذشت.

۱۱۴ - حافظ محمد بن مثنی - ابو موسی - عنزی بصری - متوفای ۲۵۲، شرح حال او را خطیب در جلد ۳ " تاریخ " ص ۲۸۶ - ۲۸۳ ثبت نموده و گفته : نامبرده ثقه و دارای دقت نظر است و سایر ائمه حدیث بروایت او استدلال مینمایند، موثق بودن و ستایش نسبت باو در بسیاری از کتب تذکره و شرح حال علماء حدیث موجود است روایت او در حدیث مناشده بلفظ سعید و باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد، و در ص ۶۴ نیز باسناد صحیح گذشت.

۱۱۵ - حافظ - یوسف بن موسی - ابو یعقوب قطان کوفی - متوفای ۲۵۳، شرح حال او را خطیب در جلد ۱۴ تاریخ خود ص ۳۰۴ ثبت نموده و گفته : گروهی از ائمه حدیث نامبرده را توثیق نموده اند و بخاری در صحیح خود بحدیث او استدلال نموده، روایت او در حدیث مناشده، بلفظ زید بن یثیع بطریق صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۱۶ - حافظ محمد بن عبد الرحیم - ابو یحیی بغدادی - بزاز معروف به (صاعقه)

[صفحه ۱۵۷]

(در سال ۱۸۵ متولد و در ۲۵۵ وفات یافته)، عبد الله بن احمد و نسائی و احمد بن صاعد و ابن اسحق سراج و مسلمه و قراب و غیرهم او را توثیق نموده اند و خطیب اتقان و ضبط و دانش و حفظ او را تایید کرده، ابن حجر شرح حال او را در جلد ۹ " تهذیب التهذیب " صفحه ۳۱۱ ثبت نموده، حدیث از او باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند ذکر شده است.

۱۱۷ - محمد بن عبد الله (مذکور در ص ۸۴) عدوی - مقری - متوفای ۲۵۶، ابن ابی حاتم گوید : در سال ۲۵۵ با پدرم حدیث از او شنیدیم و او ثقه و موصوف بصدق است، درباره او از پدرم سئوال شد و پدرم - گفت : نامبرده متصف بصدق است، و نسائی و مسلمه بن قاسم او را توثیق نموده اند و خلیلی گوید : موثق بودن او مورد اتفاق است، ابن حبان او را در شمار ثقات آورده و ابن حجر در جلد ۹ " تهذیب " ص ۲۸۴ بهمین اوصاف شرح حال او را ثبت کرده، روایت او در داستان تهنیت باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند، خواهد آمد.

۱۱۸ - (زیادتی چاپ دوم) حافظ ابو عبد الله محمد بن اسمعیل بخاری متوفای ۲۵۶ - صحیح مشهور و دایر او (معروف به صحیح بخاری) از جمله صحاح سته، است (حدیث غدیر را) نامبرده در جلد ۱ تاریخ خود در قسم یک ص ۳۷۵ (بطوریکه در طریق سالم

بن عبد الله بن عمر ذکر شده) آورده است.

۱۱۹ - حافظ حسن بن عرفه بن یزیـد - ابو علی عبدی بغدادی - متوفای ۲۵۷ در سامراء (یکصد و ده سال زندگی کرده)، ابن معین و ابو حاتم و ابن قاسم او را توثیق نموده انـد و ابن حبان او را در شـمار ثقات ذکر کرده چنانکه در جلـد ۷ تاریخ خطیب ص ۳۹۴ و در خاصه خزرجی ص ۶۷ و در جلد ۲ " تهذیب التهذیب " صفحه ۲۳۹ مذکور است، حدیث غدیر بطریق نامبرده در ص ۸۲ باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند گذشت.

[صفحه ۱۵۸]

۱۲۰- حافظ عبد الله بن سعید کندی کوفی، ابو سعد اشج - صاحب تفسیر و تصنیف متعدد، متوفای ۲۵۷، ذهبی در جلد ۲ " تذکره "ص ۸۴ شرح حال او را ثبت و نامبرده را به پیشوائی ستوده و از قول ابی حاتم نوشته که نامبرده ثقه و پیشوای اهل زمان خود بوده، و نسائی او را متصف بصدق نموده و ابن حجر موثق بودن او را از قول خلیلی و مسلمه بن قاسم ذکر نموده، روایت از او در داستان مناشـده در رحبه بلفظ عبـد الرحمن و همچنین در داسـتان مناشده مردی عراقی با جابر انصاری بطریق صـحیح و با رجال ثقه خواهد آمد.

۱۲۱ - حافظ محمـد بن یحیی بن عبـد الله نیشـابوری ذهلی (آزاد شـده بنی ذهـل) زهری (گرد آورنـده زهریـات - احادیث زهری) متوفای ۲۵۸، ذهبی در جلد ۲ " تذکره " ص ۱۱۱ شـرح حال او را ثبت و او را به پیشوائی ستوده گوید : اساتید علم در خراسان باو منتهی شده و مراتب ثقه و صیانت و دین و پیروی از سـنن را درباره او گواهی داده و خطیب در جلد ۳ تاریخ خود ص ۴۱۵ نوشته : نامبرده یکی از پیشوایان عراقی و حفاظ متقن و از ثقات موصوف بامانت است، نسائی حدیث رحبه را بطریق او و بلفظ عمیره باسناد صحیح و با رجالی که همگی ثقه هستند روایت نموده و روایت از او در ص ۵۳ و ۶۸ گذشت.

۱۲۲ - حافظ حجاج بن یوسف ثقفی بغدادی ابو محمد - مشـهور به (ابن الشاعر) متوفای ۲۵۹، شرح حال او را سمعانی در " انساب "در نسبت (شاعر) با اشـعار بموثق بودن و فهم و حفظ نامبرده ثبت کرده، ذهبی نیز در جلد ۲ " تذکره " ص ۱۲۹ شرح حال او را نگاشته و موثق بودن او را از ابن حاتم نقل نموده، خطیب هم در جلد ۸ تاریخ خود ص ۲۴۰ او را ذکر کرده و ابن حجر در جلد ۲" تهذیب " ص ۲۱۰ موثق بودن او را از قول عده از علماء حدیث حکایت نموده - روایت او در ص ۱۰۲ بطریق صحیح و با رجال ثقه گذشت.

۱۲۳ - احمد بن عثمان، حکیم ابو عبد الله اودی متوفای ۲۶۱ ر ۲۶۲، نسائی و ابن خراش او را توثیق نموده اند - و خطیب شرح حال او را در جلد ۴ تاریخش ص ۲۹۶

[صفحه ۱۵۹]

ثبت نموده، روایت از او در داستان (مناشده) بلفظ عمیره باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۲۴ - حافظ عمر بن شـبه نمیری - ابو زیـد بصـری - اخباری - متوفای ۲۶۲، بطوری که در جلـد ۲ " تـذکره " ذهبی ص ۹۸ و در خلاصه خزرجی ص ۲۴۰ مذکور است، دار قطنی او را موثق دانسـته و خطیب در جلد ۱۱ تاریخش صفحه ۲۰۸ او را توثیق کرده و بطوریکه حکایت شـده مرزبانی در معجم الشـعراء صدق و موثق بودن او را اشـعار نموده، روایت او در داسـتان احتجاج عمر بن عبد العزیز بحدیث غدیر خواهد آمد.

۱۲۵ - حافظ حمـدان احمد بن یوسف بن حاتم سـلمی - ابوالحسن نیشابوری - متوفای ۲۶۴ در نهمین عشره - (یعنی نزدیک به نزد سـال زنـدگی نموده)، مسـلم و خلیلی و دار قطنی او را توثیق نموده انـد، و حـاکم گویـد : نامبرده یکی از افراد برجسـته فن حـدیث است، بسـیار سفر کرده و دامنه فهم او وسیع بوده، شرح حال او را خزرجی در " خلاصه " ص ۱۲ و ابن حجر در جلد ۱ " تهذیب" صفحه ۹۲ چنین درج نموده اند، روایت او با سند صحیح و رجال ثقه در ص ۴۸ گذشت.

۱۲۶ - حافظ عبید الله بن عبد الکریم بن یزید ابو زرعه مخزومی رازی - متوفای ۲۶۴ ر ۸، خطیب در جلد ۱۰ تاریخ خود ص ۳۳۷ - ۳۲۶ اشـعار نموده که : نـامبرده پیشوائی بوده ربـانی، دارای حـدیث بسـیار و حفظ و صـدق، و ابو حـاتم - گویـد : ابو زرعه برای من حدیث نمود : و کسـی بمانند او در علم و فهم و خودداری و صداقت جایگزین او نگشـته، و در شـرق و غرب عالم کسی را چون او در فهم و شـان او نمیـدانم و چنـانچه مشاهـده کنی که رازی نکوهش و منقصتی نسبت بابی زرعه نموده - بـدان که بی سابقه و بی اساس است، نسائی او را توثیق نموده و جز او نیز از علماء حدیث او را توثیق نموده و ستوده اند، ابن حجر شرح حال او را در جلد ۸ "تهذیب " ص ۴۰ - ۳۰ درج نموده روایت او در حدیث " تهنیت " بروایت ابن کثیر باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۲۷ - حافظ احمد بن منصور بن سیار - ابوبکر بغدادی - صاحب مسند متوفای

[صفحه ۱۶۰]

۲۶۵ (در سن ۸۳ سالگی درگذشـته)، بطوریکه در جلد ۵ تاریخ خطیب صفحه ۱۵۱ مـذکور است، ابو حاتم و دار قطنی او را توثیق نموده اند و ابن حجر موثق بودن او را از قول خلیلی و مسلمه بن قاسم حکایت نموده، حدیث مناشده را بلفظ زید بن یثیع و عبد خیر باسنادیکه رجال آن همگی ثقه هستند روایت نموده خواهد آمد.

۱۲۸ - حافظ اسمعیل بن مسعود عبدی ابو بشر اصفهانی - مشهور به سمویه متوفای ۲۶۷، ابو الشیخ گوید : نامبرده حافظ متقنی بوده و ابو نعیم گوید : از جمله حفاظ و فقها است، و ابو حاتم صداقت او را اشعار نموده، ذهبی شرح حال او را در جلد ۲ " تذکره " ص ۱۴۵ چنین نگاشته، بصفحه ۹۸ رجوع نمائید.

۱۲۹ - حافـظ حسن بن علی بن عفـان عامری - ابو محمـد کوفی - متوفای ۲۷۰، یکی از اسـتادان حافـظ بزرگ ابن ماجه و نظایر او است، دار قطنی و مسـلمه بن قاسم او را توثیق نموده انـد و ابن حبان او را در شـمار ثقات ذکر کرده، شـرح حال او را خزرجی در" خلاصه " ص ۶۸ و ابن حجر در جلد ۲ " تهذیب " صفحه ۳۰۲ ثبت نموده اند، حدیث از او بطریق حسن (بواسطه موقعیت حسن بن عطیه بن نجیـح که نامبرده موصوف بصـدق است و بخاری از او روایت میکنـد) در ص ۵۴ گـذشت اگر چه حدیث مزبور در عداد احادیث صحیح نیست، و روایت از او در حدیث مناشده بلفظ زید بن یثیع بطریق صحیح که رجال آن - ثقات هستند خواهد آمد.

۱۳۰ - حافظ محمد بن عوف بن سـفیان - ابو جعفر طائی حمصی - متوفای ۲۷۲، ذهبی شرح حال او را در جلد ۲ " تذکره - " ص ۱۵۹ نگاشـته و گویـد : بطور تحقیق عده از علماء حدیث او را توثیق نموده اند و مراتب بزرگواری و معرفت او را سـتوده اند حدیث غدیر بطریق او در ص ۱۰۵ گذشت.

۱۳۱ - حافظ سـلیمان بن سـیف بن یحی الطائی ابو داود الحرانی متوفای ۲۷۲، نسائی او را توثیق نموده و از او بسـیار روایت میکنـد، ابن حبان نامبرده را در شمار ثقات آورده، ابن حجر شرح حال او را در جلد ۴ " تهذیب " صفحه ۱۹۹

[صفحه ۱۶۱]

ثبت نموده، روایت بطریق او در داستان (مناشده) رحبه بلفظ زید بن یثیع خواهد آمد.

۱۳۲ - حافظ محمد بن یزید قزوینی ابو عبد الله ابن ماجه - صاحب سنن - متوفای ۱۷۳، بسیاری از اعلام شرح حال او را نگاشته اند، ذهبی در جلد ۲ " تذکره " صفحه ۲۰۹ از قول ابویعلی خلیلی گوید : ابن ماجه مرد بزرگی است، و موثق بودن او مورد اتفاق است و بحدیث او احتجاج و استدلال میشود، نامبرده دارای معرفت و حفظ است، حدیث او در صفحه ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند، و همچنین در صفحه ۷۸ گذشت.

۱۳۳ - ابو محمد عبد الله بن مسلم بن قتیبه دینوری بغدادی - متوفای ۲۷۶، خطیب شرح حال او را در جلد ۱۰ تاریخ خود ص ۱۷۰ ذکر کرده و نامبرده را ثقه و متدین و فاضل معرفی نموده است، ابن خلکان نیز در تاریخش او را توثیق نموده و فضیلت او را اشعار داشته، حدیثی از او در احتجاج - برد - بر عمرو بن عاصی و حدیثی در مناشده جوانی با ابی هریره خواهد آمد.

۱۳۴ - حافظ عبد الملک بن محمد، ابو قلابه رقاضی، زاهد و محدث بصره (ولادت او در ۱۹۰ و وفاتش ۲۷۶ ثبت شده)، ابو داود گوید : نامبرده موصوف به امانت است و من روایت او را شنیده و ثبت نموده ام، ذهبی شرح حال او را در جلد ۲ " تذکره " ص ۱۹۷ ثبت نموده و ابن حجر در جلد ۶ " تهذیب " ص ۴۲۰ موثق بودن او را از ابن اعرابی و مسلمه بن قاسم حکایت کرده، ابو حبان نیز او را در شمار ثقات ذکر نموده، حدیث از او در ص ۶۶ بطریق صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند، گذشت.

۱۳۵ - حافظ احمد بن حازم غفاری - کوفی - مشهور به (ابن عزیزه) متوفای ۲۷۶ - صاحب مسند - ابن حبان او را در شمار ثقات ذکر کرده و اتقان او را اشعار

[صفحه ۱۶۲]

داشته ذهبی در جلد ۲ " تذکره " ص ۱۷۱ شرح حال او را چنین ثبت نموده، حدیث بطریق او باسناد صحیح و با رجال ثقه در ص ۴۸ گذشت، و همچنین آنچه از او در ص ۶۷ ذکر شده، و روایت باسناد او در حدیث مناشده بلفظ عمرو ذی مره بطریق صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۳۶ - حافظ محمد بن عیسی - ابو عیسی ترمذی متوفای ۲۷۹، یکی از ائمه شش گانه - صاحبان صحاح - از هر توثیقی بی نیاز است، بصفحات ۵۷ ر ۶۰ ر ۶۵ ر ۶۸ ر ۶۹ ر ۷۰، و غیرها مراجعه شود، و بسیاری از طرق او صحیح و رجال آن ثقه میباشند.

۱۳۷ - حافظ احمد بن یحی بلاذری، متوفای ۲۷۹، پیشوایان اسلام از زمان او تا امروز باو و بکتاب و تالیفات او و بنقل از او اعتماد داشته و دارند، نامبرده حدیث غدیر را در " انساب الاشراف " ذکر نموده.

۱۳۸ - حافظ ابراهیم بن حسین کسائی - همدانی - ابو اسحق معروف به (ابن دیزیل) متوفای ۲۸۰ ر ۲۸۱، نامبرده بطوریکه خواهد آمد، از ابو سعید یحیی جعفی متوفای ۲۳۷ روایت میکند، ذهبی در جلد ۲ " تذکره " ص ۱۸۳ از قول حاکم ثقه بودن و امانت او را حکایت میکند، نامبرده در کتاب صفین بطوریکه خواهد آمد. حدیث رکبان را بطریق صحیح که رجال آن ثقه هستند و همچنین نزول آیه " سال سائل " را در پیرامون واقعه غدیر روایت مینمایند.

۱۳۹ - حافظ احمد بن عمرو ابوبکر شیبانی - مشهور به (ابن ابی عاصم) متوفای ۲۸۷، ذهبی در جلد ۲ " تذکره " ص ۲۱۴ شرح حال او را ثبت و نامبرده را به پیشوائی و زهد و صدق و نفقه ستوده، حدیث او در ص ۸۳ و ۱۰۳ گذشت و روایت او بلفظ ذازان در داستان مناشده رحبه خواهد آمد.

۱۴۰ - حافظ زکریا بن یحیی بن ایاس ابو عبد الرحمن سجزی (منسوب به سجستان) ساکن دمشق معروف به (خیاط السنه ") - در

سن نود و چهار سالگی در سال ۲۸۹ وفات یافته " نسائی و ازدی و همچنین ذهبی در جلد ۲ " تذکره " ص ۲۲۳ او را توثیق نموده اند، حدیث از او باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند، در

[صفحه ۱۶۳]

ص ۴۱ و ۶۲ گذشت، و نسائی در " خصایص " ص ۲۵ از نامبرده (زکریا بن یحیی) خبر داده که او از یعقوب بن جعفر ابن کثیر بن ابی کثیر از مهاجربن مسمار حدیث نموده که او از عایشه دختر سعد و او از پدرش سعد خبر داد که سعد گفت در راه مکه با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم.. تا آخر حدیث که در ص ۷۷ مذکور است.

۱۴۱ - حافظ عبد الله بن احمد بن حنبل - ابو عبد الرحمن شیبانی متوفای ۲۹۰، خطیب در جلد ۹ تاریخش ص ۳۷۵ نامبرده را بموثق بودن و دقت نظر و فهم ستوده و ذهبی در جلد ۱ " تذکره " ص ۲۳۷ درباره او مینگارد : ما پیوسته مشاهده نمودیم که بزرگان و استادان ما نسبت بمراتب معرفت نامبرده بحال رجال و شناسائی علل حدیث و نامها و مواظبت بر طلب و کاوش او شهادت میدادند تا بحدی که بعضی از آنان افراط نموده و او را بر پدرش پیشوای حنبلیان در بسیاری (دقت و معرفت) مقدم میداشتند، بحدیث از او در ص ۶۶ که باسناد صحیح و رجالی که همگی آنها ثقه هستند و همچنین بسند صحیح مذکور در ص ۷۸ مراجعه نمائید، روایاتی نیز از او در حدیث مناشده بطرق صحیح خواهد آمد.

۱۴۲ - احمد بن عمر و ابوبکر بزار بصری - متوفای ۲۹۲ - صاحب مسند معلل، خطیب در جلد ۴ تاریخش ص ۳۳۴ گوید : نامبرده داری قوه حفظ و مورد وثوق بوده، مسند را تصنیف نموده و در پیرامون احادیث سخن گفته و علل آنها را بررسی و بیان داشته، ذهبی شرح حال او را در جلد ۲ " تذکره " ص ۲۲۸ ثبت و موثق بودن او را از دار قطنی حکایت نموده، حدیث او در صفحات ۵۰ ر ۶۹ ر ۸۲ ر ۹۷ ر ۹۸ ر ۱۰۴ - گذشت و روایات او بطرق دیگر نیز خواهد آمد که عده از طرق او صحیح است و رجال آن ثقات هستند و حافظ هیثمی بر آنها صحه گذارده است.

۱۴۳ - حافظ ابراهیم بن عبد الله بن مسلم کجی - بصری - صاحب سنن، متوفای ۲۹۲، ذهبی شرح حال او را در جلد ۲ " تذکره" صفحه ۱۹۵ ثبت نموده و گفته که : دار قطنی و غیره او را توثیق نموده اند، نامبرده بزرگوار و دانای بحدیث است، بحتری او را مدح کرده، و نامبرده حدیث تهنیت را چنانکه خواهد آمد باسناد صحیح

[صفحه ۱۶۴]

که رجال آن همگی ثقه هستند روایت نموده.

۱۴۴ - حافظ صالح بن محمد بن عمرو بغدادی ملقب به (جزره) متوفای ۲۹۳ ر ۴، خطیب شرح حال او را در جلد ۹ تاریخش ص ۳۲۲ ثبت نموده و گفته : نامبرده حافظی بوده از جمله عارفان از ائمه حدیث و از علمائی که در علم آثار و معرفت راویان اخبار مرجع اهل فن حدیثند، نامبرده موصوف بصدق و دقت نظر و امانت بوده، ذهبی در جلد ۲ " تذکره " صفحه ۲۱۵ از او یاد کرده و از دار قطنی حکایت نموده که او نیز نامبرده را ثقه و حافظ و عارف بموازین شناخته، حدیث او باسناد صحیح و با رجال ثقه در ص ۶۶ گذشت و همچنین حدیثی که از او در ص ۷۱ ذکر شد اسنادش صحیح و رجالش از ثقات است.

۱۴۵ - حافظ محمد بن عثمان بن ابی شیبه ابو جعفر عیسی - کوفی - متوفای ۲۹۷، صالح جزره او را توثیق کرده و حاکم و ذهبی آنچه را که بطریق او در مستدرك و تلخیص روایت کرده اند بصحت آن اعتراف نموده اند، ذهبی در جلد ۲ " تذکره " ص ۲۳۳

شرح حال او را ثبت نموده، حدیث باسناد او در ص ۸۵ گذشت، و در مورد نزول آیه تبلیغ در روز غدیر خم حدیث او خواهد آمد.

۱۴۶ - قاضی علی بن محمد مصیصی، نامبرده بر حافظ نسائی و نظراء او استاد بوده، بطوریکه در " سنن " و در خلاصه خزرجی ص ۱۳۵ مذکور است نسائی او را توثیق نموده و ابن حجر در " تقریب " او را موثق دانسته و در جلد ۷ " تهذیب " ص ۳۸۰ توثیق او را از طرف نسائی و ابن حبان و مسلمه بن قاسم حکایت نموده، حدیث مناشده را نسائی بلفظ سعید و زید باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند از نامبرده روایت نموده.

۱۴۷ - ابراهیم بن یونس بن محمد مودب بغدادی - مقیم طرطوس ملقب به (حرمی)، ابن حبان او را در شمار ثقات ذکر کرده و نسائی او را متصف بصدق اشعار نموده و ابن حجر در " تقریب " از او پیروی کرده، نسائی در " خصائص " ص ۴ از حرمی (نامبرده) بطور اخبار از او روایت نموده که : او از ابو غسان (مالک بن

[صفحه ۱۶۵]

اسماعیل) خبر داده و مالک مزبور از عبد السلام و او از موسی صغیر (شرح حال او در ص ۱۴۰ گذشت) از عبدالرحمن بن سابط از سعد که سعد گفت : نشسته بودیم که نسبت بعلی بن ابی طالب علیه السلام در مقام منقصت و نکوهش برآمدند... تا آخر حدیث مذکور در ص ۷۷ که سند آن صحیح و رجال آن همگی ثقه هستند.

۱۴۸ - ابو هریره محمد بن ایوب واسطی، ابو حاتم - بحکایت خزرجی صلاحیت او را تایید نموده و ابن حجر شرح حال او را در" تقریب " با اشعار بصلاحیت او ثبت نموده و در جلد ۹ " تهذیب " صفحه ۶۹ گوید : ابن حبان او را در شمار ثقات آورده و ابن ابی حاتم گفته : پدرم در سال ۲۱۴ حدیث او را نوشته و حاکم در جلد ۳ " مستدرک " صفحه ۱۰۹ صحت حدیث او را اشعار نموده، حدیث نامبرده باسنادیکه حاکم بصحت آن تصریح نموده در صفحه ۶۶ گذشت، و حدیث از او در مورد نزول آیه سال سائل در پیرامون قضیه غدیر خواهد آمد.

علماء قرن ۰۴

۱۴۹ - حافظ عبد الله بن صقر بن نصر - ابوالعباس سکری - بغدادی - متوفای ۳۰۲، خطیب در جلد ۹ تاریخش صفحه ۴۸۳ شرح حال او را ثبت و او را ثقه دانسته و دار قطنی صداقت او را تایید کرده، حدیث او باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند در صفحه ۷۸ ذکر شده است.

۱۵۰ - حافظ ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب نسائی - صاحب سنن (در سال ۳۰۳ در سن ۸۸ سالگی در گذشته) ذهبی در جلد ۲" تذکره " صفحه ۲۶۸ از دار قطنی حکایت نموده که : نسائی فقیه ترین استادان مصر و اعلم علماء عصر خود در حدیث بوده، و از نیشابوری حکایت نموده که : نسائی پیشوائی است بدون معارض، و سبکی

[صفحه ۱۶۶]

در جلد ۲ طبقات خود صفحه ۸۴ از قول ابی جعفر طحاوی حکایت نموده که : نسائی پیشوائی است از پیشوایان مسلمین، و ابن کثیر در جلد ۱۱ تاریخش ص ۱۲۳ از قول ابن یونس حکایت نموده که : نسائی پیشوائی بوده در فن حدیث که موصوف است به ثقه و دقت نظر و قوه حفظ، نامبرده (نسائی) حدیث غدیر را در " سنن " و در " خصایص " بطرق بسیار روایت نموده که اغلب آنطرق

صحیح و رجال آنها ثقه هستند از جمله آن طرق روایاتی است که خواهد آمد و قسمتی هم از آن در ص ۴۶ و ۶۴ و ۶۵ و ۷۲ و ۷۷ و ۸۸ و ۹۲ و ۹۴ ذکر شد.

۱۵۱ - حافظ حسن بن سفیان بن عامر - ابو العباس - شیبانی - نسوی - بالوزی صاحب مسند کبیر متوفای ۳۰۳، سمعانی در " انساب " او را در فقه و علم و ادب مقدم داشته و در جای دیگر او را به نام پیشوائی با اتقان و با ورع و حافظ یاد کرده، و سبکی در جلد ۲ " طبقات " ص ۲۱۰ از حاکم نقل کرده که : نامبرده محدث عصر و زمان خود در خراسان بوده که در دقت نظر و کثرت احاطه و فهم و فقه و ادب بر همگان مقدم بوده، حدیث از او در ص ۴۶ گذشت و روایت او در داستان مناشده امیرالمومنین علیه السلام در روز جمل و در داستان مراسم تهنیت باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۵۲ - حافظ احمد بن علی موصلی - ابویعلی - صاحب مسند کبیر متوفای ۳۰۷، ابن حبان و حاکم و ذهبی در جلد ۲ " تذکره" صفحه ۲۷۴ او را توثیق نموده اند و ابن کثر در جلد ۱۱ تاریخش ص ۱۳۰ او را با اوصاف حفظ و نیک اندیشی و دارای تصنیف پسندیده و رعایت عدالت در آنچه روایت میکند، و دارای نیروی ضبط، در آنچه بدان حدیث مینماید، ذکر نموده است، حدیث از او در صفحات ۴۰ و ۴۶ و ۹۷ گذشت، و روایت او در حدیث مناشده و همچنین در داستان مناشده جوانی بر ابی هریره باسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند و همچنین در حدیث تهنیت باسناد صحیح خواهد آمد.

۱۵۳ - حافظ محمد بن جریری طبری ابوجعفر صاحب تفسیر و تاریخ مشهور

[صفحه ۱۶۷]

متوفای ۳۱۰، خطیب شرح حال او را در جلد ۲ تاریخش صفحات ۱۶۹ - ۱۶۲ نگاشته و گوید : نامبرده یکی از علمائی است که بگفتارشان حکم میشود و برای آنها رجوع میشود، بسبب مراتب معرفت و فضل، و سپس نسبت باو تعریف و ستایش بسیار نموده، و ذهبی در جلد ۱ " تذکره " صفحات ۲۸۳ - ۲۷۷ او را ذکر و باوصاف امامت و زهد و ترک دنیا او را ستایش نموده است، نامبرده کتاب جداگانه ای در موضوع غدیر تالیف نموده، حدیث از او در صفحات ۴۰ و ۴۶ و ۴۸ و ۸۲ و ۸۶ و ۹۳ و ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۱۲۲ گذشت و بطرق دیگر هم از او خواهد آمد.

۱۵۴ - ابو جعفر احمد بن محمد ضبعی - احول -، متوفای ۳۱۱، حدیث از او در موضوع مناشده رحبه بلفظ عبد الرحمن خواهد آمد.

۱۵۵ - حافظ محمد بن جمعه بن خلف قهستانی، ابو قریش، صاحب مسند کبیر، متوفای ۳۱۳، خطیب در جلد ۱۲ تاریخش ص ۱۶۹ گوید : نامبرده دارای نیروی ضبط و حفظ و اتقان است و بسیار بوقایع و اخبار گوش فرا داده و بسیار سفر کرده، و ذهبی در جلد ۲ "تذکره " صفحه ۳۲۸ از قول ابی علی حافظ گوید : خبر داد ما را ابو قریش حافظ ثقه و امین اشاره بحدیث او در ص ۴۷ گذشت و روایت او در موضوع تهنیت باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۵۶- حافظ عبد الله بن محمد بغوی - ابوالقاسم - متوفای ۳۱۷، خطیب شرح حال او را در جلد ۱۰ تاریخش ص ۱۱۷ - ۱۱۱ با اشعار باینکه نامبرده ثقه و دارای دقت نظر و آثار بسیار و دارای نیروی فهم و عرفان است - ثبت نموده، و از موسی بن هارون نیز حکایت کرده که : هر گاه روا باشد که بانسانی گفته شود : ما فوق ثقه، هر آینه درباره ابوالقاسم گفته میشد، نامبرده در کتاب خود (معجم) داستان رکبان را روایت نموده که خواهد آمد، و حدیثی از او باسناد حسن در صفحه ۶۵ ذکر شد.

۱۵۷ - ابو بشر محمد بن احمد دولابی، در سال ۲۲۴ ولادت یافته و در ۳۲۰

[صفحه ۱۶۸]

در گذشته، بطوریکه ابن خلکان در جلد ۲ تاریخش ص ۸۵ قید نموده، روایت نامبرده مورد اعتماد است، حدیث او در ص ۵۴ و ۶۵ هر دو باسناد صحیح و رجال ثقه، ذکر شد.

۱۵۸ - ابو جعفر احمد بن عبد الله بن احمد بزاز معروف به، ابی النیری، در سال ۲۳۲ ولادت یافته و در ۳۲۰ درگذشته است، خطیب در جلد ۴ تاریخش ص ۲۲۶ شرح حال او را ثبت و گفته که : نامبرده ثقه است، حدیث از او در موضوع آیه اکمال دین و در داستان تهنیت خواهد آمد که اسناد آن صحیح و رجال آن همگی ثقه هستند.

۱۵۹ - حافظ ابوجعفر احمد بن محمد ازدی طحاوی حنفی - مصری - در سال ۲۲۹ ولادت یافته و در ۳۲۱ درگذشته است، استاد فقه و حدیث است و ریاست دینی در مصر باو منتهی میشود، ابن کثیر در جلد ۱۱ تاریخش ص ۱۷۴ شرح حال او را نگاشته و گفته که : نامبرده یکی از علماء ثقه و دارای دقت نظر و نیروی حفظ و از افراد برجسته این فن است، و ذهبی در جلد ۳ " تذکره " ص ۳۰ از ابن یونس حکایت نموده که نامبرده ثقه و دارای دقت نظر و فقاهت است و خردمندی است که چون او کسی جایگزین او نیست، حدیث از او باسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند در ص ۷۹ و همچنین در ص ۱۰۲ ذکر شد.

۱۶۰ - ابو اسحق ابراهیم بن عبد الصمد بن موسی هاشمی متوفای ۳۲۵ خطیب در جلد ۶ تاریخش ص ۱۳۷ شرح حال او را ثبت کرده، حدیث بطریق او در داستان مناشده مردی عراقی بر جابر انصاری بحدیث غدیر خواهد آمد.

۱۶۱ - حافظ حکیم، محمد بن علی ترمذی - صوفی - شافعی - صاحب کتاب " فروق " و " نوادر الاصول " بطوریکه در شرح حال او مذکور است، در کتاب خود " نوادر الاصول " از بعضی استادان خود روایت میکند، حافظ ابو نعیم در " حلیه " او را ستوده و شرح حال او را سبکی در جلد ۲ طبقاتش صفحه ۲۰ ثبت نموده، حدیث از

[صفحه ۱۶۹]

او در ۵۹ گذشت.

۱۶۲ - حافظ، ابن الحافظ، عبد الرحمن بن ابی حاتم محمد بن ادریس تمیمی حنظلی رازی، متوفای ۳۲۷، ذهبی در جلد ۳ " تذکره "ص ۴۸ شرح حال او را ثبت و نامبرده را بسمت پیشوائی و نیروی حفظ و تشخیص ستوده و موثق بودن او را از ابن ولید باجی حکایت نموده، سبکی نیز در جلد ۲ طبقاتش ص ۲۳۷ شرح حال او را ثبت کرده و از ابی یعلی خلیلی حکایت نموده که نامبرده مرد زاهدی بوده و از ابدال شمرده میشد، حدیث از او در ص ۸۶ گذشت و در مورد نزول آیه تبلیغ در شان علی علیه السلام نیز خواهد آمد.

۱۶۳ - ابو عمرو، احمد بن عبد ربه قرطبی متوفای ۳۲۸، ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۳۴ شرح حال او را ثبت و گفته : نامبرده از علمائی است که دارای محفوظات بسیار و اطلاع زیاد بر اخبار مردم بوده و کتاب " العقد الفرید " را که از کتب سودمند است، او تصنیف نموده، نامبرده در جلد ۲ کتاب خود " عقد الفرید " ص ۲۷۵ چنین نگاشته : علی علیه السلام در سن پانزده سالگی اسلام آورد و او اولین کسی است که شهادت بوحدانیت خداوند و رسالت محمد صلی الله علیه و آله داد، و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وآل من والاه و عاد من عاداه و روایت از او در داستان احتجاج مامون بر چهل تن از فقهاء باحادیثی که از جمله آن حدیث غدیر است، خواهد آمد.

۱۶۴ - فقیه ابو عبد الله حسین بن اسمعیل بن سعید محاملی ضبی (در سن ۹۵ سالگی در سال ۳۳۰ در گذشته، سمعانی در انسابش

نامبرده را فاضل و صادق و متدین و ثقه معرفی نموده، و ابن کثیر در جلد ۳ تاریخش صفحه ۲۰۳ او را موصوف بصدق و تدین و فقیه و محدث اعلام کرده و اشعار نموده که شصت سال قضاوت در کوفه بعهده او بوده و قضاوت فارس و توابع آن نیز باو محول گشته، سپس از مقام مزبور بکلی استعفا کرده و ملازم خانه خود شده و اکتفاء بشنیدن و بیان حدیث نموده، روایت از او در ص ۹۸ و ۱۰۳ باسنادیکه صحت آنرا در امالی خود تصدیق نموده

[صفحه ۱۷۰]

گذشت، و روایت دیگر او در حدیث مناشده بلفظ زید بن یثیع باسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند، خواهد آمد.

۱۶۵ - ابو نصر حبشون بن موسی بن ایوب خلال - در سال ۲۳۴ متولد و در ۳۳۱ درگذشته، نامبرده استاد - حافظ دار قطنی و امثال او است، خطیب در جلد ۸ تاریخش صفحه ۲۹۰ شرح حال او را ثبت نموده و گفته : نامبرده ثقه است، حدیث او و شرح حالش در باب روزه غدیر خواهد آمد و بزودی بر صحت اسناد آن و ثقه بودن تمامی رجال آن واقف خواهید شد.

۱۶۶ - حافظ ابو العباس احمد بن عقده متوفای ۳۳۳، بهر یک از کتب تذکره و شرح حال دست بیابید، شرح حال و ستایش نسبت باو را خواهید یافت، نامبرده یک کتاب تالیف و اختصاص بداستان غدیر داده و قریبا در تعداد مولفین کتب در موضوع غدیرخم از تالیف مزبور بتفصیل آگاه خواهید شد، نامبرده داستان غدیرخم را بطرق بسیار روایت نموده که قسمتی از آن قبلا ذکر شده و قسمتی نیز خواهد آمد.

۱۶۷ - ابو عبد الله بن علی بن خلف عطار کوفی مقیم بغداد، خطیب شرح حال او را در جلد ۳ تاریخش در ص ۵۷ ثبت و از قول منصور که خود از او شنیده نقل کرده که : محمد بن علی بن خلف ثقه و متصف بامانت و حسن عقل و خرد است، حدیث او باسناد صحیح و رجال ثقه در ص ۱۲۰ گذشت.

۱۶۸ - حافظ هیثم بن کلیب ابو سعید شاشی - متوفای ۳۳۵ صاحب مسند کبیر، دهبی در جلد ۳ " تذکره " ص ۶۶ شرح حال و توثیق او را ثبت نموده، حدیث او در ص ۸۰ گذشت و کنجی اشعار نموده که حدیث مزبور حسن و اطراف آن صحیح است.

۱۶۹ - حافظ محمد بن صالح بن هانی ابوجعفر وراق نیشابوری متوفای ۳۴۰ ابن کثیر در جلد ۱۱ تاریخش " البدایه و النهایه " ص ۲۲۵ شرح حال او را ثبت نموده و گفته : نامبرده ثقه و زاهد بوده و از خصوصیات زهد او این بوده که فقط از

[صفحه ۱۷۱]

دسترنج خود امرار زندگی میکرد و تهجد (نافله شب) خود را قطع و ترک نکرد، سبکی نیز در جلد ۲ طبقاتش در س ۱۶۴ شرح حال او را نگاشته و او را ستایش کرده حدیث او در ص ۴۸ لاسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند گذشت.

۱۷۰ - حافظ ابو عبد الله محمد بن یعقوب بن یوسف شیبانی نیشابوری، معروف به " ابن اخرم (" در سال ۲۵۰ متولد شده و در ۳۴۴ درگذشته)، - صاحب مسند کبیر - ذهبی در جلد ۳ " تذکره " ص ۸۲ شرح حال او را ثبت و نامبرده را مورد ستایش قرار داده گوید : ابن خزیمه پیوسته ابا عبد الله بن یعقوب را بر تمام اقرانش مقدم میداشت و در آنچه که بر او وارد میشد بگفتار نامبرده اعتماد داشت و هر زمان در چیزی شک میکرد آنرا باو عرضه مینمود، حافظ ابوبکر بیهقی روایت او را که در ص ۷۱ ذکر شده از حافظ حاکم نیشابوری روایت کرده که اسناد آن صحیح و رجال آن همگی ثقه هستند.

۱۷۱ - حافظ یحیی بن محمد بن عبد الله - ابو زکریا العنبری - البغیانی در سن هفتاد و شش سالگی سال ۳۴۴ وفات یافته، سمعانی

در " انساب " شرح حال او را ثبت و نامبرده را ستوده، و سبکی در جلد ۲ " طبقات " ص ۳۲۱ او را بعنوان یکی از پیشوایان ذکر نموده، و حاکم او را بوصف عدل. ادیب. مفسر یگانه بین اقرانش - معرفی نموده، و از قول ابو علی حافظ گوید : مردم از حفظ ما نسبت باین اسانید و طرق روایات تعجب میکنند، در حالیکه : ابو زکریا عنبری بحدی در حفظ علوم پیش رفته که چنانچه حفظ قسمتی از آن بما تکلیف شود، از آن عاجز خواهیم بود و من یاد ندارم که نظر او را دیده باشم حدیث او در ص ۷۸ گذشت.

۱۷۲ - مسعودی - علی بن حسین بغدادی - مصری - متوفای ۳۴۶، نسب او منتهی میشود بعبد الله بن مسعود، سبکی در جلد ۲" طبقات الشافعیه " ص ۳۰۷ شرح حال او را نگاشته و گوید : نامبرده اخباری و مردی پرهیزکار و بسیار دانشمند (علامه) بوده، و گفته شده که : از حیث عقیده معتزلی بوده، حدیث از او در احتجاج امیر المومنین علیه السلام طلحه بحدیث غدیر در روز جمل خواهد آمد.

[صفحه ۱۷۲]

۱۷۳ - ابو الحسین محمد بن احمد بن تمیم خیاط - قنطری - حنظلی و در سال ۲۵۹ متولد و در ۳۴۰ وفات یافته)، خطیب در جلد ۱ تاریخش ص ۲۸۳ شرح حال او را ثبت نموده، حدیث او در ص ۶۶ باسنادی که تمام رجال آن ثقه هستند ذکر شده.

۱۷۴ - حافظ جعفر بن محمد بن نصیر - ابو محمد خواص - معروف بن خلدی - متوفای ۳۴۷، خطیب در جلد ۷ تاریخش صفحه ۲۲۶ و ۲۳۱ شرح حال او را ثبت نموده و گفته : نامبرده ثقه و صادق و متدین و فاضل بوده، حدیث او در باب نزول آیه اکمال درباره علی علیه السلام باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۷۵ - ابو جعفر محمد بن علی شیبانی کوفی، از جمله علمائی است که درباره حدیث غدیرخم دارای تصنیف هستند، حاکم در" مستدرك " و ذهبی در " تلخیص " در موارد عدیده صحت حدیث او را تصریح نموده اند، حدیث او در صفحه ۴۸ باسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند، و همچنین در صفحه ۶۶ گذشت.

۱۷۶ - حافظ دعلج بن احمد بن دعلج بن عبد الرحمن - ابو محمد سجستانی معدل، متوفای ۳۴۱، خطیب در جلد ۸ تاریخش صفحه ۳۹۲ / ۳۸۷ شرح حال او را نگاشته و گفته : نامبرده ثقه و دارای دقت نظر بوده و حکام شهادت او را پذیرفته اند و عدالت او را اثبات کرده اند، و برای او " مسند " ترتیب داده اند، (یعنی روایت های مسند او را جمع کرده اند)، دار قطنی گوید : در میان اساتید خود چون او دارای دقت نظر نیافتیم او ثقه و امین بود، و عمر بصری گوید : در بغداد در میان کسانی که انتخاب نمودم کسی نیافتم که در صحت کتابت و نیکوئی سماع (سماع احادیث) از دعلج بهتر باشد حدیث او باسنادی که حاکم صحت آنها را در جلد ۳" مستدرك " صفحه ۱۰۹ تصریح نموده در صفحه ۶۶ گذشت.

۱۷۷ - ابوبکر محمد بن حسن بن محمد نقاش - مفسر موصلی - بغدادی - متوفای ۳۵۱، ابن کثیر در جلد ۱۱ تاریخش صفحه ۲۴۱ شرح حال او را نگاشته و گفته : نامبرده مردی است دارای صلاحیت نفسانی و عابد و ملتزم باداب، تفسیر موسوم به " شفاء الصدور "از اوست، حدیث او در باب نزول آیه سال سائل در پیرامون نص

[صفحه ۱۷۳]

غدیر خواهد آمد.

۱۷۸ - حافظ محمد بن عبد الله شافعی - بزاز - بغدادی، متوفای ۳۵۴ (در سال ۲۶۰ متولد شده)، خطیب در جلد ۵ تاریخش ص

۴۵۶ شرح حال او را ثبت و گفته : نامبرده ثقه و دارای دقت نظر و حدیث بسیار و تصنیف پسندیده و نیکو است، و از دار قطنی حکایت نموده که : نامبرده ثقه و امین بوده و ذهبی در جلد ۳ " تذکره " ص ۹۶ از او یاد نموده و گوید : نامبرده ثقه و امین است و در زمان او کسی از او موثق تر نبوده، و ابن کثیر در جلد ۱۱ تاریخش صفحه ۲۶۰ گفته : نامبرده ثقه و دارای دقت نظر و دارای روایت بسیار است، حدیث او در داستان (مناشده) رحبه بلفظ زید بن ارقم باسناد صحیح خواهد آمد.

۱۷۹ - حافظ ابو حاتم - محمد بن حبان بن احمد تمیمی - بستی متوفای ۳۵۴، ذهبی در جلد ۳ " تذکره " ص ۱۳۳ شرح حال او را نگاشته و گفته : نامبرده از فقهاء دین و حافظین آثار بوده و حاکم گوید : او از علم فقه و لغت و وعظ پر و از مردان خردمند بوده، و خطیب گوید : ثقه و بزرگوار و دارای فهم بوده و ابن کثیر در جلد ۱۱ تاریخش صفحه ۲۵۹ از او یاد نموده و گوید ؟ نامبرده یکی از حفاظ بزرگوار و از مصنفین و مجتهدین عالیمقدار است حافظ محب الدین طبری در جلد ۲ " ریاض النضره " ص ۱۶۹ حدیث مناشده در رحبه را که بلفظ ابی الطفیل خواهد آمد، روایت نموده، سپس گفته : این حدیث را ابو حاتم با بررسی در اسناد روایت کرده

۱۸۰ - حافظ سلیمان بن احمد بن ایوی لخمی - ابوالقاسم طبرانی (در سال ۲۶۰ متولد و در ۳۶۰ وفات یافته) ذهبی در جلد ۳" تذکره " ص ۱۳۱ - ۱۲۶ شرح حال او را نگاشته و درباره او گوید : امام علامه حجت - یگانه صاحب مسند دنیا، از هزار استاد و بیشتر حدیث نموده و با وصف صداقت و امانت از مردان زبده این امر (امر حدیث) بوده، ابو العباس شیرازی موثق بودن او را اعلام داشته، نامبرده حدیث غدیر را بطرق بسیار روایت نموده که اغلب آن صحیح و رجال اسنادش ثقه هستند، بصفحات ۴۵ و ۵۳ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۹ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۳ و ۷۶ و ۸۲

[صفحه ۱۷۴]

و ۸۳ و ۸۶ و ۹۲ و ۹۴ و ۹۷ و ۹۹ و ۱۰۳ و ۱۰۷ و ۱۰۹ و ۱۱۹ مراجعه نمائید، و روایت او در حدیث مناشده بلفظ زید بن یثیع باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند خواهد آمد.

۱۸۱ - احمد بن جعفر بن محمد بن مسلم، ابوبکر حنبلی، صاحب مسند کبیر، متوفای ۳۶۵، ابن کثیر در جلد ۱۱ تاریخش ص ۲۸۳ گوید : نامبرده ثقه است، نزدیك نود سال زندگی کرده، حدیث او باسناد صحیح و رجال ثقه در صفحه ۱۲۰ گذشت.

۱۸۲ - ابوبکر - احمد بن جعفر بن حمدان بن مالك قطیعی (در سن ۹۶ سالگی در سال ۳۶۷ وفات یافته)، خطیب در جلد ۴ تاریخش ص ۷۴ شرح حال او را نگاشته و از ابن مالك حکایت نموده که : نامبرده استادی بوده با صلاحیت و از دیگری حکایت نموده که : نامبرده متصف بصدق بوده، و از برقانی حکایت نموده که : قسمتی از نوشتجات او در آب غرق و تلف شد و او آنقسمت را از نوشته ای استنساخ کرد که (میگفتند) مسموعات او در آن نبوده، و بهمین مناسبت او را مورد نکوهش قرار دادند، وگرنه، نامبرده ثقه است و ابن کثیر در جلد ۱۱ تاریخش ص ۲۹۳ نوشته که : نامبرده ثقه و دارای حدیث بسیار است، و حاکم در" مستدرك " و ذهبی در تلخیص خود صحت حدیث او را تصریح نموده اند، حدیث مناشده در رحبه بطریق او از عبد الرحمن بن ابی لیلی و ابی الطفیل باسناد صحیح و رجالی که همگی ثقه مستند، خواهد آمد، و حاکم در جلد ۳ " مستدرك " ص ۱۳۲ گوید : خبر داد ما را، ابوبکر احمد بن جعفر بن حمدان قطیعی در بغداد از اصل نوشته خود، حدیث از عبد الله بن حنبل و او از پدرش - از یحیی بن حماد از ابو عوانه - از ابو بلج از - عمرو بن میمون که گفت : من نزد عبد الله بن عباس نشسته بودم : در این هنگام نه گروه بر او وارد شدند... تا آخر حدیث مذکور در ص ۹۵، و اسناد آن صحیح و رجال آن همگی ثقه هستند.

[صفحه ۱۷۵]

۱۸۳- ابو یعلی زبیر بن عبد الله بن موسی بن یوسف بغدادی، توزی مقیم نیشابور، متوفای ۳۷۰، خطیب در جلد ۸ تاریخش ص ۴۷۳ شرح حال او را ثبت نموده و ابن اثیر در جلد ۹ " کامل - " ص ۴ او را ذکر کرده، حدیث او در باب تهنیت باسناد صحیح خواهد آمد.

۱۸۴ - ابو یعلی - ابوبکر - محمد بن احمد بن بالویه - نیشابوری - معدل (در سال ۳۷۴ در سن ۹۴ سالگی وفات یافته) خطیب در جلد ۱ تاریخش ص ۲۸۲ شرح حال او را ثبت و موثق بودن او را از برقانی حکایت کرده، و حاکم در " مستدرک " روایت بسیار از او نقل نموده و صحت حدیث او را تصریح کرده، ذهبی نیز در تلخیص خود از او یاد نموده، حدیث او راجع به غدیرخم باسنادیکه رجال آن همگی ثقه هستند، در ص ۶۶ گذشت.

۱۸۵ - حافظ - علی بن عمر بن احمد دار قطنی - متوفای ۳۸۵، در بسیاری از کتب تذکره و تاریخ شرح حال او یافت میشود، خطیب در جلد ۱۲ تاریخش ص ۳۴ گوید : نامبرده یگانه زمان و نادره عصر خود و پرورش یافته بفطریات منحصر بخود و پیشوای زمان خود بوده، علم باثار پیشین و شناسائی نسبت بعلل حدیث و نام مردان حدیث و احوال راویان با التزام بصداقت و امانت و با وصف فقه و عدالت و قبول شهادت در صحت اعتقاد و سلامت مذهب و در برداشتن و احاطه بسیار انواع علوم، تمامی باو منتهی میشود، حدیث او در موضوع روزه روز غدیر و همچنین در باب مناشده رحبه خواهد آمد که هر دو باسناد صحیح و با رجال ثقه میباشد.

۱۸۶ - حافظ - حسن بن ابراهیم بن حسین - ابو محمد مصری مشهور به (ابن زولاق) (در سال ۳۸۷ در سن ۸۱ سالگی وفات یافته)، ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۱۴۶ و ابن کثیر در جلد ۱۱ (البدایه و النهایه، " ص ۳۲۱ شرح حال او را

[صفحه ۱۷۶]

ثبت کرده اند، نامبرده بطوریکه مقریزی در جلد ۲ " خطط " ص ۲۲۲ متعرض است حدیث غدیر را در تاریخ خود روایت نموده است.

۱۸۷ - حافظ - عبید الله بن محمد عکبری - ابو عبد الله بطی - حنبلی - مشهور بن " ابن بطه " متوفای ۳۸۷، سمعانی در انسابش او را ذکر نموده و به پیشوائی و فضل و علم و حدیث و فقه و زهد او را ستوده، حدیث تهنیت را که خواهد آمد، بلفظ براء بن عازب با ذکر سند روایت نموده است.

۱۸۸ - حافظ محمد بن عبد الرحمن بن عباس - ابو ظاهر مشهور به (مخلص الذهبی) متوفای. ۳۸۸ ابن کثیر در جلد ۱۱ تاریخش ص ۳۳۳ شرح حال او را ثبت و درباره او گفته : نامبرده استادیست کثیر الروایه، و ثقه و از افراد صالح، محب الدین طبری در جلد ۲" ریاض النضره " ص ۱۶۹ حدیث غدیر را بلفظ حبشی مذکور در ص ۵۵ روایت نموده و گفته : این روایت را با بررسی و ذکر اسناد - مخلص الذهبی ذکر نموده است.

۱۸۹ - حافظ - احمد بن سهل - فقیه بخاری - یکی از استادان حاکم که روایات بسیار در " مستدرک " از او نقل کرده و صحت حدیث او را در آنجا تصریح نموده و همچنین، ذهبی در تلخیص خود - حدیث نامبرده در ص ۶۶ بدو اسناد صحیح که تمامی رجال آن ثقه هستند ذکر شد.

۱۹۰ - عباس بن علی بن عباس نسائی، خطیب در جلد ۱۲ تاریخش ص ۱۵۴ شرح حال او را ثبت و او را ثقه دانسته، حدیث او در

ص ۱۲۰ باسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند گذشت.

۱۹۱ - یحیی بن محمد اخباری - ابو عمر بغدادی، خطیب در جلد ۱۴ تاریخش ص ۲۳۶ شرح حال او را ثبت و حدیث مناشده رحبه را در آنجا بطریق او و بلفظ عبد الرحمن باسناد حسن آورده که خواهد آمد،

[صفحه ۱۷۷]

علماء قرن ۰۵

۱۹۲ - متکلم، قاضی - محمد بن طیب بن محمد - ابوبکر باقلانی متوفای ۴۰۳، از اهل بصره است که در بغداد اقامت گزیده، سخنان و تصنیف او در (کلام) بیش از دیگران است، خطیب در جلد ۵ تاریخش ص - ۳۷۹ او را توثیق و ستایش نموده نامبرده حدیث موالات و حدیث تهنیت را در کتاب خود " التمهید " در رد بر مذاهب روایت نموده، که خواهد آمد.

۱۹۳ - حافظ - محمد بن عبد الله بن محمد، ابو عبد الله - حاکم ضبی - معروف به (ابن البیع) نیشابوری - متوفای ۴۰۵ - صاحب" مستدرک " بر صحیحین (صحیح مسلم و صحیح بخاری) که مورد نظر همگان و مشهور است - در سال ۳۲۱ ولادت یافته و از دوران کودکی در تحصیل و طلب حدیث بوده و در سن ۳۰ سالگی صلاحیت شنیدن و حفظ حدیث را احراز کرده خطیب و ذهبی - و ابن کثیر در جلد ۶ تاریخش ص ۲۷۳ و در جلد ۳ " تذکره " صفحه ۲۴۲ و در جلد ۱۱ (البدایه و النهایه) صفحه ۳۵۵ او را توثیق نموده اند، حدیث غدیر را در مستدرک خود بطرق مختلف که صحت اکثر آنها را تصریح نموده، روایت کرده، از جمله آنها در صفحات ۴۸ و ۶۶ و ۷۲ و ۷۸ و ۸۸ و ۹۲ و ۹۷ و ۱۰۳ گذشت، و روایت او در حدیث مناشده رحبه بلفظ زید بن یثیع باسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند و در حدیث احتجاج روز جمل، خواهد آمد.

۱۹۴ - احمد بن محمد بن موسی بن قاسم بن صلت - ابوالحسن مجبر بغدادی متوفای ۴۰۵، خطیب در جلد ۵ تاریخش صفحه ۹۵ شرح حال او را ثبت و از دقاق حکایت نموده که : نامبرده استادی با صلاحیت و متدین بوده، روایت او در حدیث مناشده مردی عراقی بر جابر انصاری باسناد صحیح خواهد آمد.

[صفحه ۱۷۸]

۱۹۵ - حافظ - عبد الملک بن ابی عثمان - ابو سعد نیشابوری - مشهور بن (خرکوشی) متوفای ۴۰۷، ذهبی در (عبر) شرح حال او را ثبت و از قول حاکم گوید : جامع تر از او از حدیث علم و ذهد و تواضع و ارشاد بسوی خداوند ندیدم، حدیث تهنیت از او بدو طریق خواهد آمد.

۱۹۶ - حافظ - احمد بن عبد الرحمن بن احمد - ابوبکر فارسی - شیرازی متوفای ۴۱۱ / ۴۰۷، ذهبی در جلد ۳ " تذکره " صفحه ۲۶۷ شرح حال او را ثبت و درباره او چنین گوید : حافظ، پیشوا، محیط و جولان گر (در احادیث)، و از ابی الفرج بجلی حکایت نموده که او را : موصوف بصدق و حفظ که در این رشته بسیار نیکو از عهده برآمده ذکر نموده است، حدیث از ابن عباس را در آیات که از قرآن درباره علی علیه السلام نازل شده، با بررسی در اسناد روایت نموده، حدیث منسوب باو در صفحه ۹۹ گذشت، و در مورد آیه تبلیغ نیز خواهد آمد.

۱۹۷ - حافظ - محمد بن احمد بن محمد بن سهل - ابی الفتح بن ابی الفوارس (جد او - سهل - کنیه اش ابوالفوارس بوده) - در

سال ۳۳۸ متولد و در ۴۱۲ وفات یافته، خطیب در جلد ۱ تاریخش صفحه ۳۵۲ شرح حال او را ثبت و درباره او چنین مینگارد : بسیار نوشته و گرد آورده و دارای قوه حفظ و معرفت و امانت و ثقه بوده و مشهور بصلاحیت است، و مردم از روی تشخیص و انتخاب او احادیثی را که از اساتید بدست آورده استنساخ و نوشته اند، روایت او در حدیث تهنیت خواهد آمد.

۱۹۸ - حافظ - احمد بن موسی بن مردویه - اصفهانی - ابوبکر متوفای ۴۱۰، ذهبی در جلد ۳ " تذکره " صفحه ۲۵۲ او را ذکر نموده و درباره او چنین نگاشته : حافظ دارای دقت نظر و علامه، در رشته بررسی احادیث و جمع آن ثابت قدم و دارای بصیرت بحال رجال حدیث و تحقیق او بسیار و دارای تصانیف نمکین و مطلوب میباشد، حدیث منسوب باو در صفحات ۴۰ و ۸۴ و ۸۶ و ۹۹ و ۱۰۰ گذشت، و روایت او در داستان رکبان و در مورد آیه اکمال دین و در حدیث تهنیت خواهد آمد.

[صفحه ۱۷۹]

۱۹۹ - ابو علی - احمد بن محمد بن یعقوب - ملقب به (مسکویه) صاحب کتاب " التجارب " متوفای ۴۲۱، ابو حیان در جلد ۱ " الامتاع " صفحه ۳۵ و یاقوت در جلد ۵ " معجم الادباء " صفحه ۱۹ - ۵ و ابن شاکر در جلد ۲ " الوافی بالوفیات " ص ۲۶۹ و غیر آنها را ستوده اند، نامبرده حدیث غدیرخم را در " ندیم الفرید " روایت نموده که لفظ او در احتجاج مامون خلیفه عباسی بر فقهاء بحدیث غدیر خواهد آمد.

۲۰۰ - قاضی - احمد بن حسین بن احمد - ابوالحسن - معروف به " ابن سماك بغدادی (" در سن ۹۵ سالگی در ۴۲۴ وفات یافته)، نامبرده مرد بزرگی بوده و در جامع منصور مجلس وعظی داشته که در آن مجلس - سخنرانی میکرده، خطیب در جلد ۴ تاریخش صفحه ۱۱۰ این موضوع را ذکر کرده، نامبرده حدیث نزول آیه اکمال دین را درباره علی علیه السلام روایت نموده است.

۲۰۱ - ابو اسحق احمد بن محمد بن ابراهیم ثعلبی نیشابوری - مفسر مشهور - متوفای ۴۲۷ ر ۳۷، ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش صفحه ۲۲ شرح حال او را ثبت و گوید : نامبرده در علم تفسیر یگانه عصر و زمان خود بوده و تفسیر کبیر را که برتر از سایر تفاسیر است، تصنیف نموده، و فارسی - در تاریخ نیشابور او را نام برده و گفته : ثعلبی آنچه نقل میکند - صحیح و مورد وثوق و اعتماد است، او از ابی طاهر بن خزیمه و امام ابی بکر بن مهران مقری حدیث میکند و حدیث او بسیار و مشایخ و استادان او زیادند، در تفسیر خود " الکشف و البیان " حدیث نزول آیه تبلیغ و حدیث نزول آیه سال سائل را پیرامون واقعه غدیر با بررسی در اسناد آن روایت نموده است.

۲۰۲ - ابو محمد عبد الله بن علی بن محمد بن بشران - در سال ۳۵۵ متولد و در ۴۲۹ وفات یافته، شیخ خطیب بغدادی در جلد ۱۰ تاریخش صفحه ۱۴ گوید : من از احادیث او نوشتم و آنچه را با شنیدن از اساتید و مشایخ خود نقل کرده صحیح است، حدیث او در داستان تهنیت و روزه غدیر باسناد صحیح که رجال آن همگی ثقه هستند، خواهد آمد.

[صفحه ۱۸۰]

۲۰۳ - ابو منصور عبد الملك بن محمد بن اسمعیل ثعالبی - نیشابوری - متوفای ۴۲۹ صاحب " یتیمه الدهر " ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۳۱۵ شرح حال او را ثبت و او و تالیفات و زین و گرانبهایش را ستوده، و ابن کثیر در جلد ۱۲ تاریخش ص ۴۴ او را نام برده و گفته : نامبرده در لغت و اخبار و حوادث ایام خلق پیشوا و محیط و وجود سومندی بوده، حدیث غدیر را در ص ۵۱۱ کتاب " ثمار القلوب " روایت نموده، لفظ او در - عید غدیر، خواهد آمد.

۲۰۴ - حافظ - احمد بن عبد الله - ابو نعیم اصفهانی - در سال ۳۳۶ متولد و در ۴۳۰ وفات یافته، شرح حال و ستایش او در بسیاری از کتب تاریخ و شرح حال رجال مندرج و ثبت است، ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۲۷ گوید : نامبرده از محدثین بنام و مشهور و از بزرگان حفاظ مورد اعتماد و وثوق است، از افاضل محدثین گرفته و افاضل از او اخذ و بحدیث او منتفع شده اند، و کتاب او " حلیه الاولیاء " از بهترین کتب است، و ذهبی در جلد ۳ تذکره اش ص ۲۹۲ از قول ابن مردویه نقل کرده که : ابو نعیم در زمان خود کسی بوده که طالبان حدیث برای درک مجلس و بهره گیری از او بار سفر می بستند و بسوی او می شتافتند، و در افق اقطار جهان احدی در قوه حفظ و سندیت کلام چون او نبوده، او یگانه حافظ دنیا (در زمان خود) بوده، همگان در نزد او جمع میشدند و هر یک از حاضرین بنوبه خود در هر روز آنچه از احادیث مورد نیازش بود تا نزدیک ظهر در محضرش قرائت مینمود و تصحیح میکرد، احادیث او (در غدیرخم) در صفحات ۴۷ و ۵۴ و ۵۷ و ۶۱ و ۷۶ و ۷۹ و ۸۳ و ۸۴ و ۱۰۳ و ۱۱۱ و ۱۲۰ گذشت، و حدیث او در داستان (مناشده) رحبه و در باب احتجاج عمر بن عبد العزیز و در نزول آیه تبلیغ و آیه اکمال دین درباره علی علیه السلام خواهد آمد که بسیاری از اسناد آن صحیح و رجال آن ثقه هستند.

۲۰۵ - ابو علی - حسن بن علی بن محمد تمیمی - واعظ معروف به (ابن المذهب) (در سال ۴۴۴ در سن ۸۹ سالگی وفات یافته) خطیب در جلد ۷ تاریخش ص ۳۹۰ شرح حال او را ثبت و گفته که : مسموعات او نسبت بمسند احمد از قطیعی

[صفحه ۱۸۱]

صحیح است، مگر در بعض اجزاء آن که اسم او در آنها الحاق شده - ابن کثیر (در جلد ۱۲ ص ۹۴ " البدایه و النهایه) " از قول ابن جوزی گوید : این امر موجب قدح و نکوهش سماع او نخواهد بود، زیرا پس از تحقق موضوع (اعتماد بانچه شنیده) رواست، که نام خود را به آنچه شنیدن آن محقق شده ملحق نماید، روایت او در مورد - مناشده رحبه بلفظ عبد الرحمن ابن ابی لیلی خواهد آمد.

۲۰۶ - حافظ، اسماعیل بن علی بن حسین - ابو سعید رازی - معروف به (ابن سمان) متوفای ۴۴۵، ابن عساکر در جلد ۳ تاریخش ص ۳۵ شرح حال او را ذکر و گفته : نامبرده از عده مشایخ و استادان حدیث در حدود چهار صد نفر - استماع حدیث کرده، در عصر و زمان خود پیشوای معتزله بوده و از بزرگان حفاظ است، در او زهد و ورع مشهود بوده، و عمر کلبی گوید : نامبرده بزرگ و استاد عدلیه (یعنی معتزله) و عالم و فقیه و متکلم و محدث آنگروه بوده و در قرائت ها و حدیث و شناسائی رجال و انساب و فرایض و حساب و شروط و مقدورات پیشوائی بلا معارض بوده، و نیز در فقه ابی حنیفه پیشوا بوده.. و از این قبیل کلمات رسا در ستایش او، حدیث منسوب باو در ص ۴۶ و ۱۰۵ گذشت.

۲۰۷ - حافظ - احمد بن حسین بن علی - ابوبکر بیهقی - در سال ۴۵۸ در سن ۷۴ سالگی وفات یافته، اکثر ارباب تذکره و تاریخ، شرح حال او را ذکر کرده اند، سبکی در جلد ۳ " طبقات " ص ۳ گوید : امام بیهقی - یکی از ائمه مسلمین و راهنمایان اهل ایمان و دعوت کننده گان بسوی حبل الله متین بوده، فقیهی است بزرگوار، حافظی است کبیر، اصولیی است برجسته و جامع، زاهدی است با ورع، بنده خالصی است برای خداوند، که قیام بیاری مذهب از اصول و فروع نموده، کوهی است از کوههای علم، و ابن اثیر در جلد ۱۰ " کامل " ص ۲۰ گوید : نامبرده در حدیث و فقه بر مذهب شافعی پیشوا بوده، و در این رشته ها مصنفات متعددی دارد، یکی از آنها سنن کبرای او است مشتمل برده مجلد و غیر آن از تصنیف های پسندیده او، نامبرده موصوف به عفت و زهد بود، حدیث او در صفحات ۴۶ و ۴۷ و

[صفحه ۱۸۲]

۷۱ و ۹۷، باسنادی که عده ای از آنها صحیح است، گذشت و روایت او در حدیث روزه غدیر باسناد صحیح که رجال آن ثقه هستند خواهد آمد که در آن موضوع نزول آیه اکمال نیز ذکر شده.

۲۰۸ - حافظ - ابو عمر - یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر - نمری - قرطبی (در سال ۳۶۸ متولد و در ۴۶۳ وفات یافته)، کتاب " استیعاب " تالیف او است، ذهبی در جلد ۳ تذکره اش ص ۳۲۴ گوید : امام - شیخ الاسلام - حافظ مغرب - ابو عمر - در میان (علماء) عصر و زمان خود در حفظ و اتقان آقائی و سروری یافت، و ابو الولید باجی گوید : مانند ابی عمر در علم حدیث، در اندلس نبود، نامبرده در طلب و بدست آوردن حدیث مداوم کوشید و چنان تسلط و تخصصی در آن یافت که بر پیشینیان خود از رجال اندلس برتری و تفوق یافت، و در عین تفوق و برتری که، در علم بروایت و اثر و بینش کامل بفقه و معانی احراز نموده بود - در علم انساب و ابار نیز بسط و تسلط بسیاری یافت و نامبرده پای بند به دین و دارای شهرت فراوان و مورد وثوق و دارای حجیت و صاحب سنت و پیروان بود، نامبرده در آغاز امر (از حیث عقیده) ظاهری و اخباری بود، سپس بروش مالکی درآمد و در عین حال بفقه شافعی میل و رغبت بسیاری داشت، حدیث او بطرق مختلف در صفحات ۴۰ و ۴۸ و ۷۲ ۴۹ گذشت و روایات مذکوره را از آثار ثابته شمرده است.

۲۰۹ - حافظ - احمد بن علی بن ثابت - ابوبکر خطیب بغدادی متوفای ۴۶۳، ابن اثیر در جلد ۱۰ " کامل " ص ۲۶ گوید : نامبرده در زمان خود پیشوای جهانی بوده، و سبکی در جلد ۳ " طبقات " ص ۱۶ - ۱۲ شرح حال او را ذکر و او را بسیار مورد ستایش قرار داده، و از قول ابن ماکولاـ گوید : ابوبکر (خطیب) آخرین شخصیتی بود از کسانی که ما از حیث معرفت و حفظ و اتقان و ضبط حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و تسلط در تشخیص علل و اسانید آن و تشخیص صحیح و غریب و فرد و منکر و مطروح آنها - مشاهده نمودیم، و در میان بغدادیها بعد از - ابوالحسن - دار قطنی مانند او نبود، شرح حال کامل و رسائی نیز از او در جلد ۱ تاریخ ابن عساکر

[صفحه ۱۸۳]

در ص ۳۹۸ مذکور است، حدیث او در صفحات ۴۰ و ۴۵ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۳۴ گذشت و حدیث او در باب روزه غدیر خواهد آمد که عده ای از اسناد آن صحیح و رجال آن ثقه هستند.

۲۱۰ - مفسر کبیر ابوالحسن بن احمد بن محمد بن علی بم متویه (یا بر طبق ضبط ابن خلکان - متویه) - واحدی - نیشابوری - متوفای ۴۶۸، ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۳۶۱ گوید : نامبرده در نحو و تفسیر استاد عصر خود بوده و در تصانیف خود سعادت و توفیق نصیب او گشته، بطوریکه در نظر عموم نیکو آمده و مدرسین در درسهای خود از آنها نام می برند، از جمله تصانیف او " الوسیط " و " البسیط " و " الوجیز " در تفسیر، و کتاب " اسباب النزول " از او است حدیث غدیر منسوب باو در ص ۸۶ گذشت و در مورد نزول آیه تبلیغ درباره علی علیه السلام پیرامون واقعه غدیر نیز خواهد آمد.

۲۱۱ - حافظ - مسعود بن ناصر بن عبد الله بن احمد - ابو سعید سجزی (سجستانی) متوفای ۴۷۷، ذهبی در جلد ۴ تذکره اش ص ۱۶ شرح حال او را ثبت و او را بعنوان : حافظ - فقیه - یاد کرده که برای بدست آوردن حدیث سفرها کرده و در نتیجه تصنیفاتی فراهم ساخته، و محمد بن عبد الواحد دقاق گوید : در میان محدثین از حیث اتقان و نیروی ضبط بهتر از او نیافتم، و ابن کثیر در جلد ۱۲ تاریخش ص ۱۲۷ درباره او گوید : در راه جمع حدیث رنج سفر برده و حدیث بسیار از اساتید فن استماع نموده و کتب گرانبهای بسیار گرد آورده، نامبرده خوش خط و صحیح النقل و حافظ و ضابط بوده، کتابی درباره حدیث غدیر اختصاص داده،

بعضی از طرق او در ص ۴۴ و ۸۵ و ۹۸ گذشت و بعض دیگر خواهد آمد.

۲۱۲ - ابو الحسن علی بن محمد جلابی - شافعی - معروف به (ابن المغازلی) متوفای ۴۸۳، کتاب او " مناقب " نمودار بارزی است از مراتب احاطه و تسلط او در حدیث و فنون آن، حدیث او در ص ۵۰ و ۵۴ و ۶۱ و ۶۳ و ۷۵ و ۸۳ و ۸۶ و ۹۳ و ۱۰۴ گذشت و جز آنچه ذکر شده خواهد آمد.

[صفحه ۱۸۴]

۲۱۳ - ابو الحسن علی بن حسن بن حسین - قاضی - خلعی - اصلا موصلی است و خانه او در مصر است، و در آنجا در سال ۴۰۵ متولد شده و در ۴۹۲ وفات یافته، سبکی در جلد ۳ طبقاتش ص ۲۹۶ شرح حال او را نگاشته و گوید : نامبرده در عصر خود در مصر مرکز اسناد و اخبار بوده، و ابن سکره گوید، فقیهی است دارای تصانیف، متصدق مقام قضاوت شد و فقط یکروز داوری کرد و سپس از قام خود مستعفی و در قرافه گوشه نشینی و انزوا اختیار نمود، نامبرده بعد از (حبال) در مصر مرکز اسناد بوده، حدیث مناشده رحبه از کتاب او (خلیعات) بلفظ زید بن یثیع نقل و ذکر خواهد شد.

۲۱۴ - حافظ - عبید الله بن عبد الله بن احمد بن محمد بن احمد بن محمد بن حسکان - ابوالقاسم - حاکم نیشابوری - حنفی - معروف به (ابن الحد ادحسکانی) ذهبی در جلد ۳ تذکره اش صفحه ۳۹۰ شرح حال او را درج و گوید : نامبرده دارای اتقان بوده و عنایت و توجه تمامی بعلم حدیث داشته، مردی سالخورده و دارای اسناد عالی بوده، (حدیث را) تصنیف و گردآوری نموده، نامبرده بعد از سال ۴۹۰ وفات یافته، کتابی جداگانه درباره حدیث غدیر نوشته، حدیث او در صفحات ۶۰ و ۸۵ و ۹۹ گذشت و دو حدیث از او در مورد آیه اکمال دین و آیه سال سائل در واقعه غدیر خواهد آمد.

۲۱۵ - ابو محمد - احمد بن محمد بن علی، عاصمی، یکی از پیشوایان قرن پنجم، مولف کتاب " زین الفتی در شرح سوره هل اتی "و این کتاب تسلط و احاطه او را در تفسیر و حدیث و ادب نشان میدهد، چنانکه ضمن آن مخالفت و انکار شدید او را بر رفص و تشیع آشکار میسازد در کتاب مزبور " زین الفتی " حدیث غدیر را بطرق مختلفه با بررسی در اسناد آن روایت نموده که بعضی از آنها در صفحات ۴۷ و ۶۱ و ۷۹ و ۸۸ و ۹۲ و ۱۲۷ ذکر شده و طرق دیگر او نیز خواهد آمد.

[صفحه ۱۸۵]

علماء قرن ۰۶

۲۱۶ - حافظ - ابو حامد - محمد بن محمد طوسی - غزالی - مشهور به (حجه الاسلام) متوفای ۵۰۵، شرح حال و ستایش او در کتب تاریخ و تذکره رجال موجود است، سبکی در جلد ۴ طبقاتش ص ۱۸۲ - ۱۰۱ شرح حال او را ثبت نموده، و دکتر احمد رفاعی مصری یک کتاب جداگانه در سه مجلد اختصاص بشرح احوال نامبرده داده، و این تالیف از مزایا و محسنات عصر حاضر بشمار میاید، بنابراین طالبین شرح تفصیلی احوالات نامبرده باین دو کتاب (طبقات سبکی - و کتاب دکتر رفاعی) مراجعه نمایند، گفتار نامبرده در پیرامون سند حدیث غدیر خواهد آمد.

۲۱۷ - حافظ - ابو الغنایم - محمد بن علی کوفی - نرسی - (در سال ۴۲۴ متولد و در ۵۱۰ وفات یافته)، او محدث کوفه بوده - ذهبی در جلد ۴ تذکره اش ص ۵۷ شرح حال او را ثبت و از ابن طاهر حکایت نموده که : نرسی حافظی بوده با اتقان و مورث

وثوق، همانند او را نیافتیم، پیوسته شب زنده دار و متهجد بود، حدیث منسوب باو در صفحه ۸۰ گذشت و در حدیث تهنیت نیز خواهد آمد.

۲۱۸ - حافظ - یحیی بن عبد الوهاب - ابو زکریا اصفهانی - مشهور به (ابن منده) متوفای ۵۱۲، ابن خلکان در جلد ۲ تاریخش ص ۳۶۶ گوید : نامبرده از حفاظ مشهور و بنام و یکی از مبرزین اصحاب حدیث بوده، مردیست جلیل القدر، دارای فضل بسیار و روایات بی شمار، ثقه و دارای حفظ و احادیث بسیار و موصوف بصدق و صاحب تصانیف زیاد بوده، حدیث او در صفحه ۹۱ گذشت.

۲۱۹ - حافظ - حسین بن مسعود - ابو محمد فراء - بغوی - شافعی، متوفای ۵۱۶، ذهبی در جلد ۴ تذکره اش ص ۵۴ شرح حال او را ثبت و درباره او گفته : امام حافظ، مجتهد، زنده کننده سنت، نامبرده از علماء ربانی و دلداده بعبادت و متصف بقناعت بچیز کم، و ابن کثیر در جلد ۱۲ تاریخش ص ۱۹۳ گوید : نامبرده

[صفحه ۱۸۶]

صاحب تفسیر و " شرح السنه و التهذیب " در فقه، و کتاب " جمع بین صحیحین " و " مصابیح " در احادیث صحیح و حسن - و غیر ذلک میباشد، در علوم نامبرده تسلط و تخصص یافته و در آنها علامه زمان خود بوده و متصف بدین داری و ورع و زهد و عبادت و صلاحیت است، حدیث منسوب باو نقل از " مصابیح " در صفحه ۶۵ گذشت.

۲۲۰ - ابو القاسم هبه الله بن محمد بن عبد الواحد شیبانی (در سال ۵۲۵ در سن ۹۴ سالگی وفات یافته)، ابن کثیر در تاریخش صفحه ۲۰۳ گوید : نامبرده راوی مسند از ابی علی ابن المذهب از ابی بکر بن مالک از عبد الله بن احمد از پدرش میباشد، و ابن جوزی و عده ای از محدثین از او روایت نموده اند، عالمی بوده ثقه و دارای دقت نظر و صحت سماع، حدیث مناشده رحبه بطریق او و بلفظ عبد الرحمن خواهد آمد.

۲۲۱ - ابن زاغونی - علی بن عبد الله بن نصر بن سری زاغونی، متوفای ۵۲۷، ابن کثیر در جلد ۱۲ تاریخش ص ۲۰۵ گوید : پیشوائی است بنام، احادیث را قرائت کرده، و آنها را استماع نموده، و اشتغال به فقه و نحو و لغت داشته و در اصول و فقه دارای مصنفات بسیاری است، در وعظ و خطابه دستی داشته، مردم در تشییع جنازه او جمع شدند و جمعیت قابل ملاحظه بودند، حدیث مناشده مردی عراقی بر جابر انصاری باسناد صحیح از او ذکر خواهد شد.

۲۲۲ - ابو الحسن رزین بن معاویه عبدری - اندلسی متوفای ۵۳۵، ذهبی در " عبر " شرح حال او را ثبت نموده، نامبرده در کتاب خود " الجمع بین الصحاح السته " از ابی سریحه - یا زید بن ارقم روایت نموده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود من کنت مولاه، فعلی مولاه.

۲۲۳ - ابوالقاسم جار الله -محمود بن عمر زمخشری متوفای ۵۳۸، ابن خلکان در جلد ۲ تاریخش صفحه ۱۹۷ شرح حال او را نگاشته و درباره او گوید : امام کبیر در تفسیر و حدیث و نحو و علم بیان، نامبرده پیشوای بلا معارض زمان

[صفحه ۱۸۷]

خود بوده که برای بهره گیری از فنون او بار سفر می بستند و بسوی او میشتافتند، یافعی در " مرات " نگاشته که : نامبرده در تفسیر و حدیث و نحو و لغت و بیان دارای اتقان و در فنون خود پیشوای زمان خود بوده، دارای تصنیف های بسیار و بی نظیر است که

مورد ستایش قرار گرفته، سیوطی در " بغیه الوعاه " ص ۳۸۸ از او یاد کرده گوید : زمخشری دامنه علمش وسیع و دارای فضل بسیار و منتهای هوش و ذکاوت و خوش قریحه و متقن در هر علم بوده، نامبرده معتزلی بوده قوی و توانای در مذهبش، و بدان تظاهر میکرده و حنفی بوده است، سپس اساتید و تالیفات او را نام برده، شرح حال او در " الفواید البهیه " ص ۲۰۹ موجود است که در کتاب مزبور نیز مورد ستایش قرار گرفته و تالیفات او تعداد شده، ابن کثیر در جلد ۱۲ تاریخش ص ۲۱۹ از او یاد کرده، حدیث او در استدلال و احتجاج دارمیه بر معاویه بن ابی سفیان نقل از کتاب زمخشری " ربیع الابرار " خواهد آمد - کتاب مزبور در نزد مولف " الغدیر " موجود است، در آن گوید : شب غدیر در نزد شیعه مورد تعظیم است و در آن شب - با تهجد و عبادت بیدارند و شب مزبور شبی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله (در روز آن) در غدیرخم بر جهاز شتران خطبه خواند و در خطبه خود فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه.

۲۲۴ - حافظ - قاضی - عیاض بن موسی - یحصبی - سبتی - متوفای ۵۴۴، بسیاری از صاحبان تذکره و تاریخ شرح حال او را ثبت نموده اند، ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۴۲۸ گوید : نامبرده در حدیث و علوم مربوط بان و در نحو و در لغت و کلام عرب و وقایع ایامشان و در انساب آنرا پیشوا و زبده عصر و زمان خود بوده، و تصنیفات سودمندی نموده سپس تالیفات او را نام برده و نمونه از شعر او را ذکر کرده، نامبرده حدیث غدیر را در کتاب مشهور خود " الشفاء " روایت نموده است.

۲۲۵ - ابو الفتح - محمد بن ابی القاسم - عبد الکریم شهرستانی - شافعی - متکلم بر روش اشعری متوفای ۵۴۸، ابن خلکان گوید : پیشوائی مبرز و فقیهی متکلم

[صفحه ۱۸۸]

بوده، سبکی در جلد ۴ طبقاتش ص ۷۸ شرح حال او را ثبت و او و کتابش " الملل و النحل " را ستوده، نامبرده حدیث غدیر را در "الملل و النحل " ذکر نموده، لفظ او در حدیث تهنیت خواهد آمد.

۲۲۶ - ابوالفتح - محمد بن علی بن ابراهیم نطنزی - در سال ۴۸۰ متولد شده (تاریخ وفات او بدست نیامده)، سمعانی در " انساب" او را ذکر نموده گوید : نامبرده از علمائی که در خراسان و عراقند در فنون لغت و ادب و قیام بصنعت شعر افضل است، نامبرده در سال ۵۲۱ بمرو آمد و بر ما وارد شد و من قسمت متناسبی از ادب را بر او قرائت نمودم و از او بهره مند شدم و از دریای علوم و فنون او کفی برگرفتم، سپس او را در همدان ملاقات نمودم، بعدا من در بغداد اقامت داشتم و چندین مرتبه بانجا آمد و بر ما ورود نمود و هیچکدام او را ملاقات ننمودم مگر آنکه از کلمات و اشعار او نوشتم و از انوار دانش او اقتباس کردم، سپس نام مشایخ و استادان او را ذکر کرده، حدیث غدیر باسناد او در ص ۸۵ گذشت و باز بطریق دیگر از او در آیه اکمال دین خواهد آمد.

۲۲۷ - حافظ - ابو سعد - عبد الکریم بن احمد سمعانی - شافعی - (در سال ۵۰۶ متولد و در ۳ / ۵۶۲ وفات یافته)، صاحب کتابهای "الانساب " و " فضائل الصحابه - " ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۳۲۶ شرح حال او را ثبت و نامبرده را ستوده، ذهبی در جلد ۴ تذکره اش ص ۱۱۱ گوید که : او عالمی است ثقه و حافظ - و حجت، دامنه سیر او از حدیث عدل و دین وسیع بوده، مردی بوده خوش سیرت و نیکو معاشرت و دارای محفوظات بسیار، ابن نجار گوید : از شخص آگاهی شنیدم که : تعداد مشایخ و اساتید سمعانی به هفتهزار نفر بالغ میشد و این چیزی است که احدی بان نرسیده، حدیث منسوب باو در ص ۱۰۵ گذشت.

۲۲۸ - ابوبکر یحیی بن سعدون بن تمام الازدی - قرطبی - ملقب به (سابق الدین) - در سال ۷ / ۴۸۶ متولد و در ۵۶۷ وفات یافته - صاحب تفسیر کبیر - ابن اثیر در جلد ۱۱ " کامل " ص ۱۵۲ گوید : نامبرده در قرائت و نحو غیر آن از علوم پیشوا

[صفحه ۱۸۹]

بوده، و در زهـد و عبادت بمقامی رسـید که مردم بسـیاری از بلاد از وجود از منتفع میشدنـد، بخصوص اهل موصل، زیرا نامبرده در آنجا اقامت گزیـد و همانجا وفات یافت، یاقوت در دو کتاب خود شـرح حال او را ثبت نموده، در جلد ۷ " مجمع البلدان " ص ۵۴ گویـد : بسـیاری از شـیوخ و اسـتادان مـا بر او قرائت نمودنـد، او مردی بـود، ادیب، فاضـل، آموزنـده قرائت، عـارف به نحو و لغت، بسیاری از کتب ادب را درک کرده و از اساتید شنیده، و در جلد ۲۰ " مجمع الادباء " ص ۱۴ گوید : استادی است فاضل و عارف بـه نحـو و وجـوه قراآت، و نـامبرده ثقه و دارای دقت نظر و متصـف بصـدق و دین بـوده و خیر وجـود او بسـیار بـوده، حـدیث او از تفسیرش در باب نزول آیه سال سائل پیرامون قضیه غدیر خواهد آمد.

۲۲۹ – موفق بن احمـد – ابو المویـد – اخطب خطبـاء خوارزمی – متوفـای ۵۶۸، نامبرده یکی از شـعرای غدیر است، شـعر او و شـرح حالش در ضـمن شـعراء قرن شـشم خواهد آمد، – حدیث غدیر را در " مناقب " و در " مقتل، خود – بطرق بسـیار روایت کرده که بعضی از آنها در صفحات ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۵ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۱ و ۵۳ و ۵۴ و ۶۰ و ۶۱ و ۷۱ و ۷۶ و ۸۰ و ۸۳ و ۸۲ و ۸۴ – گذشت و طرق دیگری از او خواهد آمد.

۲۳۰ – عمر بن محمد بن خضـر اردبیلی – معروف به : ملا – حدیث غدیر را " وسیله المتعبدین " بلفظ براء بن عازب روایت نموده، در حدیث تهنیت خواهد آمد.

۲۳۱ – حافـظ – علی بن حسن بن هبه الله – ابو القـاسم دمشـقی – شـافعی – ملقب به : ثقه الـدین – مشـهور به : ابن عساکر – متوفای ۵۷۱، صاحب تاریـخ کبیر – دایر و مشـهور است – ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۳۶۳ شـرح حال او را ثبت کرده و ابن اثیر در جلد ۱۱ " کامل " ص ۱۷۷ و ابن کثیر در جلد ۱۲ تاریخش ص ۲۹۴ او را ستوده اند و در تاریخ اخیر الذکر گوید : نامبرده یکی از بزرگان حفاظ حدیث است و کسی است که از حیث سماع حدیث و جمع و تصنیف و اطلاع و حفظ

[صفحه ۱۹۰]

نسبت باسناد و متن احادیث و اتقان نسبت به اسلوب حدیث و فنون آن مورد توجه و اقبال علاقمندان باین رشته بوده، نامبرده تاریخ شام را در هشـتاد مجلد تصـنیف نموده، سپس (ابن کثیر) در ستایش نسبت باو و تالیفاتش مبالغه و اطناب نموده، و رساترین و کامل ترین شـرح حال او شـرحی است که سبکی در جلد ۴ طبقاتش ص ۲۷۷ – ۲۷۳ ذکر کرده و او را و موثق بودن او را بسـیار سـتوده و اتقان او و تالیفات او را تقـدیر نموده، و چنانکه ابن کثیر بیان داشـته، نامبرده احادیث بسـیاری درباره این داسـتان مهم " غـدیر " در تـاریخش آورده، بعض از آنها در صـفحات ۴۰ و ۵۸ و ۸۰ و ۸۶ و ۸۸ و ۹۸ گـذشت و حـدیث او در نزول آیه تبلیغ و آیه اکمـال درباره علی علیه السلام خواهد آمد.

۲۳۲ – حافظ – محمد بن ابی بکر – عمر بن ابی عیسـی – احمد ابو موسـی مدینی اصـفهانی – شافعی (در سال ۵۰۱ متولد و در ۵۸۱ وفات یافته)، ابن خلکان در جلد ۲ تاریخش ص ۱۶۱ شـرح حال او را ثبت و گفته : نامبرده در حفظ و شناسائی، پیشوای زمان خود بوده و در حدیث و علوم دارای تالیفات سودمندیست، سپس بذکر تا لیفات او پرداخته، و سبکی در جلد ۴ طبقاتش ص ۹۰ و ذهبی در جلـد ۴ تـذکره اش ص ۱۲۸ او را ذکر نمـوده انـد و ذهبی دربـاره او چنیـن نگاشـته : حافظ – شـیخ الاسـلام – بزرگ، تقـدم و پیشدستی در جمع و بررسـی حدیث با بلندی اسـناد باو منتهی گشته، و ابن الزینبی گوید : ابو موسی چندان زیست و زندگی کرد تا یگانه عصـر خود شد و از حیث اسـناد و حفظ، استاد زمان خود گردید، سمعانی گوید : من از او حدیث استماع نمودم و از احادیث

من نوشت و او ثقه و متصف بصدق است، عبد القادر گوید : برای نامبرده مسموعات حدیث در اصفهان بحدی حاصل گشت که برای احدی در زمان او حاصل نگشت و مضافا بر این مزیت که مخصوص او است مراتب حفظ و اتقان او است، نامبرده دارای تصانیفی است که در آن بر پیشینیان با وصف ثقه بودن و نیروی عفت برتری و زیادتی یافته،

[صفحه ۱۹۱]

طرق منسوب باو در صفحات ۵۴ و ۵۷ و ۶۲ و ۸۷ و ۸۹ و ۱۰۰ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۱ گذشت و غیر از طرق مذکوره نیز دارد.
۲۳۳ - حافظ محمد بن موسی بن عثمان - ابوبکر حازمی (نسبت به جد او حازم است) همدانی - شافعی (در سال ۵۴۸ متولد و در ۵۸۴ وفات یافته)، سبکی در جلد ۴ طبقاتش ص ۱۸۹ شرح حال او را ثبت و او را پیشوای با اتقان و برجسته خوانده، و از ابن الزینبی نقل شده که : نامبرده از حدیث حفظ حدیث و اسانید و رجال آن با اوصافی که در او است از قبیل زهد و التزام بعبادت و ریاضت و ذکر، بهترین مردم زمان خود بوده، در علم حدیث مصنفاتی دارد : و ابن نجار گوید : نامبرده از پیشوایان حفاظ عالمین بفقه حدیث و معانی و رجال آن بوده و مورد اعتماد و وثوق و حجت بزرگواری بوده، متصف بزهد و ورع و ملازم با خلوت و مباشر امر تصنیف و نشر علم بوده، چنانکه در جلد ۲ تاریخ ابن خلکان ص ۲۲۳ و جلد ۳ " معجم البلدان " ص ۴۶۶ مذکور است نامبرده بخطبه پیغمبر صلی الله علیه و آله در غدیرخم تصریح نموده است.
۲۳۴ - حافظ عبد الرحمن بن علی بن محمد - ابو الفرج ابن جوزی - بکری - (بمناسبت نسبت او بجدش ابی بکر صدیق) بغدادی - حنبلی - متوفای ۵۹۷، ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۳۰۱ گفته : نامبرده علامه عصر و پیشوای زمان خود در حدیث و فن وعظ بوده، در فنون عدیده تصنیف کرده و در عده ای از کتب تذکره و تاریخ شرح حال او ذکر شده، حدیث مناشده در رحبه را بلفظ زاذان از طریق احمد روایت نموده (زیادتی چاپ دوم) و لفظ او در کلمات پیرامون سند حدیث خواهد آمد.
۲۳۵ - فقیه - اسعد بن ابی الفضایل محمود بن خلف عجلی - ابو الفتوح (باو - ابو الفتح - نیز گفته میشود) - شافعی - اصفهانی (در سن ۸۵ سالگی در سال

[صفحه ۱۹۲]

۶۰۰ وفات یافته)، ابن اثیر در جلد ۱۲ " کامل " ص ۸۳ گوید : نامبرده پیشوای فاضلی بوده، و ابن کثیر در جلد ۱۳ تاریخش ص ۴۰ گوید : استماع حدیث نموده و در فقه تسلط و احاطه یافته و کتاب تصنیف نمود، از مزایای زهد و عبادت بهره مند بوده، سبکی در جلد ۵ طبقاتش ص ۵۰ شرح حال او را ثبت و بسیار او را ستوده و تالیفاتش را تعداد کرده، ابن خلکان در جلد ۱ تاریخش ص ۷۱ از او نام برده و نسبت باو ستایش نموده، حدیث منسوب بنامبرده نقل از کتابش " الموجز " در فضایل خلفاء چهارگانه درس ۵۷ و ۸۹ گذشت.

علماء قرن ۰۷

۲۳۶ - ابو عبد الله - محمد بن عمر بن حسن - فخر الدین رازی - شافعی - متوفای ۶۰۶، صاحب تفسیر کبیر مشهور، ابن خلکان در جلد ۲ تاریخش ص ۴۸ شرح حال او را ثبت نموده و گوید : یگانه عصر و پرورش یافته فطرت یگانه و مخصوص خود بوده، در علم کلام و معقولات و علم اوایل بر (دانشمندان) زمان خود تفوق و برتری یافته، سپس تالیفات او را تعداد نموده، و ابن اثیر چنین گوید

: نامبرده در عصر خود پیشوای جهانی بوده و ابن کثیر در جلد ۱۳ تاریخش ص ۵۵ از او نام برده، و سبکی در جلد ۵ طبقاتش ص ۴۰ - ۳۳ در شرح حال او بسط کلام داده و او را ستوده و در رد نکوهش ذهبی بر او در " میزان الاعتدال - " مبالغه نموده، حدیث او در ص ۴۶ و ۹۹ گذشت و در آیه تبلیغ نیز خواهد آمد.

۲۳۷ - ابو السعادات - مبارك بن محمد بن عبد الکریم - ابن اثیر شیبانی - جزری - شافعی - متوفای ۶۰۶، برادرش - ابن اثیر در جلد ۱۲ " کامل " ص ۱۲۰ - شرح حال او را ثبت و چنین نگاشته : برادرم - مجد الدین ابو السعادات، در عده ای از علوم، از جمله در فقه و اصول نحو و اصول حدیث و لغت - عالم بود و دارای تصنیفات مشهوریست، در تفسیر و حدیث و نحو و حساب و غریب حدیث، رساله هائی

[صفحه ۱۹۳]

فراهم ساخته، نامبرده نویسنده برجسته و ممتازی بوده که در میان اهل زمان طرز نگارش او ضرب المثل بوده، دارای دین ثابت و استوار و ملتزم طریق مستقیم بوده، در کتاب خود " جامع الاصول فی احادیث الرسول " این روایت را از زید بن ارقم - یا - ابی سریحه (شعبه - این تردید را نموده) نقل کرده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه، ترمذی این روایت را با بررسی در اسنادش روایت کرده و آنرا از شافعی (پیشوای شافعیان) در کتاب خود " النهایه " جلد ۴ ص ۲۴۶ حکایت نموده.

۲۳۸ - ابو الحجاج - یوسف بن محمد بلوی - مالکی - مشهور بن (ابن الشیخ) متوفای حدود ۶۰۵، مولف کتاب " الف با " این کتاب نموداریست از مجامع فضل و ادب سرشار او، زرکانی در جلد ۳ " الاعلام " ص ۱۱۸۴ او را ذکر نموده - لفظ او در مجلد دوم - (الغدیر) در شعرای قرن اول پیرامون ابیات امیرالمومنین علیه السلام خواهد آمد.

۲۳۹ - تاج الدین - زید بن حسن بن زید کندی - ابو الیمن بغدادی - در بغداد ولادت و در آنجا پرورش یافته، سپس بشام منتقل و در آنجا اقامت گزیده و در سال ۶۱۳ درگذشته، ابن اثیر در جلد ۱۲ " کامل " ص ۱۳۰ گوید : نامبرده در نحو و لغت پیشوا بوده و در حدیث دارای اسناد عالی است و فنون بسیار و علوم متنوع را دارا بوده، حدیث مناشده رحبه باسناد او و بلفظ عبد الرحمن بن ابی لیلی خواهد آمد.

۲۴۰ - شیخ علی بن حمید قرشی متوفای ۶۲۱، نامبرده - حدیث غدیر را در " شمس الاخبار المنتقی من کلام النبی المختار، " ذکر نموده، چنانکه در ص ۹۸ گذشت، و لفظ او در مفاد حدیث خواهد آمد.

۲۴۱ - ابو عبد الله - یاقوت بن عبد الله - نژاد او رومی است و حموی المولد است : مسکن او در بغداد بوده، نامبرده در کودکی اسیر شده و در بغداد مرد تاجری او را خریده، در سال ۶۲۶ درگذشته، کتاب " معجم البلدان " و " معجم الادباء "

[صفحه ۱۹۴]

از او است، در ادبیات گامهای بلندی برداشته و بر امیرالمومنین علی علیه السلام متعصب بوده، ابن خلکان در جلد ۲ تاریخش ص ۳۵۵ - ۳۴۹ شرح حال او را از حیث مقام و علم و ادب و تالیفات و مذهب ثبت نموده، نامبرده در جلد ۳ " معجم البلدان " ص ۴۶۶ از حازمی این حدیث را ذکر نموده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیرخم خطبه ایراد فرمود... و سخنان او نقل از کتاب" معجم الادباء " ضمن بیان مولف در مورد حدیث غدیر ذکر شده است.

۲۴۲ - ابو الحسن علی بن محمـد شـیبانی - معروف بن - ابن اثیر - جزری متوفای ۶۳۰، صاحب تاریـخ " کامل " و " اسد الغابه، " ابن خلکان در جلد ۲ تاریخش ص ۳۷۸ شـرح حال او را ثبت و درباره او گفته : در حفظ حدیث و شناسائی آنچه که مربوط بانست و در حفظ تاریخ متقدم و متاخر پیشوا بوده. سپس تالیفات او را ذکر نموده و آنها را ستوده و یافعی در جلد ۴ " مرآت الجنان " ص ۷۰ او را ذکر و نسبت باو و تالیفاتش ستایش نموده، ذهبی در جلد ۴ تذکره اش ص ۱۹۱ نامبرده را از حفاظ بشـمار آورده و از او ستایش کرده، حدیث غدیر را بطرق بسـیار روایت کرده که قسمتی از آن خواهد آمد و قسمتی هم در صفحات ۴۱ و ۴۸ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۶۱ و ۷۶ و ۸۷ و ۸۹ و ۹۱ و ۹۳ و ۱۰۰ و ۱۰۸ و ۱۱۰ ذکر شده است.

۲۴۳ - حنبـل بن عبـد الله بن فرج بغـدادی - رصـافی (در سال ۶۴۰ در سن ۹۰ سالگی وفات یافته)، نامبرده محـدث است و حـدیث بسـیار روایت نمـوده، مسند احمـد بن حنبـل باسـنادش که ذکر خواهـد شـد از پسـرش عبـد الله روایت میکنـد، ابـو شـامه در " ذیل الروضتین " شرح حال او را درج کرده، حدیث مناشده رحبه باسناد او بلفظ عبد الرحمن خواهد آمد.

۲۴۴ - حافظ - ضیاء الدین محمد بن عبد الواحد - ابو عبد الله مقدسی - دمشقی -

[صفحه ۱۹۵]

حنبلی (در سال ۵۶۹ متولـد و در ۶۴۳ وفات یافته)، ابن کثیر در جلـد ۱۳ تاریخش ص ۱۶۹ نـام او را با سـتایش از او ذکر نموده، و تالیفات او را سـتوده است، ذهبی در جلد ۴ تذکره اش ص ۱۹۷ شـرح حـال او را ثبت و از قول عمر بن حاجب حکایت کرده که او گفته : بزرگ و استاد ما ابو عبد الله بزرگ زمان خود و پرورش یافته بر فطرت و شخصیت انحصاری خودش میباشد، و از حیث علم و حفظ و مورد وثوق بودن و دین از علماء ربانی است، در روایت، بسـیار دقت و بررسـی میکرده و در عبارت کوشش بسیار نموده، بسیار بیاد خدا و منقطع از غیر خدا و متصف بتواضع و فروتنی بوده.. بالاخره در وصف و ستایش او گوید : ابن النجار گفته : نامبرده حـافظی است بـا اتقـان و عـالمی است حجت و واقف بحال رجال حـدیث، موصوف بورع و تقوی است، در آگاهی و عفت نفس و حسن طریقت، همانند او ندیدم -. تا آخر.. حدیث او در صـفحه ۵۷ و ۶۲ و ۷۱ و ۷۲ و ۱۰۳ و ۱۰۷ گذشت و احادیث دیگری نیز از او خواهد آمد.

۲۴۵ - ابو سالم - محمـد بن طلحه قرشـی - نصـیبی - شافعی - متوفای ۶۵۲، نامبرده یکی از شـعراء غـدیر است در قرن هفتم که در محل خود شعـر و شرح حال او خواهد آمد، حدیث منسوب باو در ص ۶۹ گذشت و حدیث دیگر نقل از کتاب او " مطالب السئول "که مکر را به چاپ رسیده نقل خواهد شد.

۲۴۶- ابو المظفر - یوسف - امیر حسام الـدین قز اوغلی ابن عبد الله بغدادی - حنفی - متوفای ۶۵۴، سبط حافظ ابن جوزی (از دختر گرامی او " رابعه) " یافعی در جلد ۴ " مرآت " ص ۱۳۶ و ابن کثیر در جلد ۱۳ تاریخش ص ۱۹۴ شرح حال او را ثبت نموده و ابن کثیر ضـمن شـرح حال، او را نسبت بمراتب علم و فضل و حسن خطابه سـتوده، و ابو الحسنات در " فواید البهیه " ص ۲۳۰ او را نام برده و

[صفحه ۱۹۶]

گفته : نامبرده در فقه تسلط یافته، عالمی است فقیه و واعظ و خوش معاشرت، ابو المعالی سلامی - بطوریکه در " منتخب المختار " ص ۲۳۶ مذکور است درباره او گفته : نامبرده اسـتادیست صالح و دانشـمند - عالم به تفسـیر و حدیث و فقه، دارای تفسـیری اسـت

بزرگ در بیست نه مجلد، و سپس استادان و تالیفات او را ذکر کرده - حدیث او در ص ۷۳ گذشت و در عنوانات دیگر بالفاظ دیگر غیر از آنچه ذکر شده نقل از تالیف مشهور او " تذکره خواص الامه " خواهد آمد.

۲۴۷ - عز الدین عبد الحمید بن هبه الله مدائنی - مشهور به " ابن ابی الحدید " معتزلی متوفای ۶۵۵، مولف شرح نهج البلاغه که مشهور و در دسترش عموم است و این شرح نمودار بارزی است از احاطه کامل او در حدیث و کلام و تاریخ و ادب، شرح حال او در جلد ۴ (شرح نهج البلاغه) او ص ۵۷۵ مذکور است، حدیث او در ص ۱۰۴ گذشت و در داستان مناشده رحبه و داستان نفرین و داستان رکبان و احتجاج عمار بحدیث غدیر و مناشده جوانی بر ابی هریره خواهد آمد.

۲۴۸ - حافظ - ابو عبد الله - محمد بن یوسف - گنجی - شافعی - متوفای ۶۵۸ - صاحب کتاب " کفایه الطالب " که در مصر در ۱۶۰ صفحه چاپ شده و اسناد آن حذف گردیده و در نجف اشرف با ذکر سند (مطابق اصل آن) چاپ شده، و کتاب مزبور نموداریست از پیشروی و تسلط او در حدیث و احاطه کامل او در علوم و فضیلت بسیاری که احراز نموده و توجه و عنایت خاصی که در کار حدیث و فنون آن دارد، ابن صباغ مالکی در " فصول المهمه " از او نقل میکند و از نامبرده به جمله : امام - حافظ : تعبیر مینماید، حدیث او در صفحات ۴۶ و ۵۰ و ۷۲ و ۸۰ و ۹۲ و ۹۸ گذشت و در داستان مناشده رحبه بطرق مختلف و در موضوع مناشده مردی عراقی بر جابر انصاری و در حدیث تهنیت خواهد آمد.

۲۴۹ - حافظ - ابو محمد - عبد الرزاق بن عبد الله بن ابی بکر - عز الدین رسعنی - حنبلی - متوفای ۶۶۱، ذهبی در جلد ۴ " تذکره الحفاظ " ص ۲۴۳ او را

[صفحه ۱۹۷]

ذکر نموده گوید : پیشوائی بوده متقن، دارای فنون و ادب، کتاب " مقتل الحسین علیه السلام " از او است، و تفسیر خوبی گرد آوری و تصنیف نموده، من آنرا دیدم، در آن باسناد خود روایت میکند، ابن کثیر در جلد ۱۳ تاریخش ص ۲۴۱ او را ستوده است، و قسمتی از گفتار اربلی (همردیف و - همکار او) در شرح حال نامبرده خواهد آمد، حدیث او در نزول آیه تبلیغ درباره علی علیه السلام ذکر خواهد شد.

۲۵۰ - فضل الله بن ابی سعید - حسن شافعی - تور بشتی، سبکی در جلد ۴ طبقاتش ص ۱۴۶ شرح حال او را ثبت و گفته : نامبرده مردی است محدث و فقیه از اهل شیراز، شرح خوبی بر " مصابیح " بغوی نوشته و صحیح بخاری را از عبد الوهاب ابن مغرم (باسنادش) روایت کرده، گمان دارم، این مرد بزرگ در حدود سال ۶۶۰ وفات یافته، و بوساطه وقعه تاتار معرفت بحال او میسر نشده، پس از ابو طالب سبکی بعضی از فوائد مذکوره در شرح مصابیح (تالیف او را) ذکر نموده، نامبرده حدیث غدیرخم را در کتابش " المعتمد فی المعتقد " روایت نموده.

۲۵۱ - حافظ - محی الدین - یحیی بن شرف بن حسن - ابو زکریا نووی دمشقی - شافعی متوفای ۶۷۶، سبکی در جلد ۵ طبقاتش ص ۱۶۸ - ۱۶۶ شرح حال او را ذکر و ستایش بلیغ نسبت باو نموده، ابن کثیر در جلد ۱۳ تاریخش ص ۲۷۸ او را ذکر نموده و گوید : استاد مذهب و بزرگ فقهاء زمان خود بوده و از حیث زهد و عبادت و ورع و تحقیق و فراهم ساختن موجبات بهم پیوستگی مردم - بمرتبه ای رسید که احدی از فقهاء قادر بوصول بان نبودند، سپس تالیفات او را ذکر و توصیف نموده، ذهبی نیز در جلد ۴ تذکره اش ص ۲۶۴ - ۲۵۹ در شرح حال او بسط کلام داده، حدیث غدیر نقل از تالیف او " ریاض الصالحین " در ص ۷۲ گذشت، و در کتاب دیگرش که در تهذیب اسماء و لغات تالیف نموده چنین نگاشته : و در کتاب

[صفحه ۱۹۸]

ترمذی از ابی سریحه صحابی - یا زید بن ارقم (تردید از شعبه است) از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده که : فرمود من کنت مولاه فعلی مولاه، ترمذی آنرا روایت نموده و گوید حدیث حسن است و شک در شخص صحابی (راوی) بصحت حدیث لطمه نمیزند، زیرا تمام آنها عدول هستند.

۲۵۲ - شیخ مجد الدین - عبد الله بن محمود بن موروود حنفی - موصلی (در سال ۵۹۹ متولد و در ۶۸۳ وفات یافته)، ابو الحسنات در "الفوائد البهیه " ص ۱۰۶ شرح حال او را ثبت نموده و گفته : نامبرده در فروع و اصول یگانه روزگار بوده و پیوسته تا پایان عمر خود بامر فتوی و تدریس اشتغال داشته، ابن حمویه صاحب " فراید السمطین " حدیث مناشده مردی را بر جابر انصاری که خواهد آمد از او روایت نموده.

۲۵۳ - قاضی ناصر الدین - عبد الله عمر - ابو الخیر بیضاوی شافعی - متوفای ۶۸۵ صاحب " الطوالع و المصباح " در اصول دین و " الغایه القصوی " در فقه و " المنهاج " در اصول فقه و " مختصر الکشاف " در تفسیر و " شرح المصابیح " در حدیث، سبکی در جلد ۵ طبقاتش ص ۵۹ گفته : نامبرده پیشوای مبرزی بوده - و بسیار اهل نظر و دارای صلاحیت و ملازم با عبادت و متصف بزهد بوده، در شیراز متصدق مقام - قاضی القضاه شد و به تریز رفت، ابن کثیر در جلد ۱۳ تاریخش ص ۳۰۹ شرح حال او را ثبت نموده و گفته که در تبریز وفات یافت، حدیث او در موضوع غدیرخم از کتابش " طوالع الانوار " در ص ۲۷ گذشت.

۲۵۴ - حافظ - احمد بن عبد الله - فقیه حرم - محب الدین - ابو العباس طبری - مکی - شافعی متوفای ۶۹۴، سبکی شرح حال او را در جلد ۵ طبقاتش ص ۹ ثبت و او را ستوده و ابن کثیر در جلد ۱۳ تاریخش ص ۳۴۰ او را ذکر نموده و ذهبی در جلد ۴ " تذکره" ص ۲۶۴ او را از جمله حفاظ بشمار آورده و گفته : نامبرده در فقه تسلط یافت و تدریس نمود و فتوی داد و کتاب تصنیف نمود، و استاد شافعیه

[صفحه ۱۹۹]

و محدث حجاز بود، پیشوائی بود دارای صلاحیت و متصف بزهد و عالیقدر، حدیث غدیر را در کتابش " ریاض النضره " و" ذخائر العقبی " بطرق متعدد با بررسی در اسناد روایت نموده که بعضی از آن در حدیث مناشده رحبه و در حدیث رکبان و در داستان تهنیت خواهد آمد و بعضی دیگر از طرق او در صفحات ۴۶ و ۵۵ و ۶۱ و ۶۸ و ۹۲ و ۹۷ و ۱۰۵ گذشت.

۲۵۵ - ابراهیم بن عبد الله وصابی - یمنی - شافعی - مولف کتاب " الاکتفاء فی فضل الاربعه الخلفاء " حدیث غدیر را بطرق متعدد در " الاکتفاء " ذکر نموده که بعضی از آن در حدیث مناشده رحبه و در احتجاج امیرالمومنین علیه السلام در روز جمل و در نزول آیه سال سائل پیرامون قضیه غدیر خواهد آمد، و بعضی از طرق نامبرده در ص ۵۰ و ۵۳ و ۵۶ و ۸۳ و ۹۸ و ۱۰۰ و ۱۰۳ و ۱۰۷ و ۱۰۹ گذشت.

۲۵۶ - سعید الدین - محمد بن احمد فرغانی، قصیده تائیه ابن فارض را شرح داده، در حدود سال ۷۰۰ وفات یافته، ذهبی در " العبر "تاریخ وفات او را - ۶۹۹ ضبط کرده، نامبرده اول کسی است که قصیده تائیه ابن فارض را شرح نموده، چنین شکایت شده که قصیده مزبور را اول در حضور جلال الدین رومی - مولوی - خوانده بعدا شرح فارسی بر آن نوشته و سپس شرح عربی بر آن نگاشته و نام آنرا " منتهی المدارک " گذارده و کتاب بزرگی است، چلبی در جلد ۱ " کشف الظنون " صفحه ۲۰۹ این جریان را چنین نگاشته، و از کفوی نقل شده که : نامبرده علوم شرعیه و حقیقیه را جمع نموده، زبان گویای عصر خود و برهان زمان خود و

دلیـل راه حق و سـر خداونـدی در بین خلق بوده، شـرح حال او در جلـد ۱ صفحه ۲۷۰ " عبقـات الانـوار " موجود است، لفظ او در سخنان پیرامون مفاد حدیث غدیر خواهد آمد.

[صفحه ۲۰۰]

علماء قرن ۰۸

۲۵۷ - شیخ الاسلام - ابو اسحق - ابراهیم بن سعد الدین - محمد بن موید حمویه خراسانی جوینی متوفای ۷۲۲ (در سن ۷۸ سالگی در گذشته)، ذهبی در جلد ۴ " تذکره " ص ۲۹۸ او را ستوده و درباره او گویـد : امام محدث یگانه اکمل : و نیز درباره او گوید : نسبت بروایت بسیار توجه و عنایت داشته و در بررسی و بدست آوردن جهات حدیث کوشش بسیار مینموده، ملك غازان بدست او اسلام آورده، ابن حجر در جلد ۱ " درر " ص ۶۷ شرح حال او را نگاشته و نسبت باو ستایش کرده، نامبرده حدیث غدیر را بطرق بسیار در کتاب خود " فرائد السمطین " که در فضیلت مرتضی علیه السلام و بتول و سبطین (علیهم السلام) تالیف نموده (و در نزد مولف " الغدیر " موجود است) روایت نموده بعضـی از طرق او در صفحات ۴۰ و ۴۶ و ۵۰ و ۵۳ و ۵۷ و ۶۸ و ۸۰ و ۸۶ و ۸۷ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۱۹ ذکر شـده و روایت او در حدیث مناشده رحبه و حدیث مناشده مرد عراقی بر جابر انصاری و در موضوع احتجاج عمر بن عبـد العزیز و در نزول آیه اکمال دین درباره علی علیه السلام و در نزول آیه سال سائل پیرامون قضـیه غدیر و در حدیث تهنیت، خواهد آمد.
۲۵۸ - علاء الـدین - احمـد بن محمـد بن احمـد سـمنانی (در سال ۶۵۹ متولـد و در ۷۳۶ وفـات یافته)، ابن حجر در جلـد ۱ " الدرر الکـامنه " ص ۲۵۰ شـرح حـال او را ثبت و گفته : نـامبرده فر فقه تسلط یافت و در مقام طلب حـدیث برآمـد و در فضایل شـریکت نموده و در علم تبحر یـافت، ذهبی دربـاره او گویـد : پیشوائی بود جـامع، بسـیار تلاوت (قرآن) مینمود، موقعیتی در نفوس یافت، و چنین ذکر کرده که مصنفات او بیش از سیصد کتاب است، صدر الدین ابن حمویه از او اخذ حدیث کرده، لفظ او نقل از کتابش " عروه الوثقی " در باب سخنان پیرامون سند حدیث غدیر خواهد آمد.

[صفحه ۲۰۱]

۲۵۹- حافظ - یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف بن عبد الرحمن بن یوسف دمشق - ابو الحجاج مزی شافعی - متوفای ۷۴۲، سبکی در جلد ۶ طبقـاتش ص ۲۶۷ - ۲۵۱ شـرح حـال او را نگاشـته گویـد : بزرگ ما و اسـتاد ما و پیشوای ما - شـیخ جمال الـدین - ابو الحجاج مزی، حافظ زمان ما، حامل پرچم سـنت و جماعت و برپا دارنـده شـئون این صـناعت، و در برگیرنده لباس طاعت و پیشوای حفاظ... تا آخر... ابن کثیر در جلد ۱۴ تاریخش ص ۱۹۱ و ابن حجر در جلد ۴ " الدرر الکامنه " ص ۴۶۱ - ۴۵۷ او را ذکر نموده انـد، و از " ابن سـید الناس " حکایت شـده که گفت : در دمشق از میان اهل علم پیشوائی یافتیم که بر همه برتری داشت، و حافظی که بر همه اقرانش (چه آنها که بعـد از او آمدنـد و چه آنها که پیش از او بودنـد)، تفوق یافت، ابو الحجاج، دریار خروشان این علم (علم حدیث) و بزرگ مردی که خود گوید : کم ترك الاول الاخر ؟ داناترین خلق بشـرح احوال (رجال) و آگاه ترین مردم نسـبت براویان... تا آخر سـتایش های او نسبت بنامبرده - حدیث غدیر را در " تهذیب الرجال " روایت نموده که در صـفحات ۴۰ و ۴۶ و ۵۰ و ۷۲ مـذکور است، و نـامبرده حـدیث مزبور را در " تحفه الاشـراف بمعرفه الاـطراف " از ترمـذی و نسائی باسـناد آنـدو از ابی

الطفیل از زید بن ارقم بسند و لفظ مذکور در صفحه ۶۴ - و از ابن ماجه بدو سند و لفظ مذکور در صفحه ۷۸ از عبد الرحمن از سعد - روایت نموده است.

۲۶۰ - حافظ - شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان ذهبی - شافعی - متوفای ۷۴۸، جزری در جلد ۲ " طبقات القرآء " شرح حال او را ثبت و گفته : نامبرده

[صفحه ۲۰۲]

استادی است بزرگ و مورد وثوث و اعتماد،... تا آنجا که درباره او گوید : و اشتغال بحدیث و اسماء رجال آن داشت تا بحدی که تعداد استادان او در فن حدیث و سایر فنون بهزار تن بالغ گشت. و سبکی در جلد ۵ تاریخش ص ۲۱۹ - ۲۱۶ از او نام برده و در ستایش و توصیف او تفصیل و مبالغه زیادی کار برده، و ابن کثیر در جلد ۱۴ تاریخش ص ۲۲۵ نیز از او نام برده و در شان او گوید : حافظ کبیر - مورخ اسلام و استاد بزرگان محدثین - حفاظ حدیث و سایر فنون بوجود او ختم شد، و ابن حجر در جلد ۳ " الدرر "ص ۳۳۸ - ۳۳۶ شرح حال او را ثبت و گوید : در فن حدیث و گرد آوری تاریخ اسلام بطوری مهارت و تسلط یافت که در نگارش و ثبت اخبار علماء حدیث (مخصوصا) بر پیشینیان برتری و تفوق یافت، سپس تالیف او را ذکر و مورد ستایش قرار داده، نامبرده کتاب جداگانه درباره حدیث غدیر تالیف نموده و حدیث او در صفحات ۶۸ و ۷۲ و ۸۲ و ۱۰۳ ذکر شده است.

۲۶۱ - نظام الدین - حسن بن محمد قمی - نیشابوری - صاحب تفسیر کبیر موسوم به (غرائب القرآن) که چندین بار در مصر و ایران چاپ شده، حدیث غدیر را نامبرده در تفسیرش ذکر کرده، بصفحات ۴۶ و ۸۶ و ۹۹ مراجعه نمائید، و حدیث او در باب نزول آیه تبلیغ درباره علی علیه السلام پیرامون واقعه غدیر خواهد آمد.

۲۶۲ - ولی الدین - محمد بن عبد الله - خطیب - عمری تبریزی - مولف " مشکاه المصابیح " متوفای ۷۳۷، حدیث از او در صفحه ۴۶ و ۷۳ گذشت و در داستان تهنیت بطریق احمد خواهد آمد.

۲۶۳ - تاج الدین - احمد بن عبد القادر بن مکتوم - ابو محمد قیسی - حنفی - نحوی - متوفای ۷۴۹، جزری در جلد ۱ " طبقات القراء " ص ۷۰ شرح حال او را ثبت و نامبرده را ستوده، و ابن حجر در جلد ۱ " الدرر " ص ۱۷۶ - ۱۷۴ - ضمن شرح حال بذکر استادان و تالیفات او پرداخته و گوید : در فقه و تدریس پیشروی نموده و نیابت در حکم یافت، سپس تالیفاتش را ذکر و از جمله آنها " تذکره " را نام برده

[صفحه ۲۰۳]

و گوید : کتاب مزبور را در سه مجلد تدوین و نام آنرا " قید الاوابد " نهاد و من آنرا بخط خود او از محمودیه یافتم - نامبرده در کتاب خود " تذکره مذکور " ابیات حسان را در حدیث غدیر ذکر نموده که ضمن شعراء قرن اول خواهد آمد.

۲۶۴ - زین الدین - عمر بن مظفر بن عمر - معری - حلبی - شافعی - مشهور به - ابن الوردی - متوفای ۷۴۹، سیوطی در " بغه الوعاه " شرح حال او را نگاشته و گوید : نامبرده پیشوائی بود کامل در فقه و نحو و ادب و مسلم در علم و نظم او در عالی ترین مرتبه (از زیبائی و نیکوئی) بود فضایل مشهوری دارد، سپس تالیفات و قسمتی از اشعار او را ذکر کرده، نامبرده حدیث ولایت را در "تتمه المختصر فی اخبار البشر " چاپ مصر - ذکر نموده است.

۲۶۵ - جمال الدین - محمد بن یوسف بن حسن بن محمد زرندی - مدنی - حنفی - شمس الدین - متوفای در حدود ۷۵۷،

بطوریکه در " منتخب المختار " ص ۲۱۰ مذکور است، سلامی - معاصر او - شرح حال او را نوشته و استادان او را ذکر کرده و ملاقات با او را بیان کرده، و ابن حجر در جلد ۴ " الدرر " ص ۲۹۵ او را نام برده و گوید : نامبرده، کتاب (درر السمطین فی مناقب السبطین) را تصنیف نموده و بعد از پدرش در مدینه بریاست رسید و کتب متعددی تصنیف کرد و فقه و حدیث تدریس نمود، سپس بشیر از مسافرت کرد و در آنجا متصدق مقام قضاوت شد تا اینکه در سال ۷۴۷ یا ۷۴۸ وفات یافت، ابن فرحون این جریان را از او ذکر کرده و از بزرگان و استادان جنید حکایت شده که تاریخ وفات او را در شیراز ۷۵۷ تعیین کرده، و ابن صباغ مالکی در " فصول المهمه " از او به : شیخ - و پیشوا و علامه محدث در حرم شریف نبوی تعبیر نموده. نامبرده (جمال الدین زرندی) در کتاب (نظم درر السمطین فی فضایل المصطفی و المرتضی و البتول و السبطین) گوید : امام حافظ - ابوبکر - احمد بن حسین بیهقی رحمه الله بسند خود از براء بن عازب روایت میکند که گفت : با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمدیم.... تا آخر لفظ مذکور در حدیث تهنیت.

[صفحه ۲۰۴]

۲۶۶ - قاضی عبد الرحمن بن احمد ایجی - شافعی متوفای ۷۵۶، سبکی در جلد ۶ طبقاتش ص ۱۰۸ گوید : نامبرده پیشوائی بوده در معقولات و عارفی بوده است بهر دو اصل (اصول فقه و حدیث) و بمعانی و بیان و نحو و فقه، و کتاب " المواقف " را در کلام او نوشته، و ابن حجر در جلد ۲ " الدرر " ص ۳۲۲ شرح حال او را ثبت و او را ستوده و تالیفاتش را تعداد نموده، لفظ نامبرده در پیرامون غدیر نقل از " المواقف " در ص ۲۷ گذشت.

۲۶۷ - سعید الدین، محمد بن مسعود بن محمد بن خواجه مسعود کازرونی - متوفای ۷۵۸، ابن حجر در جلد ۴ " الدرر " ص ۲۵۵ شرح حال او را ثبت و استادان او را ذکر کرده سپس گوید : سعید الدین محدثی بود فاضل، حدیث بسیار شنید و - مزی - باو اجازه حدیث داد آه... و او شاگرد ابو حمویه مولف " فراید السمطین " مذکور در ص ۲۰. است و از او روایت میکند، نامبرده در کتابش "المنتقی فی سیره المصطفی " گوید : و گفت (یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره علی) : من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

۲۶۸ - ابو السعادات - عبد الله بن اسعد بن علی یافعی - شافعی - یمنی - سپس مکی - متوفای ۷۶۸، سبکی در جلد ۶ " طبقاتش" ص ۱۰۳ او را ذکر و صلاحیت او و تصنیفات بسیار و نظم زیاد او را ستوده، ابن حجر در جلد ۲ " الدرر " ص ۲۴۷ شرح حال او و استادان او را در حدیث و فقه ذکر و او را مورد ستایش قرار داده و گوید : نامبرده را در مذمت و نکوهش ابن تیمیه سخنی هست، نامبرده حدیث غدیر را در جلد ۱ تاریخش " مرآت الجنان " ص ۱۰۹ از طریق احمد بن حنبل از جمله احادیث ارسال مسلم بشمار آورده است.

۲۶۹ - حافظ عماد الدین - اسماعیل بن عمر بن کثیر شافعی - قیسی - دمشقی متوفای ۷۷۴، ابن حجر در جلد ۱ " الدرر " ص ۳۸۴ شرح حال و استادان و تالیفات او را ذکر نموده، سپس از قول ذهبی در " المعجم المختص " گوید : پیشوائی است صاحب فتوی و محدث با احاطه و جامع و فقیه صاحب فنون، محدثی است متقن

[صفحه ۲۰۵]

و مفسریست که بسیار نقل حدیث نموده، دارای تصانیف سودمندی است، حدیث غدیر را نامبرده بطرق بسیار خود در تاریخ کبیر

خود روایت کرده که قسمتی از آن در صفحات ۴۰ و ۴۶ و ۵۳ و ۵۵ و ۵۸ و ۶۱ و ۸۲ و ۸۶ و ۸۹ و ۹۲ و ۹۷ و ۹۹ و ۱۰۳ و ۱۰۵ و ۱۲۲ گذشت و قسمتی هم در مورد حدیث مناشده رحبه و در حدیث رکبان و در مناشده جوانی بر ابی هریره و در مناشده مردی عراقی بر جابر انصاری خواهد آمد.

۲۷۰ - ابو حفص - عمر بن حسن بن مزید بن امیله مراغی سپس - حلبی سپس - دمشقی - سپس - مزی - مشهور به " ابن امیله" (در سال ۶۷۹ متولد و در ۷۷۸ وفات یافته)، جزری در جلد ۱ " طبقات القرآء " ص ۵۹۰ و ابن حجر در جلد ۳ " الدرر " ص ۱۵۹ شرح حال او را ثبت نموده اند و ابن حجر درباره او گوید : مسند زمان خود بوده، احادیث بسیار روایت کرده و از وجود او بسیار منتفع شده اند، در حدود پنجاه سال حدیث گفته و بسیار تلاوت نموده.. اه، و ابن الجزری در " طبقات القرآء " نامبرده را بموثق بودن و دینداری و صلاحیت و نیکوئی ستوده، و از فضل ابن روز بهان نقل شده که درباره او گفته : نامبرده ثقه و با اتقان است، و اسناد بزرگان از اساتید و اجله اصحاب باو منتهی میشود، حدیث او در موضوع مناشده رحبه بلفظ عبد الرحمن خواهد آمد.

۲۷۱ - شمس الدین ابو عبد الله - محمد بن احمد بن علی الهواری - مالکی - مشهور به - ابن جابر اندلسی - متوفای - ۷۸۰، نامبرده یکی از شعرای غدیر است، شعر و شرح حالش ضمن شعرای قرن هشتم خواهد آمد.

۲۷۲ - سید علی بن شهاب بن محمد همدانی، متوفای ۷۸۶، عده ای از اعلام و بزرگان نسبت باو و تالیفات و مقامات و کراماتش مدح و ستایش نموده اند، شرح حال نامبرده در " العقبات " جلد ۱ مجلد مخصوص " غدیر " ص ۲۴۴ - ۲۴۱ مذکور است

[صفحه ۲۰۶]

نامبرده حدیث غدیر را در کتاب خود " موده القربی " که از کتب دایر و چاپ شده است بطرق متعدده روایت نموده، قسمتی از طرق نامبرده در صفحات ۵۱ و ۱۰۵ و ۱۰۷ گذشت، در با نزول آیه تبلیغ در شان علی علیه السلام و در حدیث تهنیت خواهد آمد.

۲۷۳ - حافظ، شمس الدین - ابوبکر محمد بن عبد الله بن احمد مقدسی - حنبلی معروف به (صامت) متوفای ۷۸۹، جزری در جلد ۲ طبقاتش، س ۱۷۴ شرح حال او را ثبت و گوید : پیشوای مبر زما، حافظ بزرگ، شمس الدین، سپس بذکر بعض از استادان او در قرائت و تالیفاتش پرداخته و او را نظما و نثرا ستایش نموده، و ابن حجر در جلد ۳ " الدرر " ص ۴۶۵ شرح حال او و اساتید و اجازات او را درج و درباره او گوید : نامبرده استادان بسیاری را درک و سماع او زیاد بوده و خود نیز شخصا در کاوش و طلب احادیث بوده و بسیار قرائت کرده و مبانی و اسناد را بخوبی بدست آورده و از این راه سود بسیاری عاید طالبین حدیث نموده، نامبرده عالمی بوده است ذو فنون که در این راه رنج و مشقت بسیار تحمل کرده تا بحدی که کسی چون او رنج نبرده روزگاری بکار حدیث و نقل آن اشتغال ورزیده تا در " صالحیه " وفات یافت، نامبرده در راه کسب کمال بمدارج عالیه نائل شد تا آنجا که بر اقران خود برتری یافت، و متصدق فتوی و درس بود و در عین حال بسیار دارای مردانگی و متصف بصفات کمال انسانی بود، جزری حدیث احتجاج و استدلال صدیقه طاهره سلام الله علیها را بحدیث غدیر در " اسنی المطالب " از او روایت میکند، چنانکه خواهد آمد.

۲۷۴ - سعد الدین - مسعود بن عمر بن عبد الله هروی تفتازانی - شافعی در سن قریب به هشتاد سالگی در سال ۷۹۱ وفات یافته - ابن حجر در جلد ۴ " الدرر " ص ۳۵۰ شرح حال او را ثبت و تالیفات او را تعداد نموده، سپس گفته : برای او جز آنچه ذکر شد تصنیفات دیگری نیز شامل انواع علوم هست بطوریکه ائمه حدیث در بدست آوردن آنها و اعتناء بدانها مبالغه بسیار مینمودند، مقام نامبرده در علم و معرفت بحدی رسید که شناسائی رموز بلاغت و علم معقول در شرق و حتی

[صفحه ۲۰۷]

در سایر مناطق و بلاد باو منتهی میشد، همانند و نظیری در شناسائی این علوم نداشت، سیوطی در " بغیه الوعاه " ص ۳۹۱ او را ستوده و تالیفات او را تعداد نموده است، لفظ نامبرده از کتابش " شرح المقاصد " در ص ۲۸ گذشت.

علماء قرن ۰۹

۲۷۵ - حافظ علی بن ابی بکر بن سلیمان - ابوالحسن هیثمی - قاهری - شافعی - در سال ۷۳۵ متولد و در ۸۰۷ وفات یافته، سخاوی در جلد ۵ " الضوء اللامع " ص ۲۰۳ - ۲۰. شرح حال او را ثبت و استادان او را تعداد و تالیفاتش را ذکر و نسبت باو بسیار ستایش نموده، و از قول : تقی فاسی نقل نموده که : نامبرده (حافظ هیثمی) نسبت بمتن حدیث و آثار، حفظ بسیار داشته و عالمی نیکو و با صلاحیت بوده، و اقفهسی گفته : نامبرده، پیشوائی بوده عالم و حافظ و زاهد و متواضع و با مودت و محبت نسبت بمردم، دارای علاقه بعبادت و تحمل رنج و مشقت و متصف بورع بود،. آه... سپس گوید : دینداری و زهد و ورع و سایر ملکات عالیه او بسیار مورد ستایش واقع شده، بلکه در این جهات مورد اتفاق است، و عبد الحی حنبلی در جلد ۷ " شذرات " ص ۷۰ از او نام برده و او را ستوده و استادان و تالیفات او را ذکر نموده، نامبرده حدیث غدیر را در کتاب بزرگ خود " مجمع الزواید " بطرق بسیار روایت نموده که جز یک طریق بقیه طرق او صحیح است، قسمتی از روایات بطرق او در صفحات ۵۲ و ۵۵ و ۶۰ و ۶۹ و ۷۰ و ۸۲ و ۸۶ و ۸۸ و ۹۷ و ۹۹ و ۱۰۲ و ۱۰۴ و ۱۰۹ گذشت و حدیث او در باب مناشده بلفظ زاذان و زیاد و زید بن ارقم و ابی الطفیل و همچنین در باب رکبان بطریقی که صحت آن و ثقه بودن رجال آن را تصریح نموده خواهد آمد.

۲۷۶ - حافظ ولی الدین - عبد الرحمن بن محمد مشهور به " ابن خلدون " حضرمی - اشبیلی - مالکی - (در سال ۷۳۲ متولد و در ۸۰۸ وفات یافته)، صاحب

[صفحه ۲۰۸]

تاریخ مشهور و دایر، محبی در جلد ۴ " الضوء اللامع " ص ۱۴۹ - ۱۴۵ در شرح حال او بسط کلام داده و استادان او را در علوم متنوعه معقول و منقول ذکر نموده و تالیفات او را تعداد و خود و مولفاتش را مورد ستایش قرار داده، نامبرده در مقدمه تاریخش ص ۱۳۸ درباره بیان نص بر امامت در نزد امامیه گوید : این موضوع هم آشکار و هم پنهان است، اما آنچه که آشکار است مانند قول (رسول خدا صلی الله علیه و آله) من کنت مولاه فعلی مولاه، سپس گوید : گفته اند که این ولایت شامل و منطبق باحدی نیست مگر درباره علی علیه السلام و بهمین جهت عمر گفت : اصبحت مولی کل مومن و مومنه، سپس بمناقشه در مفاد آن اشاره نموده است.

۲۷۷ - سید شریف جرجانی - علی بن محمد بن علی - ابوالحسن حسینی - حنفی - (در سال ۸۱۶ در شیراز وفات یافته) سخاوی در جلد ۵ " الضوء اللامع " ص ۳۳۰ - ۳۲۸ شرح حالش را ثبت و او را ستوده و گفته : عفیف جرهی در جمله استادانش او را توصیف نموده به : علامه یگانه عصرش و بی همانند روزگارش سلطان العلماء العاملین - افتخار اعاظم المفسرین.. سپس مراتب ستایش نسبت باو را ذکر و تالیفات او را تعداد و ابو الحسنات در " الفوائد البهیه " ص ۱۳۴ - ۱۲۵ در شرح حال او و ذکر استادان او و تالیفاتش و بالاخره در ستایش او بسط کلام داده، نامبرده حدیث غدیر را در شرح " المواقف " روایت کرده بطوریکه در صفحه ۲۴ ذکر شده است.

۲۷۸ - محمد بن محمد بن محمود حافظی - بخاری - معروف به (خواجه پارسا) در سال ۷۵۶ متولد و در ۸۲۲ وفات یافته - سخاوی در جلد ۱۰ " الضوء اللامع " ص ۲۰ شرح حال او را ثبت نموده و ابو الحسنات در " فواید " ص ۱۹۹ او را نام برده و گوید بر علماء عصرش احادیث را قرائت نمود و از حیث مهارت (در قرائت) بر اقران خود برتری یافت و و فرع و اصول را تحصیل نمود، و در معقول و منقول تسلط یافت، فقه را از ابی طاهر محمد آموخت.. تا آنجا که گوید : نامبرده دارای تصنیف هائی است، از جمله کتاب " الفصول السته " و " فصل الخطاب " و کتاب اخیر کتابیست دارای لطف و عظمت و مشتمل است بر حقایق علم لدنی و متضمن دقایق طریق

[صفحه ۲۰۹]

نقشبندی است،.. اه. و طاشکبری زاده در جلد ۱ " الشقایق " ص ۲۸۶ شرح حال نامبرده را درج نموده، روایت او در حدیث نقل از کتابش " - فصل الخطاب " خواهد آمد.

۲۷۹ - ابو عبد الله - محمد بن خلیفه و شتانی - مالکی متوفای ۸۲۷ ر ۸، روایت او در داستان احتجاج امیرالمومنین علیه السلام بحدیث غدیرخم در روز جمل نقل از شرحی که نامبرده بر صحیح مسلم نگاشته خواهد آمد.

۲۸۰ - شمس الدین محمد بن محمد بن محمد - ابو الخیر دمشقی - مقری - شافعی معروف به (ابن الجزری) متوفای ۸۳۳، شرح حال کامل و وافی از او در جلد ۹ " الضوء اللامع " ص ۲۶۰ - ۲۵۵ موجود است که ضمن آن استادان او در فقه و در اصول فقه و در حدیث و در معانی و بیان ذکر شده و سخاوی در کتاب مزبور گوید : عده ای از مشایخ باو اجازه فتوی و تدریس و اقراء داده اند، و تصنیفات او را در علوم مختلفه تعداد نموده و آنها را ستوده و از جمله تصنیفات او کتاب " اسنی المطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیه السلام " را ذکر مینماید، و در جلد ۱ " الشقائق النعمانیه " ص ۴۹ - ۳۹ و همچنین در حواشی " الفواید البهیه " ص ۱۴۰ شرح حال مفصلی از او مذکور است، نامبرده حدیث غدیر را بطرق مختلفه در کتاب مذکور خود " اسنی المطالب " روایت نموده، اشاره به بعضی از طرق نامبرده در صفحات ۴۵ - ۴۳ و ۴۷ و ۵۱ و ۵۳ و ۵۶ و ۶۰ و ۶۲ و ۷۶ و ۸۰ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۹ و ۹۳ و ۱۰۰ و ۱۰۴ و ۱۰۶ گذشت و روایت او در احتجاج حضرت صدیقه سلام الله علیها بحدیث غدیر خواهد آمد.

۲۸۱ - تقی الدین احمد بن علی بن عبد القادر حسینی - قاهری - مقریزی حنفی - متوفای ۸۴۵، شرح حال مبسوط و کامل او در جلد ۱ " الضوء اللامع " ص ۲۵ - ۲۱ مذکور است و سخاوی ضمن شرح حال او گوید : نامبرده در نون متعدده وارد شده و در اصول فضایل با اهل آن شریک گشته و با خط پاکیزه و زیباش بسیار کتابت نموده و کلمات شعر و نثر گفته و در نتیجه تحصیل و تکمیل

[صفحه ۲۱۰]

فنون بطالبین علم سودها رسانیده و مقام نیابت در حکم و داوری را یافته و احکام صادر کرده و چندین بار در قاهره متصدی امور حسبی گشته و در مسجد جامع عمرو خطابه ایراد کرده و در مسجد جامع حاکم امامت نموده، و در جامع مویدیه قرائت حدیث کرده، سپس تالیفات او را تعداد و مورد ستایش قرار داده و گفته که : بخط خود او (مقریزی) خواندم که تصنیفات او از دویست مجلد بزرگ بیشتر است، و استادان او به ششصد تن بالغ گشته، اشاره بحدیث او (در موضوع داستان غدیرخم) در ص ۴۷ گذشت و در حدیث تهنیت نیز خواهد آمد.

۲۸۲ - قاضـی شـهاب الدین - احمد بن شـمس الدین - عمر، دولت آبادی، متوفای ۸۴۹، صـاحب " الارشاد " در نحو - و " هـدایه السعداء " و " البحر المواج. " در تفسیر، در جلد ۲ " العبقات " صفحه ۳۳ - ۲۹ شرح حال کامل و مفصلی از او مذکور است، لفظ او در کلمات پیرامون مفاد حدیث غدیرخم و در نزول آیه سال سایل در اطراف قضیه غدیر خواهد آمد.
۲۸۳ - حافظ احمـد بن علی بن محمد - ابوالفضل عسـقلانی - مصـری - شافعی - معروف به (ابن حجر) - در سال ۷۷۳ متولد و در ۸۵۲ وفات یافته - صاحب کتابهای " الاصابه " و " تهذیب التهذیب، " سـخاوی در جلد ۲ " الضوء اللامع " ص ۴۰ - ۳۶ در شرح حـال او بسـط کلام داده و اسـتادان او و تالیفاتش را ذکر و مورد سـتایش قرار داده و درباره او گویـد : پیشوای پیشوایان، قـدمای از علمـاء به نیروی حفـظ و مورد وثوق بودن و امـانت و معرفت تامه و ذهن روشن و درخشان و هوش مفرط و وسـعت دامنه علم او در فنون مختلفه شـهادت داده اند، و اسـتاد او " عراقی " شهادت داده که نامبرده داناترین اصحاب او بحدیث است، و هر یک از دو نفر - تقی فاسـی - برهانی حلبی گفته انـد : هماننـد او را نیافتیم، و عبـد الحی در جلـد ۷ " شـذرات " ص ۲۷۳ - ۲۷۰ از او نـام برده و گوید. در فقه و عربیت احاطه و تسلط یافته و حافظ اسـلام شده، و سپس در سـتایش نسبت باو سـخن بدرازا کشید و تالیفات او را ذکر و آنها را ستوده، اشاره بحدیث او (در موضوع غدیر) در صفحات ۴۰ ر ۴۱ ر ۵۰ ر ۵۶ ر ۶۲ ر ۷۲ ر ۸۸ ر ۸۹ ر ۹۱ و ۹۳

[صفحه ۲۱۱]

۱۰۰ ر ۱۰۲ ر ۱۰۸ ر و ۱۰۹ و ۱۱۱ گذشت و در داستان مناشده رحبه و موضوع رکبان خواهد آمد.
۲۸۴ - نور الـدین علی بن محمد بن احمد - غزی الاصل - مکی - مالکی - معروف بن (ابن صـباغ - در سال ۷۸۴ متولد و در ۸۵۵ وفات یافته - سخاوی از او باجازه روایت میکند و شرح حال او را در جلد ۵ " الضوء اللامع " ص ۲۸۳ ثبت و استادان او را در فقه و غیره ذکر نموده، سـپس گویـد : نامبرده دارای مولفاتی است، از جمله آنها " الفصول المهمه لمعرفه الائمه " با تصـریح باینکه : آنها دوازده نفرند، و " العبر فیمن شـفه النظر.. " اه - صفوری در " نزهه المجالس " و شیخ احمد بن عبد القادر شافعی در " ذخیره المال "و شـبلنجی در " نور الابصار " از کتاب او " الفصول المهمه " نقل حـدیث میکنند، روایت او در باب غدیرخم در صـفحات ۴۶ و ۵۷ و ۷۸ و ۸۶ و ۸۹ گذشت و در آیه تبلیغ و حدیث تهنیت خواهد آمد.
۲۸۵ - محمود بن احمد بن موسی بن احمد - قاضی القضاه - بدر الدین - مشهور به عینی حنفی - در سال ۷۶۲ در مصر متولد و در ۸۵۵ وفات یافته - در جلـد ۱۰ الضوء اللامع " ص ۱۳۵ - ۱۳۱ شـرح حال او مذکور است، و در آنجا اسـتادان او را در فقه و اصول فقه و حـدیث و ادب ذکر نموده و تالیفات او را تعـداد و آنها را سـتوده و گفته : نامبرده (عینی) حـدیث کرد و فتوی داد و تـدریس نمود، و تمام پیشوایان از هر مـذهب و طبقه یکی پس از دیگری حـدیث را از او گرفتنـد، بلکه علماء اهل طبقه سوم نیز از او حدیث دریافت داشـته اند، و من خود یکی از کسانی هسـتم که مقداری (از احادیث را) بر او قرائت نمودم، ابن خطیب ناصری در تاریخش از او نام برده و درباره او گوید : پیشوائی است عالم - فاضل، در فرا گرفتن علوم شـرکت نموده، خصوصیات نفسانی - او را محتشم و در خور احترام نموده، دارای مردانگی و عصبیت و دیـانت است، سیوطی در " بغیه الوعاه " ص ۳۸۶ شرح حال او را ذکر و او را ستوده و استادان و قرائت و تالیفات او را بیان نموده و درباره او گوید : پیشوائی

[صفحه ۲۱۲]

است عالم - بسیار دانا و عارف بعربیت و تصریف و غیر آنها، ابوالحسنات در " فوائد " ص ۲۰۷ او را ذکر نموده، اشاره بحدیث او

در صفحه ۸۶ گذشت و در آیه تبلیغ نیز لفظ او خواهد آمد.

۲۸۶ - نجم الدین محمد بن قاضی عبد الله بن عبد الرحمن اذرعی (زرعی) - دمشقی - شافعی معروف به (ابن عجلون - در سال ۸۳۱ متولد و در ۸۷۶ وفات یافته - سخاوی در جلد ۸ " الضوء اللامع " ص ۹۶ گوید : نامبرده پیشوائی است علامه و با اتقان و حجت و ضابط و دارای نیروی درک و فهم نیکو، لکن نیروی حفظ او بهتر است متدین و موصوف بن عفت و عقل فراوان، سپس استادان قرائت او را در فقه و اصول فقه و حدیث و تفسیر و منطق و عربیت، ذکر و تصنیفات او را تعداد نموده، عبد الحی در جلد ۷ "شذرات " خود ص ۳۲۲ شرح حال او را ثبت و درباره او گوید : او پیشوائی است علامه، از علماء عصر خود آموخته و تسلط یافته و ماهر شده بحدی که گروه بیشماری از او اخذ حدیث کرده و از او آموخته اند، در جلد ۲ " البدر الطالع " ص ۱۹۷ نیز شرح حال او موجود است، لفظ او در شعر ابی عبد الله شیبانی ضمن ذکر شعراء غدیر خواهد آمد.

۲۸۷ - علاء الدین - علی بن محمد قوشچی متوفای ۸۷۹ بدر الدین در حواشی " الفوائد البهیه " ص ۲۱۴ شرح حال او را ذکر و تالیفات او را بیان و درباره او گوید : نامبرده در علوم ریاضی مهارت یافته، کاتب چلبی در "کشف الظنون " در مورد ذکر - شرح تجرید او - از او، به : مولای محقق - تعبیر نموده و شرح تجرید او را ستوده، و طاشکبری زاده در جلد ۱ " الشقایق النعمانیه " ۱۸۱ - ۱۷۷ شرح حال او را ثبت و با تعبیر به مولای فاضل او را ستوده. شوکانی در جلد ۱ " البدر الطالع " ص ۴۹۵ شرح حال او را ثبت نموده، نامبرده حدیث غدیر را در شرح تجریدش ذکر

[صفحه ۲۱۳]

کرده چنانکه در صفحه ۲۸ گذشت.

۲۸۸ - عبد الله بن احمد بن محمد مشهور به : سید اصیل الدین حسینی - ایجی - شافعی - مقیم مکه - متوفای ۸۸۳، مورخ بزرگ غیاث الدین در تاریخ کبیر " حبیب السیر شرح حال او را بسیار ستایش نموده و درباره او گوید : نامبرده بر علماء جهان و بزرگان آدمیان بسبب جلالت و هوشیاری و پارسائی و دین و ورع برتری و تفوق یافته، کتاب " درج الدرر - فی - سیره سید البشر " از او است، سخاوی در جلد ۵ " الضوء اللامع " ص ۱۲ او را نام برده و گوید : او از جمله افاضلی است که در مکه از من اخذ حدیث نمودند، مضافا بر مراتب دینداری و فروتنی و قبول قناعت و ادب و نیکوئی خط و ضبط و سایر ملکات و صفات نیکو و پسندیده که در او جمع است، نامبرده شرح حدیث غدیر را که بلفظ براء بن عازب در حدیث تهنیت روایت شده و خواهد آمد، در کتاب خود" درج الدرر " ذکر نموده و آنرا از امور کلیه واقعه در حجه الوداع بشمار آورده است.

۲۸۹ - ابو عبد الله محمد بن محمد بن یوسف حسینی - سنوسی - تلمسانی - متوفای در سال ۸۹۵، ملالی شاگرد او کتابی جداگانه در احوال و سیره و فواید او تالیف نموده و نام آنرا " المواهب القدسیه فی المناقب السنوسیه " گذارده، و نسبت باو ستایش بسیار نموده به جلد ۱ " معجم المطبوعات " ص ۱۰۵۸ مراجعه نمائید، داستان احتجاج امیرالمومنین علیه السلام بر طلحه روز جمل بحدیث غدیرخم نقل از شرحی که او بر صحیح مسلم نوشته خواهد آمد.

۲۹۰ - ابو الخیر فضل الله بن روزبهان - فضل الله خنجی شیرازی - شافعی - معروف به " خواجه ملا " سخاوی در جلد ۶ " الضوء اللامع " ص ۱۷۱ شرح حال او را درج و استادان او را ذکر و گوید : نامبرده در فنونی از عربیت و معانی واصلین و جز آنها پیشروی کرده مضافا بر خصلتهای نفسانی از خوشرفتاری و توجه.. تا آنکه گوید اطلاع یافتم در سال ۹۷ که در اثر بلاغت و نیک اندیشی منشی دیوان سلطان

[صفحه ۲۱۴]

یعقوب شد، لفظ نامبرده در مورد داستان غدیر نقل از کتابش " ابطال الباطل " در باب سخنان در پیرامون حدیث غدیر خواهد آمد.

علماء قرن ۱۰

۲۹۱ - کمال الدین - حسین بن معین الدین یزدی - میبدی شارح دیوان منسوب به امیر المومنین علیه السلام در سال ۸۹۰ شرح مزبور را نوشته و کتابی در حکمت و فلسفه در سال ۸۹۷ تالیف نموده، و در شرح حدیث غدیر کتابی دارد که در سال ۹۰۸ آنرا تالیف نموده، و بنابراین تاریخ وفات او را که در بعضی از کتب تذکره و شرح حال بسال ۸۷۰ اشعار داشته اند بی مورد است، و تالیفات او نمودار از مشارکت و اطلاع او است بر علوم، اشاره بحدیث او در موضوع غدیر در صفحه ۴۶ و ۶۸ گذشت و در داستان تهنیت و آیه اکمال دین خواهد آمد.

۲۹۲ - حافظ - جلال الدین عبد الرحمن بن کمال الدین مصری - سیوطی شافعی متوفای ۹۱۱، عبد الحی در جلد ۸ " شذرات" ص ۵۵ - ۵۱ شرح حال او را ثبت و درباره او گوید : مسند محقق با دقت، صاحب تالیفات عالی و سودمند، بسیار او را ستوده و تالیفاتش را تعداد نموده و گفته : نامبرده هفتاد و چند بار پیغمبر صلی الله علیه و آله را در بیداری دیده و کرامت طی الارض برای او قائل و حکایت نموده که همسفر خود را از قرافه بمکه برد و رفتن و برگشتن او با برداشتن چند گام انجام یافت : و ابن عیدروس در " النور المسافر " ص ۵۷ - ۵۴ او را نام برده و مورد ستایش قرار داده و بعض از کرامات و تالیفات او را ذکر نموده، اشاره بحدیث او در داستان غدیر در صفحات ۴۰ و ۴۵ و ۴۸ و ۵۳ و ۵۵ و ۶۰ و ۶۱ و ۷۲ و ۸۳ و ۸۶ و ۹۸ ۸۸ و ۱۰۰ و ۱۰۲ و ۱۰۹ گذشت و حدیث او در موضوع مناشده امیرالمومنین علیه السلام در روز شوری و در رحبه بحدیث غدیر و در باب نزول آیه تبلیغ و آیه اکمال دین درباره علی علیه السلام پیرامون

[صفحه ۲۱۵]

واقعه غدیر خواهد آمد.

۲۹۳ - نور الدین - علی بن عبد الله بن احمد حسنی - مدنی - سمهودی - شافعی - متوفای ۹۱۱، عبد الحی در جلد ۷ " شذرات الذهب " ص ۵۰ شرح حال او را ثبت و گفته : نامبرده بمدینه منوره آمده و در آنجا سکنی گرفته و عالم و مفتی و مدرس و مورخ شافعی و پیشوای مورد احترام و حجت صاحب فنون در مدینه بوده سپس استادان و تالیفات او را تعداد نموده و آنها را ستوده، و ابن عیدروس در " النور السافر " ص ۶۰ - ۵۸ او را نام برده و استادان او را ذکر و تالیفات او را تعداد و مورد ستایش قرار داده، و شوکانی در جلد ۱ " النور الطالع " ص ۴۷۰ شرح حال او را درج نموده. اشاره به حدیث او در صفحات ۴۱ و ۴۲ و ۴۴ و ۵۰ و ۵۶ و ۶۲ و ۸۸ و ۹۰ و ۹۳ و ۱۰۱ گذشت و روایت او در احتجاج عمر بن عبد العزیز بحدیث غدیر و در داستان تهنیت خواهد آمد.

۲۹۴ - حافظ - احمد بن محمد بن ابی بکر - ابو العباس قسطلانی - مصری - شافعی متوفای ۹۲۶، شرح حال او در " النور السافر" ص ۱۱۵ - ۱۱۳ - موجود است و استادان و تالیفات او تعداد و ذکر شده، و گوید : نامبرده پیشوائی بوده و حافظ و با اتقان و جلیل القدر و دارای تقریر و تحریر نیکو و لطف اشاره و عبارات رسا و گردآوری و تالیف او نیکو و منظم و آراسته، نامبرده زینت اهل زمان خود و برگزیده مردم عصر خود بوده و از جمله تالیفات او " المواهب اللدنیه فی المنح المحمدیه " و " شرح صحیح بخاری" را نام برده (هر دو کتاب در نزد مولف " الغدیر " موجود است)، و شوکانی در جلد ۱ " النور الطالع " ص ۱۰۲ شرح حال او را ذکر

نموده، لفظ نامبرده در حدیث غدیر نقل از " المواهب اللدنیه " در سخنان پیرامون سند حدیث غدیر خواهد آمد.

۲۹۵ - سید عبد الوهاب ابن محمد رفیع الدین احمد حسینی - بخاری متوفای ۹۳۲، شرح حال و ستایش او و توصیف او از حیث علم و عمل در " اخبار الاخیار"

[صفحه ۲۱۶]

شیخ عبد الحق دهولی و در " تذکره الابرار " سید محمد موجود است، روایت او نقل از تفسیرش در نزول آیه تبلیغ درباره علی علیه السلام پیرامون واقعه غدیر خواهد آمد.

۲۹۶ - حافظ عبد الرحمن بن علی - معروف به (ابن الدبیع) ابو محمد شیبانی - شافعی (در سال ۸۶۶ متولد و در ۹۴۴ وفات یافته)، ابن عید روس در " النور السافر " ص ۲۲۱ - ۲۱۲ شرح حال او را درج و او را ستایش بسیار نموده و تالیفات او را ذکر و درباره او گفته : امام. حافظ. حجت با اتقان - شیخ الاسلام - علامه الانام - پیشوای دقیق و با تشخیص - مسند دنیا - فرمانده اهل ایمان در حدیث سید المرسلین - خاتمه المحققین - استاد استادان مبرز ما، و شوکانی در جلد ۱ " البدر الطالع " ص ۳۳۵ او را نام برده و استادان او را در فقه و حدیث و تفسیر و حساب و هندسه تعداد کرده و تالیفات او را در جلد ۳ " تیسیر الوصول الی جامع الاصول" ص ۲۷۱ ذکر نموده.

۲۹۷ - حافظ - شهاب الدین احمد بن محمد بن علی بن حجر هیتمی - سعدی - انصاری - شافعی (در سال ۹۰۹ متولد و در سال ۹۷۴ در مکه مکرمه وفات یافته)، ابن عیدروس در " النور السافر " ص ۲۹۲ - ۲۸۷ در شرح حال او بسط کلام داده و درباره او گوید : شیخ - پیشوا - شیخ الاسلام - خاتمه اهل فتوی و تدریس، در علم فقه بمنزله دریائی است که با دلو جد و جهد نمیتوان از زلال تحقیق او بهره گرفت - بطوریکه عارفین اجماع و اتفاق بر آن دارند، که نامبرده امام الحرمین است و فضایل او در میان هر گروه مشهور و تعداد شده، پیشوائی است که پیشوایان باو اقتدا نموده اند، بزرگواری است که قلوب عموم مردم اقلیم حجاز متوجه و منصرف باو بوده تصنیفات او در زبان خود آیتی است که هم عصران او از آوردن مانند آن ناتوانند، سپس - استادان او و تالیفاتش را تعداد و آنها را ستوده، و در جلد ۱ " البدر الطالع " ص ۱۰۹ نیز شرح حال او موجود است، حدیث او درباره غدیر در صفحه ۵۹ گذشت و تفصیل آنچه

[صفحه ۲۱۷]

که در سخنان پیرامون سند حدیث غدیر از او ذکر شده خواهد آمد.

۲۹۸ - متقی - علی بن حسام الدین بن قاضی عبد الملك قرشی - هندی، به مکه مشرفه آمده و در آنجا در سال ۹۷۵ وفات یافته، صاحب کتاب گرانبها و بزرگ " کنز العمال، " در " النور السافر " ص ۳۱۹ - ۳۱۵ شرح حال مفصل و کافی از او موجود است، در آنجا درباره او گوید : نامبرده از علماء عاملین و از بندگان صالح خداوند بوده و از جهت ورع و تقوی و کوشش در عبارت و ترك ما سوی الله مقام بزرگی را دارا بوده، مصنفات عدیده دارد و شهرت حالات پسندیده او زبان زد مردم بوده و از جمله مناقب او، گفتار پیغمبر را ذکر نموده، که در عالم خواب فرموده : او افضل خلق است در زمان خود، سپس گوید : مولفات او بسیار و از کوچك و بزرگ در حدود یکصد مجلد است، محاسن اخلاق و مناقب او بقدری است که علامه عبد القادر بن احمد فاکهی مکی تالیف لطیفی مخصوص و مشتمل بر مناقب و فضایل او ترتیب داده و آن را " القول النفی فی مناقب المتقی " نامیده و در آن سیره و

روش پسندیده او و ریاضت های بزرگ و کوششهای دشوار و حیرت انگیز او را ذکر نموده.. تا آنجا که گوید : خلاصه سخن آنکه این مرد - نیست جز یکی از نیکوئی های زمان و خاتمه اهل ورع و از مفاخر هند، و شهرت او از توضیح شرح حال مستغنی و بزرگی او در قلوب از ستایش بی نیاز، اشاره به حدیث او در صفحات ۴۰ و ۴۵ و ۴۸ و ۵۰ و ۵۳ و ۵۵ و ۶۲ و ۷۳ و ۸۶ و ۹۳ و ۹۸ و ۱۰۳ و ۱۰۷ گذشت و در موضوع مناشده رحبه بطرق مختلف خواهد آمد.

۲۹۹ - شمس الدین - محمد بن احمد (در شذرات : محمد ذکر شده) شربینی - قاهری - شافعی - متوفای ۹۷۷، صاحب دو تالیف بزرگ و مهم : تفسیر او موسوم به " السراج المنیر " که در سال ۹۶۸ تالیف شده و در چهار مجلد بچاپ رسیده - و " الاقناع فی حل الفاظ ابی شجاع " که در دو مجلد بچاپ رسیده - و در کتب تذکره و شرح احوال علماء حدیث، تالیفات چاپ شده او هشت جلد تعداد شده - عبد الحی در جلد ۸ " شذرات " ص ۳۸۴ شرح حال او را ذکر کرده و درباره او چنین گوید :

[صفحه ۲۱۸]

خطیب - امام - علامه - شربینی در " الکواکب " گفته : از شیخ احمد برلسی اخذ حدیث نموده، سپس استادان او را تعداد کرده تا اینکه گوید : مشایخ او باو اجازه افتاء و تدریس دادند و او در زمان حیات استادانش تدریس نمود و فتوی داد و خلق بی شماری از وجود او منتفع شدند و همه اهل مصر بصلاحیت او معتقد و او را به علم و عمل و زهد و ورع و بسیاری عبادت و نماز توصیف کردند، سپس بعض از تالیفات و گامهائی را که در راه اصلاح برداشته ذکر نموده و بالاخره درباره او گوید : او آیتی از آیات الهی و حجتی از حجج خداوند بر خلقش بود، حدیث نزول آیه سال سائل درباره علی علیه السلام پیرامون واقعه غدیرخم نقل از تفسیر او خواهد آمد.

۳۰۰ - ضیاء الدین ابو محمد احمد بن محمد وتری - شافعی - در عشره هشتم بعد از سال ۹۰۰ در مصر وفات یافته، حدیث ولایت را در کتاب خود " روضه الناظرین " ص ۲ بطور ارسال مسلم ذکر نموده است.

۳۰۱ - حافظ - جمال الدین - محمد طاهر ملقب به (ملك المحدثین) هندی - فتنی - در سال ۹۸۶ کشته شد، و از شاگردان ابن حجر هیتمی و استاد - علی متقی هندی بوده، ابن عیدروس در " النور السافر " س ۳۶۱ شرح حال او را ثبت و در ستایش او مبالغه بسیار نموده و گروهی از استادان او را تعداد نموده و گوید : نامبرده در علوم عدیده تسلط یافت و بر اقران خود برتری گرفت تا آنجا که دیگر احدی از علماء گجرات بنظر نرسید که در علم حدیث بمرتبه او رسیده باشد، بعض از بزرگان ما چنین ذکر کرده اند، نامبرده را تصنیف های سودمندیست، از جمله کتاب موسوم به (مجمع بحار الانوار فی غرائب التنزیل و لطایف الاخبار) و شرح حال او در حواشی (الفوایـد البهیه) ص ۱۶۴ موجود است، در آنجا بعد از ستایش نسبت باو گوید : از جمله کتب او که مطالعه نمودم کتاب " مجمع البحار فی غریب الحدیث " و المغنی فی ضبط اسماء الرجال و " قانون الموضوعات فی ذکر الضعفاء

[صفحه ۲۱۹]

و الوضاعین " و " تذکره الموضوعات فی الاحادیث الموضوعه " میباشد و تمام این کتب مشتمل بر فواید بزرگی است، و عبد الحی در جلد ۸ " شذرات " ص ۴۱۰ از او نام برده و استادان او را ذکر نموده و درباره او گوید : نامبرده مردی بوده عالم و عامل و محیط و متبحر در علوم و موصوف بورع و او را مصنفاتی است، که از جمله آنها مجمع بحار الانوار است : تا آخر... نامبرده آنچه را که ابن اثیر در پیرامون حدیث غدیرخم در " النهایه " گفته در کتاب مزبور " مجمع البحار " ذکر نموده است.

۳۰۲ - میرزا مخدوم بن عبد الباقی متوفای حدود ۹۹۵، نامبرده تواتر حدیث غدیر را در تالیفش " نواقص الروافض " ذکر نموده و جز و قطع بدلالت حدیث مزبور را بر امامت امیرالمومنین علیه السلام نفی نموده است.

۳۰۳ - شیخ عبد الرحمن بن عبد السلام صفوری - شافعی، مولف کتاب " نزهه المجالس " که در مصر چند بار چاپ شده، روایت او در باب نزول آیه سال سائل درباره علی علیه السلام که نقل از قرطبی نموده خواهد آمد.

۳۰۴ - جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی - شیرازی - متوفای ۱۰۰۰، کتاب " الاربعین فی مناقب امیرالمومنین علیه السلام و کتاب " روضه الاحباب فی سیره النبی صلی الله علیه و آله و الال و الاصحاب " از او است، کاتب چلبی در جلد ۱ " کشف الظنون "ص ۵۸۲ - تفصیل فصول کتاب اخیر الذکر او را ذکر نموده، حدیث غدیر از نامبرده در ص ۹۸ گذشت که در " اربعین " خود بلفظ : حذیفه بن اسید مذکور در ص ۵۶ روایت نموده گذشت، و روایت او در باب نزول آیه تبلیغ درباره علی علیه السلام و در حدیث رکبان و تصریح او بتواتر حدیث در کلمات پیرامون سند حدیث غدیر خواهد آمد.

[صفحه ۲۲۰]

علماء قرن ۱۱

۳۰۵ - ملا علی بن سلطان محمد هروی معروف به " قاری " حنفی به مکه مشرفه آمده و در آنجا مسکن گزیده و در سال ۱۰۱۴ وفات یافته، تالیفات بسیار گرانبهائی دارد، محبی در جلد ۴ " خلاصه الاثر " ص ۱۸۵ شرح حال او را ذکر و درباره او گوید : یکی از علماء عالی مقام، یگانه زمانش، در تحقیق و تنقیح عبارات (حدیث) دارای تسلط و چهره و هیئت روشن و خیره کننده ای بوده، شهرت او کافی است و نیازی بستایش و توصیف ندارد، در هرات متولد شد و بسوی مکه شتافت و در آنجا از استاد ابوالحسن بکری اخذ حدیث نمود، سپس مشایخ و استادان او را تعداد مینماید، و باز در توصیف او گوید : نام او مشهور گشت و آوازه او در بلاد منتشر گردید، تالیفات بسیار و دارای لطف و مشتمل بر فواید بزرگ فراهم ساخت : از جمله آنها : شرح بر " المشکاه " که چندین مجلد است و نام آن " المرقاه " است، و این بزرگترین و گرامی ترین تالیفات او است، و " شرح الشفاء " و " شرح الشمائل - "همینطور تالیفات او را تعداد نموده و تاریخ وفات او را ذکر کرده آنگاه گوید : چون خبر در گذشتن او بعلماء عصر و زمان او رسید - علماء مصر در جامع از هر مجتمع گشتند - جمع کثیر شامل چهار هزار تن و بیشتر - و بر او - در حالتیکه بدنش در میان نبود نماز گزاردند، و زر کلی در جلد ۲ " الاعلام " خود ص ۶۹۷ شرح حال او را ثبت و تالیفات او را تعداد نموده، و در جلد ۱" معجم المطبوعات " ص ۱۷۹۲ بیست مجلد از تالیفات چاپ شده او را تعداد کرده، نامبرده (قاری) در " المرقات فی شرح المشکات "در شرح قول مصنف گوید : (حدیث غدیر را) احمد و ترمذی - روایت نموده اند، و در " الجامع " : " حدیث مزبور را " احمد و ابن ماجه از براء روایت نموده اند، و احمد از بریده، و ترمذی و نسائی و ضیاء از زید بن ارقم، آنگاه (در شرح خود در این مورد) مینگارد : در اسناد مصنف، حدیث از زید بن ارقم را به احمد و ترمذی مسامحه ایست

[صفحه ۲۲۱]

که پوشیده نیست، و در روایت منسوب به احمد و نسائی و حاکم از بریده بلفظ : من کنت ولیه فعلی ولیه ذکر شده و محاملی در آمالی خود از ابن عباس روایت میکند و لفظ او چنین است : علی بن ابی طالب مولی من کنت مولاه، و روایت از او در کلمات

پیرامون سند حدیث خواهد آمد.

۳۰۶ - ابو العباس احمد چلبی بن یوسف بن احمد مشهور به " ابن سنان قرمانی " دمشقی - متوفای ۱۰۱۹، مولف تاریخ مشهور - موسوم به " اخبار الدول و آثار الاول " که چندین بار بچاپ رسیده است، محبی در جلد ۱ خلاصه اش ص ۲۰۹ شرح حال او را ثبت نموده، اشاره بحدیث غدیر از نامبرده در صفحه ۶۰ گذشت.

۳۰۷ - زین الدین- عبد الروف بن تاج العارفین بن علی حدادی - مناوی - قاهری - شافعی (در سال ۱۰۳۱ در سن ۷۹ سالگی وفات یافته) - محبی در جلد ۲ " خلاصه الاثر " ص ۴۱۲ در شرح حال او بسط سخن نموده و درباره او گوید : پیشوای بزرگ، حجت - صاحب دقت نظر - برگزیده در میان علماء - صاحب تصنیفات مشهور و دایر - بزرگوارترین اهل شهرش (بدون تردید)، نامبرده پیشوائی بوده فاضل، زاهد، عابد، متوجه و خاشع در پیشگاه خداوند، منافع وجودی او بسیار و با کردار پسندیده در طریق قرب بحق به تسبیح و ذکر خدا مشغول بوده، متصف به صبر و صدق بوده، در شبانه روز به یک نبوت غذا اکتفا میکرده، از علوم متنوعه و معارف بقدری تحصیل نموده که احدی از علماء همزمان او در تحصیل آن قادر نبوده، سپس مشایخ و استادان او را در فقه و اصول و تفسیر و حدیث و ادب و طریقت و خلوت ذکر و تالیفات بسیار او را تعداد و نسبت بانها بسیار ستایش کرده، نامبرده در " کنوز الحقایق " ص ۱۴۷، این فرموده پیغمبر صلی الله علیه و آله را : من کنت مولاه فعلی مولاه، و : من کنت ولیه فعلی ولیه. و : علی مولی من کنت مولاه روایت کرده، و حدیث نزول آیه سال سائل در واقعه غدیر خم نقل از کتاب او " فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر " خواهد آمد و همچنین افاده او در صحت حدیث در باب کلمات پیرامون سند حدیث غدیر خواهد آمد.

[صفحه ۲۲۲]

۳۰۸ - فقیه - شیخ بن عبد الله بن شیخ بن عبد الله بن شیخ بن عبد الله عید روس - حسینی - یمنی (در سال ۹۳۳ متولد و در ۱۰۴۱ وفات یافته، محبی در جلد ۲ " خلاصه الاثر " ص ۲۳۵ شرح حال او را ثبت و او را با کلمات : استاد بزرگوار - محدث صوفی - فقیه - ستوده و مشایخ و استادان او را در قرائت حدیث - در یمن و در حرمین و در هند تعداد نموده و کرامتی برای او در مورد بهبودی جراحت سلطان ابراهیم (که زمین گیر شده بود) بامر او - حکایت نموده که در نتیجه سلطان مزبور که نخست رافضی بوده بمذهب اهل سنت و جماعت درآمده. و سید محمود قادری مدنی در کتابش " الصراط السوی " ضمن نقل از کتاب " العقد النبوی و السر المصطفوی " تالیف نامبرده، او را با این عنوانها و القاب ستوده : شیخ امام و غوث همام، بحر الحقایق و المعارف، السید السند و الفرد الامجد روایت او در مورد نزول آیه سال سائل پیرامون واقعه غدیرخم نقل از کتاب مذکور " العقد النبوی " خواهد آمد.

۳۰۹ - محمود بن محمد علی شیخانی - قادری - مدنی، مولف کتاب " الصراط السوی. فی مناقب آل النبی صلی الله علیه و آله " و کتاب " حیات الذاکرین " روایت او در مورد نزول آیه سال سائل پیرامون قضیه غدیر خم خواهد آمد.

۳۱۰ - نور الدین، علی بن ابراهیم بن احمد حلبی - قاهری - شافعی، متوفای ۱۰۴۴، صاحب کتاب مشهور " السیره النبویه " محبی در جلد ۳ " الخلاصه " ص ۱۲۲ شرح حال او را ثبت و درباره او گوید : پیشوای بزرگوار، جلیل القدرترین مشایخ اعلام، علامه زمان، کوهی از کوههای دانش و دریای بی کران آن، دارای منطقه وسیع حلم (بردباری) دانشمند عالی مقدار، گردآورنده پراکندگیها، کسی که نقد عمر شریفش را در اندوختن علم نافع و نشر آن صرف نموده، و در اثر رسیدن بمقامات شامخه علوم حظ و نصیبی احراز کرده که احدی بدان پایه از موفقیت نایل نگشته مجلس درس او مجمع فضلا بوده و خردمندان و شخصیتهای بزرگ در حریم دانش او بار سفر میگشودند، منتهای مراتب تحقیق را پیموده، و با فهم

[صفحه ۲۲۳]

تند و نافذ و نیرومندی فکر، کاوش در فتاوی نموده و بین علم و عمل را جمع کرده، و جد و جهد فراوان در درک حقایق نموده، منافع وجودی و آثار علمی او بهمگان رسیده بطوریکه طالبین علم و فضیلت از هر نقطه و شهری بسوی او میشتافتند،... سپس در ثنا و ستایش او سخن بسیار گفته و استادان و تالیفات او را تعداد کرده و تالیفاتش را ستوده، تالیفات بسیاری دارد، روایت او در حدیث غدیر در صفحه ۵۹ گذشته و در مورد نزول آیه سال سائل در اطراف واقعه غدیر و همچنین سخن او در باب کلمات پیرامون سند حدیث غدیر خم خواهد آمد.

۳۱۱ - شیخ احمد بن فضل بن محمد باکثیر مکی - شافعی - متوفای ۱۰۴۷، محبی در جلد ۱ " خلاصه ص ۲۷۱ از او نام برده و گوید : او از ادباء و فضلاء با تمکین حجاز بوده، در فضل و ادب دارای مقامی ارجمند بوده، در علوم فلکیه و معرفت آفاق جهان و عالم آفرینش دستی داشته و در میان بزرگان و اشراف مکه منزلت و شهرت بسزائی داشته.. تا آنجا که گوید : از جمله مولفات او" حسن المال فی مناقب الال " است، که آنرا بنام : شریفش ادریس امیر مکه قرار داده، سپس قصیده ای از او نقل میکند که ضمن آن شریف حسنی - علی بن برکات را مدح و ستایش کرده، روایت او در مورد نزول آیه سال سائل در اطراف قضیه غدیرخم خواهد آمد و حدیث غدیر از او در صفحات ۴۴ و ۹۱ و ۱۰۱ مذکور و نامبرده را در پیرامون صحت حدیث غدیر و مفاد آن سخنی است که در باب کلمات پیرامون حدیث غدیرخم خواهد آمد.

۳۱۲ - حسین بن امام منصور بالله - قاسم بن محمد بن علی یمنی متوفای ۱۰۵۰، صاحب تالیف گرانبها و وزین که در دو مجلد ضخیم در هند بچاپ رسیده و آنرا به " غایه السئول فی علم الاصول " نامیده، و شرح آن بنام " هدایت العقول " در سال ۱۰۴۹ از آن فراغت یافته، محبی در جلد ۲ " خلاصه " ص ۱۰۴ شرح حال او را ثبت و از قول قاضی حسینی مهلا گوید که او در حق نامبرده چنین گفته : پیشوای علوم محمد صلی الله علیه و آله، آنچنان کسی که اهل تحقیق، اعتراف به مراتب تحقیق او، و ارباب دقت نظر

[صفحه ۲۲۴]

تصدیق بدقت نظر او نمودند و در تمام اقطار بلاد یمن بدارا بودن علوم عالیه مشهور گشته، او از پدرش : امام منصور اخذ حدیث نموده، سپس بقیه استادان او را ذکر نموده و از جمله تصانیف عالیه او همین کتاب " غایه السئول " و شرح آن " : هدایت العقول" را بشمار آورده و کتابی هم در آداب علماء و متعلمین، سپس گوید : نامبرده کتاب مزبور را از " جواهر العقدین " تالیف سید سمهودی خلاصه نموده، سپس قطعه ای از نمونه های شعر او را ذکر نموده. نامبرده در کتاب خود " هدایت العقول (" که در نزد مولف معظم " الغدیر " موجود است) حدیث غدیر را بطرق بسیار ذکر نموده که هر گاه جداگانه آنرا تنظیم میکرد خود رساله ای مستقل بود، سخن او در باب کلمات پیرامون سند حدیث غدیرخم خواهد آمد.

۳۱۳ - شیخ احمد بن محمد بن عمر - قاضی القضات - ملقب به - شهاب الدین - خفاجی - مصری - حنفی - متوفای ۱۰۶۹ (که سن او قریب نود سال بوده)، محبی در جلد ۱ " خلاصه الاثر " ص ۳۴۳ - ۳۳۱ در شرح حال و ستایش او بسط کلام داده و استادان و تالیفات او را تعداد کرده و اشعار نموده که نامبرده متصدی قضاوت شد و بدمشق آمد و در آنجا مسکن گرفت، و نمونه ای از شعر او را ذکر کرده و درباره او چنین گوید : دارای - تصنیف های حساس و مهم و یکی از شخصیتهائی است، که در احاطه و تخصص شهرت جهانی یافته، و در عصر خود بمانند ماه آسمان دانش و خورشید تابان در افق نظم و نثر بوده، بر اهل تالیف و ارباب

تصـنيف رياست و سرورى داشته و نام و شخصيت او بتمام نقاط منتشر گشته و اخبار او چون ستاره گان درخشان فلك در افق علوم تابيده و هر كه را ديديم و از هر كسى كه ملاقات او را درك كرده - شنيديم، همگان به يگانه بودن و برترى او در تقرير و تحرير و حسن انشاء معترف بودنـد، و كسـى در زمان او بجايگاه بلند او در دانش نرسـيده، و تاليفات او بسـيار و در خور اسـتفاده عموم و در تمـام بلاـد منتشـر گشـته و از اين راه موفقيت و سـعادت بزرگى را احراز نموده است، تـا آخر... نامبرده حـديث غـدير را در جلـد ۳ شرحى كه بنام " نسيم الرياض "

[صفحه ۲۲۵]

بر كتاب " الشـفاء " تاليف قاضـى عياض نوشـته و در چهار مجلـد بچاپ رسـيده، در ص ۴۵۶ ذكر نموده، آنجا كه مصـنف (قاضى عياض) گويـد : رسول خدا صـلى الله عليه و آله درباره على عليه السـلام فرمود من كنت مولاه فعلى مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه، شارح نامبرده گويد : و اين فرمايش در غديرخم بوده در حاليكه آنحضرت براى مردم خطبه خواند.

۳۱۴ - عبد الحق بن سيف الدين دهلوى - بخارى - متوفاى ۱۰۵۲، صاحب تاليفات گرانبها، از جمله " : اللمعات فى شرح المشكات ، "و " رجال المشكات "و " ترجمه فصل الخطاب، "و " جذب القلوب، "و " اخبار الاخيار "و " مدارج النبوه، " لفظ نامبرده در كلمات پيرامون سند حديث غدير خواهد آمد.

۳۱۵ - محمـد بن محمـد مصـرى، مولف كتاب " الدرر العوال بحل الفاظ بدء المال، " در كتاب مزبور در ذكر نام اميرالمومنين عليه السـلام گويـد : در فضـل او احاديث بسـيار وارد شـده، از جمله آنها : فرمايش رسول خـدا صـلى الله عليه و آله من كنت مولاه فعلى مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

۳۱۶ - محمد محبوب العالم ابن صـفى الدين جعفر - بدر العالم، مولف تفسـير مشهور به (تفسير شاهى)، روايت او در باب نزول آيه تبليغ درباره على عليه السلام و نزول آيه سال سائل پيرامون حديث غدير نقل از تفسير نامبرده خواهد آمد.

علماء قرن ۱۲

۳۱۷ - سـيد محمـد عبـد الرسول بن عبد السـيد بن عبد الرسول حسـينى - شافعى - برزنجى (در سال ۱۰۴۰ متولـد و در ۱۱۰۳ وفات يافته)، مرادى در جلـد ۴ " سـلك الـدرر " ص ۶۵ شـرح حـال او را ثبت و اسـتادان او را در قرائت ذكر نمـوده و دربـاره او گويـد : نامبرده به همدان رفته، سپس ببغداد و دمشق و قسطنطنيه و مصر مسافرت كرده و از علماء بلاد مذكوره اخذ حديث نموده، سپس در مدينه منوره متوطن گشته و از روساى آنجا

[صفحه ۲۲۶]

محسوب شـده سپس تاليفات او را تعداد نموده كه از جمله آنها كتاب " النواقض للروافض " است، و از جمله تاليفات او كه مرادى آن را ذكر نكرده، كتابى است كه در نجات ابوين پيغمبر صلى الله عليه و آله و عم او ابى طالب نوشته، دانشمند محترم، زينى دحلان قسـمت مربوط به نجات ابى طالب را از كتاب مزبور خلاصه كرده و آن را " اسنى المطالب فى نجات ابى طالب " ناميده و در آغاز آن چنين عنـوان كرده : بر تـاليف بزرگى آگـاهى يـافتم كه از علاـمه بزرگـوار - مولاـنـا سـيد محمـد بن رسول برزنجى متوفـاى در يكهزار و يكصـد است كه در نجات ابوين پيغمبر صـلى الله عليه و آله تاليف نموده و در پايان كتاب مزبور در باب نجات ابى طالب

بحث نموده و نجات او را اثبات نموده است، و اقامه دلیل بر این امر کرده و براهینی از کتاب و سنت و اقوال علماء آورده که هر کس در ادله و براهین نامبرده تامل و بررسی نماید، یقین به نجات ابی طالب برای او حاصل میشود، با بیان معانی صحیحه نسبت به نصوصی که خلاف این معنی را اقتضاء مینماید که در نتیجه تمام نصوص صراحت بر نجات او دارد و در این زمینه راهی را پیموده که تاکنون احدی در این راه بر او سبقت نگرفته و بطوریست که حتی آنها که نجات ابی طالب را انکار مینمودند در قبال طریقه استدلال و برهان او ملزم میشوند که دلائل او را بپذیرند و تمام دلائلی را که قائلین بعدم نجات ابی طالب اقامه نموده اند، او همه را (با برهان مخصوص خود) بر میگردانند و همان دلائل را منطبق با مقصود و عقیده خود دایر بنجات ابی طالب مینماید، و هر شبهه را که قائلین بعدم نجات ابی طالب بان تمسک جسته اند با دلایل مقتن آنها را مرتفع و زایل نموده و با رفع شبهات مزبوره اقامه دلیل بر دعوی خود نموده، و در بعض از این مباحث موضوعهای دقیقی هست که درک آن دقایق فقط از عهده فحول علماء بر می آید و بر آنها که قصود دارند درک آن دشوار است : و بعض از مباحث نامبرده زاید بر اثبات مطلوب است که جنبه تقویت مورد اثبات او را دارند و من (زینی دحلان) خواستم مطالب مذکوره را ملخص نمایم.... تا آخر مطالبش.

[صفحه ۲۲۷]

لفظ نامبرده (برزنجی) درباره حدیث غدیر در باب کلمات پیرامون سند حدیث غدیر خواهد آمد.

۳۱۸ - برهان الدین ابراهیم بن مرعی بن عطیه شبر خیتی - مصری - مالکی، متوفای ۱۱۰۶، از علماء نامی و فضلاء گرامی مصر است، نامبرده از شیخ اجهوری و شیخ یوسف فیشی درس گرفته و کسب فقه کرده و در علوم حدیث و نحو و غیرهما تالیف کتاب نموده، کتاب " الفتوحات الوهبیه " در شرح اربعین (چهل حدیث) نووی که در مصر بچاپ رسیده از او است، عازم رفتن به (رشید) بود و در رود نیل غرق شد، نامبرده در کتاب مزبور (فتوحات الوهبیه) در حدیث یازدهم نام امیرالمومنین علیه السلام را که می برد، مینگارد : همان کسی که پیغمبر صلی الله علیه و آله درباره او فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

۳۱۹ - ضیاء الدین. صالح بن مهدی بن علی بن عبد الله مقبلی سپس صنعانی - سپس - مکی - (در سال ۱۰۴۷ متولد و در ۱۱۰۸ در مکه وفات یافته)، شوکانی در جلد ۱ " البدر الطالع " ص ۲۹۲ - ۲۸۸ شرح حال او را ثبت و درباره او گوید : نامبرده کسی است که در جمیع علوم کتاب و سنت تسلط و تبحر یافته و اصول فقه و حدیث و عربیت و معانی و بیان و تفسیر را مورد بررسی قرار داده، و در جمیع آنها تفوق و برتری احراز نموده، نامبرده مولفاتی دارد که در نظر علماء محبوب و مقبول واقع شده، و بانها اقبال نموده و بمطالب آنها احتجاج و استدلال مینمایند و در خور چنین مقامی هم هست، سپس. مولفات او را تعداد نموده که از جمله آن" الابحاث المسدده فی الفنون المتعدده، " لفظ نامبرده درباره غدیر در باب کلمات پیرامون سند حدیث غدیر و نص او بر تواتر حدیث مزبور خواهد آمد.

۳۲۰ - ابراهیم بن محمد بن محمد - کمال الدین حنفی - معروف به - ابن حمزه حرانی - دمشقی، متوفای ۱۱۲۰، مرادی در جلد ۱ "سلک الدرر " ص ۲۴ - ۲۲ شرح حال او را ثبت و درباره او گوید : عالم و پیشوای مشهور. محدث نحوی و علامه،

[صفحه ۲۲۸]

نامبرده در خور احترام فراوان و مشهور بفضایل بسیار است، و یکی از اعلام محدثین و علماء عظیم القدر است، سیدی است شریف و دارای حسب و نسب، در دمشق متولد شده و در همانجا نشو و نما کرده، سپس استادان او را در اخذ حدیث و روایت ذکر نموده

و گوید : در اجازه او بخط او یافتم که تعداد مشایخ و اساتید او به هشتاد نفر بالغ شده، سپس تالیفات او وفات او را ذکر نموده، حدیث غدیر را در تالیفش " البیان و التعریف " ذکر نموده و اشاره بحدیث او در صفحه ۷۲ و ۹۲ گذشت.

۳۲۱ - ابو عبد الله محمد بن عبد الباقی بن یوسف زرقانی مصری - مالکی (در سال ۱۰۵۵ در مصر متولد و در ۱۱۲۲ وفات یافته) آخرین شخصیتهای برجسته از محدثین در دیار مصر که در انواع علوم شرکت و تسلط داشته، مرادی در جلد ۴ از " سلك الدرر " ص ۳۲ شرح حال او را ثبت و استادان و تالیفات گرانبهای او را تعداد و ذکر نموده، مانند کتاب " شرح المواهب اللدنیه - " چاپ بولاق در هشت جلد - و " شرح الموطا " چاپ مصر در چهار جلد - و چلبی در " کشف الظنون " با تعبیر به : المولی العلامه - خاتمه المحدثین - او را ستایش نموده، حدیث او درباره غدیرخم در ص ۷۱ گذشت، و در حدیث تهنیت بلفظ سعد خواهد آمد و نامبرده را در صحت حدیث مزبور و تواتر آن سخنی است که در باب کلمات پیرامون سند حدیث غدیر خواهد آمد.

۳۲۲ - حسام الدین محمد با یزید - سهارنپوری - صاحب " مرافض الروافض " نامبرده در تالیف خود ذکر نموده : از براء بن عازب و زید بن ارغم که : رسول خدا صلی الله علیه و آله چون در غدیر خم فرود آمد دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود : آیا شما نیستید که میدانید باینکه. من اولی (سزاوارتر) هستم بر هر مومنی از خودش ؟ گفتند بلی - سپس فرمود : بار خدایا هر کس که من مولای اویم پس علی علیه السلام مولای او است، خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد، پس عمر بعد از این جریان علی علیه السلام را ملاقات کرد و باو گفت : گوارا باد تو را ای پسر ابی طالب، صبح و شام نمودی در حالیکه مولای

[صفحه ۲۲۹]

هر مرد و زن مومنی هستی.

۳۲۳ - میرزا محمد بن معتمد خان بدخشی، مولف " مفتاح النجا فی مناقب آل العبا " و " نزل الابرار بما صح من مناقب اهل البیت الاطهار - " در بمبی بچاپ - رسیده - و این دو کتاب دلالت دارند بر تسلط کامل و احاطه مولف نامبرده در علم حدیث و فنون آن وقوف کامل به مسانید آن، حدیث غدیر را در دو کتاب مذکور بطرق بسیار روایت نموده که بنقل از دو کتاب مزبور در صفحات ۴۱ و ۴۵ و ۴۸ و ۵۳ و ۵۶ و ۶۰ و ۶۲ و ۷۶ و ۸۶ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۲ و ۱۰۷ ذکر شده، و روایت او در حدیث مناشده رحبه خواهد آمد، و نامبرده را در پیرامون صحت حدیث مزبور سخنی است که در باب کلمات در پیرامون سند حدیث خواهد آمد.

۳۲۴ - محمد صدر العالم، مولف کتاب " المعارج العلی فی مناقب المرتضی، " نامبرده حدیث غدیر را بطرق متعددش در کتاب خود (معارج) ذکر نموده، بعضی از طرق او در صفحات ۵۴ و ۱۰۷ و ۱۰۹ گذشت، و در باب نزول آیه سال سائل پیرامون حدیث غدیر و در حدیث تهنیت خواهد آمد. و در تواتر و صحت حدیث مزبور نامبرده را سخنی است که در باب کلمات پیرامون سند حدیث خواهد آمد.

۳۲۵ - حامد بن علی بن ابراهیم بن عبد الرحیم حنفی - دمشقی - معروف به عمادی - (در سال ۱۱۰۳ - در دمشق متولد و در ۱۱۷۱ وفات یافته)، مرادی در جلد ۲ " سلك الدرر " ص ۱۹ - ۱۱ شرح حال او را ثبت و درباره او گوید : مفتی حنفیه در دمشق و فرزند مفتی آنجا، صدر آنها و پسر صدر، صدری که دارای مهابت و بزرگواری بوده جلیل القدرترین عالم، فقیه فاضل فرضی، نامبرده عالمی است محقق و ادیب و عارف و هوشیار و کامل و مهذب. سپس استادان او و تالیفات بسیار و گرانبهای او را تعداد نموده، از جمله " الصلوه الفاخره بالاحادیث المتواتره " که در مصر چاپ شده و نمونه هائی از نظم و نثر او را ذکر نموده که هر دو نمودار احاطه و تسلط او در علم و ادب است، نامبرده حدیث غدیر را از طرق بسیار روایت نموده و آنها را در کتاب خود " الصلوه الفاخره

"از احادیث متواتره بشمار آوره، لفظ او در باب

[صفحه ۲۳۰]

کلمات پیرامون سند حدیث غدیر خواهد آمد.
۳۲۶ - عبد العزیز، ابو ولی الله احمد بن عبد الرحیم عمری - دهلوی، متوفای ۱۱۷۶، یکی از کسانی است که تالیف بسیار نموده، از جمله تالیفات گرانبهایش که چاپ شده " اجوبه المسائل الثلاث " " الانصاف فی بیان سبب الاختلاف " " تنویر العینین " " رسائل الدهلوی " " حجه الله البالغه فی اسرار الاحادیث و علل الاحکام " " شرح تراجم ابواب صحیح بخاری " " عقد الجید فی الاجتهاد و التقلید " " فتح الخبیر بما لابد من حفظه فی علم التفسیر " " الفوز الکبیر مع فتح الخبیر فی اصول التفسیر " " القول الجمیل فی التصوف " و از جمله کتب و تالیفات او است " قره العینین، " و " ازاله الخفاء، " نامبرده - در قره العینین " ذکر نموده : از براء بن عازب و زید بن ارقم باینکه : رسول خدا صلی الله علیه و آله چون در غدیر خم فرود آمد، دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود : آیا شما نیستید که میدانید، من اولی (سزاوارتر) هستم بهر مومن از خودش ؟ گفتند : بلی : پس فرمود : بار خدایا هر کس که من مولای اویم، علی مولای او است، بار خدایا دوست بدار آنکه را که او را دوست دارد و دشمن دار آنکه را که او را دشمن دارد، سپس بعد از این جریان عمر او را (علی علیه السلام را) ملاقات نمود و باو گفت : گوارا باد تو را ای پسر ابی طالب، صبح و شام نمودی در حالیکه مولای هر مرد زن مومن هستی، احمد این روایت را با بررسی سند ذکر نموده، و در " ازاله الخلفاء " روایتی را که حاکم با بررسی سند از زید بن ارقم از حدیث غدیر آورده، بدو لفظ و بدو طریق که در صفحه ۶۶ ذکر شده، روایت نموده.
۳۲۷ - محمد بن سالم بن احمد مصری حفنی شمس الدین شافعی (در سال ۱۱۰۱ متولد و در ۱۱۸۱ وفات یافته) نامبرده یکی از فقهائی است که با استفاده از استادان ذیفنون قاهره در علوم متنوعه شرکت کرده، شرح حال او در جلد ۴ (سلک الدرر) ص ۴۹ و در جلد ۱۰ (الخطط الجدیده) صفحه ۷۴ موجود است،

[صفحه ۲۳۱]

نامبرده را تالیفات گرانبهائی است، از جمله آنها " انفس نفائس الدرر " که در حاشیه " المنح المکیه " چاپ شده و حاشیه او بشرح عزیزی بر " الجامع الصغیر " و " الثمره البهیه فی اسماء الصحابه البدریه، " نامبرده حدیث غدیر را در حاشیه " الجامع الصغیر " چاپی ذکر نموده است.
۳۲۸ - سید محمد بن اسماعیل بن صلاح، الامیر الیمانی - صغانی - حسینی - (در سال ۱۰۵۹ متولد و در ۱۱۸۲ وفات یافته)، نامبرده یکی از شعرای غدیر است که شعر و شرح حال او در شعراء قرن دوازدهم خواهد آمد، حدیث او درباره غدیر خم در صفحه ۷۳ گذشت و در داستان تهنیت خواهد آمد، و او را سخنی است که در باب کلمات پیرامون سند حدیث ذکر خواهد شد.
۳۲۹ - شهاب الدین، احمد بن عبد القادر حفظی، شافعی، نامبرده یکی از شعراء غدیر است که شعر و شرح حال او ضمن شعراء قرن دوازدهم خواهد آمد، و لفظ او در کلمات پیرامون سند حدیث غدیر و در شرح حال او ذکر خواهد شد.

علماء قرن ۱۳

۳۳۰ - ابو الفیض محمد بن محمد المرتضی حسینی - زبیدی - حنفی (در سال ۱۱۴۵ متولد و در ۱۲۰۵ وفات یافته) مولف " تاج

العروس فی شرح القاموس " یگانه مرجع در لغت، جایگاه او در " واسط " عراق بوده، در هند متولد شده و در زبید - از کشور یمن - نشو و نما نموده و بطرف حجاز رهسپار گردیده و در مصر اقامت گزیده در کسب علوم متنوعه شرکت جسته، و در انواع علوم احاطه و تسلط یافته، و آوازه او وصیت فضلش منتشر گشته و همه جا شهرت یافته، کتب گرانبها و بسیار نفیس تالیف نموده، از جمله آنها " اتحاف الساده المتقین " در شرح " احیاء العلوم " غزالی - که در ده جلد چاپ شده - و " اسانید الصحاح الست " و نیز قسمتی از کتب و تالیفات او چاپ شده است، در جلد ۱۰ " تاج العروس " ص ۳۹۹ در تعداد معانی مولی گوید : و نیز ولی

[صفحه ۲۳۲]

کسی است که متولی امر تو میشود و آندو را (مولی و ولی) معنی یک است، و از این باب است حدیث : و ایما امراه نکحت بغیر اذن مولاها.. و بعض از ارباب حدیث چنین روایت نموده اند، بغیر اذن ولیها، - (در هر دو صورت، معنای جمله بالا : و هر زنی که زناشوئی کند بدون اذن سرپرست خود.. (و ابن سلام از یونس روایت کرده که : مولی. در دین همان ولی است، و اینست قول خدای تعالی : ذلک بان الله مولی الذین آمنوا و ان الکافرین لا مولی لهم یعنی لا ولی لهم، و از این قبیل است، حدیث : من کنت مولاه... یعنی : من کنت ولیه... و شافعی گفته : حمل میشود بر ولاء اسلام، و نیز (یعنی حمل میشود) به - ناصر -، جواهری آنرا نقل نموده و جمله : من کنت مولاه... نیز بان تفسیر شده است.

۳۳۱ - ابو العرفان، شیخ محمد بن علی صبان - شافعی - متوفای سال ۱۲۰۶، نامبرده در مصر متولد و نشو و نما کرده و در تحت تعلیمات عالیه علماء آن دیار فارغ التحصیل شده و بتحقیق ادامه داده تا در علوم عقلی و نقلی تخصص و احاطه یافته و به تحقیق و دقت نظر مشهور گشته و در مصر و شام نام او پیچیده، نامبرده تالیفات گرانبها و بسیاری نموده که بالغ بر ده فقره از تالیفات او بچاپ رسیده، از جمله آنها " : اسعاف الراغبین فی سیره المصطفی و فضایل اهل بیته الطاهرین " که در سال ۱۱۸۵ تالیف شده، در کتاب مزبور که در حاشیه " نور الابصار " چاپ شده در ص ۱۵۲ گوید : رسول خدا (ص) در روز غدیر خم فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم و آل من والاه و عاد من عاداه و احب من احبه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و اخذل من خذله و ادر الحق معه حیث دار این حدیث را سی تن از صحابه از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت نموده اند و بسیاری از طرق آن صحیح یا حسن است.

[صفحه ۲۳۳]

۳۳۲ - رشید الدین خان دهلوی، نامبرده در رساله خود موسوم به " الفتح المبین فی فضایل اهل بیت سید المرسلین " چنین نگاشته، گوید : طبرانی با بررسی در سند از ابن عمر و غیره روایت کرده که : رسول خدا صلی الله علیه و آله در غدیرخم فرمود " : من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وآل من والاه و عاد من عاداه"

۳۳۳ - مولوی محمد مبین لکهنوی، نامبرده حدیث مزبور را در " وسیله النجاه " از طریق حاکم بلفظ زید بن ارقم و ابن عباس و از طریق طبرانی بسند صحیح از ابی الطفیل از حذیفه بن اسید، و از طریق احمد از براء بن عازب و زید بن ارقم و از طریق ابن حبان و حاکم از ابن عباس، و بطریق احمد و طبرانی از ابی ایوب و گروهی از صحابه از علی و زید بن ارقم و از " المشکاه " از براء بن عازب و زید از طریق احمد و ترمذی و از " صواعق " ابن حجر بطور مرسل روایت نموده است.

۳۳۴ - مولی محمد سالم - بخاری دهلوی، نامبرده در رساله خود " اصول الایمان " حدیثی را که احمد از براء بن عازب و زید بن

ارقم روایت نموده ذکر کرده است، که در ص ۱۰۶ از او نقل و ذکر شده است.

۳۳۵ - مولوی ولی الله لکهنوی، نامبرده در کتاب " مرآت المومنین فی مناقب اهل بیت سید المرسلین " حدیثی را که ابن حجر در "صواعق " از طبرانی روایت کرده و حدیثی را که (قبلاـ گذشت) از عامر بن سعد و عایشه بنت سعد از سعد، روایت نموده و حدیثی را (خواهد آمد) که از " خصایص " نسائی از حدیث مناشده رحبه بلفظ زید ابن یثیع و ابی الطفیل عامر روایت نموده همه را ذکر کرده است. سپس سخن ابن حجر را در صحت حدیث و اینکه قدح و نکوهش در صحت آن قابل توجه و التفات نیست. در کتاب مزبور آورده.

۳۳۶ - مولوی حیدر علی فیض آبادی، حدیث غدیر را نامبرده در " منتهی الکلام " نقل از احمد بن حنبل و ابن ماجه ذکر نموده است.

[صفحه ۲۳۴]

۳۳۷ - قاضی محمد بن علی بن محمد شوکانی - صنعانی (در سال ۱۱۷۳ متولد و در ۱۲۵۰ وفات یافته)، فقیهی است با احاطه و مسلط در علوم و آراسته به فضائل. تالیف زیادی دارد و همه تالیفات او نیکو و پسندیده است، شرح حال کاملی از او و بقلم خودش در کتاب خودش " البدر الطالع " جلد ۳ ص ۲۲۵ - ۲۱۴ موجود است، مشایخ و استادان خود را در حکمت و کلام و فقه و اصول فقه و حدیث و فنون آن و معانی و بیان و علوم عربیه ذکر نموده و از رساله های و نوشته های خود بالغ بر یکصد کتاب تعداد نموده و تالیفات دیگری هم دارد که ضمن - تعداد کتب و مولفاتش از آنها نام برده و کسی که حاشیه بر کتاب او " البدر الطالع " نوشته استدراک نموده و از مولفات دیگر او یاد کرده، بسیاری از تالیفات او چاپ شده و همه دلالت دارد بر تسلط و احاطه او بفنون و علوم شرعیه از کتاب و سنت و آنچه مربوط باندو است از معرفت استادان حدیث و مسانید آنها، و نیز شرح حال او در مقدمه کتاب دیگر او موسوم به " نیل الاوطار " موجود است که بقلم حسین بن محسن سبعی نوشته شده - کتاب مزبور در هشت مجلد در بولاق مصر بچاپ رسیده است. حدیث او در نزول آیه تبلیغ درباره امیرالمومنین علیه السلام پیرامون قضیه غدیر نقل از تفسیرش " فتح القدیر " خواهد آمد.

۳۳۸ - سید محمود بن عبد الله حسینی - آلوسی - شهاب الدین - ابو الثناء بغدادی - شافعی (در سال ۱۲۱۷ در کرخ متولد و در ۱۲۷۰ وفات یافته)، نامبرده یکی از نوابغ عراق و دانشمندان بنام است، که صیت شهرتش در آفاق پیچیده، و در انواع علوم و فنون محیط و مسلط است، نامبرده از یک خاندان مشهور عراقی است که قدیما در علم و ادب ریشه داشته اند، تالیفات بسیار و گرانبهای قابل ملاحظه دارد، اشاره بحدیث او در صفحات ۷۶ و ۸۶ و ۹۹ و ۱۰۰ - گذشت و حدیث او در

[صفحه ۲۳۵]

نزول آیه تبلیغ در شان امیرالمومنین علیه السلام خواهد آمد و او را در پیرامون صحت حدیث " غدیر " سخنی است که در باب کلمات در اطراف سند حدیث خواهد آمد.

۳۳۹ - شیخ محمد بن درویش الحوت بیروتی - شافعی - متوفای ۱۲۷۶، نامبرده در کتاب " اسنی المطالب فی احادیث مختلفه المراتب (چاپ بیروت) نگاشته، گوید : حدیث : من کنت مولاه فعلی مولاه : را صاحبان سنن جزابی داود، روایت کرده اند، و احمد نیز آنرا روایت نموده و بر آن صحه گذارده اند، و بلفظ : من کنت ولیه فعلی ولیه نیز روایت شده، احمد و نسائی و حاکم، آنرا

روایت کرده اند و بر آن صحه گذارده اند.

۳۴۰ - شیخ سلیمان بن شیخ ابراهیم معروف به (خواجه کلان) ابن شیخ محمد معروف به (بابا خواجه) حسینی - بلخی - قندوزی حنفی، نامبرده اهل بلخ است و در قسطنطنیه در سال ۱۲۹۳ وفات یافته، نامبرده از اعلام یگانه بوده و در علم حدیث و فنون آن بسرحد نبوغ رسیده، کتابهای " : اجمع الفوائد " و " مشرق الاکوان " و " ینابیع الموده " را تالیف نموده، کتاب اخیر در نزد عموم معروف و مشهور است، و در اقطار مختلفه مکرر بطبع رسیده، حدیث او در صفحات ۴۵ و ۵۰ و ۵۵ و ۵۶ و ۸۸ و ۹۳ و ۱۰۰ گذشت.

۳۴۱ - سید احمد بن مصطفی قادین خانی، مولف کتاب " هدایه المرتاب فی فضایل الاصحاب " که در آستانه چاپ شده، شعر امیرالمومنین علیه السلام را در موضوع غدیر روایت نموده که خواهد آمد.

[صفحه ۲۳۶]

علماء قرن ۱۴

۳۴۲ - سید احمد بن زینی بن احمد دحلان مکی - شافعی (در سال ۱۲۳۲ در مکه متولد و در سال ۱۳۰۴ در مدینه منوره وفات یافته) مفتی شافعیان در مکه مشرفه و شیخ الاسلام آنجا بوده، عالمی است ذیفنون که از علوم مختلفه بهره مند بوده، مورخی است محیط، تالیفات بسیاری دارد که بالغ بر بیست جلد از آنها چاپ شده، ابوبکر عثمان بن محمد بکری - دمیاطی کتابی جداگانه بشرح حال او اختصاص داده، بنام " نفحه الرحمن فی مناقب سید احمد زینی دحلان (" چاپ مصر) حدیث - در موضوع تهنیت از او خواهد آمد.

۳۴۳ - شیخ یوسف بن اسمعیل نبهانی - بیروتی، رئیس محکمه حقوق در بیروت، مولف کتاب " منتخب الصحیحین من کلام سید الکونین - " که در سال ۱۳۲۹ در مصر چاپ شده - سخنور بزرگی است و در علم ادب سهم کافی احراز نموده، حداد در جلد ۱" القول الفصل " ص ۴۴۴ از او به : عالم عصر - شیخ علامه تعبیر نموده است، در حدیث و ادب تالیف بسیار نموده که در حدود پنجاه مجلد از تالیفات او در مصر و بیروت چاپ شده، شرح حال خود را نامبرده بقلم خود در کتاب خود " الشرف الموبد " ص ۱۴۳ - ۱۴۰ ثبت نموده، حدیث او در باب مناشده رحبه خواهد آمد.

۳۴۴ - سید مومن بن حسن مومن شبلنجی مولف " نور الابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار " که پنج مرتبه یا بیشتر بچاپ رسیده، در آغاز آن شرح حال خود را ثبت و استادان خود را در علوم مختلفه ذکر نموده و بعض از تالیفات خود را تعداد کرده - در حدود سال ۱۲۵۰ متولد شده ولی از تاریخ وفات او اطلاعی بدست نیامده، حدیث او در باب نزول آیه سال سائل پیرامون قضیه غدیر خواهد آمد.

[صفحه ۲۳۷]

۳۴۵ - شیخ محمد عبده بن حسن خیر الله مصری متوفای ۱۳۲۳ مفتی و علامه بزرگوار دیار مصر نامبرده در مراتب علمی شهرت طولانی دارد و در اصلاحات اجتماعی و سعی در مصالح امت ثابت قدم بوده، تاریخ، این خصوصیات را برای او در اوراق جلد ۱" مشاهیر الشرق " ص ۳۰۰ و " تاریخ الادب العربی " ص ۴۳۹ - ۴۳۴ و غیرهما تسجیل و ضبط نموده است، اشاره بحدیث او قبلا

شده و حدیث او در نزول آیه تبلیغ درباره امیرالمومنین علیه السلام پیرامون قضیه غدیر خواهد آمد.
۳۴۶ - سید عبد الحمید بن سید محمود آلوسی بغدادی - شافعی - نابینا - در سال ۱۲۳۲ متولد و در ۱۳۲۴ وفات یافته - در بغداد پایتخت کشور عراق علامه و ادیب یگانه بوده، کتاب او موسوم به " نثر اللئالی فی شرح نظم الامالی " بچاپ رسیده، نامبرده حدیث غدیر را در ص ۱۶۶ کتاب مزبور از فضائل امیرالمومنین علیه السلام بشمار آورده و در ص ۱۷۰ در مفاد آن و در مسلم الصدور بودن آن از مصدر وحی الهی سخن گفته و در ص ۱۷۲، غدیرخم را تعیین نموده و بحدیث مزبور اشاره کرده است.
۳۴۷ - شیخ محمد حبیب الله بن عبد الله یوسفی از حیث نسب، و مدنی از جهت مهاجرت او بانجا. و شنقیطی از لحاظ اقلیم و منطقه - سخنور و علامه و محدث مصر بوده کتاب " اکمال المنه " در موضوع اتصال سند مصافحه که موجب دخول بهشت میشود، و " ایقاظ الاعلام " در موضوع وجوب پیروی رسم الخط مصحف امام، و کتاب " ثبت الشیخ الامیر الکبیر " و " الخلاصه النافعه " از او است و در دنباله کتاب اخیر الذکر ارجوزه دارد که به " النصایح الدینیه " موسوم است، و تمام این کتب در حدود سال ۱۳۴۵ بچاپ رسیده، نامبرده در کتاب خود " کفایه الطالب لمناقب علی ابن ابی طالب علیه السلام " چاپ مصر در ص ۳۰ - ۲۸ حدیثی را که ترمذی از ابی سریحه یا - زید - با بررسی در سند روایت نموده و حدیثی را که ابن سمان از براء بن عازب و احمد از زید در مسندش و از عمر در مناقبش با بررسی در سند روایت نموده، و حدیث

[صفحه ۲۳۸]

مناشده در رحبه را از طریق ابی حاتم، و از طریق احمد از سعید بن وهب و حدیث رکبان را از طریق احمد و بغوی و حدیثی را که ابن عبد البر در " استیعاب " از بریده و ابی هریره و جابر و براء و زید از داستان غدیر روایت نموده اند ذکر کرده است.
۳۴۸ - قاضی بهلول بهجت شافعی - قاضی زنکه زور، مولف " تاریخ آل محمد صلی الله علیه و آله " که بلغت ترکی نوشته و ادیب دانشمند میرزا مهدی تبریزی آنرا بفارسی و فاضل بزرگوار شیخ میرزا علی قمشه آنرا بعربی ترجمه نموده اند، و این کتاب نامبرده از محسنات این عصر است و نموداری است از احاطه و تسلط مولفش در حدیث و تاریخ، و اطلاع مبسوط او در مباحث دینی، و از تالیفات او کتابی است بنام " الماه یوم " یعنی : صدر روز، در واقعه صفین، که جنبه روائی دارد، و " الارشاد الحمزوی " و " حجر بن عدی " که منظوم است، و " الحقوق الارثیه " و " آثار آذربایجان که کتابی است ادبی - تاریخی - جغرافی، اشاره بطرقی که نامبرده برای حدیث غدیر ذکر کرده، در صفحات ۴۳ و ۴۷ و ۵۱ و ۵۴ و ۶۰ و ۶۲ و ۷۶ و ۸۸ و ۹۳ گذشت.
۳۴۹ - نویسنده شهیر، عبد المسیح انطاکی - مصری، نامبرده یکی از شعرای غدیر است در قرن چهاردهم که در محل خود شعر و شرح حال او خواهد آمد.
۳۵۰ - دکتر احمد فرید رفاعی، در حاشیه " معجم الادباء " جلد ۱۴ ص ۴۸ دو بیت امیرالمومنین علیه السلام را درباره غدیر ذکر نموده.
۳۵۱ - استاد احمد زکی عدوی - مصری - رئیس قسمت تصحیح در - دار الکتب المصریه - نامبرده بوسیله حواشی که در کتب متعدده دارد، آثار گرانبها و جاودانی از خود گذارده، نامبرده در حواشی " الاغانی " جلد ۷ ص ۳۶۳ از چاپ اخیر داستان غدیر را ذکر نموده است.
۳۵۲ - استاد احمد نسیم مصری عضو قسمت ادبی در - دار الکتب المصریه - نامبرده داستان غدیر را در حاشیه بر دیوان مهیار جلد ۳ ص ۱۸۲ ذکر نموده.
۳۵۳ - استاد حسین علی اعظمی - بغدادی - مدیر دانشکده حقوق در بغداد، یکی از شعراء غدیر است که شعر و شرح حال او در

قسمت مربوط به شعراء قرن

[صفحه ۲۳۹]

چهاردهم خواهد آمد، نامبرده شخصا بمولف معظم " الغدیر " خبر داده که کتابی درباره امیرالمومنین علیه السلام تالیف نموده و در آنجا نیز حدیث غدیر را ذکر کرده است.

۳۵۴ - سید علی - جلال الدین حسینی - مصری - سخنوری است محیط و مسلط و ادیبی است شاعر، دیوان او موسوم به " حدیث النفس " و کتاب او بنام " الحسین علیه السلام " در دو جزء در قاهره بچاپ رسیده، حدیث ولایت را نامبرده در جلد ۱ تالیف مزبور ص ۱۳۲ ذکر نموده است.

۳۵۵ - استاد محمد محمود رافعی - مصری، شرح او بر هاشمیات (کمیت) که چندین بار در مصر چاپ شده نموداری است از احاطه و تسلط او در تاریخ و ادب و نامبرده در شرح این بیت (کمیت) : و یوم الدوح دوح غدیرخم ابان له الولایه لو اطیعا در ص ۸۱ چنین گوید : دوح درخت بزرگی است، واحد آن دوحه است و غدیرخم موضعی است بین مکه و مدینه - ابان. یعنی آشکار کرد : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود " : اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله " و فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه. بعد از فرمایشات پیغمبر صلی الله علیه و آله عمر گفت : خوشا بحال تو یا علی صبح نمودی در حالیکه مولای هر مرد و زن مومن هستی.

۳۵۶ - استاد محمد شاکر خیاط نابلسی - ازهری مصری - شارح هاشمیات " کمیت " که در سال ۱۳۲۱ در مصر چاپ شده، نامبرده در شرح مزبور ص ۶۰ در شرح قول کمیت : و یوم الدوح دوح غدیرخم ابان له الولایه لو اطیعا گوید : غدیر خم موضعی است بین مکه و مدینه در جحفه ابان له الولایه امام احمد از ابی الطفیل روایت کرده که گفت : علی علیه السلام در سال ۳۵ مردم را در میدان وسیع کوفه (رحبه) جمع کرد، سپس بانها گفت : شما را بخدا قسم میدهم، هر مرد مسلمی که روز غدیر خم سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله را شنیده است، برخیزد،

[صفحه ۲۴۰]

در نتیجه : سی تن از مردم برخاستند و شهادت دادند باینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود : من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه.

۳۵۷ - استاد عبد الفتاح - عبد المقصود مصری - صاحب کتاب " الامام علی " در ۴ مجلد، نامبرده در تقریظی که باین کتاب، نموده اشاره بحدیث غدیر خم نموده و تمام مقال او در مقدمه جلد ششم خواهد آمد.

۳۵۸ - استاد، شیخ محمد سعید دحدوح، یکی از ائمه جماعت در حلب، نامبرده در نامه که به علامه حجت - شیخ محمد حسین مظفری نوشته - داستان غدیر را در آن درج نموده و بزودی عین و نص نامه او که در آغاز جلد هشتم مندرج است، خواهد آمد.

۳۵۹ - استاد صفا خلوصی مقیم لندن و فارغ التحصیل دانشگاه آنجا و مدرس در همانجا، نامبرده داستان غدیر را در نامه که بمولف جلیل القدر نوشته قعطی تلقی نموده و بزودی عین آن که در آغاز جلد پنجم مندرج است خواهد آمد.

۳۶۰ - حافظ مجتهد - ناصر السنه - شهاب الدین - ابو الفیض - احمد بن محمد بن صدیق، صاحب تالیفات گرانبها، نامبرده داستان غدیر را در کتاب مهم و ارجمند خود " تشنیف الاذان " ص ۷۷ نقل از گروه بسیاری از حفاظ باسناد آنها از پنجاه و چهار تن از

صحابه ذکر کرده - نامهای صحابه مذکورین از اینقرار است : علی امیرالمومنین علیه السلام - امام سبط - حسین بن علی علیه السلام - امام سبط - حسین بن علی علیه السلام - عبد الله بن عباس - براء بن عازب - زید بن ارقم - بریده - ابو ایوب - حذیفه بن اسید - سعد بن ابی وقاص - انس بن مالک - ابو سعید خدری - جابر بن عبد الله - عمرو بن ذی مره

[صفحه ۲۴۱]

مره - عبد الله بن عمر - مالک بن حویرث - حبشی بن جناده - جریر بن عبد الله بجلی عماره - عمار بن یاسر - ریاح بن حارث - عمر بن خطاب - نبیط بن شریط - سمره بن جندب - ابو لیلی - جندب انصاری - حبیب بن بدیل - قیس بن ثابت - زید بن شرحبیل عباس بن عبد المطلب - عبد الله بن جعفر - سلمه بن اکوع - زید بن ابی ثابت - ابوذر غفاری - سلمان فارسی - یعلی بن مره - خزیمه بن ثابت - سهل بن حنیف - ابو رافع. زید بن حارثه - جابر بن سمره. ضمره الاسلمی - عبد الله بن ابی اوفی - عبد الله بن بسر مازنی - عبد الرحمن بن یعمر دیلمی - ابوالطفیل عامر - سعد بن جناده - عامر بن عمیره - حبه عرنی - ابو امامه - عامر بن لیلی - وحشی بن حرب - عایشه - ام سلمه - طلحه بن عبید الله، و لفظ او بزودی در باب بحث از سند حدیث انشاء الله بنظر شما خواهد رسید.

(ان فی ذلک لذکری لمن کان له قلب او القی السمع)

(و هو شهید)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

